

زیارت عاشورا فراتر از شبّه

پدیدآور: تبریزی، جواد

تاریخ وفات پدیدآور: ۱۴۲۷ ه. ق

موضوع: حدیث - دعا - کلام

زبان: عربی - فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله عليها)

مکان چاپ: قم - ایران

سال چاپ: ۱۳۸۹ ه. ش

نوبت چاپ: ۱

ص: ۵

زندگی نامه استاد الفقهاء والمجتهدين میرزا جواد تبریزی قدس سره

یکی از اعیان و مفاخر فقهای نامدار شیعه و یکی از اکابر و متبحرین در علوم اسلامی و یکی از استوانه‌های فقهی و اجتهادی در فقه اسلامی که از نظر آثار و برکات وجودی با برکت بوده، مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره است بسیار عابد، زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت. جماعت بسیاری از او بهره برداشت. او بر تمام موالین و محبین اهل بیت علیهم السلام و فضلاء و طلاب حوزه حق دارد زیرا که در قرن خود در علوم و ولاء اهل بیت علیهم السلام تحولی عظیم ایجاد نمود.

هرگاه در پی شناخت ایشان برآیم ایشان را آگاه بر هر فنی خواهیم یافت. جملات مدح و ستایش در معرفی او، ناتوانند. گویا او تتدیس علم و دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است.

فقیه هوشیار محدث پارسا، ثقہ جلیل القدر و سرچشمہ بزرگواری‌ها و فضیلت‌ها و دارای تألیفات سودمندی است. علمای دین نه تنها از استاد خود درس علم و دانش می‌آموزنند، بلکه مراتب معنوی و کسب کمال را سپری می‌نمایند. مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره همزمان با طی مدارج علمی و سریع‌تر از آن مدارج معنوی و کمالات

روحی را پیمودند تا آنجا که مصدق واقعی عالم ربانی گشت. این ادعا با مروری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روشن می‌شود از جمله خصائص بارز اخلاقی مرحوم میرزا قدس سره می‌توان به این موارد اشاره کرد:

یاد خداوند متعال: مرحوم میرزا قدس سره هیچ گاه از یاد خدا غافل نبود و تمام اعمالش را با قصد قربت انجام می‌داد.

زيارت و توسل: مرحوم میرزا قدس سره به زيارت ائمه هدى عليهم السلام اهمیت فراوانی می‌داد و هر جا فرصت می‌یافت و یا امکان بر ایشان حاصل می‌شد شروع به خواندن دعا و زيارت ائمه عليهم السلام می‌نمودند.

توجه خاص و توسل به معصومین عليهم السلام باعث گردیده بود که مرحوم میرزا قدس سره به تأليف کتب عقایدی روی آورند و اهمیت خاصی در رد شباهات و دفاع از کیان تشیع و مظلومیت اهل بیت عليهم السلام دهند.

زهد و پارسایی: یک ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد زهد و پارسایی و ساده زیستی اوست. مرحوم میرزا قدس سره تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه اینها، زندگی شخصی مرحوم میرزا قدس سره در نهایت زهد و پارسایی سپری می‌شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا قدس سره از دیگر خصائص اوست. مرحوم میرزا قدس سره هیچ گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر نمی‌کرد با آن خصائص روحی و کمالات معنوی با علم و دانش گسترده از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

سعه صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن و پختگی و بی نقص بودن آثار

علمی، تخلق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربانی است.

تعليم و تعلم از مهم‌ترین خدمات ایشان به شمار می‌آید. شخصیت بارز علمی ایشان در دقیق بودن در مطالب، و عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلاب باعث می‌شد هر روز گروه بیشتری از افراد علاقمند و با استعداد به سوی مجلس درس ایشان جذب شوند.

ایشان یکی از اعجوبهای روزگار خود بودند که در زمینه‌های مختلف علمی از جمله: فقه، اصول، کلام، رجال و ... کتابهایی ارزشمند نوشته که به زیور طبع آراسته شده و در حدود ده‌ها کتاب از آثار خطی از ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقید است.

تألیفات فراوان و گوناگون وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایام روز به روز بر ارزش و اعتبار آن افزوده می‌شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته‌اند و در صدر قفسه کتابخانه‌ها و در سینه فقهاء و دانشمندان جای می‌گیرد که از آن میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- ارشاد الطالب فی شرح المکاسب - ۷ جلد؛ ۲- تتفییح مبانی العروة (طهارہ) - ۷ جلد؛ ۳- تتفییح مبانی العروة (صلاء) - ۶ جلد؛ ۴- تتفییح مبانی الحج - ۳ جلد؛ ۵- تتفییح مبانی العروة (صوم)؛ ۶- تتفییح مبانی العروة (زکات و خمس)؛ ۷- اسنس القضا و الشهادات؛ ۸- اسنس الحدود والتعزیرات؛ ۹- کتاب القصاص؛ ۱۰- کتاب الديات؛ ۱۱- کتاب

ص: ۸

- النکاح؛ ۱۲- کتاب الإجارة؛ ۱۳- تعلیقه بر منهاج الصالحين؛ ۱۵- طبقات الرجال؛ ۱۶- دروس فی مسائل علم الاصول (دوره کامل اصول)؛ ۱۷- صراط النجاة ۱۲ جلد؛ ۱۸- ظلمات فاطمة الزهراء عليها السلام (در حال چاپ)؛ ۱۹- امیر المؤمنین علی بن ابی طالب: (در حال چاپ)؛ ۲۰- فدک؛ ۲۱- الشعائر الحسينية (فارسی - عربی)؛ ۲۲- زیارت عاشوراء فوق الشیهات؛ ۲۳- نفی السهو عن النبی صلی اللہ علیہ و آله؛ ۲۴- النصوص الصحیحة علی الائمه علیہم السلام؛ ۲۵- الانوار الالهیة فی المسائل العقائدیة؛ ۲۶- النکات الرجالیة (مخطوط)؛ ۲۷- ما استفادت من الروایات فی استنباط الاحکام الشرعیة (وسائل الشیعه، مخطوط)؛ ۲۸- النصایح (فارسی - عربی)؛ ۲۹- حضرت رقیه علیها السلام؛ ۳۰- موسوعه اهل البیت علیہم السلام و ...

فوائد ارزشمند نوشه‌های ایشان همچون ابر بھاری دلها و افکار علمی را از قطرات حیات بخش بارانش سیراب می‌سازد.

تألیفات او بر پیشانی روزگار همچون مروارید می‌درخشد و کلماتشان در میان سطرها همچون گوهرهایی گران‌بها کنار هم چیده می‌شود.

تمام کسانی که یادی از ایشان کرده‌اند جز ستایش و تعریف هیچ ندارد و بنابر شهادت تمام بزرگان مرحوم میرزا قدس سره قله‌های رفیع علوم مختلف از جمله فقه، اصول، کلام، رجال و ... را درنوردیده است.

در طول عمر شریف فقیه مقدس، میرزای تبریزی قدس سره مشاهده نشد که ایشان چیز غیر متعارفی خریداری کنند یا چیزی را تهیه کنند که

ص: ۹

فصل آن هنوز نرسیده باشد؛ بلکه هر آنچه تهیه می‌کردند در سطح قشر متوسط جامعه محسوب می‌شد. فرزند مرحوم میرزا قدس سره می‌گوید: یک روز در بازار، میوه‌ای را دیدم که تازه به بازار آمده بود آن را تهیه کرده و سر سفره نهار حاضر کردم. ناگهان مرحوم میرزا قدس سره ناراحت شد و خطاب به خانواده گفت: «چرا این میوه را خریدید؟ وقت آن نیست، اگر مردم ببینند چه می‌گویند؟ از حساب متعارف زندگی خارج نشوید و کاری نکنید که مردم احساس کنند ما غیر از آنها هستیم». آن گاه فرمودند: «این میوه را از سر سفره بردارید!» و ناراحتی خود را ابراز کردند. ایشان همواره تذکر می‌دادند که باید طوری عمل کنید که وقتی مردم شما را مشاهده کردند، درس بگیرند. آخر چه طور میوه‌ای را که هنوز فصل آن نشده و مردم توانایی خرید آن را ندارند تهیه کرده‌اید.

مرحوم میرزا قدس سره در این جهت بسیار دقیق بودند و علی رغم هدایا و نذوراتی که به ایشان می‌رسید، سخت در تلاش بودند که به گونه‌ای زندگی کنند که با مردم عادی تفاوتی نداشته باشند و ساده زیستی مرحوم میرزا قدس سره، زبانزد بود و زندگی ایشان تا آخرین لحظات ساده بود و دلیل گویای آن، عدم تغییر زندگی ایشان بعد از مرجعیت بود.

ایشان آن گونه که قبل از مرجعیت زندگی می‌کردند به همان شکل نیز ادامه داده و هیچ گونه تغییری در زندگی ساده خود ایجاد نکردند.

وفات

مردان الهی با رفتن از دنیا نمی‌میرند بلکه تا ابد در یاد و خاطر

ص: ۱۰

آیندگان زنده‌اند و برکات آنان خلاصه در ایام زندگیشان نیست بلکه پس از وفات نیز به واسطه تألیفات و شاگردان و باقیات و صالحاتی که بر جای گذارده‌اند منشأ بسیاری از عنایات الهی بر مردم هستند.

مرحوم میرزا قدس سره هنگام مرگ خدمات فراوانی از خود بر جای گذاشتند که به حمد الله پس از ایشان شاگردان و فرزندان ادامه دهنده‌ان این راه پر فروغ، خدمات ارزشمندی ارائه می‌نمایند اما جای خالی یک عالم فرزانه را هیچ کس و هیچ چیز پر نمی‌کند.

چراغ عمر مرحوم میرزا پس از ۸۲ سال نورافشانی در شب ۲۷ شوال سال ۱۴۲۷ هـ در شهر مقدس قم خاموش گشت و جهان از فیض وجود این عالم گرانمایه محروم شد و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه کنار قطعه بزرگان و مفاخر مذهب آرامید.

راهش بر رهرو و یادش گرامی باد آمين يا رب العالمين.

ص: ۱۱

(وصیت نامه) تأکید آیت الله العظمی فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره بر حفظ شعائر

بسمه تعالیٰ

اللهم صلّى على محمد وآل محمد وعجل فرجهم واهلك اعدائهم

حال که پیکر این جانب بر دستان شماست و یا در قبر آرمیده است، بر دستان شاگردان عزیزم که سال‌ها برای موقیت آنان تلاش کردم و هیچ گاه تعطیلی را احساس نکردم، این ناقابل نصیحتی دارم که در طول حیاتم سعی کرده‌ام قبل از آنکه نصیحتی متوجه کسی کنم، خود بدان عمل کرده باشم. بر تمام مؤمنین است با دل و جان از مسلمات مذهب حق دفاع کنند و هیچ گاه اجازه ندهند بعضی با القاء شبهه، عوام از مؤمنین را فریب دهند، خصوصاً در مسائل شعائر حسینیه که تشیع به واسطه آن زنده است، حفظ شعائر اهل بیت علیهم السلام حفظ مذهب بر حق تشیع است. در آن کوتاهی نکنید که مسؤول هستید، به طلب عزیز نصیحت می‌کنم که با جدیت و تلاش تقوای الهی را پیشه خود کنند و در امر

تحصیل تلاش کنند و همواره رضای خدا را مدنظر داشته باشند. این جانب در طول دوران عمرم، طلبه‌ای بیش نبودم و مثل یک طلبه جوان شب و روز در امر تحصیل تلاش می‌کردم تا بتوانم خدمتی ناچیز داشته باشم واثری از خود بر

ص: ۱۲

جای بگذارم که طلاب عزیز از آن استفاده کنند. عزیزانم! سکان هدایت مردم به دست شماست. کاری نکید که دل امام زمان علیه السلام به درد آید. او ناظر بر اعمال ما به اذن خداست و در همینجا از پیشگاه مبارکشان می‌خواهم که اگر کوتاهی از طرف این جانب سرزده، بر من بیخشند، عزیزانم به دعاء خیر شما نیاز دارم. من چه در میان شما باشم یا نباشم، دلی به دنیا نبسته ام که در ادای وظیفه خود تردید کرده باشم، هنگامی که در میان شما بودم، خود را یک خادم کوچک حساب می‌کردم که امیدوارم این خدمت ناچیز مورد رضایت اهل بیت علیهم السلام واقع شده باشد که رضای آنان رضای خداست. حال که در میان شما نیستم، به دعای خیر شما عزیزان محتاجم. در پایان بر حفظ شعائر تأکید می‌کنم و ضمن طلب دعای خیر، شما عزیزان را به خدای بزرگ می‌سپارم. **وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَرَبِّكُمْ**.

جواد تبریزی

ص: ۱۳

آخرین توصیه‌های فقیه مقدس، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره

در بستر بیماری چند روز قبل از رحلت، در ایام شهادت رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام شهادت امام صادق علیه السلام در حالی فرا می‌رسد که من در بستر بیماری هستم؛ پس قلبم از اندوه پر شده و اشک‌هایم جاری است؛ از حزن بر مصابی که بر آن امام بزرگوار علیه السلام وارد شده است؛ از محاصره و دستگیری آن حضرت علیه السلام توسط عمال منصور و بردن آن بزرگوار علیه السلام با پای برنه، در حالی که حضرت عمامه بر سر نداشت، همان‌طور که جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام را نیز به آن حال دستگیر کرده و به اجبار بردن، تا ترساندن عیالات آن حضرت و رعب و وحشتی که بر اهل بیت حضرت علیه السلام مستولی شده بود - همان‌طور که بر فرزندان امام حسین علیه السلام در کربلا مستولی بود - تا قطعه قطعه شدن قلب مبارک حضرت علیه السلام در اثر سم مهلك، همان‌طور که قلب جد مظلومشان، امام حسین علیه السلام با تیرها قطعه قطعه شده بود، پس از اعماق قلب آرزو دارم که در احیای مراسم عزاداری جهت این فاجعه دردنگ شریک باشم. این امر باعث شده تا برادران و فرزندان مؤمنم را مورد

خطاب قرار داده و از آنها بخواهم که در احیای مراسم عزای اهل بیت علیهم السلام، در ایام شادی و حزن آن بزرگواران و اقامه مجالس عزاداری برای مصائب اهل بیت علیهم السلام تلاش نمایند و ضمن برگزاری مجالس با عظمت و پر شکوه، آن را با امور موهن، از قبیل کف زدن و استعمال آلات موسیقی و مثل آن اموری که موجب اذیت اهل بیت علیهم السلام می‌شود، هتك ننموده و نیز در ترویج شعائر حسینی، به نحوی که بین طائفه بر حق شیعه معروف است، و زنده نگه داشتن مظلومیت اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ و گذر زمان تلاش نمایند، و برای کسانی که در این شعائر تشکیک کرده و در جهت تغییر، تبدیل یا محو آن تلاش می‌کنند، مجالی باقی نگذارند که این شعائر، همان چیزی است که سیره علمای ابرار ما، بر آن جاری است و شیعیان مخلص اهل ولاء در طول قرون متمامدی بر آن مشی کرده‌اند و این خود، به کار بستن دستورالعملی است که از حضرات معصومین علیهم السلام وارد شده است که فرموده‌اند:

وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ ۱

، و نیز وارد شده است:

انَّ الْبَكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ

ما جزع، ما خلا البکاء والجزع على الحسين بن علي عليه السلام فانه فيه مأجور ۲

همه مؤمنین می‌دانند که اینجانب وقتی مشاهده نمودم که بعضی از

اشخاص در صدد تشکیک در مسلمات طائفه بر حق امامیه و عقاید بر حق آنها هستند و می‌خواهند مظلومیت صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام را مورد خدشه قرار دهند، به صورتی واضح و صریح و بدون ملاحظه و مجامله با هیچ شخصی، هر کس که باشد، در صدد دفاع از مظلومیت بانوی بزرگوار اسلام و شفیعه روز جزا، فاطمه شهیده مظلومه علیها السلام و دفاع از حریم عقاید مذهب بر آدم و مؤمنین را نسبت به خطر این افکار پلید، وتشکیکات مخبر آن مطلع ساختم و در این راه مصائب و اذیت‌هایی را از دور و نزدیک متحمل شدم؛ ولیکن اینها ما را از ادامه راه فداکاری و دفاع از مذهب برحق جعفری باز نداشته و مانع نشده است. به این جهت، به برادران مؤمن، اهل ولایت و با غیرت تأکید می‌کنم که در سیر دفاع از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و عقاید برحق آنها، استقامت داشته و از کید دشمنان مذهب و مکر تشکیک کنندگان و یاوه سرایان نترسند که شما به کمک حضرت حجت علیه السلام پیروز خواهید بود. به تبلیغات مادی و دنیایی آنها که غرضشان برگرداندن شما از وظیفه دفاع از مذهب حق است، ترتیب اثر ندهید و به آن اعتنایی نکنید. همان‌طور که از علما و فضلا انتظار می‌رود که نهایت تلاش خود را در این راه مبارک به کار گیرند، هر چند راه سخت و دشواری است همان‌طور که از معصومین علیهم السلام وارد شده است:

۱) (۱)- عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲.

۲) (۲)- کامل الزیارات، ص ۲۰۱، ح ۲۸۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۷، ح ۱۳.

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدَعُ فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَقْعُلْ سُلْبَ مِنْهُ نُورُ الإِيمَانِ^۳

. در نهایت به برادران مؤمن خود نسبت به ضرورت احیای این

ص: ۱۶

حاده عظیم؛ یعنی زنده نگه داشتن شهادت رئیس مذهب، امام صادق علیه السلام تأکید می‌کنم و از آنها می‌خواهم که این مراسم را مانند «ایام عاشورا» و «ایام فاطمیه» در این سال و همه سال‌ها جهت تحکیم ارکان مذهب جعفری و تجلیل از مقام این امام بزرگ، که حیات خود را در راه نجات ما از هر گونه گمراهی فدا کرد، زنده نگه دارند. از خداوند متعال مسئلت دارم که همه را برای خدمت به ائمه معصومین علیهم السلام موفق گردازد؛

أَنْهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

ص: ۱۷

مقدمه:

زيارت عاشورا، نجواي آسماني

زيارت عاشورا، نجواي است الهی که بند بند آن ياد آور حماسه خونین کربلا و مصائب اهل بيت علیهم السلام است. مردانی که از اجابت هوا و هوس گذشته و در رکاب امام معصومشان پا بر نرdban ترقی نهاده و تا مقام محمود عروج نمودند و نامی جاودان تا ابد از خود به يادگار گذاشتند. آنان که برای حراست از ارکان و شرایع دین بیا خاسته و قدم در مسلح عشق گذاشتند تا با فدا نمودن هستی خویش از آخرین دین و مكتب الهی دفاع نموده و به کسب مقام رضای الهی نائل آيند. زيارت عاشورا، يادآور مصیبت عظمای است که سنگینی آن تاب تحمل از صابران گیتي برده و حتی ارض و سماء نیز در مقابل این مصیبت جانگداز کمر خم نموده‌اند: «

وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مَصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ

». زيارت عاشورا، نه تنها سند زنده و گویای مظلومیت، بلکه عزّ و عظمت سبط نبی اعظم و شاهراه حیات مذهب بر حق تشيیع است. زيارت عاشورا، هویت شیعه و بازگو کننده نهایت شقاوت اعداء، و عروج بی منتهای اهل ولاست. بر همین اساس دشمنان حق ستیز، دائمًا در صدد محو این زيارت - که بازگو

ص: ۱۸

۱۳) علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۶؛ عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۷۱، ح ۹.

کننده حقایق و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام است - هستند و در طول تاریخ به هر وسیله‌ای متوجّل شدند تا ارزش و اعتبار این هدیه آسمانی را محو نمایند، «يُرِيدُونَ لِيُظْفَوْا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِيمٌ نُورِهِ»^۴. اما در هر بررهه از زمان، مردانِ صاحب کمال، با نهایت درایت و فقاہت در مقابله این افکار شوم دشمنان خیره سر ایستاده، و از حقانیت اهل بیت دفاع نمودند. و در این عصر نیز، بعضی بدخواهان با ایجاد شیوه در اذهان عوام، آنان را از خواندن زیارت عاشورا و نائل شدن به فوز اعظم دلسرب می‌نمایند. اما فقیه پاسبان مذهب حق و احیاگر فاطمیه حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی قدس سره با درایت و فراست قلم از نیام برآورد و با توسّل به کلمات نورانی معصومان علیهم السلام، چون صاعقه‌ای بر شباهت واهی آنان تافته، آرزوی آنان را به یأس و نامیدی مبدل ساخت. اکنون که آن حامی، مظلومیت اهل بیت علیهم السلام از دنیای فانی به جوار خوبانِ عالم شتافتهدند بر ماست که پیرو خط آن مرجع عظیم الشأن بوده و نگذاریم دشمنان با شباهه‌افکنی در اعتبار زیارت عاشورا، مؤمنان را از این فیض اکمل محروم نمایند.

مرکز دارالصدیقة الشهیده علیها السلام ضمن ترجمه کتاب «زیارت عاشورا فوق الشبهات» آن مرجع راحل، بیانات و استفتائات ایشان قدس سره در خصوص این زیارت شریفه را همراه با توضیحاتی بر طبق مبانی رجالی و حدیثی ایشان به صورت کتاب درآورده و در اختیار عزیزان و

ص: ۱۹

مدافعين خط اصیل اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد. امید است که این عمل مورد رضایت درگاه احادیث و ائمه اطهار علیهم السلام قرار گیرد و ذخیره‌ای باشد برای قبر و قیامت، در روزی که «يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ».

مرکز تحقیقات دار الصدیقة الشهیده علیها السلام

ربيع الثاني سال ۱۴۳۰ هـ ق

قم مقدسه

ص: ۲۰

فضیلت زیارت سیدالشهدا علیه السلام

۴ (۱) - سوره صف، آیه ۷.

زیارت عاشورا

«قال صالح بن عقبة وسیف بن عمیره: قال علّمۀ بن محمد الحضرمی: قلت لأبی جعفر عليه السلام: علّمّنی دعاءً أدعوه به ذلک الیوم إذا أنا زرتہ من قرب ودعاءً أدعوه به إذا لم أزره من قرب وأوّل مأٹ من بعد البلاد ومن داری بالسلام إلیه. قال: فقال لي: يا علّمۀ إذا أنت صلیت الرکعتین بعد أن توميء إلیه بالسلام، فقل بعد الإيماء إلیه من بعد التکبیر هذا القول (أى الزيارة الآتیة)، فإنك إذا قلت ذلك، فقد دعوت بما يدعوك به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مئه ألف ألف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين عليه السلام حتى تشارکهم في درجاتهم، ولا تعرف إلاّف الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبیٰ وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين عليه السلام منذ يوم قتل عليه السلام وعلى اهل بيته:۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَحْشَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوِتْرَ

الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

...»(الى آخر زیارت عاشورا)

ص: ۲۱

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره می‌گویند: علّمۀ بن محمد حضرمی به ما گفت:

حضر مبارک ابی جعفر عليه السلام عرض کرد: دعائی به من تعليم فرمائید، که در آن روز (روز عاشورا) وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را بخوانم و دعائی به من یاد دهید، که هرگاه نتوانستم از نزدیک به زیارت ایشان بروم، از شهرهای دور و پشت بام خانه‌ام، به آن حضرت با اشاره سلام داده و آن را بخوانم.

حضرت فرمودند: ای علّمۀ، بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی، اگر این دعا و زیارت (زیارت عاشورا) که شرحش را برایت بیان می‌کنم، خواندی، به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعا، کرده‌اند، تو نیز دعا نموده‌ای و خداوند متعال صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو مثل کسانی می‌باشی، که با حضرت حسین بن علی عليه السلام شهید شده‌اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار خواهی گرفت و شناخته نمی‌شود، مگر در زمرة شهدائی که با آن حضرت شهید شده‌اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که امام حسین عليه السلام را از زمان شهادتش تا به الان زیارت نموده‌اند را برایت می‌نویسد.

می‌گویند:

۱۵- مصباح المتهجد، ص ۵۳۶-۵۳۷

۱۶- در کتاب کامل الزیارات به جای این فقره، «خیره الله وابن خیرته» آمده است.

۱۷- فرازهایی از زیارت عاشورا (مصباح المتهجد، ص ۵۳۷)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَحْشَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَاللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوْتَرَ الْمَوْتَورَ،

ص: ٢٢

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

...» (تا آخر زيارة عاشوراء)

«قال علقة: قال ابو جعفر عليه السلام: وإن استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه الزيارة في دارك فافعل ولكن ثواب جميع ذلك». ^٨

وروى محمد بن خالد الطيالسي عن سيف بن عميرة قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال وعندها جماعة من أصحابنا إلى الغرب بعد مخرج أبو عبدالله عليه السلام، فسرنا من الحيرة إلى المدينة، فلما فرغنا من الزيارة

[أى زيارة أمير المؤمنين عليه السلام]

[] صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين عليه السلام، فقال لنا: تزورون الحسين عليه السلام من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين عليه السلام، من هيئنا وأمّا إليه أبو عبدالله الصادق عليه السلام وأنا معه.

قال

[سيف بن عميرة]

[]: فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر عليه السلام في يوم عاشوراء، ثم صلى ركعتين عند رأس أمير المؤمنين عليه السلام وودع في دربها أمير المؤمنين عليه السلام و...؛^٩

علقه می گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر عليه السلام فرمودند: ای علقمه اگر بتوانی هر روز با این زیارت (زيارة عاشوراء) امام حسین عليه السلام را زیارت کنی البته این کار را انجام بده که ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده برایت منظور می گردد.

محمد بن خالد طيالسي به نقل از سيف بن عميرة گفت: بیرون رفتم با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف،

ص: ٢٣

بعد از خروج حضرت صادق عليه السلام از حیره به جانب مدینه، پس زمانی که ما فارغ شدیم از زیارت [زيارة امير المؤمنين عليه السلام] صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله عليه السلام، گردانید و گفت: برماست که

(١) - مصباح المتهدج، ص ٥٣٩

(٢) - مصباح المتهدج، ص ٥٤٠

زیارت کنیم حسین علیه السلام را از این مکان، از نزد سرّ مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام، که از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت امام صادق علیه السلام، و من در خدمتش بودم.

سیف گفت: پس خواند صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمۀ بن محمد حضرمی از حضرت باقر علیه السلام در روز عاشورا (زیارت عاشورا)، آنگاه دو رکعت نماز در نزد سر امیرالمؤمنین علیه السلام خواند و با آن حضرت وداع نمود.

این زیارت شریفه به نص حضرت امام باقر و امام صادق علیهم السلام وارد شده است و از مصادیق زیارت سیدالشہدا علیه السلام می‌باشد، که طبق روایات وارده، اجر و ثواب فراوانی دارد و اثر معنوی عجیبی در زندگی انسان بر جای می‌گذارد، که فی الجمله، به بعضی از آنها اشاره می‌نماییم:

حفظ عرض و اموال، لقاء الله، دفع پریشانی و قضاء حوائج، طول عمر و افزایش رزق و روزی، آمرزش معاصری، ایام زیارت جزء عمر حساب نمی‌شود، دفع بلایا، اعطاء خیر و برکات، اعطاء ثواب حج، رفع عقوبت عالم قبر و قیامت و مأوای او بهشت و ... است.

ص: ۲۴

زیارت سیدالشہدا امام حسین علیه السلام افضل اعمال است

«عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: سأله عن زيارة قبر الحسين عليه السلام، قال: أنه أفضـل ما يكون من الأعـمال».^{۱۰}

ابی خدیجه، گفت: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمودند: زیارت آن جناب افضل اعمال می‌باشد».

«عن أبي عبدالله عليه السلام قال: من أحب الأعـمال إلى الله تعالى زيارة قبر الحسين عليه السلام، وأفضـل الأعـمال عند الله إدخـال السـرور على المؤـمن، وأقرب ما يـكون العـبد إلى الله تعالى هو سـاجـد باـك».^{۱۱}

حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند: محبوب ترین اعمال نزد حق تعالیٰ زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام بوده و برترین اعمال نزد او جلّ و علی، ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین حالت بندۀ به خدا، حالت بندۀ ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد».

(۱۰) - کامل الزيارات، ص ۴۳۱، ح ۲۷۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۹؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۹.

(۱۱) - کامل الزيارات، ص ۴۳۴، ح ۲۷۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۹.

«عن أبي خديجة، قال: قلت لابي عبدالله عليه السلام: ما يبلغ من زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ قال: أفضل ما يكون من الأعمال؛ ١٢»

ابي خديجه می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه چیز به ما می رسد و

ص: ٢٥

عائدمان می گردد؟ حضرت فرمودند: افضل و برترین اعمال است.».

«أبو خديجه عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن زيارة الحسين عليه السلام أفضـل ما يكون من الأعمال؛ ١٣»

ابو خديجه گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: زیارت امام حسین علیه السلام افضل و برترین اعمال می باشد.».

«عن معاوية بن وهب قال: استأذنت عن أبي عبدالله عليه السلام فقيل لي:

ادخل، فدخلت فوجده فـى مصلاه فـى بيته، فجلست حتى قضـى صلاتـه فـسمعتـه، وهو يناجـى ربه ويقول: «يا من خصـنا بالكرماء؛ وخصـنا بالوصـيـة؛ ووـدـنـا بالشفـاعة؛ وأعـطـنـا عـلـمـا بـقـى؛ وعـلـمـا مـضـى؛ وجعلـاـنـا من النـاسـ تـهـوى إـلـيـنا، اغـفـرـلـى وـلـإـخـوانـى وـلـزـوـارـ قـبـرـ أـبـى

[عبدالله]

[؛ الحسين عليه السلام، الذين أنفقوا أموالهم وأشخاصوا أجسادهم رغبةً في برّنا، ورجاءً لما عندك في صلتنا، وسروراً أدخلوه على نبيك صلواتك عليه وآله، وإجابةً منهم لأمرنا، وغيظاً أدخلوه على عدونا، أرادوا بذلك رضاك، فكافهم عنـا بالرضوان، وأكلـاهـم بالليل والنـهـار، واختلفـ علىـ أهـالـيـهـمـ وأـلـادـهـمـ الـذـينـ خـلـفـواـ بـأـحـسـنـ الـخـلـفـ وـاصـحـبـهـمـ، وـاكـفـهـمـ شـرـ كلـ جـبـارـ عـنـيدـ؛ وـكـلـ ضـعـيفـ منـ خـلـقـكـ وـشـدـيدـ، وـشـرـ شـيـاطـينـ الإـنـسـ وـالـجـنـ، وـاعـطـهـمـ أـفـضـلـ ماـ أـمـلـواـ منـكـ فـى غـربـتـهـمـ عنـ أـوـطـانـهـمـ، وـماـ آـثـرـونـاـ بـهـ عـلـىـ أـبـانـهـمـ وـأـهـالـيـهـمـ وـقـرـابـاتـهـمـ.»

اللـهـمـ إـنـ أـعـدـاءـنـاـ عـابـواـ عـلـيـهـمـ خـرـوجـهـمـ، فـلـمـ يـنـهـمـ ذـلـكـ عـنـ

ص: ٢٦

الـشـخـوصـ إـلـيـناـ خـلـافـاـ مـنـهـمـ عـلـىـ مـنـ خـالـفـنـاـ، فـارـحـمـ تـلـكـ الـوـجـوهـ الـتـىـ غـيـرـتـهاـ الشـمـسـ، وـارـحـمـ تـلـكـ الـخـدـودـ الـتـىـ تـقـلـبـتـ عـلـىـ حـفـرـةـ أـبـيـ عـبدـالـلـهـ الـحـسـينـ عـلـيـهـ السـلـامـ، وـارـحـمـ تـلـكـ الـأـعـيـنـ الـتـىـ جـرـتـ دـمـوعـهـ رـحـمـةـ لـنـاـ، وـارـحـمـ تـلـكـ الـقـلـوبـ الـتـىـ جـزـعـتـ وـاخـتـرـقـتـ لـنـاـ، وـارـحـمـ تـلـكـ الـصـرـخـةـ الـتـىـ كـانـتـ لـنـاـ، اللـهـمـ إـنـىـ اـسـتـوـدـعـكـ تـلـكـ الـأـنـفـسـ وـتـلـكـ الـأـبـدـانـ حتـىـ نـوـافـيـهـمـ عـلـىـ الـحـوضـ يـوـمـ الـعـطـشـ

١٢) (٣)- كامل الزيارات، ص ٤٣٥، ح ٢٧٧، ج ٩٨، ص ٤٩.

١٣) (١)- كامل الزيارات، ص ٤٣٦، ح ٢٧٨، ج ١، ص ٣٨١.

[الأكبر]

[.] فما زال عليه السلام وهو ساجدٌ يدعو بهذا الدعاء، فلما انصرف قلت: جعلت فداك لو أنَّ هذا الذي سمعت منك كان لمن لا يعرف الله عز وجل لظننت أنَّ النار لا تطعم منه شيئاً!! والله لقد تمنيت أنِّي كنت زرته ولم أحج، فقال لي: ما أقربك منه؛ فما الذي يمنعك من إتيانه؟ ثم قال: يا معاوية لم تدع ذلک، قلت: جعلت فداك لم أدر أنَّ الأمر يبلغ هذا كله؟ فقال: يا معاوية

[و]

[] من يدعو لزوادره في السماء أكثر ممّن يدعو لهم في الأرض؛^{١٤}

معاوية بن وهب می گوید: اذن خواستم که بر امام صادق عليه السلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در محل نمازشان یافتم، پس نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند، پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند: بار خدا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و عده شفاعت دادی و و علم به

ص: ۲۷

گذشته و آینده را به ما عطا فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین عليه السلام را بیامرز، آنان که اموالشان را اتفاق کرده و ابدانشان را به سختی انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن خشم بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایشار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایشار را جبران کن و به واسطه‌ی رضوان احسانشان را جواب‌گو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده‌اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی حفظ فرما و عطا کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده‌اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که به واسطه‌اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدا، دشمنان ما به واسطه‌ی خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت دشمنان، ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت‌هائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی را که روی قبر ایی عبدالله الحسین عليه السلام می گذارند و بر می دارند مشمول لطف و

ص: ۲۸

_____ (١) - الكافي، ج ٤، ص ٥٨٣؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٤١١

رحمت بگردان و همچنین به چشم‌هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنايت فرما و دل‌هائی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما، بار خدايا به فريادهائی که به خاطر ما بلند شده برس، خداوندا من اين بدن‌ها و اين ارواح را نزد تو امامت قرار داده تا در روز عطش اكير که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سيراب نمائی.

و پيوسته امام عليه السلام در سجده اين دعا را می‌خوانند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم: فدایت شوم اين فقرات و مضامين ادعیه‌ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عز و جل را نمی‌شناسد گمانم اين است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نيايد! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین عليه السلام) را زيارت کرده ولی به حج نروم.

امام عليه السلام به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزديك هستي، پس چه چيز تو را از زيارتش باز می‌دارد؟ سپس فرمودند: اي معاویه زيارت آن حضرت را ترك مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی‌دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن اين مقدار است.

حضرت فرمودند: اي معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین عليه السلام در آسمان دعا می‌کنند، به مراتب بيشتر هستند از آنانکه در زمين برای ايشان دعا و ثنا می‌نمایند» - پایان حدیث

ص: ۲۹

آثار زيارت ۱۵ سيدالشهدا امام حسین عليه السلام در کلام معصومین عليهم السلام

۱- انسان مؤمن همواره در صدد آن است کاري را انجام دهد، که خداوند متعال او و آبرو و اموالش را حفظ کند و سعادتمند باشد.

«عن عبدالله بن هلال، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: جعلت فداك ما أدنى لزائر قبر الحسين عليه السلام؟ فقال لي: يا عبدالله إنّ أدنى ما يكون له أنَّ الله يحفظه في نفسه وأهله حتى يرده إلى أهله، فإذا كان يوم القيمة كان الله الحافظ له؛^{۱۶}

(۱) زيارت از ریشه «زور» به فتح، به معنای قصد و میل است و در لغت به معنای دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه مفهوم میل و قصد نهفته است، گویی زائر از دیگران رو برتافنه و به سوی زيارت شونده گرايش و تمایل یافته. ریشه «زور» در قرآن چهار بار به صورت «زرتم، تزار، الزور، زوراً» آمده است به طور مثال در سوره تکاثر، آيه ۲ می‌فرماید: «حتى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ». زيارت در عرف شيعه، به معنای حضور در پیشگاه شخص با جسم و جان، همراه با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خدا است و زيارت جزء اعمال پسندیده و از سنت‌های بر جسته است که از معصومین عليهم السلام احاديث فراوانی در باب سفارش به زيارت وارد شده و اين تأکيد به زيارت تا حدی اشاعه داشته که محدثان بزرگ با جمع آوري احاديث زيارت، کتبی را تألیف نمودند که از باب کتاب «کامل الزیارات» ابن قولویه رحمه الله، کتاب مزار، وسائل الشیعه حر عاملی رحمه الله، مصبح ابن طاووس رحمه الله، مزار بن مشهدی رحمه الله، کفمی و ... اشاره کرد.

عبدالله بن هلال، می‌گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم کمترین ثواب و اجری که برای زائر قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌باشد چیست؟ حضرت فرمودند: ای عبدالله! کمترین پاداشی که برای او است اینکه: خداوند متعال خود و اهله را حفظ کرده تا به خویشانش بازگردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او

ص: ۳۰

خواهد بود».

۲- زیارت سیدالشہدا علیه السلام آنکونه فضیلت دارد، که امام صادق علیه السلام آن را برابر با دیدار خدا در عرش می‌داند.

«عن زید الشحام قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن زار قبر الحسين عليه السلام؟ قال: كان كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: ما لمن زار احداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله صلى الله عليه و آله؛ ۱۷»

زید بن شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زائر امام حسین علیه السلام در نزد پروردگار دارای چه مقام و منزلتی است؟ امام علیه السلام فرمودند: «همانند کسی است که خدا را در عرش دیدار نموده باشد».

گفتم: برای کسی که یکی از شما را زیارت کند چه می‌باشد؟ فرمود:

«همانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نموده است».

۳- دفع پریشانی و قضای حاجات، خواسته هر فرد مؤمن است، که از فضل خداوند متعال زیارت سیدالشہدا علیه السلام چنین آثاری را دارد.

«عن فضیل بن یسار قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: إنَّ إِلَى جانبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسُ اللَّهِ كَرْبَتُهُ، وَقَضَى حاجته؛ ۱۸»

فضیل بن یسار می‌گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: نزد شما قبری است که هیچ محزون و اندوه‌گینی آن را زیارت نمی‌کند، مگر آن که حق تعالی حزن و اندوهش را بر طرف کرده و حاجتش را روا می‌سازد».

ص: ۳۱

«عن أبي الصباح الكناني قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إنَّ إِلَى جانبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسُ اللَّهِ كَرْبَتُهُ، وَقَضَى حاجته، وَانَّ عَنْهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ مَنْذَ

[یوم

۱۶) (۲)- کامل الزیارات، ص ۲۵۵، ح ۳۸۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

۱۷) (۱)- کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۴۳۷؛ منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۳۶۳.

۱۸) (۲)- کامل الزیارات، ص ۳۱۲، ح ۵۲۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

[قبض شرعاً غبراً ي يكونه إلى يوم القيمة، فمن زاره شيعوه إلى مأمه، ومن مرض عادوه، ومن مات اتبعوا جنازته؛ ۱۹]

ابو صلاح کنانی می گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام فرمود: همانا نزد شما قبری است که هیچ فرد پریشانی نزد آن نمی رود، مگر آنکه خداوند از او پریشانی را دفع نموده و حاجتش را برآورده می نماید، و همانا در حریم کبریابی شهید کربلا چهار هزار فرشته هستند، که از هنگام شهادتش آشته حال و غم آسود تا روز قیامت بر آن مصیبت عظمی می گریند. هر کس او را زیارت کند، وی را تا خانه اش بدرقه می کنند، و هر که مریض شود به عیادتش می روند، و هر که بمیرد جنازه اش را تشییع می کنند».

«عن عبدالله بن مسکان قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى يتجلّ لزوار قبر الحسين عليه السلام قبل أهل عرفات، ويقضى حوائجهم، ويغفر ذنبهم، ويشفّعهم في مسائلهم، ثم يشّتّي بأهل عرفات فيفعل بهم ذلك؛ ۲۰

امام صادق عليه السلام فرمود: به درستی که خدای تبارک و تعالی، قبل از اهل عرفات، برای زائران قبر حسین علیه السلام تجلی می نماید، حوايج آنان را

ص: ۳۲

بر آورده می کند، گناهانشان را آمرزیده و درخواستهایشان را به اجابت مقرن می سازد، و سپس متوجه اهل عرفات شده و در مورد آنان نیز این گونه عمل می کند».

۴- زیارت امام حسین علیه السلام با بی از ابواب فضل الهی است که باعث افزایش رزق، طول عمر و دفع بلایا و ... می شود.

«عن عبدالمملک الخثعمی عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قال لى: يا عبدالمملک لا تدع زيارة الحسين بن على عليه السلام و مُرْ أصحابك بذلك، يمد الله في عمرك، ويزيد الله في رزقك، ويعييك الله سعيداً، ولا تموت إلّا سعيداً، ويكتبك سعيداً؛ ۲۱

امام صادق علیه السلام به عبدالمملک ختمی فرمود: زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک مکن و دوستانت را نیز به آن فرمان بده، تا خداوند بر عمرت افزوده و روزیت را زیاد گرداند. خداوند سبحان زندگانی تو را در سعادت قرار خواهد داد، و نمی میری مگر سعادتمند، و نام تو را در سلک سعادتمندان خواهند نوشت».

«عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر علیه السلام قال: إن الحسين صاحب كربلا قتل مظلوماً مكروباً عطشاناً لهفاناً، وحق على الله عزّ وجلّ أن لا يأتيه لهفان، ولا مكروب ولا مذنب ولا مغموم ولا عطشان ولا ذوعاهة ثم دعا عنه وتقرب بالحسين علیه السلام الى الله عزّ وجلّ إلأنفس الله كربته، وأعطاه مسألته، وغفر ذنبه ومدّ في عمره، وبسط في رزقه، فاعتبروا يا

(۱) ۱۹- کامل الزیارات، ص ۳۱۲، ح ۵۲۸؛ و ص ۳۵۰.

(۲) ۲۰- کامل الزیارات، ص ۳۰۹، ح ۵۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۳.

(۳) ۲۱- کامل الزیارات، ابن قولویه رحمه الله، ص ۴۶۱، ح ۲۸۶؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۷.

أولى الأ بصار؛ ۲۲

محمد بن مسلم گفت: امام باقر علیه السلام فرمودند: امام حسین علیه السلام در حالی به شهادت رسید که مظلوم، تشنه و به خود می پیچید و بر پرورگار متعال است که زائر امام حسین علیه السلام و اگر شخصی گهکار، غم دیده تشنه باشد و در نزد قبر امام حسین علیه السلام دعا کند و به واسطه امام حسین علیه السلام به پروردگار متعال تقرب بجوید، بر نمی گردد، مگر آنکه خداوند حاجتش را به او بدهد و گناهانش را بخشد و عمرش را طولانی کند و توسعه در روزیش بدهد، ای صاحبان خرد عبرت بگیرید».

۵- شیطان همواره در کمند انسان است، و مؤمنین سعی می کنند از وسوسه شیطان، رهایی یابند. اما گاهی القاءات شیطان بر انسان اثر می کند و لغزش صادر شود و یکی از بهترین وسائل آمرزش گناه زیارت سیدالشهدا علیه السلام است.

«عن محمد بن مسلم، عن أبي عبدالله عليه السلام - في حديث - قال: ومن زار قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقيقته، كتب اللَّهُ له ثواب ألف حجة مقبولة، وغفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر؛ ۲۳»

محمد بن مسلم نقل می کند از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر کس قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد خداوند

ثواب هزار حج مقبول را بر او ثبت می کند و گناهان قبل و بعد او را می بخشد».

«عن ابن مسكان، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر [الله]

[له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر؛ ۲۴]

ابن مسكان می گوید: حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود، در حالی که به حق آن جناب عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد».

«عن مثنی الحناط، عن أبي الحسن موسى ابن جعفر علیه السلام قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقيقته، غفر [الله]

(۱) ۲۲- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۶ با اندکی اختلاف؛ کامل الزیارات، ص ۳۱۳، ح ۵۳۱.

(۲) ۲۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۶؛ امالی، طوسی، ص ۲۱۵.

(۳) ۲۴- الجواهر الكلام، ج ۲۰، ص ۹۷؛ الكافی، ج ۴، ص ۵۸۲.

مثنی حناط گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آیندهاش را می آمرزد».

«عن جابر الجعفی قال: قال أبو عبد الله عليه السلام - في حديث طويل - فإذا انقلبت من عند قبر الحسين عليه السلام ناداك منادٍ لو سمعت مقالته لأقمت عمرك عند قبر الحسين عليه السلام وهو يقول: طوبى لك أئيها العبد؛ قد غنمتم وسلامت، قد غُفرلك ماسلف فاستألف العمل

-

وذكر الحديث بطوله

— ٢٦ —

ص: ٣٥

جابر جعفی گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: «چون از نزد قبر حسین علیه السلام بازگشتی، نداکننده‌ای تو را ندا می دهد که اگر آن را می شنیدی، حاضر بودی تمام عمر را نزد قبر شریف حسین علیه السلام اقامت می گزیدی. آن منادی گوید: خوشابه حال تو ای بنده خدا، که سود فراوان برده و به سلامت (در دین) دست یافتنی. عمل از سربگیر که گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد».

٦- یکی از نعمتهايی که خداوند متعال به زائر امام حسین علیه السلام داده؛ آن است که ایام زیارت سیدالشهدا علیه السلام جزء عمر انسان حساب نمی شود و نظر الهی به اوست.

«عن أبي الحسن الرضا، عن أبيه عليه السلام قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام: إن أيام زائرى الحسين عليه السلام لا تحسب من أعمارهم ولا تعد من آجالهم؛ ٢٧

حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام از پدر بزرگوارشان نقل نمود که ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمودند: ایام زیارت حضرت امام حسین علیه السلام جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد».

«عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن الله تبارك وتعالى يبدأ بالنظر إلى زوار قبر الحسين عليه السلامعشية عرفة، قال: قلت: قبل نظره لأهل الموقف؟ قال:

نعم، قلت: كيف ذلك؟ قال: لأنّ فی أولئک أولاد زنا، وليس فی هؤلاء

(١) ٢٥- كامل الزيارات، ص ٤٠١، ح ٢٦٤؛ ثواب الاعمال، ص ٨٥

(٢) ٢٦- كامل الزيارات، ص ٤٦٥، ح ٢٨٨؛ مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٢٤٨

(٣) ٢٧- كامل الزيارات، ص ٣٩١، ح ٢٥٩؛ جامع احاديث الشيعة، ج ١٢، ص ٣٨٢

أولاد زنا؛ ۲۹

حضرت ابی عبدالله علیه السلام، فرمودند: خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتداء به زوار قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام نظر می‌کند. راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: قبل از نظر نمودن به اهل موقف (حاجی‌ها)؟ حضرت فرمودند: بله.

عرض کردم: چرا این طور است؟ حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی‌ها زنازاده وجود داشته، ولی در میان زائرین قبر مطهر آن حضرت ابدًا زنازاده نمی‌باشد».

۷- کمترین چیزی که به زائر امام حسین علیه السلام عنایت می‌شود مصون ماندن از بلایا است، و همچنین در آخرت در ظل الطاف خداوند متعال قرار می‌گیرد.

«عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين عليه السلام فإن إتيانه يزيد في الرزق، ويمد في العمر، ويدفع مدافع السوء، وإتيانه مفروض على كل مؤمن يقر للحسين بالإمامية من الله؛ ۳۰

محمد بن مسلم می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: شیعیان ما را به زیارت قبر سیدالشهدا علیه السلام امر کنید، اگر به زیارت مشرف شوند روزی آن‌ها زیاد و عمرشان طولانی خواهد شد، خداوند سوء (بدی‌ها) را از

آنها دفع خواهد کرد و رفتن به زیارت سیدالشهدا علیه السلام بر هر مؤمنی که اقرار بر امامت امام حسین علیه السلام کند واجب شده است».

۸- انسان در جستجوی خیر و برکت است. زائر امام حسین علیه السلام مورد اکرام خداوند قرار می‌گیرد:

«عن عبدالله الطحان، عن أبي عبدالله علیه السلام قال: سمعته يقول: ما من أحد يوم القيمة إلا وهو يتمنى أنه زوار الحسين بن علي عليهما السلام لما يرى لما يصنع بزوار الحسين بن علي من كرامتهم على الله؛ ۳۱

۲۸ تبریزی، جواد، زیارت عاشورا فراتر از شبهم، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهیدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

(۱) ۲۹- کامل الزيارات، ص ۵۳۸، ح ۳۱۷؛ معانی الاخبار، ص ۳۹۲؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۰۵.

(۲) ۳۰- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴.

(۱) ۳۱- کامل الزيارات، ص ۲۵۸، ح ۳۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۴.

امام صادق عليه السلام فرمود: در روز قیامت نیست کسی، مگر آنکه آرزو کند زائر امام حسین علیه السلام می‌بود به واسطه اکرامی که خداوند متعال بر زوار امام حسین علیه السلام می‌کند».

«عن صالح بن میثم، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: من سره أن يكون على موائد النور يوم القيمة، فليكن من زوار الحسين بن على عليهما السلام؛^{۳۲}

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی می‌خواهد در روز قیامت بر سفره‌های نورانی قرار گیرد، پس بوده باشد از زوار امام حسین علیه السلام».

«عن ابی اسامه، عن ابی عبدالله عليه السلام قال: من أراد أن يكون في جوار نبیه وجوار على وفاطمة فلا يدع زيارة الحسين عليهم السلام؛^{۳۳}

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی می‌خواهد در جوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا علیهم السلام باشد، زیارت امام حسین علیه السلام را

ص: ۳۸

ترک نکند».

۹- امام صادق علیه السلام در ضمن بیان فضائل و آثار پر خیر و برکت زیارت قبر سبط نبی اعظم علیه السلام، زیارت آن حريم ملکوتی را مساوی با حج بیت الله الحرام دانسته و در ادامه می‌فرماید: «نام زائر سیدالشہدا علیه السلام در اعلیٰ علیین ثبت شده و در دریای رحمت الهی غرق می‌شود و همواره دعای معصومین علیهم السلام بدרכه راهش خواهد بود».

«عن زید الشحام، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: زيارة الحسين عليه السلام تعد عشرين حجّة، وأفضل من عشرين حجّة؛^{۳۴}

زید شحام گفت: حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند: زیارت امام حسین علیه السلام: معادل بیست حج بلکه برتر از بیست حج می‌باشد».

«عن ابن مسکان، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه، غفر

[الله]

[لَهُ مَا تَقْدِمُ مِنْ ذَنْبٍ وَمَا تَأْخُرُ^{۳۵}]

(۱) (۳۴)-کامل الزیارات، ص ۲۵۸، ح ۳۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۴.

(۲) (۳۹۲)-کامل الزیارات، ص ۲۶۰، ح ۳۹۲.

(۳) (۵۰۶)-کامل الزیارات، ص ۳۰۲، ح ۵۰۶.

ابن مُسکان می‌گوید: حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود، در حالی که به حق آن جناب عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد».

«محمد بن أبي جریر القميّ قال: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول لأبي: من زار الحسين بن على عليهما السلام عارفاً بحقه، كان من محدثي الله فوق عرشه، ثم قرأ: إن المتقين في جناتٍ و نهرٍ في مقعد صدق عند مليك

ص: ۳۹

مقدّر؛^{۳۶}

محمد بن ابی جریر قمی گفت: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام شنیدم که به پدرم می‌فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی علیهم السلام را زیارت کند، در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد، از هم صحبت‌های حق تعالی بالای عرش می‌باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: «إِنَّ الْمُتَقِّنِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ * فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ».^{۳۷}

(همان اهل تقوی در باغها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزّت و سلطنت جاودانی متنعم می‌باشند).

«عن عبد الله بن مسکان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام كتبه الله في عليين؛^{۳۸} امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس به زیارت قبر حسین علیه السلام برود، در حالی که عارف به حق او باشد، خداوند نام او را در اعلیٰ علیین می‌نویسد».

«عن عبد الله بن ميمون القداح، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: ما لمن أتى قبر الحسين عليه السلام زائراً عارفاً بحّقه غير مستنكف ولا مستكبر؟

ص: ۴۰

قال: يكتب له ألف حجّة وألف عمرة مبرورة، وإن كان شيئاً كتب سعيداً، ولم يزل يخوض في رحمة الله عزّ وجلّ؛^{۳۹} از امام صادق علیه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که کبر و غرور نداشته باشد، چیست؟ فرمود:

۳۵) (۲)-کامل الزيارات، ص ۲۶۴، ح ۴۰۰.

۳۶) (۱)-کامل الزيارات، ص ۲۶۸، ح ۴۱۴؛ سوره قمر، آیه ۵۴-۵۵.

۳۷) (۲)-قرم، آیه ۵۴-۵۵.

۳۸) (۳)-کامل الزيارات، ص ۲۸۰، ح ۴۴۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۳۰.

۳۹) (۱)-کامل الزيارات، ص ۲۷۴، ح ۴۲۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۴.

برايش هزار عمره و حج مقبول نوشته می شود. اگر شقی باشد، سعید نوشته می گردد، و پیوسته در رحمت الهی غوطه ور خواهد بود.».

«عن معاویه بن وهب، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال لي: يا معاویة لا تدع زیارة الحسین علیه السلام لخوفِ فانَّ من تركه رأى من الحسرة ما يتنمّى أنَّ قبره كان عندك، أما تحب أن يرى الله شخصك وسواذك فيمن يدعوك له رسول الله صلی الله علیه و آله و علیٰ وفاطمة والائمه علیهم السلام؟ أما تحب أن تكون ممَّ ينقلب بالغفرة لما مضى ويغفر له ذنوب سبعين سنَّة؟ أما تحب أن تكون ممَّ يخرج من الذُّنُب وليس عليه ذنب تتبع به؟ أما تحب أن تكون غداً ممَّ يصافحه رسول الله صلی الله علیه و آله؟؛ ۴۰».

معاویه بن وهب، گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

ای معاویه، به خاطر خوف و هراس زیارت [قبر] امام حسین علیه السلام را ترک مکن، زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند، چنان حسرتی ببیند که تمَّناً و آرزو کند قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که خداوند متعال تو را در زمرة کسانی محسوب کند، که رسولش صلی الله علیه و آله و حضرت علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام برايش دعا می کنند؟

ص: ۴۱

آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان گذشتهدات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد سال بعد طلب غفران برايت کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند، در حالی که گناهی قابل مؤاخذه ندارند؟

آیا دوست نداری فردای قیامت از کسانی باشی، که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها مصافحه می کند؟»

۱۰ - عذاب قبر و قیامت و آتش جهنم از مسلمات و اركان مهم دین است، و براساس آیات و روایات وقوع آن حتمی است، به همین لحاظ انسان مؤمن همواره در پی دفع این عقوبت سخت است، و طبق روایات یکی از بهترین طرق رهایی از این بلایا زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است، که ضامن سلامتی و امان از عذاب در قبر و قیامت خواهد بود.

«عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبدالله، أو أبا جعفر علیهما السلام يقول: من أحب أن يكون مسكنه الجنة وأماواه الجنَّة فلا يدع زيارة المظلوم، قلت: من هو؟ قال: الحسين بن علي علیهما السلام صاحب كربلا، من أتاه شوقاً إليه وحجاً لرسول الله وحجاً لفاطمة وحجاً لأمير المؤمنين، أقعده الله على موائد الجنَّة، يأكل معهم والناس في الحساب؛ ۴۲۴۱

۴۰) (۲)-کامل الزيارات، ص ۳۳۰، ح ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۹ و ۵۳.

۴۱) (۱)-کامل الزيارات، ص ۴۹۶، ح ۲۶۹؛ ص ۴۱۶، ح ۲۶۹؛ وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۹۶.

ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: کسی که دوست دارد مسکن و جایگاهش در بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند: مظلوم حضرت حسین بن علی علیهم السلام بوده که صاحب کربلاه می‌باشد، کسی که از روی شوق به آن حضرت و به جهت محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و به فاطمه زهرا علیها السلام و به امیرالمؤمنین علیه السلام به زیارت آن حضرت برود، خداوند متعال او را بر سر سفره‌های بهشتی می‌نشاند، که با رسول خدا و فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام هم غذا باشد، در حالی که مردم در حال حساب می‌باشند».

«عن عبد الله بن زراره قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن لزوار الحسين بن علی علیهم السلام يوم القيمة فضلاً على الناس، قلت: وما فضلهم؟

قال: يدخلون الجنة قبل الناس بأربعين عاماً وسائر الناس في الحساب وال موقف؛

عبد الله بن زراره می‌گوید: از حضرت ابوعبدالله علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: در روز قیامت برای زوار حسین بن علی علیهم السلام بر سایر مردم فضیلت و برتری می‌باشد.

عرض کردم: فضیلت‌شان چیست؟

حضرت فرمودند: چهل سال قبل از آنها به بهشت داخل می‌شوند، در حالی که مردم در حساب و موقف می‌باشند».

«عن حذيفة بن منصور قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام لله وفي الله، اعتقه الله من النار وآمنه يوم الفرع الأكبر، ولم يسأل الله تعالى حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلّا أعطاه؛

حذیفه بن منصور می‌گوید: حضرت ابوعبدالله علیه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را قربة الى الله و برای خدا زیارت کند، حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فرع اکبر او را در امان قرار می‌دهد و حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته، مگر آنکه باری تعالی به وی اعطاء می‌فرماید».

(۱) (۴۲) - ابن قولویه روایت مذکور را دوبار به مضمون و الفاظ واحد، اما با اختلاف طرق ذکر کرده است. در مورد اول، روایت را به استاد شیخ صدوی رحمه الله در ص ۲۶۱، باب ۵۲، ح ۳۹۳، از ابی بصیر به نقل از امام باقر یا صادق علیه السلام ذکر کرده، در مورد دوم، روایت را به استاد پدرش «محمد بن قولویه» در ص ۲۶۹، باب ۵۶، ح ۴۱۶ به همان ترتیب ذکر کرده است.

(۲) (۴۲) - کامل الزیارات، ص ۲۶۲، ح ۳۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۵.

(۳) (۴۴) - کامل الزیارات، ص ۲۷۶، ح ۴۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۹.

«عن ابی اسامیه زید الشحام قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من أتى قبر الحسین علیه السلام تشوّقاً اليه كتبه الله من الآمنین یوم القيامه، واعطی کتابه بیمینه، وكان تحت لواء الحسین علیه السلام حتی یدخل الجنۃ، فیسكنه فی درجته ان الله سمیع علیم»^{٤٥}

زید شحام می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرکس به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود، خداوند متعال او را جزء آمنین در روز قیامت قرار داده و نامه اعمالش را به دست راستش خواهد داد و زیر لواء امام حسین علیه السلام خواهد بود تا داخل بهشت شود و او را در جوار

ص: ٤٤

امام حسین علیه السلام جای دهد».

احادیث مؤثر در فضیلت و ثواب زیارت سیدالشہدا امام حسین علیه السلام، شامل زیارت شریفه عاشورا می‌باشد که به حول و قوه الھی در نظر است در این جزوہ سند زیارت عاشورا مورد بررسی قرار گیرد ان شاء الله تعالی.

ص: ٤٥

حدیث زیارت عاشورا

شیخ طوسی رحمه الله در مصباح المتهجد در بخش زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا می‌فرماید: «روی محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن صالح بن عقبة، عن أبي جعفر علیه السلام قال: من زار الحسین بن على علیهمما السلام فی یوم عاشوراء

[من المحرم]

٤٦[

حتی یظل عنده باکیا، لقی الله عز وجل یوم ۴٧ یلقاء بثواب
الفی ٤٨ حجه وalfi عمره وalfi غزوه، ثواب کل غزوه وحجه وعمره

(٤٥) - کامل الزیارات، ص ٢٧٠، ح ٤١٨؛ وسائل الشیعه، ج ١٠، ص ٣٨٨، ح ٤.

(٤٦) - مطالب داخل گیومه متعلق به کامل الزیارات است.

(٤٧) - یوم القيامه.

(٤٨) - در کامل الزیارات «الفی الف حجه والفی الف عمره و...» دارد.

کثواب من حج واعتمر وغزی مع رسول الله صلی الله علیه و آله و مع الائمه الراشدین؛

محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش (عقبه بن قیس) از حضرت ابی جعفر الباقر علیه السلام، روایت کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که در روز عاشورا (روز دهم محرم الحرام) حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند، روز قیامت خدا را ملاقات کند، در حالی که خداوند متعال ثواب دو هزار عمره و دو هزار مرتبه جهاد را به وی بدهد، ثواب هر حج و عمره و جهادی، همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) بجا آورده باشد».

«قال: قلت: جعلت فدک فما لمن کان فی بعد البلاط وأفاصیه ولم

ص: ۴۶

يمکنه المصیر إلیه فی ذلك اليوم؟ قال: إذا كان كذلك برب إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره، وأوّلماً إلیه بالسلام، واجتهد في الدعاء على قاتله وصلى بعده رکعتين، وليكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسين عليه السلام ويبيكيه ويأمر من في داره من لا يتقيه بالبكاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه، وليعز بعضهم بعضاً بمصابיהם بالحسين عليه السلام وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك، قلت: جعلت فدک أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن فعل ذلك؛

علقمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم علیه السلام عرضه داشتم:

فدایت شوم، چه اجر و ثوابی است برای کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعيد بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشورا) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام علیه السلام فرمودند: وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت (زیارت عاشورا) را قبل از ظهر آن روز انجام دهد، سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نماید و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد الله

ص: ۴۷

الحسین علیه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهایی که داده شد عمل کنند، من ضامن می شوم که حق تعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می شوید؟

حضرت فرمودند: در صورتی که به دستورهای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشد».

«قلت: فكيف يعزى بعضا؟ قال: تقولون: أعظم الله أجورنا بمصابينا بالحسين عليه السلام وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدى من آل محمد عليهم السلام. وإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة مؤمن، فإن قضيت لم يبارك له فيها ولم ير فيها رشدا، ولا يدخلن أحدكم لمنزله فيه شيئاً، فمن ادخر في ذلك اليوم شيئاً لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له في أهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه و آله، وكان له أجر وثواب مصيبة كل بي ورسول ووصي وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة».^{٤٩}

علقمه می گوید: محضر مبارک امام عليه السلام عرض کرد: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدھند چگونه و چه بگویند؟

ص: ٤٨

حضرت فرمودند: بگویند:

اعظم الله أجورنا بمصابينا بالحسين عليه السلام، وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدى من آل محمد صلوات الله عليهم.^{٥٠}

(خداؤند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسین عليه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ظفر قرین، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز (روز عاشورا) را بدنبال نیازمندی هایت نزوی البته مرو، چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت بر آورده شود مبارک نبوده و خیری نخواهد داشت.

توجه داشته باش در آن روز در منزلت آذوقه ای را ذخیره نکنی، چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهله نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا صلی الله عليه و آله انجام داده باشد برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبی که به انبیاء و رسول و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده اند، رسیده است را از بد و خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام

ص: ٤٩

قیامت به او اعطاء می فرماید».

(١) (٤٩) - المصباح المتهدج، ص ٥٣٦، چاپ بیروت.

(١) (٥٠) - المصباح المتهدج، ص ٥٣٦.

«قال صالح بن عقبة وسیف بن عمیره: قال علقمہ بن محمد الحضرمی قلت لأبی جعفر عليه السلام: علمتني دعاء ادعوه به فی ذلک اليوم إذا انا زرتھ من قرب، ودعاء أدعوه به إذا لم ازره من قرب، وأو مات من بعد البلاد ومن دارى بالسلام اليه، قال: فقال لى: يا علقمہ إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تومي اليه بالسلام فقل بعد الإيماء اليه ومن بعد التكبير هذا القول، فانک اذا قلت ذلک فقد دعوت بما يدعوه به من زواره من الملائكة، وكتب الله لك الف الف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين عليه السلام حتى تشارکهم في درجاتهم، ولا تعرف إلّا فی الشهداء الّذین استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبی وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين عليه السلام منذ يوم قتل عليه السلام و على أهل بيته: ۵۱».

صالح بن عقبة و سیف بن عمیره می گویند: علقمہ بن محمد حضرمی می گوید:

حضر مبارک ابی جعفر عليه السلام عرض کردم: دعائی به من تعليم فرمائید، که در آن روز (روز عاشورا) وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم، آن را خوانده و دعائی یادم دهید که هر گاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت، با اشاره سلام دادم، آن را بخوانم.

حضرت فرمودند: ای علقمہ، بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت

ص: ۵۰

سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی، اگر این دعاء (زیارت عاشورا) و زیارت را که شرحش را برایت می گوییم خواندی، پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده‌اند تو نیز دعاء نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار درجه نوشتنه و تو را از کسانی قرار می دهد، که با حضرت حسین بن علی عليه السلام شهید شده‌اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار خواهی گرفت و شناخته نمی‌شود مگر در زمرة شهدائی که با آن حضرت شهید شده‌اند و ثواب زیارت تمام انبیاء و رسولان و کسانی که امام حسین عليه السلام را از زمان شهادتش تا به الان زیارت نموده‌اند را برایت می نویسد».

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَأْبَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَأْبَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَحْشَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَأْبَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَاللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوِتْرَ الْمَوْتَوْرَ ...».

تا پایان زیارت

ص: ۵۱

متن زیارت عاشورا

(۱) - مصباح المتهدج، ص ۵۳۶؛ و همچنین این روایت در کتاب کامل الزیارات با اندکی اختلاف نقل شده است.

السلامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْنَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ ٥٢ وَالْوَتْرَ

الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبْدَأْ مَا بَقِيَتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرِّزْيَةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتِكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعْنَ اللَّهِ أُمَّةً أَسَسَتِ اسْسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعْنَ اللَّهِ أُمَّةً دَفَعْتُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَازْتَكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعْنَ اللَّهِ أُمَّةً قَاتَلْتُمُوهُمْ، وَلَعْنَ اللَّهِ الْمُمَهَّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرَّئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَا عِهِمْ وَأَتَبَاعِهِمْ، يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ أَنِّي سَلَمَ لِمَنْ سَالَكُمْ وَحَرَبَ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ٥٣ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

وَلَعْنَ اللَّهِ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعْنَ اللَّهِ بْنَى امِيَّةَ قَاطِبَةَ، وَلَعْنَ اللَّهِ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعْنَ اللَّهِ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعْنَ اللَّهِ شِمْرَاً، وَلَعْنَ اللَّهِ أُمَّةً أَسْرَاجَتْ ٥٤

وَالْجَمَتْ وَتَتَقَبَّلْتِ لِقِتَالِكَ، بِأَنِّي أَنْتَ وَأَمِّي ٥٥ لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِيَكَ، فَأَسْأَلُ

اللَّهُ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يُرْزَقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمامٍ

ص: ٥٢

مُنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

عِنْدَكَ وَجِيَهًا بِالْحُسْنَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ ٥٧

يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَنْتَرَبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُوالَاتِكَ ٥٨ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ قَاتَلَكَ

وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ

[مِنْ أَسَسِ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَا عِهِمْ وَأَنْرَأَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ بِالْبَرَاءَةِ]

(١) ٥٢- در کتاب کامل الزیارات «خبرة الله وابن خیرته» به جای این فقره از دارد.

(٢) ٥٣- اضافه در نسخه دیگر: «وَوَلِيُّ لِمَنْ وَالْأُكُمْ وَعَدُوُّ لِمَنْ عَادُكُمْ» دارد.

(٣) ٥٤- در کامل الزیارات و مزار ابن مشهدی کلمه «تهیات» دارد.

(٤) ٥٥- اضافه در نسخه دیگر: «يَا أبا عبد الله» دارد.

(٥) ٥٦- کلمه «سلام» در نسخه اصلی وجود ندارد.

(٦) ٥٧- اضافه در نسخه دیگر: «وَمِنَ الْمُقْرَبِينَ» دارد.

(٧) ٥٨- اضافه در نسخه دیگر: «وموالاة أوليائتك» دارد.

[مِنْ أَسَسَ ذِلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاكُمْ، بَرَتْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوَالَاتِكُمْ وَمُوَالَةِ وَلِيْكُمْ وَبِالبَرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمُ الْحَرَبَ، وَبِالبَرَائَةِ مِنْ أَشْيَاكُهُمْ وَأَتَبَاعِهِمْ ٥٩] إِنِّي سَلِيمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلَى

لِمَنْ وَالاَكُمْ وَعَدُوُ لِمَنْ عَادَكُمْ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أُولَيَّكُمْ وَرَزَقَنِي الْبَرَائَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَأَنْ يُبَيِّنَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَيِّنَ لِي المَقَامَ الْمَحْمُودَ

[الَّذِي]

[لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي ٦٠ مَعَ إِمامٍ ٦١ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ

ص: ٥٣

وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِنِي بِمُصَابِيِّكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَابِيِّهِ ٤٢،

[يَا لَهَا مِنْ]

٤٣ [

مُصَبِّيَّةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّهَا فِي الإِسْلَامِ

وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ تَالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَّيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ

[صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]

٤٤ [

، اللَّهُمَّ أَعْنُ ابَا سُفْيَانَ وَمَعَاوِيَةَ وَبَيْزِيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ

_____ (٥٩) - اضافه در نسخه ديگر: «يا ابا عبدالله» دارد.

(٤٥) - در نسخه مصباح شيخ طوسی رحمه الله و مزار ابن مشهدی رحمه الله «ثارکم» دارد.

(٤٦) - در کامل الزيارات «مع امام مهدی» دارد.

(٤٧) - در نسخه ديگر: «بِمُصَبِّيَّةٍ» دارد.

(٤٨) - مصباح المتهجد اضافه دارد.

(٤٩) - مصباح ندارد.

اللَّعْنَةُ أَبْدُ الْآدِيْنَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعَفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابُ الْأَلِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقْرَبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاةِي بِالْبَرَائَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوَالَةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

سپس می گویی:

اللَّهُمَّ أَعْنُ اُولَئِكَ ظَالِمٌ حَقُّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ أَعْنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ [وَشَاءَتْ]

[٦٥]

وَتَابَعَتْ وَبَأَيَّتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ أَعْنُهُمْ جَمِيعاً.

آن را یکصد مرتبه تکرار می کنی.

ص: ٥٤

آن گاه می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، ٦٦ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبْدَا مَا بَقِيَتُ وَبَقَى اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ

اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي

[لِزِيَارَتِكُمْ]

[٦٧]

، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلَى بْنِ

الْحُسَيْنِ وَعَلَى أُولَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

آن را هم یکصد مرتبه می گویی.

بعد از آن می گویی:

اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أُولَئِكَ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَأَبْدَا بِهِ أَوَّلًا ٨٤ ثُمَّ الْعَنِ الثَّانِي وَالثَّالِثُ وَالرَّابِعُ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنْ

_____ (٤) - مصباح ندارد.

(١) - اضافه در نسخه دیگر: «وَانَّا خَتَّ بِرِحْلَكَ» دارد.

(٢) - مصباح «لزیارتک» دارد.

عُبَيْدُ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِيمْرَاً وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

بعد به سجدہ می روی و می گویی:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزْيَتِي، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
يَوْمَ الْوُرُودِ وَبَيْتٌ لِي قَدَمٌ صِدْقٌ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَاجِّمُ ٦٩٠ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ.

(پایان زیارت)

قال علقمة: قال ابو جعفر الباقر عليه السلام: «ان استطعت ان تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دارك فافعل، ولكن ثواب جميع ذلك» .^{٧٠}

ص: ٥٥

ترجمہ زیارت عاشورا

حضرت امام باقر عليه السلام دربارہ روش خواندن زیارت عاشورا به علقمه فرمودند، می خوانی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، [سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش]، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه، سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای خون خدا (یعنی خدا صاحب خون تو و طلب کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح های مطهری که کنار تو قرار گرفته اند! از طرف من تا ابد و تا وقتی که هستم و شب و روز باقی هستند، سلام خداوند بر شما باد. ای ابا عبدالله! عزای شما بزرگ بوده و مصیبت شما بر ما و تمام اهل آسمان ها و زمین سنگین می باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اساس و پایه های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را بنا نهاده اند، لعنت کند و از رحمتش دور سازد و گروهی که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند، لعنت فرماید و خدا لعنت کند کسانی را که شما را از جایگاه و مقاماتان که خدا برای شما مقرر فرموده، برکنار نمودند و لعنت نماید گروهی را که شما را کشتند، و لعنت نماید کسانی را که برای قاتلان شما زمینه سازی کرده و ایشان را بر کشتن شما یاری نمودند. بیزاری جویم به سوی خدا و به سوی شما از این گروه و از پیروان و تابعین آنها.

(٣) - در نسخه دیگر: «الأول» دارد.

(٤) - اضافه در نسخه دیگر: «مُهَاجِّمُ» دارد.

(٥) - مصباح المتهجد، ص ٥٣٦؛ کامل الزیارات، ص ٣٣٢.

ای ابا عبدالله! من با کسی که با شما در صلح بوده، در صلح هستم و

ص: ۵۶

با آن کس که با شما در جنگ می‌باشد، تا روز قیامت در جنگ خواهم بود. پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیه را و لعنت کند جماعتی را که اسب‌ها را زین کرده، لجام زده و برای کشتن تو آماده شدند.

ای ابا عبدالله! پدر و مادرم به فدایت، مصیبیت شما بر من گران و بزرگ است، پس من از خدایی که مقام تو را گرامی داشته درخواست می‌کنم، که به واسطه شما مرا نیز مورد کرامتش قرار دهد و بر من منت نهاد که همراه امام یاری شده از آل محمد علیهم السلام، خون تو را طلب نمایم.

بار خدایا! مرا به واسطه حسین علیه السلام نزد خودت در دنیا و آخرت آبرومند قرار بده. ای آقای من! ای ابا عبدالله!

من به خدای تعالی، به رسولش صلی الله علیه و آله، به امیر المؤمنین علیه السلام، به فاطمه علیها السلام و به حسن علیه السلام به سوی تو تقرب می‌جویم، به واسطه محبتم به تو و بیزاری جستن از دشمنان و از کسانی که تو را کشتند و جنگ با تو را به پا کردند و نیز بیزاری از کسانی که ظلم و ستم را پایه‌گذاری کرده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و به دنبالش بر شما و شیعیان شما ظلم و جور نمودند. از ایشان به سوی خدا و تو تبری و بیزاری می‌جویم و به سوی خدا و سپس به سوی شما تقرب می‌جویم، با دوست داشتن شما و دوستان شما، و با بیزاری از دشمنان شما و کسانی که جنگ با شما را به پا نمودند و نیز بیزاری از پیروانشان و دنباله‌روهای آنان.

من با کسانی که با شما در صلح هستند، در صلح بوده و با آنان که با شما حرب و جنگ می‌کنند، جنگ می‌نمایم. کسی که شما را دوست

ص: ۵۷

دارد دوست دارم و با کسی که با شما دشمنی دارد، دشمن می‌باشم.

پس از خدایی که به واسطه شناخت شما و شناخت دوستان شما، مرا مورد کرامت قرار داد و بیزاری از دشمنانتان را روزی من قرار داد، درخواست می‌کنم که در دنیا و آخرت مرا همراه شما قرار داده، و در دو عالم به مقام صدق و صفائی با شما مرا ثابت بدارد. و از او می‌خواهم که مرا به مقام پسندیده‌ای که شما نزد حضرتش دارید، برساند و نیز روزی من کند، که در رکاب امام هدایت شده ناطق، خون شما را مطالبه کنم و به حقانیت شما و به شأن و مرتبه‌ای که نزد او دارید، از خداوند درخواست می‌کنم که به واسطه عزاداری من برای شما، بالاترین اجری را که به مصیبیت‌دیدگان می‌دهد، به من عطا فرماید.

بار خدایا! مرا در این مقام و مرتبه‌ای که دارم، از کسانی قرار بده که درودها، رحمت و آمرزشی از تو به ایشان می‌رسد.

خداؤندا! حیات مرا همچون حیات محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و موتمن را مانند موت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله قرار بده. بار خدایا! به درستی که امروز، روزی است که لعنت بر دودمان زیاد، امیه و پسر خورنده جگرها؛

یعنی ملعون، فرزند ملعون بر زبان تو و زبان پیامبرت فرود آمده؛ در هر سرزمین و مکانی که پیامبرت صلی الله علیه و آله در آن وقوف و درنگ داشته باشد.

خداؤندا! ابوسفیان، معاویه و یزید، پسر معاویه را برای همیشه مورد لعنت قرار بده. خداوندا! لعنت جاودانی خود را بر ایشان، به

ص: ۵۸

خاطر کشتن حسین علیه السلام چند برابر گردان.

بارخدا! من در این روز و در این مکان و در طول مدت زندگانی ام به تو تقرب می‌جویم؛ به واسطه بیزاری از ایشان، درخواست لعنت بر ایشان، به واسطه دوست داشتن پیامبرت - محمد صلی الله علیه و آله - و دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام پیامبرت صلی الله علیه و آله که درود خدا بر همه آنان باد.

سپس صد مرتبه می‌گویی:

بارخدا! لعنت کن اولین ستمگری را که با غصب کردن حق محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام، به ایشان ستم نمود و آخرین کسی که از این ستمگران در غصب کردن حق ایشان، پیروی کرد. خداوندا! لعنت کن گروهی را که با حسین علیه السلام به جنگ برخاستند و از دشمنان او پیروی نموده، با آنان بیعت کرده و بر قتل آن حضرت و کشتن یارانش، با ایشان هم قسم شدند. خداوندا! همگی آنان را لعنت نما و از رحمت دور ساز.

سپس صد مرتبه می‌گویی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر ارواح طیبه‌ای که اطرافت را گرفته و در مأوى و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده‌اند. از جانب من، سلام، تحيت و رحمت خدا همیشه بر شما باد تا وقتی که من باقی، و شب و روز باقی می‌باشد و این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده. سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و بر یاران حسین، صلوات و رحمت خدا بر همه ایشان باد.

سپس یک مرتبه می‌گویی:

ص: ۵۹

بارخدا! لعن خود را مخصوص گردان به اولین کسی که به اهل بیت پیغمبرت ستم کرده، سپس لعن کن دشمنان آل محمد را از اولین و آخرین. خدا! یزید و پدرش را لعن فرما و عبیدالله بن زیاد و دودمان مروان و همه بنی امية را تا روز قیامت لعن کن.

سپس به سجده می‌روی و در آن می‌گویی:

بارخدا! تو را ستایش می‌کنیم؛ ستایش سپاسگزاران بر مصیبتي که بر آنان وارد می‌شود، حمد و ستایش خدا بر سنگینی مصیبیت و عزاداری من. خدا! شفاعت امام حسین علیه السلام را در روز ورود به جهان آخرت نصیبیم فرما و قدم

صدقی را نزد خودت، همراه امام حسین علیه السلام و اصحابش برای من ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین علیه السلام ایشار نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنان باد.

(پایان ترجمه زیارت عاشورا)

علقمة می‌گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: ای علقمه اگر بتوانی هر روز با این زیارت (زیارت عاشورا) امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، البته این کار را انجام بده، که ان شاء الله تمام ثواب‌هایی که ذکر شده برایت منظور می‌گردد».

ص: ۶۰

دعای بعد از زیارت عاشورا (حدیث صفوان) ۷۱

«روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال وعنده جماعة من أصحابنا إلى الغری بعدما خرج ابو عبدالله عليه السلام، فسرنا من الحیرة إلى المدينة، فلما فرغنا من الزيارة

[زيارة أمير المؤمنین علیه السلام]

[صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين عليه السلام فقال لنا: تزورون الحسين عليه السلام من هذا المكان عند رأس أمير المؤمنین علیه السلام من هيئنا أو ما إلى أبي عبدالله الصادق عليه السلام وأنا معه. قال: فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقمة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر عليه السلام في يوم عاشوراء ثم صلّى ركعتين عند رأس أمير المؤمنین عليه السلام ووَدَعَ في دربها أمير المؤمنین علیه السلام وأوْمأَ إلى الحسين بالسلام، منصرفاً بوجهه نحوه ووَدَعَ وكان فيما دعا في دربها؛

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كَربَلَةِ الْمُكْرُوبِينَ، يَا غَيَاثَ الْمُسْتَغْيَبِينَ، يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ،
وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَاتَمَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفِي

ص: ۶۱

عَلَيْهِ خَافِيَةً، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلْحِينَ، يَا مُدْرِكَ كُلَّ

فَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلَّ شَمْلٍ، وَيَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأنٍ، يَا قَاضِي الْحَاجَاتِ، يَا مُنَفَّسَ

(۱)- اکثر ناشرین که کتاب مفاتیح الجنان را چاپ کرده‌اند، این فقره از دعا را به نام «دعای علقمه» ذکر کرده‌اند، حال آنکه علقمه این دعا را نقل نکرده، بلکه این دعا متعلق به صفوان می‌باشد، صفوان می‌گوید: امام علیه السلام بعد از آنکه دو رکعت به جای آورد این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) را خواند، آنگاه سیف بن عمیره خطاب به صفوان می‌گوید: علقمه بن محمد این دعا را بر ما نخواند، پس نشان می‌دهد که این دعا نقل علقمه نیست بلکه نقل صفوان است و اشتباهاً به دعا علقمه معروف شده است.

الكرباتِ، يا مُعطيَ الْسُّوْلَاتِ، يا ولَيَ الرَّغَباتِ، يا كافِيَ الْمُهَمَّاتِ، يا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَعَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحَسَنِينَ فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأَقْسِمُ وَأَغْزِمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّاءِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقُدْرَ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلُوكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلَتُهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصَتُهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ، وَبِهِ أَبْتَهَمُ وَأَبْتَهَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ، حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلُ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكَسِّفَ عَنِّي غَمِّيَ وَهَمِّي وَكَرْبِي، وَتُكَفِّيَ الْمُهُمَّ مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِيَ عَنِّي دِينِي وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتُجِيرَنِي مِنْ الْفَاقَةِ وَتُغَيِّبَنِي عَنِ الْمَسَالَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ، وَتُكَفِّيَهُمْ مِنْ أَخَافُهُمْ، وَجَوَرُهُمْ أَخَافُهُمْ، وَعُسْرُهُمْ أَخَافُهُمْ، وَحَزْوَنَهُمْ أَخَافُهُمْ، وَشَرَّهُمْ أَخَافُهُمْ، وَمَكْرُهُمْ أَخَافُهُمْ، وَبَعْنَاهُمْ أَخَافُهُمْ، وَسُلْطَانَهُمْ أَخَافُهُمْ، وَكَيْدَهُمْ أَخَافُهُمْ، وَمَقْدِرَتَهُمْ أَخَافُهُمْ، وَتَرَدُّهُمْ أَخَافُهُمْ، اللَّهُمَّ مِنْ أَرَادَنِي فَأَرْدُهُ، وَمِنْ كَادَنِي فَكِدَهُ، وَاصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرُهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيهُ، وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنَّى شِئْتَ، اللَّهُمَّ اشْغُلْهُ عَنِّي بِقَرْ لَا تَجْبُرُهُ، وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ،

ص: ٦٢

وَبِفَاقَةٍ لَا تَسْدُهَا، وَبِسُقُمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَذَلِلٌ لَا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا، اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذَّلِلِ نَصْبَ عَيْنِيهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقَرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةِ وَالسُّقُمِ فِي بَدِئِهِ، حَتَّىٰ تَشْغُلَهُ عَنِّي بِشَغْلِ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْسِهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَرَجْلِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذِلِكِ السُّقُمِ وَلَا تَشْفِهِ حَتَّىٰ تَجْعَلْ ذَلِكَ لَهُ شُغْلاً شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَأَكْفِنِي يَا كافِي مَا لَا يَكْفِي سِواكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كافِي سِواكَ، وَمُفْرَجٌ لَا مُفْرَجَ سِواكَ، وَمُغْيِثٌ لَا مُغْيِثَ سِواكَ، وَجَارٌ لَا جَارَ سِواكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارًا سِواكَ، وَمَفْزَعٌ لَا مَفْزَعَ إِلَى سِواكَ، وَمَهْرَبٌ إِلَى سِواكَ، وَمَلْجَأٌ إِلَى غَيْرِكَ سِواكَ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقِ غَيْرِكَ، فَأَنْتَ تَقْتَىٰ وَرَجَائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجَائِي وَمَنْجَائِي، فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي وَأَنْتَ الْمُسْتَعْانُ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُكْسِفَ عَنِّي غَمِّيَ وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفِيتَهُ هَوْلَ عَدُودَهُ، فَأَكْشِفَ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرَّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَأَكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ، وَاصْرَفْ عَنِّي هَوْلَ مَا اخَافُ هَوْلَهُ، وَمَوْنَاهُ مَا اخَافُ مَوْنَتَهُ، وَهُمْ مَا اخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَوْنَاهُ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذِلِكَ، وَاصْرَفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَكِفَايَةٌ مَا اهْمَنَى هَمُّهُ مِنْ امْرٍ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ.

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا ابا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ ابْدًا مَا بَقِيَتُ

ص: ٦٣

وَبِقَيِّ الْلَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ أَخْرَى الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَقَ اللَّهُ بَيْنَنِي وَبَيْنَكُمَا، اللَّهُمَّ احْيِنِي حَيَاةً مُحَمَّدٍ وَذِرْيَتِهِ وَامْتَنِنِي مَمَاتَهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلَىٰ مِلَّتِهِمْ، وَاحْسَنْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تُنَزِّقْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ ابْدًا فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا ابا عَبْدِ اللَّهِ، أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشِفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حاجَتِي هَذِهِ فَاسْفَعُهَا لِي فَإِنَّكُمَا عِنْدَ اللَّهِ الْقَعَدَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَاجِيَةَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ، إِنِّي أَقْلِبُ مِنْكُمَا مُنْتَظِرًا لِتَنَجِّزَ الْحَاجَةَ وَقَضَائِها وَنَجَاحِها مِنَ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِإِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ، فَلَا أَخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلِبًا خَابِرًا،

بَلْ يَكُونُ مُقْلِبِي مُقْلِبًا راجحًا مُفْلِحًا مُنجِحاً مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشَفَّعًا لِي إِلَى اللَّهِ، إِنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مُفْوِضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ مُلْجَاً ظَهَرِي إِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفِي، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، يَئِسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَاءَ كُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهِي، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا، إِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَا وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَبَصِّلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمَا غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، إِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا، راجِيًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ آيِسٍ وَلَا قَاطِنٍ، آيِيَا عَائِدًا راجِعًا إِلَى

ص: ٦٤

زِيَارَتِكُمَا، غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُمَا وَلَا عَنْ زِيَارَتِكُمَا بَلْ راجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، يَا سَادَتِي رَغِبُتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ رَهَدَ فِيْكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا خَيَّبَنِي اللَّهُ مَا رَجَوْتُ وَمَا أَمْلَأْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

(بيان دعاء بعد زيارت عاشورا [حديث صفوان]):

«قال سيف بن عميرة: سألت صفوان، فقلت له: إن علقة بن محمد الحضرمي، لم يأتنا بهذا عن أبي جعفر عليه السلام، إنما أتانا بدعاء الزيارة، فقال صفوان: وردت مع سيدى أبي عبدالله عليه السلام إلى هذا المكان، فعل مثل الذى فعلناه فى زيارتى، ودعا بهذا الدعاء عند الوداع بعد أن صلى كما صلىنا، وودع كما ودعنا، ثم قال لى صفوان: قال لى أبو عبدالله عليه السلام:

تعاهد هذه الزيارة وادع بهذا الدعاء وزر به، فأنى ضامن على الله تعالى لكل من زار بهذه الزيارة ودعا بهذا الدعاء من قرب أو بعد، أن زيارته مقبولة وسعية مشكور وسلامه واصل غير محجوب و حاجته مقضية من الله بالغا ما بلغت ولا يخييه. يا صفوان وجدت هذه الزيارة مضمونة بهذا الضمان عن أبي وأبي عن أبيه على بن الحسين عليه السلام، مضموناً بهذا الضمان عن الحسين، والحسين عن أخيه الحسن مضموناً بهذا الضمان، والحسن عن أبيه أمير المؤمنين مضموناً بهذا الضمان، وأمير المؤمنين عن رسول الله صلى الله عليه وآله مضموناً بهذا الضمان، ورسول الله صلى الله عليه وآله عن جبريل عليه السلام مضموناً بهذا الضمان، وجبريل عن الله عز وجل مضموناً بهذا الضمان، قد آلى الله على نفسه عز وجل أن من زار الحسين عليه السلام بهذه الزيارة من قرب أو بعد ودعا بهذا الدعاء، قبلت منه زيارته وشفعته في مسألته

ص: ٦٥

بالغاً ما بلغ وأعطيته سؤله، ثم لا ينقلب عن خائباً وأقلبه مسروراً قريراً عينه بقضاء حاجته والفوز بالجنة والعتق من النار، وشفعته في كل من شفع خلا ناصب لنا أهل البيت آلى الله تعالى بذلك على نفسه وأشهدنا بما شهدت به ملائكة ملكوتهم على ذلك، ثم قال جبريل: يا رسول الله أرسلني إليك سروراً وبشرى لك، وسروراً وبشرى لعلى عليه السلام وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام وإلى الأئمة من ولدك إلى يوم القيمة، فدام يا محمد سرورك وسرور على وفاطمة والحسن والحسين والأئمة عليهم السلام وشيعتكم إلى يوم البعث، ثم قال صفوان: قال لى أبو عبدالله عليه السلام: يا

صفوان إذا حدث لک إلى الله حاجة، فزر بهذه الزيارة من حيث كنت، وادع بهذا الدعاء وسل ربک حاجتك تأتک من الله، والله غير مخلف وعده ورسوله صلی الله عليه و آله بمنه والحمد لله»^{۷۲}

ص: ۶۶

ترجمه‌ی دعای بعد از زیارت عاشورا (حدیث صفوان) ۷۳

محمد بن خالد طیالسی به نقل از سیف بن عمیره می‌گوید: من و صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم. بعد از خروج امام صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه، آنگاه که ما از زیارت فارغ شده و با مولای متین و داع نمودیم، صفوان گفت: برماست که از این مکان (اشاره به بالاسر مضجع شریف امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام) امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم، زیرا در خدمت امام صادق علیه السلام بودم و ایشان از همین مکان حضرت سیدالشهدا علیه السلام را زیارت کردند، آنگاه صفوان بعد از خواندن زیارت عاشورا و دو رکعت نماز آن، از همان بالاسر مضجع توجه به مشهد سیدالشهدا علیه السلام نموده و در ضمن اشاره این دعا را خواند: ^{۷۴} ای خدا، ای خدا! ای مستجاب کننده دعای بیچارگان و ای برطرف کننده غم و اندوه پریشان خاطران. ای دادرس دادخواهان و ای فریادرس فریادخواهان و ای آنکه از شاهرگ من به من نزدیک تری.

ای آنکه بین شخص و قلب او حاصل می‌شود! ای آنکه ذات در منظر بلند و وجودت در افق، روشن است.

ای آنکه او منحصراً بخساپنده و مهربان و بر عرش مستقر است، ای

ص: ۶۷

آنکه نظر چشم آنان که به خیانت نگرند و آنچه در دل‌ها پنهان دارند، همه را می‌دانی؛ ای آنکه هیچ امر مستور و سر مخفی بر تو پنهان نیست. ای آنکه اصوات بر تو مشتبه نخواهد شد و حاجات، تو را به اشتباہ نیفکند و ای کسی که الحاج و التماس، تو را رنج و ملال ندهد.

ای مُدرک هرچه فوت شود و ای جمع آرنده هرچه در جهان متفرق و پریشان شود، ای برانگیزندۀ جان‌ها پس از موت.

ای آنکه تو را در هر روز شأن خاصی است؛ ای برآورنده حاجات؛ ای برطرف کننده غم و رنج‌ها؛ ای عطا بخش سؤالات.

(۱) ۷۲- مصباح المتهدج، ص ۵۴۰

(۱) ۷۳- در اکثر کتب چاپ شده مقاتیح الجنان این دعا به نام علّقمة معرفی شده است حال آنکه این دعا علّقمة نیست بلکه حدیث صفوان بن مهران است.

(۲) ۷۴- مصباح المتهدج، ص ۷۷۷؛ مزار کبیر، باب ۷۱، ص ۳۲۵ و ۳۲۸

ای مالک رغبت و اشتیاقات، ای کفایت کننده مهمات خلائق.

ای کسی که تو به تنها ی کفایت از همه می‌کنی و هیچ چیز در آسمان و زمین از تو کفایت نمی‌کند.

از تو درخواست می‌کنم، به حق محمد صلی الله علیه و آله، خاتم پیغمبران و به حق علی، امیر اهل ایمان و به حق فاطمه، دخت پیغمبر و به حق حسن و حسین علیه السلام که من به وسیله آن بزرگواران به درگاه حضرت روی آورده‌ام در این مقام و به آنها تسلی جسته و آنان را به درگاه شفیع می‌آورم و به حق آن پاکان از تو مسئلت می‌کنم و سوگند می‌خورم و سوگند می‌دهم تو را و به شان و مقامی که آن بزرگواران را نزد توست، و به قدر و منزلتشان نزد تو، و به آن سر حقیقتی که موجب افضیلت آنها بر عالمیان گردید و به آن اسم خاصی که تو نزد آنها قرار دادی از همه خلق به آنها اختصاص دادی تا آنکه فضل و کمال آنان برتر از تمام عالمیان گردید.

ص: ۶۸

(به این امور تو را قسم می‌دهم و) از تو درخواست می‌کنم که درود فرستی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، و هم و غم و رنج مرا برطرف سازی.

و مهمات امور را کفایت فرمایی و دینم را ادا سازی و از فقر و مسکنتم نجات دهی و مرا از سؤال از خلق، به لطف و کرمت بی نیاز گردانی و مرا کفایت کنی از هر هم و غمی که از آن می‌ترسم و از مشکل و دشواری هر که را که از او خائقم و از شر هر اشاره‌ی که ترسانم و از مکر و ظلم و جور کسانی که ترسناکم و از تسلط، خدعا، کید و اقتدار کسانی که از آنها خائقم بر خود؛ از همه مرا حفظ و کفایت فرمایی و کید و خدعا حیلت‌گران و مکر مکاران را از من بگردانی.

پروردگارا! هرکس با من اراده شری دارد، شرش را به خود او برگردان و هرکه با من قصد خدعا و فریب دارد آرزو، فریب و آسیب او را از من برطرف ساز و به هر طریق و به هرگاه که می‌خواهی، آزارش را از من منع فرما.

خداؤندا! سرگرمش کن او را از من، به چنان فقر و بیچارگی که جبراوش نکنی و به بلایی که مستورش نکنی و به نیازمندی و تهی دستی که سامانش ندهی و به دردی که درمانش نکنی و به خواری و ذلتی که عزتش ندهی و به چنان بیچارگی که جبراوش نکنی.

خداؤندا! ذلت نفس را نصب العین او گردان و فقر و احتیاج را به منزل او داخل ساز، و درد و مرض را به بدن او جای ده تا او را از من، همیشه مشغول درد و الم و فقر خودش گردانی و مرا از یاد او بپر چنان‌که یاد خود را از خاطرش بردی و آن دشمن مرا تو به کرمت،

ص: ۶۹

گوش، چشم، زبان، دست، پا، قلب و جمیع اعضایش را از آزار و اذیت به من منع فرما و دردی به تمام این اعضا و جوارحش مسلط فرما که ابداً شفا نبخشی تا از من مشغول شود و یاد من از خاطرش برود و مهمات مرا کفایت فرما، ای کافی! مهماتی که غیر تو احدی آن مهمات را کفایت نتواند کرد که همانا توبی کفایت کننده در عالم و جز تو کفایت کننده‌ای نیست و فرج و گشایش امور منحصر به توست و غیر تو نیست، و فریاد رس خلق توبی و غیر تو نیست و پناه بیچارگان توبی و غیر تو نیست.

هرکس به جوار غیر تو پناه برد و فریادرسی جز تو طلبید و زاری به درگاه غیر تو کرد و ملجم و پناهی غیر تو جست و نجات بخشی ماسوای تو، از مخلوق طلب کرد، محروم و ناامید گشت.

پس توبی ای خدا، اعتماد و امید من و محل زاری، پناه، ملجم و نجات بخش من که به لطف تو گشايش و فیروزی می طلبم و به وسیله محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله به درگاه تو روی می آورم و توسل و شفاعت می جویم.

پس از تو درخواست می کنم ای خدا، ای خدا! و تو را شکر و ستایش می کنم و به درگاه تو به شکوه، ناله و زاری می آیم و از تو یار و یاور می طلبم.

باز تنها از تو مسئلت می کنم، ای خدا، ای خدا! به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله که درود فرستی بر محمد و آل اطهارش و از من هم و غم و رنج و پریشانیم را برطرف سازی در همین جا که اقامت

ص: ۷۰

دارم.

چنان که هم و غم و رنج پیغمبرت را نیز تو برطرف فرمودی و از هول و هراس دشمنش کفایت کردی؛ پس از من برطرف ساز چنان که از آن حضرت برطرف ساختی و به من فرج و گشايش بخش، چنان که به او بخشیدی، و امور را کفایت فرما چنان که از او کفایت فرمودی، و هرچه از آن هراسانم تو برطرف گردان و از من آنچه که از مشقت و زحمتش ترسانم و آنچه از او اندوهناک و پریشان خاطرم بدون رنج و زحمت برخودم، تو از من کفایت فرما و مرا حاجت برآورده، از اینجا بازگردان و مهمات امور دنیا و آخرت را کفایت فرما.

ای امیرالمؤمنین و ای ابا عبدالله الحسین! سلام و تحيیت خدا از من بر شما باد، همیشه تا من باقیم و تا شب و روز باقی است و خداوند این زیارت مرا آخرین عهد من در زیارت شما قرار ندهد و خدا هرگز میان من و شما جدایی نیافکند.

خداوند! مرا به طریق حیات محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله زنده بدار و به طریق آنان بمیران و بر ملت و شریعتشان قبض روحمن فرما و در زمرة آن بزرگواران محسورم گردان و طرفه العینی تا ابد در دنیا و آخرت میان من و آنها جدایی میفکن.

ای امیرالمؤمنین و ای ابا عبدالله! من آدم به زیارت شما و برای توسل به سوی خدا، پروردگار من و شما و برای توجه به درگاه او به وسیله شما و به شفاعت شما به سوی خدا، برای برآمدن حاجتم؛ پس برای من به درگاه خدا شفاعت کنید که شما را نزد

ص: ۷۱

خدا مقام بلند محمود، آبرومندی رتبه و منزلت رفیع است و وسیله خدایید.

حال که من از زیارت شما باز می گردم، منتظر برآمدن قطعی حاجت و روا شدن آن از لطف خدا هستم به واسطه شفاعتی که شما به درگاه حق در این باره برایم می فرمایید.

پس ای خدا! نامید نشوم و از این سفر زیارت به زیان و حرمان باز نگردم؛ بلکه از آن درگاه کرم، با فضیلت، رستگاری، فیروزی، اجابت دعاها و برآورده شدن تمام حاجاتم باز گردم و با شفاقت به درگاه حق برگردم بر آنچه مشیت خدا قرار گرفته و هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا نیست، کارم را به خدا واگذار می‌کنم و پشت و پناهم را خدا قرار می‌دهم و بر خدا توکل می‌کنم.

پیوسته می‌گوییم که خدا مرا بس و کافی است، که خدا هر که او را به دعا بخواند می‌شنود و مرا جز درگاه شما بزرگوارانم که اولیای خدایید، دری دیگر نیست.

آنچه پروردگارم خواسته، وجود یابد و آنچه نخواسته وجود نخواهد یافت و هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا وجود ندارد.

من شما دو بزرگوار را اینک وداع می‌گوییم و خدا این زیارت را آخرین عهدم به زیارت شما قرار ندهد.

من بازگشتم، ای آقای من، ای امیرالمؤمنین! و ای آقای من، ای ابا عبدالله! و سلام و تحيیت من، مادام که شب و روز پیوسته به یکدیگرند

ص: ۷۲

بر شما باد و همیشه این سلام من به شما واصل شود و هیچ‌گاه از شما پوشیده و محجوب نباشد، ان شاء الله و از خدا به حق شما دو بزرگوار مسئلت می‌کنم که این، همیشه با مشیت خدا و عنایت الهی انجام یابد که او البته خدای بزرگوار ستوده صفات است.

ای آقای من! بازگشتم از زیارت شما در حالی که از هر گناه توبه کرده و به حمد، شکر و سپاس حق مشغولم و امیدوار اجابت دعاهايم هستم و ابداً از لطف خدا مأیوس نیستم که باز مکرر، رجوع به درگاه شما و بازگشت به زیارت قبور مطهر شما کنم و از شما و زیارت قبور مطهرتان هیچ سیر نشوم؛ بلکه مکرر باز بیایم ان شاء الله و البته هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا نخواهد بود.

ای بزرگان! من به زیارت شما مشتاق و مایل بودم، بعد از آنکه اهل دنیا را دیدم که به شما و زیارت شما بی میل و رغبت بودند؛ پس خدا مرا از امید و آرزویی که دارم محروم نگرداند و از زیارت شما نیز محروم نسازد که او به ما نزدیک است و بسیار اجابت کننده دعا است. (پایان ترجمه زیارت بعد از زیارت عاشورا (حدیث صفوان))

سیف بن عمیره گوید به صفوان گفتمن: علقمہ بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر علیه السلام روایت نکرد بلکه همان زیارت را حدیث کرد؟ صفوان گفت: وارد شدم با سید خودم حضرت صادق علیه السلام به این مکان، پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردهیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع، بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانکه ما وداع کردیم، پس صفوان

ص: ۷۳

گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا و زیارت کن به آن پس به درستی هر که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور من ضامنم بر خدا که زیارتیش مقبول

شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محجوب نماند و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداشد، ای صفوان یافتم این زیارت را به این ضمانت از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین علیه السلام به همین ضمانت و از حسین علیه السلام به همین ضمانت و حسین علیه السلام از برادرش حسن علیه السلام به همین ضمانت و حسن علیه السلام از پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام با همین ضمانت و امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همان ضمانت و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل با همین ضمانت و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضمانت، و به تحقیق که خداوند عزوجل قسم خورده به ذات مقدس خود، که هر که زیارت کند حسین علیه السلام را با این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارت او را، و می پذیرم از او خواهش او را به هر قدر که باشد و میدهم خواسته اش را، پس باز نگردد از نزد من با نامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت و فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند، حضرت فرماید: جز دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود، قسم خورده حق تعالی به این امر بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند با آن ملائکه ملکوت او، پس جبرئیل گفت: یا رسول الله خدا فرستاده مرا به سوی تو به

ص: ۷۴

جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو علیهم السلام تا روز قیامت پس مستمر و پایینده باد مسرت تو و مسرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و امامان علیهم السلام و شیعه شما تا روز رستخیز. پس صفوان گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای صفوان هرگاه روی داد از برای تو به سوی خدای عزوجل حاجتی، پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بوده باشی و بخوان این دعا را، بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از خدا و خدا خلاف نخواهد فرمود و وعده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش والحمد لله.

ص: ۷۵

زیارت عاشورا در کتب روایی

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. کامل الزيارات، ابن قولويه قمی رحمه الله، قرن چهارم
۲. مصباح المتهجد، شیخ طوسی رحمه الله، قرن پنجم
۳. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله، قرن ششم
۴. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم

۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم

۶. منهاج الصلاح، علامه حلی رحمه الله، قرن هشتم

۷. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی رحمه الله، قرن هشتم

۸. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعی رحمه الله، قرن دهم

۹. بحار الانوار و تحفة الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی رحمه الله، قرن یازدهم و

عدم نیاز به بررسی سند زیارت عاشورا

استاد الفقهاء میرزا جواد تبریزی قدس سره معتقد بودند، زیاراتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توسل، کسای، ناحیه مقدسه و ...) احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در روایات صحیح وجود دارد و علماء بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعراً بالاتر از بیان

ص: ۷۶

ظلمهایی که بر خاندان اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، و لعن بر ظالمین اهل بیت علیهم السلام و سیدالشهدا علیه السلام و احیاء واقعه طف است و باید بر آن محافظت کرد، زیرا زنده نگاه داشتن واقعه کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب بر حق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت علیهم السلام به خصوص هجوم به خانه وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و دخت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت صدیقه شهیده فاطمه زهرا علیها السلام و سیدالشهدا امام حسین علیه السلام (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همانگونه که بسیاری از افراد به واسطه آگاهی بر این ظلمها حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت علیهم السلام بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده‌اند. همانگونه که شهادت بر مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (شهادت ثالثه) در اذان شعار شیعه شده است و ترك آن جایز نمی‌باشد و کوتاهی در مثل این موارد گناهی نابخشودنی به دنبال دارد، زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت علیهم السلام است.

ص: ۷۷

شهرت زیارت عاشورا

(۱) - کلیه فرازها از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبهه و مجموعه استفتات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره اخذ شده است.

یکی از زیارات مشهوره که علماء بزرگ به آن توجه خاص داشته‌اند و در کتب خود، متن کامل زیارت، همراه با فضائل آن زیارت شریفه را، نقل نموده‌اند، زیارت مبارکه عاشورا می‌باشد. بزرگانی چون: شیخ طوسی رحمة الله در مصباح المتهدج، ابن قولویه قمی قدس سره در کتاب کامل الزیارات، مرحوم کفعی در کتاب بلد الامین، مرحوم ابن طاووس رحمة الله در مصباح الزائر و شهید اول در مزار و ... تمام فرازهای زیارت و فضائل آن را ذکر کرده‌اند. زیارت عاشورا جزء زیارات مشهور و مجرّب است که علماء بزرگ در قرون متتمادیه بر آن تأکید کرده‌اند.

کفايت شهرت در ثبوت بعضی از موضوعات خارجی

یادگیری احکام شرعی و فرآگیری مسائل فقهی از برترین کارهایست، شما می‌دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد، و در همه و یا در بیشتر آنها باید بینه اقامه گردد، ولی در پاره‌ای از امور، مجرد شهرت در ثبوت (موضوعات خارجی) کافی است، و نیازی به اقامه بینه و یا چیز دیگری ندارد، مثل آنکه، کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است، از امام علیه السلام در مورد حکم این مسئله سؤال شد. حضرت علیه السلام فرمود: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است خرید آن جایز نیست، و آن را پس بدهد، و از این قبیل است حدود منی و مشعر، (که حدود منی و عرفات با شهرت ثابت می‌شود)، و همچنین

ص: ۷۸

مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، والآن کسی نباشد که دیده باشد فلان شخص در این مکان دفن شده، ولی بین مردم مشهور است که این مکان، محل دفن فلان شخص است، این شهرت کافی است.

و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین علیهم السلام، که از اول مشهور بود، گویا حضرت امام حسین علیه السلام نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است، تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت علیهم السلام و حوادث آن پردازند، این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در ضمن اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده‌اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه علیها السلام در این مکان شهرت قائم است، حضرت علیها السلام در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارت‌ش شتافتیم، و باید احترام او را پاس داشت، (نگویید خردسال است) علی اصغر علیه السلام که کودک شیرخواری بود، دارای آن مقامی است که روبروی حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا دفن گردید، گفته‌اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر حضرت علیه السلام این کودک (علی اصغر علیه السلام) خردسال را به دست خواهد گرفت و نشان خواهد داد. دفن این طفل خردسال (حضرت رقیه علیها السلام) در شام گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم روا داشته بر ایشان دارد، آن ستمی که تمام پیامبران از آدم تا خاتم بر آن گریستند، تا آنجا که خدا عزای امام حسین علیه السلام را بر آدم خواند، از این

ص: ۷۹

رو احترام این مکان لازم است، به سخنان فاسد گوش فرا ندهید، و به سخنان باطنی که می‌گویند: رقیه علیها السلام طفلى خردسال بیش نبود، گوش فرا ندهید، مگر علی اصغر علیه السلام کودک خردسال نیست که در روز قیامت شاهدی خواهد بود، و موجب آمرزش گنه‌کاران شیعه خواهد شد

ان شاء الله تعالى.

بنابراین بر همه واجب است احترام این مکان (محل دفن حضرت رقیه علیها السلام) را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده‌ای که از گمراهی شیاطین است، گوش فرا ندهند و اعتنایی نکنند. ما با زیارت دختر امام حسین علیه السلام (رقیه علیها السلام) به خداوند متعال تقرب می‌جوییم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی همه مظلوم بودند.^{۷۶}

نتیجه کلام: مرحوم میرزا قدس سره می‌فرمایند: مجرد شهرت در ثبوت پاره‌ای از موضوعات خارجی کافی است و لذا می‌توان این استفاده را از کلام ایشان کرد که برای اثبات زیارت عاشورا، نیازی به اقامه بینه وجود ندارد بلکه صرف شهرت در اثبات اعتبار آن کافی می‌باشد.

چرا زیارت عاشورا در مجتمع حدیثی شیعی ذکر نشده است

مجتمع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه کلیه افراد حتی عامه بوده است و مبنای محدثان بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقيیه سازگاری ندارد (با توجه به اینکه شیعه همواره در فشار حکّام

ص: ۸۰

جور بوده است)، از این رو مشاهده می‌شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه، که فقط مورد مراجعه شیعه بوده، اکتفا نموده‌اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلًا نبوده و بعد پدید گشته است، بلکه دستگاه ظلم که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله با تکیه بر اریکه قدرت، قرن‌ها نگذشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کنند و بارها کتابخانه‌های شیعی به واسطه مخالفین مورد هجوم قرار گرفته، و به آتش کشیده شد. به همین جهت علماء بزرگ با تلاش بی وقفه و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقيیه را پیشه کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند. که اولین آنها ۴۰۰ اثری بود که به اصول اربعائی معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه علیهم السلام تدوین شد، که حاوی کلمات ائمه علیهم السلام در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته است، و آنچه که امروزه از اصول اربعائی باقی مانده است بیش از ۱۶ اصل نمی‌باشد، که مرحوم محمد نوری رحمه الله در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل ذکر نموده‌اند.

سپس با تلاش بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب «الكافی، تهذیب، استبصار، من لا يحضره الفقيه» منبع مراجعه علماء بزرگ می‌باشد.

(۱) - درس‌های برگرفته از فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره، ص ۱۵۹.

از زمان غضب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا صلی الله علیه و آله و هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خانه نشین کردن امام شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت علیهم السلام به واسطه مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ تر کردند، در شام که دورترین نقطه خلافت اسلامی بود، بنی امیه - لعنة الله عليهم - ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام و علی بن ابی طالب علیه السلام وصی بر حق رسول اکرم صلی الله علیه و آله، هر آنچه که توانستند بر سر اسلام آوردن. به طوری که دو ریحانه رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را با بدترین آزارها به شهادت رسانند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

ذلت و خواری شیعه و بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن علیه السلام و در زمان معاویه بود. در هر شهری شیعیان ما را می‌کشند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می‌کردند.

هرکسی به ما اظهار محبت می‌نمود، به زندان می‌رفت. اموالش را غارت، و خانه‌اش را خراب می‌کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آن که زمان این زیاد و قاتل امام حسین علیه السلام فرا رسید»^{۷۷}.

پس از بنی امیه، بنی عباس - لعنة الله عليهم - با شعار دروغین، با

افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند به سر شیعیان آوردن، زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه اطهار علیهم السلام را با بھانه‌های پوج و بی اساس یا مسموم یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رسانند، این روش خصمانه در قرون مت마다 ادامه داشت و حکام جور هر چه از آثار شیعی به دستشان می‌رسید از بین می‌بردند. لکن این مذهب با فدایکاری علماء بزرگ و حامیان دین، توانست پا بر جا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علماء طائفه سعی کرده‌اند، طوری حرکت کنند که به دست مخالفین بھانه ندهند و عدم ذکر مثل زیارت عاشورا که با تقیه سازگاری ندارد، از همین رو است، به همین خاطر زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده‌اند. این زیارت شریفه عمداً در کتب ادعیه‌ای، که به کتب مزار علماء معروف است، ذکر شده است.

۷۷) (۱) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۵.

۷۸ تبریزی، جواد، زیارت عاشورا فراتر از شبهم، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱- اگر خبری شهرت پیدا کرد؛ یعنی از منابع حدیثی مختلف و به سندهای گوناگون، همراه با راویان متعدد، نقل شد، و به حد شهرت رسید، موجب ثوق و اطمینان به صدور آن خبر از معصوم علیهم السلام خواهد شد.

۲- گاهی منشأ عقلاً، موجب ثبوت و اطمینان به صدور روایت از معصوم می‌گردد، و آن به دلیل تنوع و تعدد منابع و مصادر خبر می‌باشد، که در نهایت موجب حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم می‌شود، کما اینکه علمای بزرگ به بعضی از نصوص - با اینکه از جهت سند تمام نمی‌باشد - اعتماد کرده‌اند، به خصوص در مستحبات و مکروهات.

۳- عالی بودن الفاظ و مضامین زیارت عاشورا، صدور آن را از اهل بیت علیهم السلام تأیید می‌نماید. [و این امر را به وضوح در کتاب «نهج البلاغه» مولانا امیر المؤمنین علی، بن ابی طالب علیه السلام مشاهده می‌کنیم، که مضامین عالی و انسجام الفاظ موجب اطمینان به صدور آن از مولانا امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است].

۴- توافق مضامین زیارت با ملاکات و ادله عامه مذکوره در کتاب و سنت قطعیه، خود دلیل دیگری بر اعتبار زیارت عاشورا است.

۵- هماهنگی بخشی از مضامین و جملات واردہ در زیارت عاشورا، از قبیل اظهار درد، اندوه، سلام و لعن، در برخی از روایات صحیح آمده است.

ص: ۸۴

۶- بعضی از فرازهای زیارت عاشورا، مدح، ستایش و سلام بر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد، و فرازهای دیگر آن، لعن، نفرین و بیزاری از غاصبان و ظالمین اهل بیت علیهم السلام است، که این زیارت شریفه، جامع این دو امر (العن و سلام) می‌باشد، و هر یک از این دو؛ یعنی سلام بر خاندان اهل بیت علیهم السلام و لعن بر دشمنانشان - بر طبق روایات واردہ از معصوم علیهم السلام - مورد تأکید امامان بوده، و برای آن اجر و پاداش فراوانی قرار داده شده است.

۷- این زیارت، احیاء نام اهل بیت علیهم السلام است، چرا که یادآور ظلم‌هایی است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام در حق آنان علیهم السلام روا داشتند، و برپایی هرگونه مجالس اهل بیت علیهم السلام که یادآوری مصائب و مظلومیت آنان علیهم السلام، به خصوص سیدالشهدا علیه السلام باشد، احیای امر آنها علیهم السلام است که ثواب فراوان دارد.

و در این زمینه روایات متعددی وارد شده است، که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ أَنَّا وَيَمْدُحُنَا وَيَرْثِبُنَا؛^{۷۹}

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند، و ما را مدح و مرثیه می گویند».

» -۲

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَزَارُوا وَتَلَاقُوا وَتَذَاكِرُوا وَأَحْيِوَا أَمْرَنَا؛^{۸۰}

ص: ۸۵

امام صادق علیه السلام فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بشنیدن، و امر ما را (کنایه از امامت) زنده کنید».

» -۳

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْفُضِيلِ: تَجْلِسُونَ وَتُحَدِّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ احِبُّهَا فَاحْيُوَا أَمْرَنَا، فَرَحِمْ اللَّهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا؛^{۸۱}

امام صادق علیه السلام از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می نشینید و حدیث و سخن می گوید؟ گفت: آری؟ فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند».

» -۴

قالَ الرَّضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛^{۸۲}

امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس در مجلسی بشنید که در آن، امر (ولایت و امامت) ما احیا می شود، دلش در روزی که دلها می میرند، نمی میرد».

خواندن زیارت شریفه عاشوراء، خود به تنهایی یکی از راههای حفظ شعائر است؛ زیرا دارای الفاظ و مضامینی است، که موجب زنده نگاه داشتن واقعه کربلا می شود، و حماسه کربلا ارتباط مستقیم با دین دارد، و از جهت دیگر، حفظ دین بر همگان واجب است، و باید در برگزاری هر آنچه که دین را زنده نگاه می دارد - از جمله احیاء امر اهل بیت علیهم السلام -

ص: ۸۶

(۱) ۷۹- کامل الزیارات، ص ۵۳۹، ح ۸۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۹.

(۲) ۸۰- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۲.

(۱) ۸۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

(۲) ۸۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

تلاش کرد.

- زیارت عاشورا، صرف نظر از سند آن، تحت ادله عمومی استحباب زیارت سیدالشہدا علیه السلام قرار گرفته است، و مشمول «اخبار من بلغ» نیز می‌شود. بر فرض خدشه در سند زیارت عاشورا، می‌توان ثواب قرائت این زیارت شریفه را، به واسطه فضل خداوند نسبت به بندگانش، که اخبار من بلغ بیانگر آن است، ثابت کرد.

اخبار من بلغ، مجموعه‌ای از روایاتی است که با عنوان اخبار من بلغ، از ائمه علیهم السلام نقل شده است، از جمله آنها: امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَيْءٌ مِّنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَقُلْهُ»؛^{۸۳}

کسی که از پیامبر خبری به او برسد که مشتمل بر ثواب باشد و آن شخص این کار را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه رسول خدا آن را نفرموده باشد».

ظاهر این روایات، از فضل خداوند نسبت به بندگانش خبر می‌دهد، که بدون در نظر گرفتن حکم واقعی عمل، هر عملی را که مؤمن به اعتماد فضل او انجام دهد، بی ثواب نخواهد گذارد برای نمونه می‌توان به مسجد کوفه اشاره کرد که فضیلت مسجد کوفه بر طبق روایات صحیحه از مسلمات است، و در فضیلت^{۸۴} این مسجد همین

ص: ۸۷

(۱) ۸۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۰، باب ۱۸.

(۲) ۸۴- فضیلت مسجد کوفه و نماز در آن:

۱- امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در این مسجد نماز خوانده‌اند»。(کامل الزیارات، ص ۲۸، ح ۵)

۲- در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر من در نزدیکی مسجد کوفه بودم امید آن داشتم که حتی یک نماز در آن هم از من فوت نشود» سپس خطاب به راوی می‌فرماید: «آیا از فضل آن آگاهی؟» عرض کرد: نه، فرمود: «هیچ عبد صالحی و هیچ پیامبری نبود مگر اینکه در مسجد کوفه نماز خواند، حتی زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به معراج رفت، جبرئیل به آن حضرت گفت: آیا می‌دانی در این لحظه در کجا هستی یا محمد؟ فرمود: نه؛ عرض کرد: تو در مقابل مسجد کوفه هستی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنابراین، از پروردگارت اجازه بگیر که فرود آیم و در آن نماز بخوانم. جبرئیل اجازه گرفت، خداوند نیز اجازه داد و پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط کرد و در رکعت نماز خواند. آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز، و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او، باعی از باغ‌های بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذکر نیز، عبادت است».(کامل الزیارات، ب، ۸، ص ۲۷، ح ۶)

۳- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امیرمؤمنان علی علیه السلام به کسی که برای درک فضیلت مسجد‌الاقصی بار خود را بسته بود و برای خدا حافظی خدمت آن حضرت در مسجد کوفه رسید، فرمود: زاد و راحلهات را بفروش و بیا در این مسجد نماز بگذار که نماز واجب در آن، معادل یک حج مقبول و نماز نافله در آن، معادل یک عمره مقبوله است ... هیچ غمزده و دردمندی حاجتی از حوائچش را در این مسجد طلب نمی‌کند مگر اینکه خداوند به او پاسخ می‌دهد و مشکلش را برطرف می‌سازد».(کامل الزیارات، ب، ۸، ص ۲۷، ح ۱۸) و ...

کافی است، که محل عبادت بسیاری از انبیاء و امامان مخصوص علیهم السلام بوده است، لکن در خصوص اینکه هر رکعت نماز در آن مسجد شریف چقدر ثواب دارد، روایات مختلفی وارد شده است، اینگونه موارد را اخبار من بلغ شامل می‌شود، و ثوابی که در روایات بابت هر رکعت نماز در مسجد کوفه وارد شده است، خداوند متعال به فضل خود نسبت به بندگانش، آن ثواب را می‌دهد، و همین گونه است زیارت سیدالشهدا علیه السلام، چرا که بر طبق روایات صحیح، زیارت سیدالشهدا علیه السلام از افضل اعمال است، اما با توجه به احتمال ناصحیح بودن سند

ص: ۸۸

زیارت عاشورا (بر فرض قبول اشکال در سند زیارت)، اخبار من بلغ شامل این زیارت شریفه می‌شود، و ثواب موعود در زیارت شریفه عاشورا، به فضل خداوند به بندگان داده می‌شود.

نهایتاً این نتیجه حاصل می‌شود، که قرائت زیارت عاشورا رجاءً ثواب موعود را به دنبال دارد.

۹- مکاشفاتی ۸۵ که برای برخی بزرگان شیعه رخ داده حکایت از اعتبار و عظمت این زیارت دارد.

محمد نوری در کتاب نجم الشاقب از سید احمد فرزند سید هاشم رشتی رحمه الله، تاجر ساکن رشت، نقل می‌کند که گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادای حج و زیارت خانه خدا از رشت به تبریز آمد، آنجا در خانه یکی از تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود متوجه بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلودار کاروان و از شهر سده اصفهان بود، مال التجارهای برداشت، و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

در یکی از منازل ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلودار، نزد ما آمد، که این منزلی که در پیش داریم مخفوف است، قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده

ص: ۸۹

حرکت کردیم. به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از منزل دور شده بودیم، که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر یک از رفقا سر خود را پوشانده و تند راندند. هرچه کردم به آنها برسم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتد و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده شده و در کنار راه نشستم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم مضطرب گشته، و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند، و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیایم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باگی دیدم، که در آن، باغبانی بیل به دست گرفته بر درختان می‌زد تا برف آنها بزید. مرد پیش من آمد و در فاصله کمی ایستاد، فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته‌اند و تنها در این بیابان مانده‌ام و راه را هم نمی‌دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

(۱) - مکاشفه به معنی آشکار شدن اسرار و امور غیبی است. (آنچه در کشف و شهود به عنوان رکن اصلی نمود دارد داشتن چشم حقیقت بین است تا از مهم‌ترین حقیقت غیبی یعنی حقایق الهیه و اسماء پنهان در این گنجینه پرده بردارد).

من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغت از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی‌دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی‌دانستم - و الان هم از حفظ ندارم - اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود:

نرفتی؟ بی اختیار گریه‌ام گرفت، و گفتم: راه را نمی‌دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی‌دانستم - و تا کنون هم حفظ نیستم - اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتی. تا صبح شد، فرمود: من حالا

ص: ۹۰

تو را به کاروان می‌رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی‌خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی‌خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

در همان حال به من فرمود: اینها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و برای نماز صبح مشغول وضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه کسی بود که به زبان فارسی حرف می‌زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود یافت نمی‌شد، چگونه مرا با این سرعت به رفقای رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدی را ندیده، و اثری از او نیافرم و آن‌گاه به رفقای خود ملحق شدم. ۸۶

ص: ۹۱

۱۰- این زیارت شریفه در طول تاریخ مورد توجه علمای بزرگ بوده است. به طوری که بر آثار و برکت خواندن آن اتفاق نظر داشته، و حتی بر خواندن روزانه آن اصرار نموده‌اند.^{۸۷} بی شک چنین زیارتی بی‌نیاز از بررسی سندی است.

(۱) نجم الثاقب، ص ۶۰۱-۶۰۲، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی رحمه‌الله، بعد از زیارت جامعه کبیره حکایت سید رشتی.

(۲) توجه و مداومت بزرگانی چون علامه مجلسی رحمه‌الله، آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری رحمه‌الله، آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی (معروف به کمپانی)، آیت‌الله شیخ صدرای بادکوبه‌ای رحمه‌الله، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری رحمه‌الله مؤسس حوزه علمیه قم و خود فقیه مقدس آیت‌الله میرزا جواد تبریزی قدس سرہ که مدافع سر سخت زیارت عاشورا بودند و همواره بر خواندن آن برای قضای حواج تأکید می‌کردند).

۱۱- تقلیل زیارت عاشورا در منابع و کتاب‌های بزرگان و حامیان دین،

ص: ۹۲

از ده قرن قبل تاکنون، خود دلیل دیگری بر معتبر بودن این زیارت شریف می‌باشد.

از جمله می‌توان به کتاب‌ها و منابع معتبر زیر اشاره کرد:

۱. کامل الزيارات، ابن قولویه قمی رحمه الله، قرن چهارم

۲. مصباح المتهجد، شیخ طوسی رحمه الله، قرن پنجم

۳. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله، قرن ششم

۴. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم

۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم

۶. منهاج الصلاح، علامه حلی رحمه الله، قرن هشتم

۷. کتاب مزار، شهید اول، محمد بن مکی رحمه الله، قرن هشتم

۸. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعی رحمه الله، قرن دهم

۹. بحار الانوار و تحفة الزائر، علامه مجلسی رحمه الله، قرن یازدهم

۱۲- م Jury بودن زیارت عاشورا، در رفع مشکلات و قضای

ص: ۹۳

فرزند علامه امینی تقلیل می‌کند که: پدرم رحمه الله با کثیر مطالعات و تحقیقاتی که داشت، بر خواندن زیارت عاشورا مداومت می‌کرد، و من حدود چهار سال بعد از فوت شان، ایشان را که خواب دیدم و از محضرشان پرسیدم که چه عملی باعث نجات است، به من گفتند: زیارت عاشورا را به هیچ عنوان و عذری ترک مکن.

مرحوم شیخ مشکور رحمه الله که از علمای بسیار مذهب نجف و از شاگردان مرحوم میرزا شیرازی رحمه الله است خواب می‌بیند که آیت الله محلاتی - که ساکن شیراز بود - از دنیا رفت، و به او مقام شایسته‌ای داده شده است. شیخ رحمه الله از مرحوم محلاتی رحمه الله می‌پرسد: این مقام را از کجا به دست آورده‌ای؟ مرحوم محلاتی رحمه الله می‌گویند: از زیارت عاشورا. شیخ مشکور، خواب خود را برای میرزا شیرازی نقل کرده، و مرحوم میرزا دستور مهیا شدن برای عزاداری می‌دهند. با این وجود طلب گفتند: خواب حجت نیست و هنوز خبر فوت ایشان به ما نرسیده است، مرحوم آیت الله میرزا شیرازی رحمه الله می‌گوید: این خواب هرگز نیست، خواب شیخ مشکور رحمه الله است. بعد از سه روز، خبر فوت مرحوم آیت الله محلاتی رحمه الله به نجف می‌رسد. مرحوم محلاتی رحمه الله مدت سی سال هر روز زیارت عاشورا را خواند و هرگز آن را ترک نکرد و اگر مريض می‌شد، نایب می‌گرفت. از شیخ محمد حسن انصاری رحمه الله برادر زاده و داماد مرحوم شیخ انصاری نقل شده که فرزند -

حاجات، و آثار شگفت آور آن، موجب شده است که این زیارت در میان علماء و بزرگان دین و مردم مؤمن عظمت خاصی داشته باشد، و این خود دلیل محکمی بر حقانیت و صحت آن است.

برای بیان آثار پر عظمت این زیارت شریفه، می‌توان به حکایتی که آقای حاج سید احمد زنجانی رحمة الله در کتاب الكلام یجر الكلام از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمة الله نقل نموده است اشاره کرد که فرمود: من و آقای آقا میرزا علی آقا رحمة الله - آقا زاده میرزا شیرازی رحمة الله - و آقا سید محمود سنگلچی رحمة الله در سامرا شبی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی رحمة الله درس می‌خواندیم.

در اثنای درس، استاد بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی رحمة الله ۸۸

ص: ۹۴

تشریف آوردن، در حالی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز وبا در عراق (سامرا) ایشان را این گونه متقلب کرده است. فرمود: شما مرا مجتهد می‌دانید؟ عرض کردیم:

بلی، فرمود: عادل می‌دانید؟ عرض کردیم: بلی! فرمود: من به تمام زن و مرد شیعه سامرا حکم می‌کنم که هر یک از ایشان یک مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والده ماجده امام زمان علیه السلام بخوانند، و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرا را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه حکم صادر گردید، تمام شیعیان مقیم سامرا، حکم را اطاعت کرده و زیارت عاشورا، را طبق همان دستور خواندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، یک نفر شیعه سامرا تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف

ص: ۹۵

می‌شدند. ۸۹ لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجه عامه بود که باعث شد عده‌ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند. ۹۰

(۱) آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی رحمة الله اصفهانی؛ در سال ۱۲۵۳ قمری (۱۲۱۴ شمسی) در منطقه فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن ۱۱ سالگی به عراق رفت، و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به «کبیر» بر عهده گرفت. و برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر مانند آیت الله فاضل اردکانی رحمة الله و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد رحمة الله گذراند. در سال ۱۲۸۶ قمری، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی رحمة الله تلمذ کرد و در سال ۱۲۹۱ به همراه آیت الله شیرازی رحمة الله به سامرا رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی رحمة الله مجدداً در سال ۱۳۱۲ هجری قمری به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می‌فرماید: در مسجد هندی در نجف، کرسی تدریس داشت، که حدود ۳۰۰ شاگرد در درس او حاضر می‌شدند. شیخ عباس قمی رحمة الله در «فواید الرضویه» می‌فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی رحمة الله در شعبان ۱۳۱۲ وفات کرد بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزا است، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می‌دانم که شایسته این کار نیستم؛ زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد، و من در این امور وسوس خاصی -

(۲) الکلام یجر الكلام، ج ۱، ص ۵۴-۵۵

اهمیت زیارت عاشورا

زیارت عاشورا در دو کتاب مهم «کامل الزيارات»، تأثیف شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه رحمه الله و «مصابح المتهجد» نوشته ابو جعفر محمد بن الحسن الطویسی رحمه الله، آمده است. مرحوم شیخ طویسی رحمه الله، کتاب مصابح المتهجد را مختصر نمود و نام آن را مختصر المصباح ۹۱ نهاد. قابل ذکر است، گرچه بنای شیخ رحمه الله در کتاب مختصر المصباح، بر اختصار بوده اما از آنجا که زیارت عاشورا از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، آن را در دو کتاب نقل کرده است. و در اهمیت این زیارت شریفه همین کافی است که بزرگان طائفه طی قرون مختلفه از جمله ابن قولویه قمی رحمه الله، شیخ طویسی رحمه الله، بن مشهدی رحمه الله، بن طاووس رحمه الله، علامه حلی رحمه الله، شهید اول رحمه الله، مرحوم کفعی رحمه الله، علامه مجلسی رحمه الله و ... آن را نقل کرده‌اند.

کتاب کامل الزيارات

(۹۰) - فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌فرمودند: هر هفت‌های عده‌ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب‌های جمعه برای زیارت سالار شهیدان علیه السلام از نجف به کربلا می‌رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم، و هر هفت‌های ساخت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می‌کردم، و موفق می‌شدم که در کنار قبر مظہر و روپروری ضریح آن امام مظلوم علیه السلام زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام مدد می‌جستم. در این جهت مولی علیه السلام عنایت فراوانی به من کرد، و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می‌شد. زیارت عاشورا مجرّب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که در درجات رفیع رسیدند، به واسطه توسلات بوده که از جمله آنها مداومت برخواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالى.

(۹۱) - این کتاب را که «مصابح صغیر» نیز بدان گفته‌اند، خود شیخ طویسی رحمه الله از «مصابح المتهجد» تالیخیص کرده و در فهرست، نام آن را جزء تألیفات خود ذکر می‌کند، و نسخ خطی آن در نجف، قم، مشهد مقدس و جاهای دیگر موجود است، از آن جمله، نسخه خطی این العلقمی رحمه الله و نسخه خطی طبیی مشهدی رحمه الله و نسخه خطی بن زنبور رحمه الله^{کُبی} این سه نسخه در مرکز دار الصدیقة الشهیده علیها السلام - در شهر مقدس قم موجود است) و نسخه خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمه الله در قم و نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله در قم و نسخه خطی کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء رحمه الله، در نجف اشرف، و دو نسخه خطی کتابخانه مدرسه فاضل خان در مشهد مقدس می‌توان اشاره کرد.

موضوع کتاب کامل الزيارات، مجموعه احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره شیوه زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و دیگر امامان و امامزادگان علیهم السلام و ثواب و فضیلت آن می باشد.

ابن قولویه در آغاز کتاب، تمام روایان کتاب خود را توثیق کرده است.^{۹۳}

لکن ما وقع لنا من جهة الناقات من اصحابنا ...

ص: ۹۸

کتاب کامل الزيارات، شامل ۸۴۳ حدیث می باشد که در ۱۰۸ باب تنظیم شده است.

مؤلف این کتاب، انگیزه نگارش آن را این گونه بیان می فرماید:

«انگیزه من در نگارش این کتاب، تقرب به درگاه الهی، پیامبر، علی، فاطمه و ائمه علیهم السلام بوده و تلاش کرده ام با نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و نقل ثواب زیارت آن بزرگواران، به جمیع اهل ایمان هدیه ای تقدیم کرده باشم.»

این یادگار ماندگار شیعه، بیش از هزار سال است که مورد توجه محدثین و فقهای عظیم الشان عالم اسلام بوده است.

ص: ۹۹

نویسنده کتاب در مقدمه آن - پس از ذکر غرض خود از تألیف آن - می نویسد: «در هر موضوع هرگاه دیدم احادیث منقول از اهل بیت علیهم السلام کافی است، احادیث منقول از غیر طریق آنان (اهل سنت) را ذکر نکرده ام. از طرفی روشن است که ما به تمام احادیث معصومین در این موضوع و غیر آن احاطه نداریم، ولیکن آنچه که در نزد ماست، همگی از طریق روایان مورد وثوق شیعه است؛ و از روایاتی که احادیث شاذ و نادر نقل می کنند، و در نقل روایات

(۱) ۹۲ - محدث نوری رحمة الله داستان جالبی از ابن قولویه رحمة الله به نقل از کتاب «خرایج» قطب الدين راوندی رحمة الله آورده است که همان را علامه مجلسی رحمة الله در جلد ۱۳ بحار الانوار باب (۲۳) باب کسانی که امام زمان علیه السلام را دیده اند) نقل کرده است. علامه مجلسی رحمة الله می نویسد: در «خرایج» راوندی رحمة الله است که از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه رحمة الله روایت شده که گفت: وقتی در سنه ۳۰۷ (يعني سال ۳۳۷ هجری) به عزم حج بیت الله وارد بغداد شدم، و آن سالی بود که قرامطه «حجر الاسود» را به جای خود برگردانیده بودند بیشترین سعی من این بود که خود را به مکه برسانم و ببینم چه کسی حجر الاسود را در جای خود نصب می کند.

زیرا در خلال بعضی از کتاب ها دیده بودم که نوشته بود: «حجر الاسود را می ربانید و بار دیگر امام آن عصر علیه السلام، آن را در جای خود نصب می کند. چنان که در زمان حاجج بن یوسف، امام زین العابدین علیه السلام آن را در جای خود نهاد و به همان حال ماند.

(۲) ۹۳ - در خصوص توثیق تمام روایان کتاب کامل الزيارات اختلاف وجود دارد. مرحوم استاد الفقهاء سید خوبی رحمة الله نهایتاً با توجه به توثیق ابن قولویه در مقدمه کتاب قائل شدند که تمام مشایخ ابن قولویه نقہ می باشند. لکن رجالی خبیر مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره می فرمودند: سلسله روات در کتاب ابن قولویه باید مورد بررسی قرار گیرد تا وثاقت با ضعف خبر معلوم شود و توثیق ابن قولویه ناظر به اعتبار کتب یا افرادی است که از آن کتب روایات را نقل کرده است و ناظر به موثق بودن روایان روایات کامل الزيارات نمی باشد.

ولی در بغداد چهار بیماری سختی شد، به طوری که جان خود را در معرض خطر دیدم و -

معروف، و در فقه و علم، مشهور نیستند، حتی یک حدیث، نقل نکرده‌ام و نام این کتاب را کامل الزيارات و فضل‌ها و ثواب آن گذاشت.

و این کتاب دارای ابواب زیر است:

۱- ثواب زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

ص: ۱۰۰

۲- آداب و ثواب زیارت امیر المؤمنین، علی علیه السلام

۳- آداب و ثواب زیارت امام حسن علیه السلام

۴- ثواب گریه و اقامه عزا بر امام حسین علیه السلام و چگونگی نماز و زیارت در حرم آن حضرت (که بخش اعظم کتاب را در بر گرفته است).

۵- شیوه زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام جواد علیهم السلام.

۶- شیوه زیارت سایر ائمه علیهم السلام

۷- زیارت مؤمنین

۸- زیارت امامزادگان

جعفر بن قولویه قمی رحمه الله نویسنده کامل الزيارات، از برجسته‌ترین چهره‌های راویان شیعه و فقیهان امامیه، در قرن چهارم هجری است که در شهر مقدس قم به دنیا آمد و از استادی بزرگی همچون، احمد بن ادریس اشعری قمی رحمه الله، پدرش محمد بن قولویه رحمه الله، محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله، محمد بن حسن صفار رحمه الله و علی بن بابویه رحمه الله (پدر شیخ صدق) بهره برده است.

شیخ مفید رحمه الله از ممتازترین شاگردان ابن قولویه رحمه الله است که از او ستایش فراوان کرده است. یکی از عبارات شیخ مفید رحمه الله این گونه است: «خداؤند، شیخ مورد اعتماد ما، ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن قولویه را تأیید فرماید».

ابن قولویه رحمه الله به عنوان یکی از محدثان سرشناس و مورد اطمینان

ص: ۱۰۱

بزرگان امامیه، در سلسله سند ۵۰۷ روایت قرار گرفته است و با محافظت از این گنجینه علمی، افزون بر زنده نگه داشتن یاد و نام ائمه علیهم السلام، خدمات شایانی نیز به جهان تشیع و تتبیت باورهای آن کرده است.

ص: ۱۰۲

در کتاب کامل الزيارات

سند مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه رحمة الله

این قولو په رحمه الله ایتدا روایت فضیلت زیارت سیدالشہدا را در روز عاشورا ذکر می کند و می فرماید:

«حدَثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنَ حَكِيمٍ وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ، عَنْ سَيِّفٍ بْنِ عَمِيرَةَ وَصَالِحٍ بْنِ عُقْبَةَ جَمِيعًا، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمَيِّ وَمُحَمَّدٍ بْنِ اسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحٍ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ مَالِكِ الْجُهْنَى

«عَنْ أَبِي جَعْفَرَ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ يَوْمَ عَاشُورَاءِ مِنَ الْمُحْرَمِ حَتَّىٰ يَظْلَمَ عِنْدَهُ بَاكِيًّا لَقَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ الْفَيْرِ حِجَّةَ وَالْفَيْرِ عُمْرَةَ وَالْفَيْرِ غَرْوَةَ وَثَوَابُ كُلِّ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَرْوَةٍ كَتَوَابٍ مِنْ حِجَّةٍ وَاعْتَمَرَ وَغَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

٩٤ ... تا آخر حدیث

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمد بن موسی همدانی، از خالد طیالسی، از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمہ بن محمد حضرمی و محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنه، از حضرت ابی جعفر الباقر علیه السلام، نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: کسی که در روز عاشوراء، یعنی روز دهم محرم الحرام، حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی

١٠٣

گریان نزد آن حضرت بماند، روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون حج، دو میلیون عمر و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد».

شایان توجه است که ثواب چنین حج، عمره و جهادی، همچون ثواب کسی است که حج، عمره و جهاد را در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه راشدین علیهم السلام به جا آورده باشد.

قال: قلت: جعلت فداك بما لمن كان فى بعد البلاد وأفاصيها ولم يمكنه المصير إليه فى ذلك اليوم؟ قال: اذا كان ذلك اليوم برب إلى الصحراء أو صعد سطحأً مرتفعاً فى داره، وأوما إليه بالسلام، واجتهد على قاتله بالدعاء، وصلّى بعده ركعتين يفعلاً ذلك في، صدر النهار قبل الزوال، ثم ليندب الحسين عليه السلام وبشكه ويأمر من في داره بالسكاء عليه، وقيمه في

داره مصیبته با ظهار الجزع عليه، و يتلاقون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت، وليعزّ بعضهم بمصاب الحسين عليه السلام، فأنّا ضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله عزوجل جميع هذا الثواب، فقلت: جعلت فداك و أنت الضامن لهم إذا فعلوا ذلك والزعيم به؟ قال: أنا الضامن لهم ذلك والزعيم لمن فعل ذلك؛

علقمة می گوید، محضر مبارک امام پنجم عليه السلام عرضه داشتم:

فدايت شوم! اجر و ثواب کسی که در شهرهای دور دست و بلاد غریب و بعيد بوده، به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشورا) به زیارت حضرت بشتابد، چگونه است؟

امام عليه السلام فرمود: وی در چنین روزی به صحراء رفته، یا به پشت بام

ص: ۱۰۴

بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.».

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین عليه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فرع بر آن جناب، در خانه اش اقامه مصیبত نماید، و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردن، با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهایی که داده شد، عمل کنند من ضامن می شوم که حق تعالی تمام ثواب هایی که ذکر شد را به ایشان اعطای فرماید.

محضر مبارکش عرض کرد: فدايت شوم! شما برای ایشان ضامن این ثوابها می شوید؟

حضرت فرمودند: در صورتی که به دستورهای داده شده، عمل کنند البته که من ضامن آن می باشم.

«قال: قلت: فكيف يعزّ بعضهم بعضاً؟ قال: يقولون: عظُم اللَّهُ أجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، وجعلنا و إياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدى من آل محمد؛ فان استطعت أن لا تتشير يومك فى حاجة فافعل، فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، وان قضيت لم يبارك له فيها ولم يرشدأ، ولا تدخلن منزلك شيئاً، فإنه من ادخل منزله شيئاً فى

ص: ۱۰۵

ذلك اليوم لم يبارك له فيما يدّخره ولا يبارك له في أهله، فمن فعل ذلك كتب له ثواب ألف ألف حجة و ألف ألف عمرة، و ألف ألف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه و آله و كان له ثواب مصيبة كل نبى و رسول و صديق و شهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا الى أن تقوم الساعة

». علقة می گوید، محضر مبارک امام عليه السلام عرض کرد: اگر بعضی بخواهند برخی دیگر را تسلیت بدھند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگو یند:

عظم الله اجرورنا بمصابينا بالحسين عليه السلام، و جعلنا و ايكم من الطالبين بشاره مع ولية الامام المهدى من آل محمد
صلى الله عليه و آله

(خداؤند متعال اجرها و ثواب های عزادر بودن ما را برای امام حسین علیه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب قرین ولی آن حضرت، حضرت امام مهدی، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانایی این را داشتی که آن روز (روز عاشورا) را به دنبال نیازمندی‌هایت نروی، البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی‌گردد و اگر هم حاجت برآورده شود، برای شخص حاجتمند مبارک نبوده، و وی، خبر نخواهد دید.

توجه داشته باشید در آن روز در منزل خویش آذوقه‌ای را ذخیره نکنی، چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند، پرایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند، ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد، که تمامی را در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله

١٠٦

انجام داده باشد، برایش نوشه می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبیتی که به انبیا، رسولان، صدیقین و شهدایی که در راه حق کشته شده‌اند رسیده است را، از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطای فرماید.

و بعد از آنکه این قولویه رحمه الله مطلب بالا را ذکر کرد، در ادامه می‌نویسد:

«قالَ صالحُ بْنُ عَقبَةَ الْجَهْنَمِيُّ وَسَيِّفُ بْنُ عَمِيرَةَ قَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيُّ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلِمْتَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا أَنَا زُرْتُهُ مِنْ قَرِيبٍ وَدُعَاءً أَدْعُو بِهِ إِذَا لَمْ أَزْرُهُ مِنْ قَرِيبٍ وَأَوْ مَاتَ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِ الْبَلَادِ وَمِنْ سَطْحِ دَارِي بِالسَّلَامِ قَالَ: فَقَالَ: يَا عَلْقَمَةُ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ تُوْمِئَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَقُلْتَ عِنْدَ الْإِيمَاءِ إِلَيْهِ وَبَعْدِ الرَّكْعَتَيْنِ هَذَا الْقُولَّ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مَنْ زَارَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَكَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْكَ أَلْفَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَكَ مِائَةً أَلْفَ

٤٦

[درَجَةٌ وَكُنْتَ كَمَنَ اسْتَشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَىٰ حَتَّىٰ تُشارِكُهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ وَلَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي الشَّهَادَةِ الَّذِينِ اسْتَشْهِدُوا مَعَهُ وَكَتَبَ لَكَ ثَوَابَ كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ وَزِيَارَةً مِنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُنْذُ يَوْمِ قُتْلِهِ ٩٥]

علقمه بن محمد حضرمی می‌گوید: محضر مبارک ابی جعفر علیه السلام عرض کرد: دعایی به من تعلیم فرماید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خوانده و دعایی به من یاد دهید که

ص: ۱۰۷

هرگاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته؛ بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت علیه السلام با اشاره سلام دادم، آن را بخوانم.

حضرت علیه السلام فرمودند: ای علقمه! اگر بعد از سلام و خواندن دو رکعت نماز، این دعا و زیارت را، که شرحش را برایت می‌گوییم خواندی پس، به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت، دعا کرده‌اند تو نیز دعا نموده‌ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسن نوشته و هزار هزار گناه محو می‌فرماید و صد هزار هزار درجه، مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می‌دهد که با حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شده‌اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرارت می‌دهد، و شناخته نمی‌شود مگر در زمرة شهدایی که با آن حضرت شهید شده‌اند و ثواب تمام انبیا، رسولان و کسانی که امام حسین علیه السلام را از زمان شهادتش تا به الان زیارت نموده‌اند را برایت می‌نویسد.

حضرت علیه السلام به علقمه فرمودند: در زیارت ابا عبدالله الحسین در روز عاشورا بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَحْشَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ شَارِهِ وَالوَتْرِ الْمَوْتُورِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبْدًا مَا بَقِيَ وَبَقَى اللَّهِلُّ وَاللَّهَارُ، يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيَّةُ»^{۹۶}

ص: ۱۰۸

بک

...۹۶ تا آخر حدیث

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه، که سرور بانوان عالم می‌باشد ...».^{۹۷}

ص: ۱۰۹

مصابح المتهجد و سلاح المتبعد

(۱) ۹۶- کامل الزیارات، ص ۳۲۵-۳۲۸.

(۲) ۹۷- کامل الزیارات، ص ۳۲۵-۳۲۸.

شیخ طائفة، محمد بن حسن طوسی رحمه الله ۹۸

شیخ طوسی رحمه الله کتاب مصباح المتهجد و سلاح المتعبد را به درخواست جمعی از شاگردان خود نوشت و یکی از بهترین کتاب‌هایی است که در موضوع مزار تألیف شده است. شیخ طوسی رحمه الله در مقدمه کتاب غرض از تألیف را این گونه می‌فرمایند:

ص: ۱۱۰

«... شما که خدایتان تأیید کند از من خواستید تا عبادت‌های سال، چه آنها که مکرر می‌شود و چه غیر از آنها را، برایتان در کتابی جمع آوری کنم و دعاهای منتخبه هر عبادتی را نیز به طور اختصار بر آن بیفزایم. و برخی از مسائل فقهیه را، که از ذکر آن ناگزیرم، بدان ضمیمه سازم، و در این باره بسط کلام ندهم؛ زیرا مسائل فقهیه، به طور مشروح

ص: ۱۱۱

در کتاب‌های فقهی مانند: مبسوط، نهایه، الجمل والعقود، مسائل الخلاف و غیره ذکر شده است و مقصود از تألیف این کتاب، تنها برای عمل کردن و ذکر دعاهاست که در کتاب‌های فقهیه خود ذکر نکرده‌ایم؛ زیرا بسیاری از اصحاب ما هستند که اهل عمل اند و حالی

ص: ۱۱۲

برای تفکه ندارند، و برخی به عکس، در صدد تفکه‌اند، و برخی هم در این میان بین هر دو کار را جمع کرده‌اند و ما برای هر یک از این سه دسته، کتاب‌هایی نوشته تا هر کدام بدان مراجعه کرده و خواسته خود را از آن برگیرند.» تا آخر کلام
شیخ طوسی رحمه الله

(۱) - شیخ الطائفة، محمد بن حسن طوسی رحمه الله، معروف به «شیخ طوسی» در ماه رمضان سال ۳۸۵ هجری دیده به دنیا گشود. محمد بن حسن طوسی، مقدمات متدالع علمی را فرا گرفت و در بهار جوانی از فضیلت علمی خوبی برخوردار بود. در آن اوقات منطقه طوس، شهرهای نیشاپور، ری و قم مناطقی بوده است که طوسی می‌توانسته از محاضر دانشمندان آنجا استفاده کند. شیخ طوسی رحمه الله، طوس را برای ترقیات شایان و سیر کمالات خود تنگ می‌دید، به منظور استفاده بیشتر و درک محضر شیخ مفید رحمه الله و دیگران، به سال ۴۰۸ هجری، که بیست و سه ساله بود، رسپیار بغداد گردید.

هنگامی که شیخ طوسی رحمه الله وارد بغداد شد، به حوزه درس مفید، استاد بزرگ و سالخورده درآمد، جالب است که محصل که جوانی بیست و سه ساله بود در حوزه درس مفید، که جایگاه رادمردان بود حضور به هم می‌رسانید و در اندرک زمانی مورد توجه خاص استاد عالی مقام واقع شد و به مرور ایام نیز بر همگان تفوق یافت! دانشمند جوان که تا آن موقع ادبیات عرب، فقه، اصول و حدیث را خوب آموخته بود، با استفاده از فرصت مناسبی که در اختیار داشت، شب و روز با شور و شوق و پشت کار زاید الوصفی به کسب دانش از محضر پر فیض مفید اهتمام ورزید و در سایه فکر مواج، نیوگ سرشار و استعداد خدادادش، نظر استاد بزرگ را به خود جلب کرد. شیخ طوسی مدت پنج سال؛ یعنی تا پایان زندگانی شیخ مفید، علی الدوام از محضر او بهره‌مند بود و لحظه‌ای را به غفلت نمی‌گذرانید. او به علاوه از محضر مشایخ دیگر شیعه و استادان فن هم استفاده نمود که از جمله ابو الحسن علی بن احمد بن ابی جید، احمد بن محمد بن موسی، معروف به ابو صلت اهوازی، حسین بن عبیدالله غضائی و احمد بن عبدالواحد، معروف به ابن عبدون بودند و اسمای آنها را به عنوان مشایخ حدیث در کتب خود آورده است.

ص: ۱۱۳

کتاب مصباح یک بار در سال ۱۳۳۸ در تهران به صورت سنگی به چاپ رسیده که قطع آن وزیری و در ۶۰۰ صفحه است و مخارج چاپ آن را حاج عباسقلی خان سهم الملک عراقی برداخته است.

در حاشیه این چاپ، ترجمه مصباح، به قلم محدث بزرگوار،

ص: ۱۱۴

۹۹

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله ۱۰۰ نیز چاپ شده و فراغت از ترجمه، در سال ۱۳۳۱ ه. ق بوده است، و متصدی چاپ در مقدمه آن ذکر کرده که این نسخه با پنج نسخه مقابله شده است، و سپس خصوصیات نسخ مزبور را ذکر می‌کند.

کتاب مصباح را علامه حلی رحمه الله ۱۰۱ تلخیص کرده که شرح آن در ذیل ذکر شده است:

منهاج الصلاح فی مختصر المصباح، این کتاب را علامه حلی رحمه الله به درخواست وزیر محمد بن محمد قوهدهی از روی مصباح مختصر کرده و آن را به ده باب مرتب ساخته و در پایان، باب دیگری از مسائل اصول دین که برای مکلفین دانستن آنها لازم بوده، بدان اضافه نموده و عنوانش را چنین قرار داده: «

الباب الحادی عشر فيما يجب على عامة المكلفين من معرفة اصول الدين

» و چون این باب به خصوص جامع مسائل اصول عقاید بوده و احتیاج مردم بدان بیش از سایر ابواب بوده، آن را جداگانه استنساخ و تدوین کرده‌اند و بارها به چاپ رسیده و به «باب حادی عشر» معروف شده، محل انتظار محققین قرار گرفته و

ص: ۱۱۵

شرح و تعلیقات بسیاری بر آن نوشته‌اند که مؤلف الذریعه، نام بیست و دو شرح آن را ۱۰۲۱ ذکر می‌کند و بسیاری از دانشمندان نیز آن را ترجمه کرده‌اند که در الذریعه ۱۰۳ مذکور است.

۹۹ تبریزی، جواد، زیارت عاشورا فراتر از شبهه، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله عليها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

(۱) (۱) - حاج شیخ عباس قمی، متوفای سال ۱۳۵۹ ه. ق.

(۱) (۲) - علامه حلی، متوفای سال ۷۲۶ ه. ق.

(۱) (۳) - الذریعه، ج ۳، ص ۵-۷

(۱) (۴) - ج ۳، ص ۷ و ج ۴، ص ۱۳۶ و ج ۱۳، ص ۱۱۷-۱۲۳ و غیر آن.

در اینجا بد نیست جریانی را که در مورد کتاب مصباح برای شیخ طوسی رحمه الله اتفاق افتاده و قاضی نور الله در مجالس المؤمنین نقل کرده عیناً نقل کنیم که سید بحر العلوم به نقل از او در کتاب «فوائد الرجالیه» می‌نویسد:

بعضی از مخالفان به عرض خلیفه عباسی، که معاصر شیخ طوسی رحمه الله بود رسانیدند که او و اصحاب او از شیعه امامیه، سب صحابه می‌کنند و کتاب مصباح که دستور اعمال و ادعیه سنّه متهجدان است، گواه بر این امر است؛ زیرا که در دعای عاشورا دارد: «

اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدا به اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم عن یزید خامساً

«که لعن بر خلفا می‌باشد؛ پس خلیفه در پی شیخ و کتاب مصباح فرستاد، چون با کتاب حاضر شد، شیخ طوسی رحمه الله منکر سب شد و وقتی کتاب را گشودند و دعای مذکور را به او نشان دادند و گفتند: این را چه عذر خواهید گفت؟ شیخ رحمه الله فوراً گفتند:

یا ... مراد از آن عبارت نه آن است که غمازان گمان برده‌اند؛ بلکه مراد به اول ظالم؛ قاییل، قاتل هاییل است که بنیاد قتل در دنیا نهاد، و ابواب لعن بر روی خود گشود و مراد به ثانی عاقر (پی کننده)، ناقه صالح است و اسم او قیدار بن سالف بود، و مراد به ثالث قاتل، یحیی

ص: ۱۱۶

بن زکریا است که به سبب زن زناکاری از زنان زناکار بنی اسرائیل، اقدام بر قتل آن معصوم کرد، و مراد به رابع، عبدالرحمن بن ملجم است که اقدام بر قتل علی بن ابی طالب علیه السلام نمود.

خلیفه چون آن تأویل را شنید تصدیق او نموده، انعام فرمود و از ساعی و غماز انتقام کشید.^{۱۰۴} و کتاب مصباح از کتب جامع و بسیار معتبر و مهم ادعیه می‌باشد که ناقل زیارت شریفه عاشورا به سند می‌باشد که این کتاب شریف، چه مصباح صغیر و چه کبیر مکرراً چاپ شده است و به دلیل مراعات تقیه، فقره «

اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدا به اولا ثم الثاني والثالث ثم الرابع

...» حذف شده یا بعضی از نسخ که این فقره را ندارند از نسخه‌هایی کبی گرفته شده‌اند که آن فقره، به دلیل تقیه حذف شده بود.

ص: ۱۱۷

نقل روایت زیارت عاشورا

۱۰۴) نور الله رحمه الله در مجلس پنجم کتاب (مجالس المؤمنین)، ج ۱، ص ۴۸۱؛ فوائد الرجالیه علامه بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۲۸ (چاپ سنگی تهران، سال ۱۴۱۹).

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، می گوید:

محمد فرزند اسماعیل، پسر بزیع، از صالح - فرزند عقبه - از پدرش روایت کرده است از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود:

«روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبة عن أبي جعفر علیه السلام قال: من زار الحسین بن علی علیهما السلام فی يوم عاشوراء من المحرم حتی يظل عنده باکیا لقی الله عز وجل يوم يلقاء ثواب ألفی حجۃ وألفی عمرة وألفی غزوۃ، ثواب كل غزوۃ وحجۃ وعمرۃ کثواب من حج واعتمر وغزی مع رسول الله صلی الله علیه و آله ومع الائمه الراشدین. قال: قلت:

جعلت فدک فما لمن کان فی بعيد البلاد وأقصیيه ولم يمكنه المصیر إلیه فی ذلك اليوم؟ قال: إذا كان كذلك برق إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً فی داره وأومأ إلیه بالسلام واجتهد فی الدعاء على قاتله وصلی من بعد رکعتین، وليکن ذلك فی صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسین علیه السلام ويبکیه ويأمر من فی داره ممن لا يتلقیه بالبكاء علیه ويقيم فی داره المصيبة بإظهار الجزع علیه وليعز بعضهم ببعضًا بمصابهم بالحسین علیه السلام وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك، قلت: جعلت فدک أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن فعل ذلك. قلت: فكيف يعزی بعضاً بعضاً؟ قال: تقولون:

أعظم الله أجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام وجعلنا وإياکم من الطالبین بشاره مع ولیه الإمام المهدی من آل محمد صلی الله علیه و آله. وإن استطعت أن لا تنتشر

ص: ۱۱۸

يومک فی حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضی فیه حاجة مؤمن، فإن قضیت لم يبارك ولم يرب فيها رشدًا، ولا يدخلن أحدکم لمنزله فيه شيئاً، فمن ادخر فی ذلك اليوم شيئاً لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له فی اهله، فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجۃ وألف عمرة وألف غزوۃ كلها مع رسول الله صلی الله علیه و آله، وكان له أجر وثواب مصيبة كل نبی ورسول ووصی وصديق وشهید مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة. قال صالح بن عقبة وسيف بن عمیرة: قال علقمہ بن محمد الحضرمی قلت لابی جعفر علیه السلام: علمتني دعاء أدعوه به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب ودعاء أدعوه به إذا لم ازره من قرب وأوسمأت من بعد البلاد ومن داری بالسلام إلیه. قال: فقال لى: يا علقمہ! إذا أنت صلیت الرکعتین بعد أن تؤمی إلیه بالسلام فقل بعد الایماء إلیه من بعد التکبیر هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوك به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مائة ألف ألف درجة، وکت کمن استشهد مع الحسین علیه السلام حتی تشارکهم فی درجاتهم ولا تعرف إلا فی الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبی وكل رسول وزيارة كل من زار الحسین علیه السلام منذ يوم قتل علیه السلام وعلى أهل بيته؛

امام باقر علیه السلام فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی علیهم السلام را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد، که

ص: ۱۱۹

ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام. راوی گفت، عرض کرد: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت، در مثل این روز ممکن نباشد؟

فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرای بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب، بخواند پس ندبه کند بر حسین علیه السلام و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستن بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبته به اظهار کردن جزء بر سید الشهدا علیه السلام، و به یکدیگر تسلیت بگویند. سپس امام علیه السلام فرمود: من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او اعطا شود. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثوابها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثوابها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد.
گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «

اعظمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ مَعَ وَلَيْهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

يعنى بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت امام حسین علیه السلام و قرار دهد ما و شما را از طلب کنندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد علیهم السلام. و آنگاه امام علیه السلام فرمود: اگر بتوانی که بیرون

ص: ۱۲۰

نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است، که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید.

ذخیره نکند از شما برای منزلش در آن روز چیزی را؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید، در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود بر اهلش. پس هرگاه به جای آوردن این عمل را، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد، که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که به قیامت پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل می کنند که، علقمہ بن محمد حضرمی گفت، به حضرت باقر علیه السلام عرض کرد: تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک، و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک، و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه ام. به من فرمود:

ای علقمه! هرگاه تو به جای آوردنی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کردی به سوی آن حضرت به سلام، پس در وقت اشاره به آن حضرت، بعد از گفتن تکبیر، این قول - زیارت عاشورا - را بگو؛ پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را، به تحقیق که دعا کرده‌ای به آن چیزی که دعا می‌کند کسی که شهید شده باشد با امام حسین علیه السلام، تا

ص: ۱۲۱

مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی، مگر در جمله شهیدانی که شهید شده‌اند با آن حضرت و نوشه شود برای تو، ثواب زیارت هر یغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین علیه السلام را، از روزی که شهید شده است و سلام خدا بر آن حضرت و بر اهل بیتش باد».

سپس شیخ طوسی رحمه الله زیارت عاشورا به شکل مشهور ذکر می‌کند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرِتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَحْشَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ...»

... تا آخر دعا

شیخ طوسی رحمه الله بعد از ذکر زیارت عاشورا، روایت علقمه ۱۰۶ را می‌فرمایند، که امام باقر علیه السلام فرمود: ای علقمه! اگر بتوانی هر روز با این زیارت (زیارت عاشورا) امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، البته این کار را انجام بدہ که ان شاء الله تمام ثواب‌هایی که ذکر شده است، برایت منظور گردد.

همچنین شیخ طوسی روایت محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیر ۱۰۷ را ذکر می‌کند و می‌گوید:

من به همراه صفوان بن مهران جمال و چند نفر از دوستانمان، پس از خروج امام صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه برای زیارت امیر

ص: ۱۲۲

المؤمنین علیه السلام روانه نجف اشرف شدیم، پس از راه حیره ۱۰۸ وارد شهر شدیم و پس از آنکه امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت نمودیم، صفوان روی خود را به سمت قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام برگردانید و به ما گفت: امام حسین علیه السلام را از این مکان از بالای سر مقدس امیر المؤمنین علیه السلام زیارت کنید، که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - در وقتی که در خدمت آن بزرگوار به این مکان مقدس آمده بودم - از همین جا به سوی او اشاره کرد و این زیارت را خواند (زیارت عاشورا) و سپس دو رکعت در بالا سر امیر المؤمنین علیه السلام خواند و سپس امیر المؤمنین علیه السلام را وداع کرد و سلام کرد، با سر خود با امام وداع کرد.

(۱) (۱۰۶)- مصباح متهجد، شیخ طوسی، ص ۵۳۸ و ۵۳۹ (العلمي).

(۲) (۱۰۷)- مصباح متهجد، شیخ طوسی رحمه الله، ص ۵۳۹ و ۵۴۰ (العلمي).

(۳) (۱۰۸)- شهری است در یک فرسنگی کوفه.

و جمله دعاهايي که امام بعد از زيارت عاشورا خواندند، اين بود:

«يا الله يا الله يا الله، يا مجيب دعوه المضطرين، يا كاشف كرب المكروريين، يا غياث المستغيثين، يا صريح المستصرخين، ويا من هو أقرب إلى من حبل الوريد، ويا من يحول بين المرء وقلبه، ويا من هو بالمنظر الأعلى وبالافق المبين، ويا من هو الرحيم على العرش استوى، ويا من يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور، ويا من لا تخفي عليه خافية، يا من لا تشبه عليه الأصوات».

...

سيف بن عميرة گفت، سؤال کردم از صفوان و به او گفتم: علقمہ بن محمد حضرمی برای ما از امام باقر علیه السلام زیارت را به این شکلی که تو می‌گویی نقل نکرد؛ همانا او فقط دعا و زیارت را برای ما نقل نمود.

ص: ۱۲۳

صفوان گفت: با آقایم، امام صادق علیه السلام وارد این مکان شدیم، و حضرت مثل همین عملی که در این زیارت انجام دادیم، انجام داد و دعا فرمود در هنگام وداع، به همین دعا بعد از آنکه نماز خواند به همان شکلی که ما نماز خواندیم، و وداع کرد به همین شکلی که ما وداع کردیم. سپس صفوان گفت، امام صادق علیه السلام به من فرمود: این زیارت را انجام بده و دعا کن به این دعا و زیارت کن به این زیارت و همانا من در نزد خداوند متعال ضمانت می‌کنم بر هر کسی که این زیارت را انجام دهد و این دعا را بخواند چه از راه دور و چه نزدیک، که زیارت شن مقبول گردد، تلاش و سعی او مرضی خداوند شود، سلام او به سیدالشهدا علیه السلام برسد و حاجت او برآورده گردد از طرف خداوند، هر حاجتی که باشد.

ای صفوان! این زیارت - زیارت عاشورا - را دیدم با همین ضمانتی که نقل کردم از پدرم و پدرم از پدرش، علی بن الحسین و او هم از حسین علیه السلام نقل کرد و حسین هم از برادرش، حسن و او هم از امیر المؤمنین و حضرت هم از رسول خدا و ایشان هم به همین ضمانت از جبرئیل، و جبرئیل هم به همین ضمان از خداوند عالم نقل فرمود:

همانا خداوند عالم بر خود لازم کرده که هر کس زیارت کند حسین علیه السلام را به این زیارت چه از راه دور و چه نزدیک و دعا کند به این دعا، همانا من قبول می‌کنم زیارت او را و شفاعت می‌کنم و می‌پذیرم حاجت او را هر چه باشد. و از درگاه من برنمی‌گردد نا امید، و بر می‌گردانم او را خوشحال، در حالی که چشمانت روشن باشد به رسیدن به حاجاتش، رسیدنش به بهشت و آزادیش از جهنم. و می‌پذیرم دعای او را در حق

ص: ۱۲۴

هر کس که بر او دعا کند (مگر ناصب و دشمن خانواده ما را). همانا خداوند بر خود فرض و لازم فرموده آنچه که گفتم و ما را شاهد قرار داده به آنچه که بر ملائکه ملکوت در اجر و ثواب این زیارت، نشان داده است.

سپس جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا به سوی تو فرستاد تا به تو بشارت دهم و تو را خوشحال کنم و علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه از فرزندان تو را علیهم السلام خوشحال کنم تا روز قیامت.

پس ای رسول خدا! خوشحالی شما، علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه علیهم السلام همیشگی باد تا روز قیامت. ای صفوان! هر وقت حاجتی داشتی پس دعا کن به این زیارت در هر کجا که بودی، که خداوند برآورده می‌کند. ۱۰۹

ص: ۱۲۵

اسناد زیارت عاشورا

در مصباح المتهجد و سلاح المتبعد

شیخ طوسی رحمه الله

سنده اول:

«روی محمد بن إسماعيل بن بزيع عن صالح بن عقبة عن أبي جعفر عليه السلام قال: من زار الحسين بن على عليهما السلام في يوم عاشوراء من المحرم حتى يظل عنده باكيًا لقى الله عز وجل يوم يلقاه بثواب ألفي حجة وألفي عمرة وألفي غزوة، ثواب كل غزوة وحجة وعمره كثواب من حج واعتمر وغزى مع رسول الله صلى الله عليه وآله ومع الائمه الراشدين. قال: قلت:

جعلت فداك فما لمن كان في بعيد البلاد وأقاصيه ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان كذلك برب إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره وأواماً إليه بالسلام واجتهد في الدعاء على قاتله وصلى من بعد ركعتين، ولتكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم لي念佛 الحسين عليه السلام ويبيكيه ويأمر من في داره من لا يتقيه بالبكاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم بالحسين عليه السلام وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك، قلت: جعلت فداك أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن فعل ذلك. قلت: فكيف يعزى بعضاً؟ قال: تقولون:

أعظم الله أجورنا بمصابينا بالحسين عليه السلام وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع ولية الإمام المهدي من آل محمد صلى الله عليه وآله. وإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة مؤمن، فإن

ص: ۱۲۶

قضيت لم يبارك ولم يربها رشد، ولا يدخلن أحدكم لمنزله فيه شيئاً، فمن ادخر في ذلك اليوم شيئاً لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له في أهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه وآله، وكان له أجر وثواب مصيبة كلنبي ورسول ووصي وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة. قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة: قال علامة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر عليه

١٠٩ (١) - مصباح المتهجد شیخ طوسی، ص ٥٤٠ - ٥٤١ (الاعلمی).

السلام: علمنی دعاء أدعوه به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب ودعاء أدعوه به إذا لم ازره من قرب وأوامات من بعد البلاد ومن دارى بالسلام إليه. قال: فقال لى: يا علقمة! إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تؤمى إلى بالسلام فقل بعد اليماء إليه من بعد التكبير هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوك به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مائة ألف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين عليه السلام حتى تشاركتهم في درجاتهم ولا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبي وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين عليه السلام منذ يوم قتل عليه السلام وعلى أهل

بيته؛ ۱۱۰

محمد فرزند اسماعيل، پسر بزيع، از صالح - فرزند عقبة - از پدرش، از امام باقر عليه السلام که فرمود:
امام باقر عليه السلام فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی علیهم السلام را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن
حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را

ص: ۱۲۷

در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد، که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و
جهاد کند در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام. راوی گفت، عرض کرد: فدایت شوم!
چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت، در مثل این روز
ممکن نباشد؟

فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرای بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن
حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز در اوایل روز، پیش از
زوال آفتاب، بخواند پس تدبیه کند بر حسین علیه السلام و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه
از ایشان تقبیه نمی کند - به گریستن بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبیتی به اظهار کردن جزء بر سید الشهدا
علیه السلام، و به یکدیگر تسلیت بگویند. سپس امام علیه السلام فرمود: من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی
این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او اعطای شود. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثوابها
را برای ایشان و کفیل می شوی این ثوابها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد.
گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «

أَعْظَمُ اللَّهُ أَجْوَرَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلَيْهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

يعنى بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت امام حسین علیه السلام و قرار دهد ما و شما را از طلب کنندگان
خون او، با ولی او،

ص: ۱۲۸

امام مهدی از آل محمد علیهم السلام. و آن‌گاه امام علیه السلام فرمود: اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در بی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است، که برآورده نمی‌شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید.

ذخیره نکند از شما برای منزلش در آن روز چیزی را؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید، در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود بر اهلش. پس هرگاه به جای آوردن این عمل را، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد، که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که به قیامت پای شود.

سنده دوم: «

صالح بن عقبة و سیف بن عمیره عن علقمہ بن محمد الحضرمی عن الامام الباقر علیه السلام
«در روایت دارد: »

قال صالح بن عقبة و سیف بن عمیره قال علقمہ بن محمد الحضرمی
«يعني دو نفر نافق زیارت از علقمہ بن محمد الحضرمی هستند، یکی صالح بن عقبة و دیگری سیف بن عمیره.
ابو جعفر، محمد بن حسن بن علی طوسی، معروف به شیخ طوسی اصل سند زیارت عاشورا را این گونه نقل می‌فرماید:
قال صالح بن عقبة و سیف بن عمیره: قال علقمہ بن محمد الحضرمی قلت لأبی جعفر علیه السلام: علمتی دعاء أدعوه به
ذلك اليوم إذا أنا زرته من

ص: ۱۲۹

قرب ودعاء أدعوه به إذا لم أزره من قرب وأو مات من بعد البلاد ومن دارى بالسلام اليه. قال: فقال لى: يا علقمہ! اذا انت
صلیت الرکعتین بعد أن تؤمی اليه بالسلام فقل بعد الايماء اليه من بعد التکبیر هذا القول:

فانک اذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوك به زواره من الملائكة ... السلام عليك يا ابا عبدالله! السلام عليك يا ابا عبدالله!
السلام عليك يا ابن امير المؤمنین و ابن سید الوصیین! السلام عليك يا ابن فاطمة سیدة نساء العالمین! السلام عليك يا
ثار الله وابن ثاره والوتر المtour ...

۱۱۱: علقمہ می گوید، به امام باقر علیه السلام عرض کرد: دعا یی به من آموزش بده که اگر در آن روز امام حسین علیه
السلام را از نزدیک زیارت کردم، آن را بخوانم و اگر نتوانستم از نزدیک زیارت کنم، از شهرهای دور و از خانه‌ام به
سوی او با سلام اشاره کرده و آن دعا را بخوانم. امام فرمود:

هرگاه که دو رکعت نماز زیارت را به جا آوردی و بعد از آن با سلام به سوی آن حضرت اشاره کردی، در حال اشاره، تکبیر بگویی و بخوانی این زیارت را (زیارت عاشورا)، همان دعایی را خواندهای که ملائکه در هنگام زیارت آن حضرت می‌خوانند. خداوند صد هزار هزار درجه برای تو می‌نویسد و مانند کسی هستی که با امام حسین علیه السلام شهید شده و در درجات آنها شرکت کرده باشد و برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر، رسول و هر زائری که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده، نوشته شود.

بعد از نقل زیارت، علقمه می‌گوید، امام باقر علیه السلام به من فرمودند:

ص: ۱۳۰

«اگر بتوانی هر روز در خانه خود این زیارت را بخوانی، تمام این ثوابها برای تو خواهد بود».

سنده سوم: «

محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره عن صفوان بن مهران

». شیخ طوسی رحمه الله، زیارت عاشورا با سند دیگر به این صورت نقل می‌فرماید: «

و روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال:

خرجت مع صفوان بن مهران الجمال و عندنا جماعة من أصحابنا إلى الغربى بعد ما خرج أبو عبدالله عليه السلام فسرنا من العبرة إلى المدينة فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين عليه السلام فقال لنا: تزورون الحسين عليه السلام من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين عليه السلام من هنا أوما إليه أبو عبدالله الصادق عليه السلام وأنا معه قال:

فدعوا صفوان بالزيارة التي رواها علقمة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر عليه السلام في يوم عاشورا

۱۱۲؛... شیخ در مصباح از محمد بن خالد طیالسی و او از سیف بن عمیره نقل می‌کند که گفت: پس از آنکه امام صادق علیه السلام از حیره به مدینه تشریف بردن، با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب به نجف اشرف رفتیم. پس از آنکه از زیارت امیر المؤمنین علیه السلام فارغ شدیم، صفوان روی خود را به سوی قبر حضرت سیدالشہدا نمود و به ما گفت که از این مکان آن حضرت را زیارت کنید زیرا زمانی که من در خدمت

ص: ۱۳۱

امام صادق علیه السلام بودم ایشان از این مکان آن حضرت را زیارت نمود.

آن گاه شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و بعد از تمام شدن زیارت، «دعای علقمه» را که پس از آن زیارت عاشورا می‌خوانند، خواند.

سیف بن عمیره می‌گوید، به صفوان گفتم: وقتی علقمہ بن محمد زیارت عاشورا را برای ما نقل کرد این دعا را نگفت.

صفوان گفت: در خدمت امام صادق علیه السلام به این مکان آمدیم چون آن حضرت زیارت عاشورا خواندند، پس از خواندن دو رکعت نماز، این دعا را نیز خواندند. آن گاه حضرت به من فرمودند: ای صفوان! مواطن این زیارت و دعا باش و اینها را بخوان، که من ضامن می‌شوم هر کس این زیارت و دعا را، چه از دور و چه از نزدیک بخواند، زیارت شن مقبول شود، سعیش مشکور گردد، سلامش به آن حضرت برسد، حاجت او از سوی خداوند برآورده شود و به هر مرتبه‌ای که بخواهد برسد و او را نمید برنگردد. ای صفوان! من این زیارت را با این ضمان از پدرم یافتم و پدرم از پدرش، علی بن الحسین علیه السلام با همین ضمان و او از امام حسین علیه السلام با همین ضمان از برادرش امام حسن علیه السلام با همین ضمان و امام حسن علیه السلام از پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام با همین ضمان و امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همین ضمان و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل این زیارت را با همین ضمان از خدای عز وجل یافت و خدای عز وجل به ذات خود قسم خورده است که هر کس حسین علیه السلام را با این زیارت، از دور یا از نزدیک، زیارت کرده و با این دعا، دعا کند،

ص: ۱۳۲

زیارت او را قبول می‌کنم و خواهش او را هر قدر که باشد می‌پذیرم و سؤالش را عطا می‌کنم، پس نا امید از طرف من بر نمی‌گردد؛ بلکه مسرور و خوشحال با حاجت روا شده، فوز بهشت و آزادی از آتش بر می‌گردد و شفاعت او را درباره هر کس، غیر از دشمن اهل بیت، قبول می‌کنم.

حق تعالی به ذات خود قسم خورده و ما را گواه بر آن گرفته چنان که ملائکه ملکوتش بر آن گواهند، و جبرئیل گفت: يا رسول الله! خداوند مرا به سوی تو فرستاد، سرور و بشارت بر تو و سرور و بشارت بر علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه خاندان تو علیهم السلام باد تا روز قیامت. پس ای محمد! سرور تو و سرور علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام، امت و شیعه تو تا روز قیامت پایینده باد! آن گاه صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام به من فرمودند: هر وقت حاجتی برایت پیش آمد در هر مکانی که هستی، این زیارت و دعا را بخوان و حاجت خود را از خداوند بخواه که برآورده می‌شود و خداوند و رسول او خلف و عده نمی‌کنند.

ص: ۱۳۳

زیارت عاشورا در کتاب مزار کبیر

شیخ ابو محمد عبدالله محمد بن جعفر مشهدی رحمة الله

زيارة ابی عبدالله الحسین علیه السلام فی یوم عاشورا

شیخ ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدی رحمه الله ۱۱۳ در ابتداء کتاب خود می فرماید: «

فانى قد جمعت فى كتابى هذا من فنون الزيارات للمشاهد المشرفات، وما ورد فى الترغيب فى المساجد المباركات والادعية المختارات وما يدعى به عقىب الصلوات وما يناجى به القديم تعالى من لذىذ الدعوات فى الخلوات وما يلجأ اليه من الادعية عند المهام

ص: ۱۳۴

مما اتصلت به من ثقات الرواية الى السادات؛ ۱۱۴

مرحوم بن مشهدی رحمه الله در خصوص کتاب مزار خود می گوید: آنچه در این کتاب گردآوری کردم از زیاراتی که در مساجد مختلف قرائت می شود و ادعیه اختیار شده و هرآنچه بعد از نماز به صورت تعقیبات ذکر می شود و ادعیهای که در خلوت با خدا با آن راز و نیاز می کند و دعاها بی که در هنگام طلب حاجت ذکر می شود و آنچه که ذکر کردم به واسطه ثقات به ائمه عليهم السلام می رسد». مرحوم بن مشهدی در بخش زیارت سیدالشهدا علیه السلام، ابتداء روایت عبدالله بن سنان را در خصوص چگونگی زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا نقل می کند:

«اخبرنا الشیخ الفقیہ العالی عمار الدین محمد بن ابی القاسم الطبری قراءة علیه وانا اسمع فی شهرور سنة ثلاثة و خمسین و خمسمائة بمتشهد مولانا امیر المؤمنین علیه السلام، عن الشیخ المفید ابی علی الحسن بن محمد، عن والده الشیخ ابی جعفر رضی اللہ عنہ، عن الشیخ المفید ابی عبدالله محمد بن محمد بن النعمان، عن ابن قولویہ و ابی جعفر بن بابویہ، عن محمد بن یعقوب الكلینی، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابی عمیر، عن عبدالله بن سنان، قال:

دخلت على سیدی ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهم السلام فی يوم عاشوراء، فألفیته کاسف اللون، ظاهر الحزن، و دموعه تحدر من عینیه كاللؤلؤ المتساقط، فقلت: يا ابن رسول اللہ ممّ بكاؤک؟ لا أبکی اللہ عینیک، فقال

ص: ۱۳۵

(۱) ۱۱۳- شیخ سعید ابو عبدالله، محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری؛ معروف به محمد بن مشهدی و بن مشهدی از اجلاء علمای سلف می باشد و اصحاب به کتب او اعتماد کرده اند و عمدہ ادعیه و زیارات، از کتب ایشان اخذ شده است ولیکن به دلیل آنکه کتب ایشان رحمه الله کم منتشر گردیده از این رو اسمشان مجھول مانده است. و علمای بزرگ از جمله محدث حر عاملی می گوید: شیخ محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله فاضل محدث و صدوق و برای ایشان کتب متعددی است و شیخ شهید محمد بن مکی رحمه الله در اجازه اش به شمس الدین شیخ سعید ابی عبدالله محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله می نویسد که روایت کرده از بن مشهدی رحمه الله به واسطه تمام کتب و روایاتش و این خود دال بر آن است که بن مشهدی مرتبه والایی داشته است.

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب شریف «بحار الانوار» از کتاب کبیر «فی الزيارات» بن مشهدی رحمه الله نقل می کند و سید بن طاووس رحمه الله در کتاب شریف «مصابح الزائر» خود از بن مشهدی رحمه الله نقل می کند و شیخ منتجب الدین رحمه الله در کتاب فهرست خود می گوید، سید ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی رحمه الله فقیه محدث است.

کتاب مزار بن مشهدی رحمه الله از کتبی است که علمای بزرگ از جمله سید رضی الدین علی بن موسی رحمه الله در «مصابح الزائر» و سید عبدالکریم ابن طاووس رحمه الله در «فرحة الغری» و علامه مجلسی اعتماد نموده اند.

(۱) ۱۱۴- المزار، محمد بن المشهدی، ص ۲۷؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۰.

لی: اُو فی غفَلَةٍ اَنْتَ؟ اَمَا عَلِمْتَ اَنَّ الْحَسِينَ بْنَ عَلَىٰ عَلِيهِ السَّلَامُ قُتِلَ فِي مُثْلِ هَذَا الْيَوْمِ»^{۱۱۵} ... تا آخر حدیث

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: روز عاشورا به حضرت مشرف شدم و آن حضرت را با رنگی تیره و گرفته و محزون و در حالی که اشکشان مانند دانه‌های لؤلؤ از چشمان مبارک جاری می‌شد مشاهده نمودم، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خداوند چشمانتان را نگریاند، گریه شما به خاطر چیست؟ حضرت فرمود: آیا غافلی و نمی‌دانی که حسین علیه السلام در مثل چنین روزی به مصائب مبتلا شده است؟ عرض کردم: ای سید و آقای من! نظرتان درباره روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند: این روز را روزه بدار؛ اما بدون اینکه آن را به پایان برسانی، افطار کن و بدون آنکه از پروردگار انتظار رحمت داشته باشی و آن را صوم کامل قرار نده و بعد از گذشت ساعتی از نماز عصر با جرعه آبی افطار کن.

عبدالله بن سنان می‌گوید: پس امام صادق علیه السلام گریه کرد به طوری که محاسنستان از اشک خیس شد و فرمودند: خداوند متعال، نور را در روز جمعه، مصادف با اول رمضان (بنابر تقدیر خود) خلق کرد و ظلمت را در روز چهارشنبه مطابق با روز عاشورا (بنابر تقدیر خود) خلق کرد و برای هر یک از امت‌ها آئین و راهی معین نمود. برترین عمل در این روز لباس پاکیزه به تن کردن و به حالت تسليخ خارج شدن است.

ص: ۱۳۶

عبدالله بن سنان می‌گوید: سؤال کردم تسليخ یعنی چه؟

امام فرمود: یعنی جلوی پیراهن را باز کنی و دست‌ها را تا آرنج نمایان کنی.

امام علیه السلام ادامه دادند: در آن حال بعد از طلوع آفتاب خارج می‌شود به بیابان (کویر) یا به جایی می‌روی که کسی تو را نبیند یا در منزلی می‌ماند که کسی آنجا نباشد و یا در یک جای خلوت می‌ماند.

«فتصلی اربع رکعات تحسن رکوعهن و سجودهن، و تسليم بین كل رکعتین، تقرأ في الركعة الاولى سورة الحمد، و

«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ، وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، ثُمَّ تصلِّي رکعتین اخرین، تقرأ في الاولى الحمد و سورة الاحزاب، و في الثانية الحمد و «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ»،

او ما تيسر من القرآن؛^{۱۱۶}

چهار رکعت نماز می‌خوانی و رکوع و سجود خود را نیکو به جا می‌آوری، و بین هر دو رکعت سلام می‌دهی و در رکعت اول بعد از سوره حمد، «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را می‌خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» می‌خوانی و سپس دو رکعت نماز دیگر می‌خوانی و در رکعت اول حمد می‌خوانی و سپس سوره احزاب و در رکعت دوم حمد می‌خوانی و سوره «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ» یا هر آنچه که بر تو خواندن از قرآن میسر شد».

(۱۱۱۵)- مزار بن المشهدی، ص ۴۷۳، باب ۱۸؛ مصباح المتهدی، ص ۷۸۲؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۳.

(۱۱۱۶)- المزار، محمد بن مشهدی، ص ۴۷۴؛ مصباح المتهدی، ص ۷۸۳.

بعد از سلام نماز، صورت خود را طرف قبر امام حسین علیه السلام متوجه

ص: ۱۳۷

می‌سازی در حالی که حماسه امام علیه السلام و یارانش را در ذهن تصور کرده، لعن بر قاتلین بفرست و تبری جوی از افعال دشمنان امام علیه السلام، اگر این کار را در روز عاشورا انجام دادی خداوند درجه تو را در بهشت بالا خواهد برد و گناهان تو را خواهد بخشید، سعی کن در مکانی که هستی چه صحراء فضا و ... بگویی:

«اَنَّ اللَّهُوَ اَنَا الِّيْ رَاجِعُونَ، رَضِيَّ بِقَصَائِهِ وَتَسْلِيمًا لَامْرِهِ»

در حالی که محزون هستی، تسبیح خدا کن، «اَنَّ اللَّهُوَ اَنَا الِّيْ رَاجِعُونَ» بگو و اگر از این کارها فارغ شدی، در همان جایی که نماز خواندی بایست و بخوان:

«اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةِ الَّذِيْ شَاقُوا رَسُولَكَ، وَ حَارَبُوا أُولَيَاءِكَ، وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ، وَ اسْتَخَلَّوْا مَحَارِمَكَ، وَ الْعَنِ الْفَادِهِ وَ الْاتِّبَاعِ، وَ مِنْ كَانَ مِنْهُمْ مُحِبًّا، وَ مَنْ اُوْضَعَ مَعَهُمْ او رَضِيَّ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا».

اللهُمَّ وَعَجَّلْ فَرَجَ آلَّ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَواتَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنْقَذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضَلِّلِينَ الْكُفَّارِ الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتْحِ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا» ۱۱۷ ... تا آخر حدیث

سپس امام علیه السلام فرمود: ابن سنان! این فعل تو افضل است از فلان مقدار حج و فلان مقدار عمره که مستحبی انعام می‌دهی، مال بر آن صرف می‌کنی، بدنت را بر آن خسته می‌کنی، و از اهل و فرزندانت دور می‌شوی.

ص: ۱۳۸

و خداوند متعال عنایت می‌کند به واسطه نماز در روز عاشورا و دعای با اخلاص و این عمل، ده خصلت و از جمله آن خصال، در امان ماندن از مرگ بد، در امان ماندن از مکر و فقر، و دشمن او در دنیا نمی‌ماند و او در امان می‌ماند از مرض جنون و برص، هم خودش و هم چهار پشت بعد از خودش. خداوند متعال نمی‌گذارد که شیطان بر او مسلط شود و تا چهار پشت او را خداوند از تسلط شیطان جلوگیری می‌کند.

«قال ابن سنان: فانصرفت و أنا أقول:

الحمد لله الذي من على بمعرفتكم و حبكم، وأسائله المعونة على المفترض على من طاعتكم بمنته ورحمته» ۱۱۸.

۱۱۷) (۱)- المزار، ابن مشهدی، ص ۴۷۵.

۱۱۸) (۱)- مصباح المتهجد، ص ۷۸۷؛ اقبال الاعمال، ص ۵۶۸؛ ابن مشهدی در مزارش، ص ۴۸۰؛ مجلسی در بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۸۰.

ابن سنان می‌گوید: من از نزد امام علیه السلام خارج شدم در حالی که می‌گفتم: خدا را شاکریم که بر ما منت نهاد و شما را بر ما معرفی کرد و حب شما را در دل ما قرار داد، و از خداوند متعال در خصوص آنان که طاعت‌شان را بر من فرض کرد تمسک و یاری خواستم (که بتوانم به وظیفه خود و مقابله آنان عمل کنم). زیارت عاشورا را ذکر می‌کند.

زيارة اخري له في يوم عاشورا

من قریب او بعيد، تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

ص: ۱۳۹

عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيلَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمَوْتَوْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَتَّىٰ بِنَائِكَ، وَانْحَاتٌ بِرَحْلِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ ابْدَأْ مَا بَقِيَتُ وَبَقَى اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»

۱۱۹... تا آخر زیارت

و بعد از ذکر زیارت عاشورا می‌گوید: «

زيارة الشهداء رضوان الله عليهم في يوم عاشورا

« زيارة شهدای کربلا در روز عاشورا را ذکر می‌نماید ... الى آخر.

ص: ۱۴۰

زيارة عاشورا مقول در مصباح الزائر

علی بن موسی (ابن طاووس) رحمه الله

جمال العارفين، سید رضی الدین سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس رحمه الله ۱۲۰، زیارت عاشورا را در فصل دهم از کتاب مصباح الزائر نقل

. ۱۱۹ (۱)- المزار، ابن المشهدی، ص ۴۸۱، باب ۱۸

۱۲۰ (۱)- سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس رحمه الله، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجاد علیهم السلام می‌باشد و در روز ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در شهر «حله» به دنیا آمد. جد هفتم ایشان مرحوم محمد بن اسحاق رحمه الله، که به دلیل زیبایی و ملاحتش به «طاووس» مشهور شده بود، از سادات بزرگوار مدینه محسوب می‌شد. پدر او، مرحوم موسی بن جعفر رحمه الله نیز، از روایات بزرگ حدیث است که روایات خود را در اوراقی

نموده است:

ذكر زيارة عاشوراء و فضلها و كيفيتها

و عمل ذلك اليوم على التقرير

عن الصادق عليه السلام قال: «من زار الحسين بن علي عليهما السلام يوم عاشوراء عارفاً بحقه، كان كمن زار الله في عرشه

۱۲۱.»

ص: ۱۴۲

کسی که امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا، در حالی که عارف به حقش باشد زیارت کند، مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

و یروی فی حدیث مرفوع اختصرناه عن عبدالله بن سنان قال:

دخلت على سيدى أبي عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام يوم عاشوراء فألقيته كاسف اللون، ظاهر الحزن، و دموعه تنحدر من عينيه كاللؤلؤ المتساقط، فقلت: يا ابن رسول الله، ممّ بكأوك، لا أبكي الله عينيك؟

فقال لي: «أو في غفلة أنت، أما علمت أن الحسين بن علي أصيب في مثل هذا اليوم؟» ۱۲۲ ... تا آخر حدیث

در حدیث دیگر دارد: «

نوشته بود و بعد از او، فرزندش آنها را جمع آوری نموده و با نام «فرقہ الناظر و بهجه الخاطر مما رواه والدی موسی بن جعفر» آن را منتشر نمودند. مادر او نیز دختر مرحوم ورام بن ابی فراس رحمة الله، از بزرگان علمای امامیه بود.

او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تهایی مطالعه نمود. این طاوس رحمه الله که از محضر اساتید حله استفاده کافی و لازم را برده بود، برای استفاده از علمای دیگر شهرها عزم سفر نمود. او ابتدا به کاظمین رفت. پس از مدتی ازدواج نمود و ساکن بغداد شد. مدت ۱۵ سال در شهر بغداد به تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف پرداخت. ورود سید رحمه الله به بغداد سال ۶۲۵ هجری بوده است. سید رحمه الله که برای پذیرش پست های حکومتی تحت فشار دولت عباسی قرار گرفته بود از بغداد به حله، زادگاه خودش، مراجعت کرد. سید رحمه الله مدت سه سال نیز در جوار امام هشتم علیه السلام به سر برد. سپس به نجف و کربلا هجرت کرده و در هر کدام حدود ۳ سال مقیم شد. در این زمان علاوه بر تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف، همت اصلی خویش را بر سیر و سلوک و کسب معنویات قرار داد.

مادر پدرش نیز نوه شیخ طوسی رحمه الله می باشد و به همین دلیل سید گاهی می گوید: «جدی ورام بن ابی فراس رحمه الله» و گاهی می گوید: «جدی الشیخ الطوسی رحمه الله» برادرها و برادرزادهها و فرزندان او نیز از علمای بزرگوار شیعه بوده اند. ابتدای تحصیلات سید این طاوس رحمه الله در شهر-

۱۱۲۱)- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص ۲۶۱

۱۱۲۲)- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص ۲۶۲

وجبت له الجنة

». فرمود: بهشت بر او واجب می‌شود.

و عن الصادق عليه السلام: «من زار الحسين عليه السلام في يوم عاشوراء وبات عنده كان كمن استشهد بين يديه»^{١٢٣}; کسی که زیارت کند سیدالشهدا علیه السلام را در روز عاشورا و بماند آن شب را در نزد سیدالشهدا علیه السلام مانند کسی است که در میان دو دست حضرت علیه السلام، شهید شده باشد».

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: روز عاشورا به حضرت مشرف شدم و آن حضرت را با رنگی تیره و گرفته و حزنی که در چهره، ظاهر بود و اشکی که همچون دانه‌های لؤلؤ از چشمان مبارک جاری بود مشاهده نمودم، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خداوند چشمانتان را نگریاند، گریه شما به سبب چیست؟

حضرت فرمود: آیا غافلی و نمی‌دانی که حسین علیه السلام در مثل چنین روزی

ص: ۱۴۳

به مصائب مبتلا شده است؟ عرض کردم: ای سید و آقای من! نظرتان درباره روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند: این روز را روزه بدار؛ اما بدون اینکه آن را به پایان برسانی، افطار کن و بدون آنکه از آن انتظار رحمت داشته باشی و آن روز را صوم کامل قرار نده.

ساعتی از نماز عصر گذشته، با جرعه‌ای آب آن را افطار کن.

عبدالله بن سنان می‌گوید: پس امام صادق علیه السلام گریه کرد به طوری که محاسنshan از اشک خیس شد و فرمودند: خداوند متعال، نور را در روز جمعه، مصادف با اول رمضان خلق کرد و ظلمت را در روز چهارشنبه، مطابق با روز عاشورا خلق کرد و برای هر یک از امت‌ها آئین و راهی معین کرد. برترین عمل در این روز، لباس پاکیزه به تن کردن و به حالت تسلب خارج شدن است.

عبدالله بن سنان سوال کرد: تسلب یعنی چه؟

امام علیه السلام فرمود: یعنی جلوی پیراهن را باز و دست‌ها را تا آرنج نمایان کنی.

امام علیه السلام ادامه دادند: در آن حال بعد از طلوع آفتاب خارج می‌شود به بیابان (کویر) یا به جایی می‌روی که کسی تو را نبیند یا در منزلی می‌مانی که کسی آنجا نباشد و یا در یک جای خلوت می‌مانی.

چهار رکعت نماز می‌خوانی و در رکوع و سجود نماز، تأمل می‌کنی و بین هر دو رکعت سلام می‌دهی و در رکعت اول بعد از حمد، سوره «قل يا ايها الكافرون» را می‌خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «قل هو الله احد» را می‌خوانی و در نماز دوم بعد از حمد، سوره

١٢٣) - مصباح المتهجد، ص ٧٧٢؛ كامل الزيارات، ص ٣٢٣؛ وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٣٧٢

«احزاب» را می‌خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، «اذا جاءك المنافقون» یا هرچه از قرآن که توانایی داشتی می‌خوانی.

بعد از سلام نماز، صورت خود را طرف قبر امام حسین علیه السلام متوجه می‌سازی در حالی که حماسه امام علیه السلام و یارانش را در ذهن تصور می‌کنی، لعن بر قاتلین بفرست و تبری جوی از افعال دشمنان امام علیه السلام، اگر این کار را در روز عاشورا انجام دادی، خداوند درجه تو را در بهشت بالا خواهد برد و گناهان تو را خواهد بخشید، سعی کن در آن مکانی که هستی چه صhra و فضا و ... بگویی:

«اَنَّا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رِضَاً بِقَضَائِهِ وَ تَسْلِيمًا لِمَرِهِ»

در حالی که محزون هستی، تسبیح خدا کن، «اَنَّا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگو و اگر از این کارها فارغ شدی در همان جایی که نماز خواندی، بایست و بخوان:

«اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شَاقُوا رَسُولَكَ، وَ حَارَبُوا أُولَئِكَ، وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ، وَ اسْتَحْلَلُوا مَحَارِمَكَ، وَ الْعَنِ الْقَادَةَ وَ الْاتِّبَاعَ، وَ مَنْ كَانَ لَهُمْ مُحِبًّا، وَ مَنْ اوْضَعَ مَعْهُمْ اَوْ رَضِيَ بِفَعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا.»

اللهم وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضَلِّلِينَ الْكَفَرَةِ الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يُسِيرًا، وَأَتْحَ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوكَ وَعَدُوهُمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا» ... تا آخر حدیث

سپس امام علیه السلام فرمود: ای ابن سنان! این فعل تو افضل است از فلان مقدار حج و فلان مقدار عمره مستحبی که انجام می‌دهی، مال بر آن صرف می‌کنی، بدنست را بر آن خسته می‌کنی و از اهل و فرزندانت دور می‌شوی.

و خداوند متعال عنایت می‌کند به واسطه نماز در روز عاشورا و دعای با اخلاص و این عمل، ده خصلت و از جمله آن خصال، در امان ماندن از مرگ بد، در امان ماندن از مکر و فقر است، و دشمنی بر او ظاهر نمی‌شود تا اینکه بمیرد و در امان می‌ماند از مرض جنون و برص هم خودش و هم چهار پشت بعد از خودش. خداوند متعال نمی‌گذارد که شیطان بر او مسلط شود و تا چهار پشت او را خداوند از تسلط شیطان جلوگیری می‌کند.^{۱۲۵} سپس مرحوم ابن طاووس رحمه الله بعضی از اعمال شب عاشورا را به نقل از مصباح کبیر^{۱۲۶}، و اقبال الاعمال^{۱۲۷}، نقل می‌کند.

(۱) ۱۲۴- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص ۲۶۳.

(۲) ۱۲۵- مصباح المتهجد، ص ۵۳۷؛ اقبال الاعمال، ص ۵۶۸؛ ابن مشهدی در مزارش، ص ۶۸۷؛ مجلسی در بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۹.

(۳) ۱۲۶- مصباح المتهجد، ص ۵۳۷

(۴) ۱۲۷- اقبال الاعمال، ص ۵۵۵

سپس زیارت عاشورا را بر طبق روایت صالح بن عقبه نقل می‌کند و می‌فرماید: این بهترین زیارت (زیارت عاشورا) است که در روز عاشورا از نزدیک یا دور خوانده می‌شود.

«... وأما فضل الزيارة و عمل ذلك اليوم (روز عاشوراء) فقد روى

ص: ۱۴۶

زيارة أخرى يُزار بها الحسين عليه السلام في يوم عاشوراء من القرب والبعد: ۱۲۸

اما بهترین زیارت و عمل در روز عاشورا، به درستی که زیارت دیگری بر روز عاشورا بر امام حسین علیه السلام ذکر شده که از نزدیک و دور خوانده می‌شود:

صالح بن عقبة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «مَنْ زَارَ الْحَسِينَ بْنَ عَلَى عَلِيهِمَا السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءِ مِنَ الْمُحْرَمِ حَتَّى يَظْلِمَ عَنْهُ بَأْكِيلًا لَقِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَ يَوْمَ يَلْقَاهُ ثَوَابُ أَلْفِ حَجَّةٍ، وَأَلْفِ عُمْرَةٍ، وَأَلْفِ غَزْوَةٍ، ثَوَابُ كُلِّ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَزْوَةٍ كَثُوبَ مَنْ حَجَّ وَاعْتَمَرَ وَغَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعَ الائِمَّةِ الرَّاشِدِينَ» ۱۲۹ ... تا آخر حدیث

محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه، از پدرش، از حضرت امام باقر علیه السلام که فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی علیهم السلام را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام. راوی گفت، گفتم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا بوده و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرای بالا رود بر بام بلندی در خانه خود، و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام و جهد کند در نفرین

ص: ۱۴۷

کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن، دو رکعت نماز کند و انجام دهد این کار را در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب؛ پس ندبه کند بر حسین علیه السلام و بگردید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند- هرگاه از ایشان تقدیم نمی‌کند- به گریستن بر آن حضرت و بر پا دارد در خانه خود مصیبته به اظهار کردن جزع بر آن حضرت و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبیت ایشان به حسین علیه السلام. و من ضامن می‌شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او باشد. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می‌شوی این ثوابها را برای ایشان و کفیل می‌شوی این ثوابها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می‌گویند: «

(۱) ۱۲۸- مصباح الزائر، ص ۲۶۷.

(۲) ۱۲۹- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۲.

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسْنَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ شَارِهٍ مَعَ وَلَيْهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

یعنی بزرگ فرماید خداوند اجر و ثواب عزاداری ما را بر امام حسین عليه السلام فرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد علیهم السلام و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است که برآورده نمی‌شود در آن حاجت مؤمن، و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را ذخیره نکند؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده و مبارک نخواهد بود از برای اهلش. پس هرگاه این عمل را به جای آوردن، بنویسد حق

ص: ۱۴۸

تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله عليه و آله انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که قیامت به پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل کرده‌اند از علقمہ بن محمد حضرمی که گفت، به حضرت باقر علیه السلام عرض کرد: که تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه‌ام.

امام علیه السلام فرمود: ای علقمہ! هرگاه تو به جای آوردي آن دو رکعت نماز را (نماز زیارت)، بعد از آنکه اشاره کنی به سوی آن حضرت به سلام، پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت بعد از گفتن تکبیر، این قول؛ یعنی زیارت آتیه را، پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را به تحقیق که دعا کرده‌ای به آن چیزی که دعا می‌کند کسی که شهید شده باشد با امام حسین علیه السلام، تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در جمله شهیدانی که شهید شده‌اند با آن حضرت، و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین علیه السلام را، از روزی که شهید شده است، سلام خدا بر آن حضرت علیه السلام و بر اهل بیتش علیهم السلام باد.

«قال صالح بن عقبة و سيف بن عميره: قال علقمہ بن محمد

ص: ۱۴۹

الحضرمی: قلت لابی جعفر علیه السلام: علمتني دعاء أدعوه به في ذلك اليوم اذا أنا زرته من قرب، و دعاء أدعوه به اذا أنا لم أزره من قرب وأومن أن من بعد البلاد ومن داري بالتسليم إليه؛ ... تا آخر حديث

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل می‌کنند که علقمہ بن محمد الحضرمی گفت، به امام باقر علیه السلام عرض کرد: دعایی به من تعلیم فرماید که اگر از نزدیک زیارت کردم، بخوانم و دعایی که اگر از دور اشاره به سلام کردم، بخوانم.

حضرت فرمودند: ای علقمه! هرگاه تو اشاره به سلام نمودی و دو رکعت نماز را خواندی، هنگام اشاره به آن حضرت بعد از تکبیر، این قول - زیارت عاشورا - را بگو؛ پس اگر تو این زیارت را خواندی دعا کرده‌ای به آنچه که ملائکه زائرِ حسین دعا می‌کنند و خداوند صد هزار هزار درجه برای تو می‌نویسد و مانند کسی هستی که با امام حسین علیه السلام شهید شده و در درجات آنها شرکت کرده باشد، و شناخته نمی‌شوی مگر جزء شهادایی که با سیدالشهدا علیه السلام شهید شدند و خداوند منظور می‌گرداند برای تو ثواب زیارت هر نبی، رسول و هر زائری که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده از زمانی که به شهادت رسید».

سپس مرحوم بن طاووس رحمه الله زیارت عاشورا را نقل می‌کند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ

ص: ۱۵۰

سَيِّدِ الْوَاصِبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارَهِ وَالوِتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ إِبْدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

«... تا آخر دعا

بعد از نقل زیارت عاشورا، علقمه می‌گوید، امام باقر علیه السلام فرمودند:

اگر بتوانی هر روز در خانه خود این زیارت (زیارت عاشورا) را بخوانی ان شاء الله تمام ثواب‌هایی که ذکر شده است، برایت منظور می‌گردد. ۱۳۱ سپس مرحوم بن طاووس رحمه الله روایت محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره را متذکر می‌شود که گفت:

من به همراه صفوان بن مهران جمال و چند نفر از دوستانمان پس از خروج امام صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه برای زیارت امیر المؤمنین علیه السلام روانه نجف اشرف شدیم. پس از راه حیره ۱۳۲ وارد شهر شدیم و پس از آنکه مضجع شریف امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت نمودیم، صفوان روی خود را به سمت قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام برگردانید و به ما گفت: امام حسین علیه السلام را از این مکان، از بالای سر مقدس امیر المؤمنین علیه السلام زیارت کنید و زیارت عاشورا را خواند. (همین مقدار از روایت را فقط ذکر می‌کند)

بعد از آنکه صفوان زیارت عاشورا را تمام کرد، نزد سر امیر

ص: ۱۵۱

(۱) (۱) - مصباح المتهجد، ص ۵۳۹؛ «قال علقمه: قال ابو جعفر علیه السلام: ان استطعت ان تزوره فی كل يوم بهذه الزيارة من دارك فافعل ولكن ثواب جميع ذلك». (۲) - شهری است در یک فرسنگی کوفه.

المؤمنین علیه السلام دو رکعت نماز به جای آورد؛ سپس امیر المؤمنین علیه السلام را وداع گفت و رو به جانب مرقد امام حسین علیه السلام کرد و به آن سو اشاره نمود و با آن حضرت نیز وداع نمود. از جمله دعاهايی که پس از آن دو رکعت نماز خواند، اين دعا بود:

«يا الله يا الله يا الله، يا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يا كَاشِفَ كُربَ الْمَكْرُوبِينَ، يا غِيَاثَ الْمُسْتَغْيَثِينَ، يا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ،
وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَاتَمَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

» ... تا آخر دعا ۱۳۳

صف: ۱۵۲

زيارت عاشورا مقول در كتاب فرحة الغرى

سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمة الله

سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمة الله ۱۳۴ در كتاب فرحة الغرى، روایت صفوان را ذکر می‌کند: که روایت شده از صفوان جمال که گفت: با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از مدینه مشرفه بیرون رفتم و اراده کوفه

صف: ۱۵۳

(۱) ۱۳۳-كتاب مصباح الزائر ابن طاووس، زيارت عاشورا.

(۱) ۱۳۴- غیاث الدین، ابو المظفر، عبدالکریم بن احمد (۶۹۳-۶۴۸ ق)، فقیه، ادیب و نسب شناس. وی در کربلا، زاده شد و در حلّه، رشد و کمال یافت و در بغداد، درس خواند. ادبیات را نزد حسین بدر ادیب، از عالمان عامه آموخت (نامه دانشوران، ج ۱، ص ۱۸۳) استادان او در سطوح عالی عبارت بودند از: بدر، عمومیش، رضی الدین علی بن موسی، خواجه نصیر الدین طوسی و محقق حلی (جعفر بن حسن، ۶۰۲-۶۷۶ ق). وی از آنان اجازه روایت یافت. شاگردان بسیاری نیز در حوزه درس او شرکت می‌کردند که برخی از آنان به مراتب بلند علمی و فقهی دست یافتند، از آن میان می‌توان از ابوالبرکات شیخ عبدالرحمن بن احمد حربی حنبیلی و عبد الصمد بن احمد بن ابی الجیش، دو تن از عالمان اهل سنت، نام برد که از او به کسب اجازه روایت نیز نایل آمدند. گفته‌اند که او در ۱۱ سالگی حافظ قرآن بود. وی در ادب دستی توانا داشت و به استواری شعر می‌سرود و به شیوه‌ای می‌نوشت. چنان‌که از کتاب «فرحة الغرى» او بر می‌آید، در ۶۸۰ ق به قصد زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام به خراسان سفر کرده است. او در روزگار خود مقام نقبات علویان را نیز یافت. از سید عبدالکریم آثاری بر جای مانده است که مشهورترین آنها «فرحة الغرى بصرحة الغريه» است که در تعیین محل دفن امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است و در ۱۳۱۱ ق در تهران و ۱۳۶۸ ق در نجف چاپ شده است. نسخه‌هایی خطی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و آستان قدس موجود است. وی حاشیه‌ای نیز بر دعای سمات نوشته که نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. سید عبدالکریم در کاظمین درگذشت، اما محل دفن او معلوم نیست. فرزند او، رضی الدین ابوالقاسم علی (د ۷۴۱ ق) نیز از محدثان به شمار آمده است. وی از پدر خود و از خواجه نصیر الدین طوسی روایت کرده است. شهید اول (محمد بن مکی، ۷۳۴-۷۸۶ ق) با یک واسطه از او روایت کرده است.

داشتم و چون از حیره گذشتیم، فرمود: یا صفوان! گفتم: لبیک ای پسر رسول خدا! فرمود: شتران را رو به «قایم» ببر - و قایم، میلی یا عمارتی بوده است - و به طرف «غربی» برو. و چون به «قایم» رسیدند، آن حضرت ریسمان باریکی بیرون آورده و آن ریسمان را در منطقه قایم گره زدند و در حالی که ریسمان را در دست داشتند به طرف مغرب چند گام رفتند و ادامه ریسمان را با دست خود می‌بردند تا آنجا که ریسمان پایان یافت، ایستادند و کفی از خاک برداشتند و مدتی مديدة بو کردند و چند قدم آمدند تا موضع قبر آن حضرت است و به دست مبارک، قبضه‌ای از خاک برداشتند، بوئیدند، نعره‌ای زدند و از هوش رفتند. من گمان کردم که از دنیا مفارقت فرمودند، و چون به هوش آمدند فرمودند: **والله!** که این محل، قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. بعد از آن خطی بر دور قبر کشیدند، من عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چه چیزی مخصوصان این اهل بیت را از اظهار قبر آن حضرت منع می‌کرد؟ فرمودند که از خوف بنی مروان و خوارج علیهم اللعنة اظهار نکرده و مخفی کردند. صفوان گفت، از آن حضرت سؤال کردم: به چه نحو امام را زیارت بکنیم؟ فرمود: وقتی که می‌خواهی زیارت کنی، غسل کن و دو جامه پاکیزه شسته یا نو بپوش و بوی خوش استعمال کن، و اگر بوی خوش به دست نیاید باکی نیست، و چون از خانه بیرون آیی، این دعا را بخوان.

ص: ۱۵۴

بعد از ذکر موارد فوق، مرحوم سید عبدالکریم بن طاووس رحمة الله می‌گوید: دعا و زیارت (زیارت عاشورا) را ذکر نکردم؛ زیرا که به طول می‌انجامد.

ص: ۱۵۵

زیارت عاشورا در کتاب منهاج الصلاح

علامه حلی رحمه الله

علامه حسن بن علی بن مطهر حلی^{۱۳۶} در کتاب منهاج الصلاح، زیارت عاشورا را در باب فيما يتعلق بشهر المحرم وهو آخر الاشهر الحرم الاربعه وقتل فى العاشر منه مولانا السبط الشهيد الامام ابو عبدالله الحسين علیه السلام

۱۳۵) - کتاب فرحة الغری، ترجمه علامه محمد باقر مجلسی، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۱۳۶) - جمال الدین حسن، فقیه بزرگ شیعه و از مفاخر علماء در اصول، کلام، حدیث، تفسیر، منطق، فلسفه، ادبیات عرب، ریاضی، رجال و در تمام این علوم صاحب تألیفات است. در حدود یکصد کتاب از آثار او شناسایی شده که بعضی مانند «تذكرة الفقهاء» کافی است که نبوغ او را نشان دهد. علامه، کتاب زیادی دارد که غالب آنها در زمان‌های بعد، از طرف فقهاء شرح داده شده است.

پدرش، سید الدین یوسف ابن مطهر حلی رحمه الله، از دانشمندان و فقهاء بزرگ و بسیار شجاع و با تدبیر، مادرش زنی فاضله و بلند مرتبه از خاندان بنی سعید، برادرش رضی الدین رحمه الله صاحب «العدد القویه لدفع المخاوف الیومه» که سیزده سال از علامه، بزرگ‌تر بود. خواهرش همسر مجده الدین ابو

علامه حلى رحمه الله در فصل پنجم کتاب با عنوان آنچه که به ماه محرم تعلق دارد مى‌گويد: محرم، از ماه‌های حرام است و مولای ما، امام حسین عليه السلام در دهم این ماه به شهادت رسید و مستحب است روزه گرفتن در روز دهم این ماه، در حالی که حزین باشد و افطار کند بعد از ظهر به مقدار کمی از تربت امام حسین عليه السلام.

ص: ۱۵۶

و امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس زیارت کند قبر امام حسین عليه السلام را در روز عاشورا در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد، مانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.

فاطمه زهرا عليها السلام طعامی از خرما، نان و روغن فراهم کرد و حضرت محمد صلی الله عليه و آله همراه با علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام طعام را میل فرمودند. بعد از اتمام طعام، پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله سجده طولانی نمود، سپس گریه کرده، پس از آن خندیدند و سپس نشستند.

ص: ۱۵۷

امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب عليه السلام فرمود: ای رسول خدا! امروز از شما چیزی را دیدیم که قبلًا مشاهده نکرده بودیم؛ سجده کردید و گریه کردید و سپس خندیدید، سبب این کارها چه بود؟

رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: هنگامی که با شما غذا خوردم به سلامت و اجتماع شما مسرور شدم. سجده کردم برای خدا تا او را شکر گوییم در آن هنگام در حالی که در سجده بودم جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند متعال به شما سلام می‌رساند و می‌گوید شما سجده کردید، و سجده

ص: ۱۵۸

شکر به دلیل اینکه با اهل بیت بودی، سپس جبرئیل فرمود: خبر دهم به تو آن چیزی که بعد از شما بر آنها اتفاق می‌افتد؟ پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله فرمود: بلى، ای برادر من جبرئیل! جبرئیل فرمود: اما دختر تو (فاطمه زهرا عليها السلام) اول کسی است که به

ص: ۱۵۹

تو ملحق خواهد شد، بعد از آنکه به او ظلم خواهد کرد، حقش را می‌گیرند، از ارث منعش می‌کنند، به شوهرش ظلم می‌کنند و پهلویش را می‌شکنند. اما پسر عمومی تو (علی بن ابی طالب عليه السلام) پس به او ظلم می‌کنند، از حقش منع می‌کنند و به شهادتش می‌رسانند. اما امام حسن عليه السلام به او ظلم می‌کنند، از حقش منع می‌کنند و به واسطه سم به شهادت می‌رسد و امام حسین عليه السلام، به او ظلم می‌کنند، از حقش منع می‌کنند و در حالی که غریب است او را شهید می‌کنند، اسبها بر بدنش می‌تازند، هستی‌اش به تاراج می‌رود و بانوان و ذریه‌اش به اسیری برده می‌شوند و در حالی که غریب، و بدنش غوطه‌ور در خون است دفن می‌شود. پیامبر صلی الله عليه و آله فرمود: پس گریه کردم و سؤال

الفوارس که دو فرزند او از شاگردان علامه بودند. لقب او آیت الله، و جمال الدین فاضل بود و کنیه‌اش «ابو منصور» و «ابن مطهر» در سخنان بزرگان از او با لقب «علامه» و «علامه» -

کردم از جبرئیل که آیا کسی امام حسین علیه السلام را زیارت می‌کند؟ جبرئیل جواب داد: زیارت می‌کنند او را غرباء (آنها که راه دور هستند). سپس سؤال کردم از جبرئیل که کسی که زیارت کند حسین علیه السلام را، چه ثوابی به او داده می‌شود؟ جبرئیل جواب داد: نوشه می‌شود بر زائر امام حسین علیه السلام، هزار حج، هزار عمره و هزار غزوه که در رکاب تو (پیامبر) باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پس خندیدم.

سپس علامه حلی می‌فرماید: مستحب است زائر، در روز عاشورا، از قریب و بعيد به این زیارت (زیارت عاشورا)، زیارت کند امام حسین علیه السلام را. سپس زیارت عاشورا را با تمام فقرات ذکر می‌کند.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَيَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ

ص: ۱۶۰

سَيِّدِ الْوَاصِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبْدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ...

». بعد از اتمام نقل زیارت عاشورا، علامه حلی رحمه الله می‌فرماید:

مستحب است در روز عاشورا اظهار جزع و بكاء به خاطر شهادت امام حسین علیه السلام. و امام باقر علیه السلام فرمود که امام علی بن الحسین علیه السلام می‌فرمود:

هر مؤمنی چشمانش به خاطر شهادت امام حسین علیه السلام بگردید، به گونه‌ای که قطرات اشک بر صورتش جاری شود، خداوند متعال به واسطه این اشک، اتاق‌هایی را در بهشت برای او مهیا می‌کند که مدت‌های طولانی و جاودان در آن سکنی می‌گزیند، و هر مؤمنی چشم‌هایش گریان شد، به طوری که اشک‌ها بر گونه‌اش جاری گردید، خداوند متعال بر او جایگاه جاویدانی در بهشت در نظر می‌گیرد. و هر مؤمنی به خاطر ما مورد اذیت قرار گیرد، خداوند متعال اذیت و سختی را، از او بر می‌دارد و او را در روز قیامت از آتش جهنم و غضبش ایمن می‌کند.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام را بر روی ران راست و فرزندش، ابراهیم را بر روی ران چپ قرار می‌داد؛ گاهی امام حسین علیه السلام و گاهی ابراهیم را می‌بوسید، پس روزی جبرئیل بر او نازل شد و گفت: خداوند متعال می‌گوید، بر تو نیست آن دو را جمع کنی! یکی را انتخاب کن تا آنکه یکی را بگیرم؟ پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قدری تأمل کرد و فرمود: بر

ص: ۱۶۱

خداوند متعال سلام برسان! من حسین علیه السلام را انتخاب کردم؛ زیرا اگر ابراهیم بمیرد، من گریه می‌کنم ولیکن اگر امام حسین علیه السلام بمیرد من، فاطمه و علی گریه خواهیم کرد. پس ابراهیم را بعد از سه روز قبض روح کن، همچنین وقتی امام حسین علیه السلام رویه روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار می‌گرفت، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: مرحبا به کسی که فرزندم ابراهیم را بر او فدا کردم! و همچنین روایت است، هنگامی که روح هارون قبض شد، موسی علیه السلام گریه کرد و با خداوند متعال مناجات کرد و گفت: ای خدا! از تو می‌خواهم که به واسطه هارون

مرا مورد لطف قرار دهی، پس وحی کرد خداوند متعال، و فرمود: ای موسی! تو تنها نیستی و من در کنار تو هستم و آنیس و جلیس تو می‌باشم. قسم به عزت و جلالم، اگر واسطه شدی برای شفاعت جن و انس، شفاعت تو را قبول می‌کنم الا قاتل سیدالشہدا، امام حسین بن علی علیه السلام و به درستی که قاتل امام حسین علیه السلام نصف عذاب اهل دنیا را تحمل خواهد کرد.

۱۶۲#

زیارت عاشورا در کتاب مزار شهید اول

محمد بن مکی شهید اول رحمه الله

شهید اول، محمد بن مکی رحمه الله ۱۳۷ در کتاب مزار قبل از ذکر زیارت عاشورا عنوان باب را این‌گونه می‌آورد: « ذکر زیارات ابی عبدالله علیه السلام المخصوصة بالایام والشهرور وما يتعلق منها من قولٍ أو عمل مبرورٍ » و بعد می‌فرماید: «

منها زیارة اول ...

». مرحوم، شهید اول رحمه الله در کتاب المزار خود بعد از ذکر بعضی از زیارت مخصوصه روزها و ماهها می‌فرماید:

ص: ۱۶۳

۱۳۸

(۱) ۱۳۷- جبل عاملی، منطقه‌ای است کوهستانی در جنوب لبنان و نامی است آشنا که در تاریخ شیعه، سوابق درخشانی دارد. فقهای نامدار و گرانقدری همچون محقق ثانی رحمه الله، شیخ بهایی رحمه الله، شهید ثانی رحمه الله، علامه سید محسن امین رحمه الله و سید عبدالحسین شرف الدین عاملی رحمه الله، همگی از آن دیار عالم پرورند. شهید اول رحمه الله نیز از همین خطه دانش گستر برخاسته است. در یکی از روزهای سال ۷۳۴ق، لطف الهی پسری زیبا به خاندان ابو محمد مکی رحمه الله، ملقب به جمال الدین عطا کرد که او را «محمد» نامیدند. محمد در دامان مادری مهربان که بانوی از آل مُعیه - خاندانی علوی از عراق - بود، و همچنین تحت تربیت پدری صالح، مراحل رشد و ترقی را در زادگاهش جبل عامل، پیمود. شهید اول از فقهای سرشناسی است که پدر و اجدادش، همه از دانشمندان معروف بودند. وی در خاندانی زندگی کرد و رشد نمود که همگی اهل دین، دانش، فضیلت و تقوا بودند و همت بلندی در نشر معارف اسلامی داشتند و دوستداران و مدافعان واقعی پیامبر و اهل بیت به شمار می‌آمدند. تبارنامه شهید اول به چهار قبیله همدان، اوس، خزر و مطلب می‌رسد که از بزرگترین و گرامی‌ترین قبایل عرب در صدر اسلام بودند.

مدرسه و حوزه علمیه حله در قرن هشتم هجری از رونق بسزایی برخوردار بود و اندیشمندان بزرگ شیعه در آنجا حضور داشتند، به طوری که تشنگان دانش و فقاهت از هر سو به آن-

۱۳۸ تبریزی، جواد، زیارت عاشورا فراتر از شبهه، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهیدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.

«ومنها زيارة يوم عاشوراء قبل أن تزول الشمس من قرب أو بعد

». و می فرماید: اگر اراده کردی زیارت سیدالشہدا علیه السلام را، به طرف مرقد مطهر سیدالشہدا، در حالی که سلام می کنی متوجه شو، آنچه که از دعا بر علیه قاتلین سیدالشہدا علیه السلام به ذهن آمد، بگو و هنگامی که متوجه آن حضرت شدی بگو:

ص: ۱۶۴

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيَّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَةَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبْدًا مَا بَقِيَّ وَبَقَى اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»

ص: ۱۶۵

... تا آخر دعا

و بالا سر حضرت امیرالمؤمنین دو رکعت نماز بخوان سپس با امیرالمؤمنین وداع کن و به طرف مرقد مطهر سیدالشہدا علیه السلام متوجه شو و در حالی که صورت خود را به سمت آن مرقد شریف کردی، بگو:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُرَبَ الْمَكْرُوبِينَ

.»...

شهید اول رحمه الله می فرماید: تا آخر دعای مذکور در آخر زیارت امیرالمؤمنین (مراد زیارت امیرالمؤمنین مذکور در خود کتاب مزار شهید است که حدیث صفوان ذکر شده است) می باشد.

ص: ۱۶۶

زيارة عاشوراء در کتاب مصباح کفعمی

جنة الأمان الواقعية وجنة الإيمان الباقي

معروف به مصباح کفعمی رحمه الله

الادعیه والصلوات والزیارات والاحراز والعودات می فرماید: «

وقد جمعته من کتب معتمد علی صحتها مأمور بالتمسک بوثقی عروتها لا یغیرها کر العصرین ولا مر الملوین ... وسمیة جنّة الامان الواقیة، فی جنّة الایمان الباقیة وهو اسم وافق المسمی ولفظ طابق المعنی ...;

[المصباح الکفععی، ص ۴] یعنی: کتابی را که گردآوری کردم به وثاقت روایت آن ایمان دارم و چیزی از کتاب به مرور زمان تغییر نخواهد کرد ... و اسم آن را ... گذاشت که نام با مسمایی است ...».

«اما زیارت عاشورا من قرب او بعد فمن اراد ذلك و كان بعيداً عنه عليه السلام الى الصحراء او يصعد سطحاً مرتفعاً في
داره و يومي اليه عليه السلام ...

». اما زیارت عاشورا از قریب یا بعيد؛ اگر کسی اراده کند زیارت سیدالشہدا علیه السلام را در روز عاشورا و بعيد بود از مرقد مطهر امام حسین علیه السلام.

امام علیه السلام فرمود: وی در چنین روزی به صحراء رفتہ یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت، سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز، قبل از ظهر انجام

(۱) - علامه مامقانی در تدقیق، ج ۴، ص ۱۹۸ در مورد کفععی می گوید: «ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد بن صالح الکفععی، کان نکه فاضلًا، ادیباً، شاعرًا و ... هو من مشاهير الفضلاء والمحدثين، والصلحاء المتوربين، وكان بين زمانی الشهیدین و ...» او از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن نهم و دهم هجری است. او عالی وارسته، محدثی مورد اطمینان، ادبی توانا و شاعری زبردست و ... بود کفععی در نیمه اول قرن نهم هجری در روستای «کفعع» یا «کفرعیما» از نواحی جبل عام در یک خانواده علمی، مذهبی دیده به جهان گشود. این روستا نزدیک منطقه جیشیت بود امروزه تنها آثار ویرانه‌های این روستا به چشم می خورد. دودمان کفععی مانند سائر خاندان‌های علمی جبل عامل، اهل دانش و تقوا بودند. شیخ زین الدین علی کفععی (متوفی ۵۸۶ هـ. ق) از دانشمندان و محدثان بزرگ جبل عامل و پدر و استاد کفععی است و از مشایخ اجازه او به شمار می‌رود. این محدث نام آور شیعه، تلاش فراوانی در گردآوری حدیث نمود. او به کتابهای مختلف در این مورد رجوع می‌کرد و در هر کجا حدیثی را می‌یافت که بزرگان و دانشمندان دیگر آن را در کتابهای خود نیاورده بودند، وی آن را ثبت و برای طالبان معارف زلال اهل بیت علیهم السلام نقل می‌نمود.

اگر امروزه به کتابهای بزرگ و معتبر شیعه، همچون: وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و بحار الانوار رجوع کنیم، در می‌یابیم که محدث کفععی چقدر در نشر و گسترش احادیث و روایات ائمه علیهم السلام نقش داشته است. شیخ حر عاملی رحمة الله در وسائل الشیعه، محدث نوری رحمة الله در مستدرک الوسائل و علامه مجلسی رحمة الله در بحار الانوار دهها روایت در موضوعات مختلف علوم اسلامی، از محدث کفععی نقل کرده‌اند که بخشی از موضوعات آن روایات عبارتند از: آداب نماز، دعا، وصیت، طهارت، آداب دفن و کفن میت مسلمان، اخلاق اجتماعی، معماری اسلامی، آداب زندگی و معاشرت، خواص سوره‌های قرآن، آثار تربیت امام حسین علیه السلام، آداب زیارت و تسلی، حقوق اجتماعی مسلمانان، بهداشت و مسائل فردی، تاریخ شهادت و ولادت ائمه علیهم السلام، مهدویت، مسایل حج و سایر موضوعات گوناگون فقهی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی -

ص: ۱۶۹

دهد، سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می‌باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب، در خانه‌اش اقامه مصیبت نماید و مواطن باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند، با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام تسلیت دهند و بگویند: «

أَعْظَمُ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ مَعَ وَلَيْهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

» و بعد از خواندن دو رکعت نماز، که ذکر کردیم پس

ص: ۱۷۰

صد بار تکبیر بگو و سپس به سیدالشہدا علیه السلام اشاره کرده و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَأْبَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَأَبْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَأْبَنَ
امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْنَ

ص: ۱۷۱

سَيِّدِ الْوَصِيّْينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَأْبَنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَأَبْنَ ثَارَهِ وَالْوُتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ إِبْدًا مَا بَقِيَتُ وَبَقِيَ اللَّيلُ وَالنَّهَارُ، يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ
عَطَّمْتِ الرَّزِيّْةَ وَجَلَّتْ وَعَطَّمْتِ الْمُصِيْبَةَ بِكَ

... تا آخر دعا

ص: ۱۷۲

همچنین مستحب است در روز عاشورا چهار رکعت (غیر از دو رکعتی که بعد از زیارت عاشورا خوانده است) نماز بخواند و قبلًا کیفیت خواندن آن در فصل صلوات بیان شد.

ص: ۱۷۳

سپس دو رکعت نماز بخوان، هرگونه که خواندی و بعد از آن بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلِيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَلَكَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَأَنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ وَالرَّكُوعُ وَالسَّجْدَةُ إِلَّا لَكَ
لَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلِيْهِ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْهُمْ أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحْمِيَةِ

ص: ۱۷۴

واردد على منهم السلام، اللهم وهاتان الركعتان هدية مني إلى سيدى مولاي الحسين بن على عليهما السلام، اللهم صل على محمد وآله وتقبلهما مني

ص: ۱۷۵

وأجرني عليهم أفضل أمنى ورجائى فيك وفي وليك يا ولی المؤمنین

۱۴۰.«

ص: ۱۷۶

زيارة عاشورا در کتاب

بحار الانوار

علامه محمد باقر مجلسی رحمة الله

علامه محمد باقر مجلسی رحمة الله ۱۴۱ در کتاب مزار بحار الانوار [ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۰]، زیارت عاشورا را ذکر نموده است. ایشان ابتدا با عنوان کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، بعضی از روایات دال بر فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا را متذکر و سپس ضمن ذکر روایت علقمہ بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام، زیارت عاشورا را با تمام فرازهای آن بیان می‌کند.

كيفية زيارة صلوات الله عليه يوم عاشورا

حکیم بن داود و غیره، عن محمد بن موسی الهمدانی، عن محمد بن

ص: ۱۷۷

(۱) (۱۴۰)- مصباح الكفعمی، ص ۴۸۵؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۴.

(۱) (۱۴۱)- بی‌گمان علامه محمد باقر مجلسی رحمة الله تداعی گر بزرگ‌ترین و پر اهمیت‌ترین رساله‌های شیعی و حدیثی است. ملا محمد باقر مجلسی رحمة الله معروف به «علام مجلسی رحمة الله» از مشهورترین عالمان شیعی ایرانی تبار است که در دوران حاکمیت سلسه صفویه بر مستند فقاهت و زعامت دینی قرار گرفت. بحار الانوار از عمدۀ ترین و گستره‌ترین دائرة المعارف‌های بزرگ حدیث شیعه است که روایات کتب حدیث را با باب‌بندی و نظم، ذکر کرده است. ایشان در تفسیر و شرح روایات از منابع مختلف لغت، فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، اخلاق و ... استفاده کرده است.

علامه در مقدمه «بحار الانوار» چنین می‌نگارد:

در آغاز کار، به مطالعه کتاب‌های معروف و متدالوں پرداختم و بعد از آن به کتاب‌های دیگری که در طی اعصار گذشته به علل مختلف متروک و مهجور مانده بود روی آوردم. هر جا که -

خالد الطیالسی، عن سیف بن عمیره و صالح بن عقبة معا، عن علقمہ بن محمد الحضرمی و محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبة، عن مالک الجھنی، عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال: من زار الحسین علیه السلام يوم عاشورا حتی يظل عنده باکیاً لقی اللہ عزّ وجلّ يوم القيمة بثواب ألف حجۃ، وألفي ألف عمرة، وألفي ألف غزوۃ و ثواب كل حجۃ و عمرة و غزوۃ کثواب من حجۃ واعتمن و غرامع رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و مع الاتمۃ

ص: ۱۷۸

الراشدين صلوات اللہ علیهم، قال: قلت: جعلت فداک فما لمن کان فی بعد البلاد وأقصیها ولم يمكنه المصیر إلیه فی ذلك اليوم؟ ...»

۱۴۲ ... تا آخر حدیث

هرکه زیارت کند امام حسین علیه السلام را در کربلا در روز عاشورا و آن روز گریان بماند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که به ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار غزوہ رسیده است و ثواب هر حج، هر عمره و هر غزوہ مثل ثواب کسی است که حج کند، عمره کند و جنگ کند در رکاب رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و ائمه معصومین علیهم السلام.

مالک جھنی می‌گوید، به امام باقر علیه السلام عرض کرد: فدایتان شوم! اگر کسی از کربلا دور بود و ممکن نبود در روز عاشورا خود را به کربلا برساند، چه عملی انجام دهد؟

امام علیه السلام فرمود: روز عاشورا به بیابان برو یا بر بلندی خانهات قرار گیر و به سوی سیدالشهدا علیه السلام اشاره کن و آنچه که به نظرت می‌رسد از دعا (مراد، دعا علیه قاتلان حضرت) بر قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام بخوان و بعد از آن دو رکعت نماز نزدیک ظهر، قبل از زوال به جای آور و سپس ندبه و گریه کن و دیگران را به گریه امر نما. در حالی که اظهار

ص: ۱۷۹

جزع کنند و یکدیگر را در حال گریه ملاقات بنمایند، و در منزلش مجلس عزابر پا دارد. و سپس امام باقر علیه السلام فرمود اگر این کار را انجام دهنند من ضامن می‌شوم که تمام ثواب‌هایی که ذکر شد، به آنها برسد.

جهنی می‌گوید: به امام علیه السلام گفتم: جان من به فدای شما! شما ضامن هستید که اگر آن گونه عمل کردند، ثواب به آنان برسد؟

امام علیه السلام فرمود: من ضامن هستم. جهنی می‌گوید، خطاب به امام علیه السلام عرض کرد: چگونه مردم به یکدیگر تسلیت بگویند؟

امام فرمود، بگویید:

عظم الله اجرنا و (اجوركم) بمصابنا بالحسين عليه السلام

و خدا ما و شما را از طالبین خون سیدالشهداء، همراه با امام مهدی عليه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله قرار دهد.

و آن گاه امام عليه السلام فرمود: اگر برایت ممکن شد روز عاشورا، خود را مشغول حوائج مگردان و این روز، روز نحسی است و حاجتی برآورده نمی‌شود و اگر مشغول حوائج شدی، خداوند آن را مبارک نمی‌گرداند و پیشرفتی در آن کار خواهد بود.

و در آن روز برای خانه خود چیزی را ذخیره مکن و اگر کسی ذخیره کند، خداوند آن را بر شخص و خانواده‌اش مبارک نمی‌گرداند. اگر کسی این دستورات را انجام داد خداوند متعال برایش هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه که همه آنها در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است منظور خواهد کرد. و همچنین ثواب عزاداری هر پیامبر و رسولی، و هر صدیق و هر شهیدی که وفات کرده یا به قتل رسیده، از زمان خلقت دنیا تا آخرین ساعت حیات، را کسب خواهد کرد.

ص: ۱۸۰

سنده اول زیارت عاشورا

منقول در بحار الانوار

علامه مجلسی رحمه الله

سپس صاحب بحار الانوار روایت علقمہ بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام را نقل می‌کند:

«قال صالح بن عقبة الجهنمي و سيف بن عميرة: قال علقمہ بن محمد الحضرمي: فقلت لابي جعفر علیه السلام علمتني دعاء أدعوه به في ذلك اليوم إذا أنا زرته من قريب، ودعاء أدعوه به إذا لم أزره من قريب وأوامات إليه من بعد البلاد و من داري

١٤٣... علقمہ بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام در خواست نمود که مرا دعایی تعلیم بفرما که هرگاه خواستم امام حسین علیه السلام را زیارت کنم از راه نزدیک یا دور و از خانه‌ام در این روز (روز عاشورا) بخوانم.

امام فرمود: ای علقمه! دو رکعت نماز بخوان، بعد از آن این زیارت (عاشورا) را بخوان. پس اگر تو این زیارت را بخوانی، دعا کرده‌ای به آنچه که، ملائکه برای زائر حسین علیه السلام دعا می‌کنند و هزار هزار حسنیه بر تو ثبت خواهد شد، هزار هزار گناه از تو محو می‌شود و خداوند صد هزار هزار درجه برای تو بنویسد و مثل کسی هستی که با حسین علیه السلام شهید شده باشد تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در زمرة شهیدانی که شهید شده‌اند با آن حضرت، و نوشتند

شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین علیه السلام را، از روزی که شهید شده است.

سپس علامه مجلسی رحمه الله زیارت عاشورا را کامل و با تمام فقرات ذکر می‌نماید:

«قول: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اِمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَاصِبَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لَيْلَةَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارَهُ وَالْوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبْدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ۱۴۴...» ... تا آخر زیارت

بعد از نقل زیارت عاشورا می‌فرماید:

«قال: يا علقمه إن استطعت أن تزوره، في كل يوم بهذه الزيارة من دهرك فافعل، فلك ثواب جميع ذلك انشاء الله تعالى ۱۴۵. امام فرمود: يا علقمه! اگر توانستی هر روز زیارت کنی امام حسین علیه السلام را با این زیارت (زیارت عاشورا)، انجام بده که تمام ثواب‌های مذکور را کسب خواهی کرد.

سند دوم زیارت عاشورا

منقول در بحار الانوار

علامه مجلسی رحمه الله

«قال الشيخ الطوسي رحمه الله في المصباح: روى محمد بن اسماعيل بن بزيع عن صالح بن عقبة، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من زار الحسين بن علي عليهما السلام في يوم عاشورا من المحرم ... و ساق الحديث نحواً مما مر إلى قوله تقول

(۱) ۱۴۴- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۱.

(۲) ۱۴۵- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۳.

». آنگاه صاحب بحار الانوار کل زیارت عاشورا با تمام فرازها یعنی ذکر می‌کند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيْبَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَارِ اللَّهِ وَابْنَ ثَارَهِ وَالْوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الْأَتِيَ حَلَّتْ بِفِتَنَاتِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبْدًا مَا بَقِيَتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

«... ۱۴۶ تا آخر زیارت

بعد از آن روایت علقمه را ذکر می‌کند:

«قال علقمه: قال أبو جعفر عليه السلام: إن استطعت أن تزوره، في كل يوم بهذه الزيارة فافعل ولكن ثواب جميع ذلك

۱۴۷.« سپس علقمه گفت، امام باقر عليه السلام فرمود: اگر توانستی هر روز، امام

ص: ۱۸۳

حسین علیه السلام را با این زیارت (زیارت عاشورا) زیارت کنی، انجام بده که برایت تمام ثوابها در نظر گرفته می‌شود.

ص: ۱۸۴

سند سوم زیارت عاشورا

منقول در بحار الانوار

علامه مجلسی رحمه الله

سپس علامه مجلسی رحمه الله، روایت طیالسی از سیف بن عمیره را نقل می‌کند:

«و روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال و جماعة من أصحابنا الى الغری بعد ما خرج أبو عبدالله عليه السلام فسرنا من الحیرة إلى المدينة.

(۱) ۱۴۶- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

(۲) ۱۴۷- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۶.

فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله عليه السلام فقال لنا: تزورون الحسين عليه السلام من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين صلوات الله عليه من هنا وأومي إليه أبو عبدالله عليه السلام وأنا معه»^{١٤٨} ... آخر زيارت

محمد بن خالد طبالي از سیف بن عمیره روایت کرده که گفت: با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم - بعد از خروج حضرت صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه - پس زمانی که ما از زیارت، یعنی زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام فارغ شدیم، صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله علیه السلام گردانید و به ما گفت: حسین علیه السلام را از این مکان از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام زیارت کنید که جناب صادق علیه السلام از اینجا به سلام بر آن حضرت ایما و

ص: ١٨٥

اشاره کرد و من در خدمتش بودم. سیف گفت: پس صفوان همان زیارتی (زیارت عاشورا) که علقمه بن محمد حضرتی از حضرت باقر علیه السلام در روز عاشورا روایت کرده بود را خواند، آن گاه دو رکعت نماز کرد نزد سر امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد از آن نماز، امیرالمؤمنین علیه السلام را وداع گفت و به سلام به جانب قبر حسین علیه السلام اشاره کرد در حالتی که روی خود را به جانب او گردانیده بود و بعد از زیارت او را وداع کرد و از دعاها یکی که بعد از نماز خواند این بود:

«يا الله يا الله يا الله يا مُجِيب دَعْوَةِ الْمُضطَرِّينَ، يا كَاشِفَ كُربَ المَكْرُوبِينَ، يا غِيَاثَ الْمُسْتَغْيَثِينَ، يا صَرِيقَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَيْلَ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ أَسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَاتَمَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»^{١٤٩} ... تا آخر دعا

بعد از پایان نقل دعای معروف به «دعای علقمه»، صاحب بحار الانوار می فرماید:

«قال سیف: فسألت صفوان فقلت له: إن علقمة بن محمد لم يأتنا بهذا عن أبي جعفر علیه السلام: إنما أتانا بدعاء الزيارة فقال صفوان: وردت مع سیدی أبي عبدالله علیه السلام الى هذا المكان فعل مثل الذى فعلناه في زيارتنا، ودعا بهذا الدعاء عند الوداع بعد أن صلى كما صلينا، ووَدَعَ كما ودَعَناه

«... ١٥٠ تا آخر حدیث

ص: ١٨٦

سیف بن عمیره گوید: از صفوان سؤال کردم: علقمه بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر علیه السلام روایت نکرد؛ بلکه همان زیارت را حدیث کرد. صفوان گفت: من با سید خودم، حضرت صادق علیه السلام به این مکان وارد

(١) (١٤٨)- بحار الانوار، ج ٩٨، باب ٢٤، ص ٢٩٦.

(٢) (١٤٩)- بحار الانوار، ج ٩٨، باب ٢٤، ص ٢٩٦.

(٣) (١٥٠)- بحار الانوار، ج ٩٨، باب ٢٤، ص ٢٩٩.

شدم پس در زیارت به جا آورد، مثل آنچه را که ما به جا آوردیم و دعا کرد به این دعا هنگام وداع بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت، چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم.

پس صفوان گفت، حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: مواطن باش این زیارت را و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن؛ پس به درستی که من ضامن بر خدا برای هر کس که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا، از نزدیک یا دور، اینکه زیارت ش مقبول شود، سعیش مشکور گردد، سلامش به آن حضرت برسد، محجوب نماند، حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی، به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نمید بمنگرداند. ای صفوان! یافتم این زیارت را به این ضمان از پدرم، و پدرم از پدرش، علی بن الحسین علیه السلام به همین ضمان و حسین از پدرش، امیرالمؤمنین علیه السلام با همین ضمان و امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله، با همین ضمان و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل، با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی، با همین ضمان، و به تحقیق که خداوند عز و جل به ذات مقدس خود قسم خورده که هر کس زیارت کند حسین علیه السلام را به این زیارت، از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارت او را می پذیرم از او خواهش او را به هر قدر که باشد و می دهم مسئیلتش را، پس باز نگردد از حضرت من با نالامیدی و خسار و بازش

ص: ۱۸۷

گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت، فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند، جز شفاعت دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود. قسم خورده حق تعالی به این بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن، ملائکه ملکوت او، پس جبرئیل گفت: یا رسول الله! خدا مرا فرستاده به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از اولاد تو علیهم السلام و شیعه شما تا روز رستاخیز.

پس صفوان گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای صفوان! هرگاه روی داد از برای تو به سوی خدای عز وجل حاجتی، پس زیارت کن به این زیارت، در هر مکانی که هستی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از خدا، و خدا خلاف نخواهد فرمود و عده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش والحمد لله. ۱۵۱

ص: ۱۸۸

ذکر زیارت عاشورا در کتاب تحفه الزائر

علامه مجلسی رحمة الله

(۱) ۱۵۱- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۹، کتاب المزار؛ مصباح الطوسي رحمة الله، ص ۵۴۲-۵۴۶، چاپ بيروت.

در فضیلت و کیفیت زیارت شب و روز عاشورا و اعمال آن است

علامه مجلسی در این بخش از کتاب تحفه الزائر، بعد از ذکر چند حدیث در خصوص فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، زیارت اول را با عنوان زیارت عاشورا ذکر می‌کند.

[زیارت] اول:

به سند معتبر، منقول است از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه، هر دو از محمد بن اسماعیل و علقمة بن محمد حضرمی، و هر دو از مالک جهنه، که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: هر کس زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در روز دهم محرم تا نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج، دو هزار هزار عمره، و دو هزار هزار جهاد، که هر یک را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام انجام داده باشد.

مالک گفت: فدای تو شوم! چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور باشد، و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت ممکن نباشد؟

فرمود که: چون روز عاشورا درآید، بیرون رود به سوی صحراء، یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود، و اشاره کند به سوی آن حضرت به

ص: ۱۸۹

سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتل آن حضرت، و بعد از آن، دو رکعت نماز به جا آورده؛ و انجام دهد این کار را در اول روز، پیش از ظهر، پس ندبه، نوحه و گریه کند بر حسین، و امر کند هر که را در خانه او است و - اگر از او تقیه نکند - به گریه کردن بر آن حضرت، و در خانه خود مصیبته بپاردازد به اظهار جزع بر آن حضرت، و ملاقات کند بعضی از ایشان بعضی را، در خانه های خود به گریه کردن، و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را، به مصیبته آن حضرت؛ پس من ضامن بر خدا، که هرگاه این کارها را انجام دهنند، جمیع آن ثوابها را به ایشان عطا فرماید.

مالک گفت: تو ضامن و کفیلی از برای ایشان به این ثواب؟ فرمود:

بلی!

پرسید: چگونه یکدیگر را تعزیه بگویند؟

فرمود، می گویند:

«عَظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسْنَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَجَعَلَنَا إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلَيْهِ الْأَمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»^{۱۵۲}.

و اگر تواني در آن روز از برای هیچ کاري از خانه بیرون مرو، که آن روز، روز نحسی است و حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمی شود؛ و اگر برآورده شود، از برای او مبارک نیست، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید.

ص: ۱۹۰

و از برای منزل خود چیزی ذخیره مکن، که در این روز هر که از برای منزل خود چیزی ذخیره کند، از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است؛ و از برای اهلش نیز مبارک نخواهد بود.

پس کسی که چنین کند، از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره، هزار هزار جهاد، که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده باشد. و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت.

علقمه بن محمد گفت، به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که تعلیم نما به من دعایی که بخوانم در این روز، هرگاه که خواهم آن حضرت را زیارت کنم از نزدیک، و دعایی که هرگاه در شهرهای دور بودم و خواستم به سلام به او اشاره کرده آن حضرت را زیارت کنم، بخوانم.

فرمود: ای علقمه! هرگاه دو رکعت نماز زیارت را خواندی بعد از آنکه اشاره کرده باشی به جانب آن حضرت به سلام، و گفته باشی بعد از اشاره و نماز، آن قول را که مذکور خواهد شد، پس دعا کرده ای به دعایی که ملاتکه می خوانند، در زمانی که آن حضرت را زیارت می کنند، و می نویسد خدا برای تو به واسطه آن زیارت، هزار هزار حسن، و محو می کند از برای تو هزار هزار گناه، و بلند می کند از برای تو در بهشت، هزار هزار درجه، و از آنها ی خواهی بود که شهید شده باشند با حسین بن علی علیه السلام تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات

ص: ۱۹۱

ایشان، و نشناسند تو را مگر از آنها ی که با آن حضرت شهید شده اند، و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبر و رسول، و ثواب زیارت هر کس که آن حضرت را زیارت کرده است، از روزی که شهید شده است.

می گویند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَحْشَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوَتْرَ الْمَوْتَنَّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ وَبَقَى اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»^{۱۵۳} ... تا آخر دعا

۱۱۵۳) - مصباح المتهجد، ص ۵۳۷-۵۳۹، چاپ بیروت؛ کامل زیارات، ص ۱۷۴، باب ۸، ح ۷۱، بخار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۰، ح ۱ و ص ۲۹۳؛ موسوعة زیارات المقصومین علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۸۴، ش ۱۱۷۸.

علقمه گفت، امام محمد باقر علیه السلام فرمود: اگر توانی هر روز، آن حضرت را به این کیفیت زیارت کنی، بکن که جمیع این ثوابها از برای تو خواهد بود. ۱۵۴ و محمد بن خالد الطیالسی از سیف بن عمریه روایت کرد که گفت:

من با صفوان ابن مهران جمال و جماعتی از اصحاب خودمان به سوی نجف رفتیم - بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام پیش از ما از حیره به مدینه بیرون رفته بودند - پس چون از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فارغ

ص: ۱۹۲

شدیم، صفوان روی خود را به سوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام گردانید و گفت:

حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان، از بالای سر امیرالمؤمنین علیه السلام زیارت کنید، که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین کرد در زمانی که من در خدمت آن حضرت به این مکان شریف آمده بودم.

پس صفوان آن زیارت، که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای روز عاشورا روایت کرده است را خواند.

پس نزد سر امیرالمؤمنین علیه السلام دو رکعت نماز کرد، و بعد از نماز امیرالمؤمنین علیه السلام را وداع کرد و رو به جانب قبر امام حسین علیه السلام کرده و آن حضرت را نیز وداع کرد.

و از جمله دعاها بی که بعد از آن دو رکعت نماز خواند، این دعا بود:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُربَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غَيَاثَ الْمُسْتَغْيَثِينَ، يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبْيِنِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَاتَمَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةُ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُبَرِّمُهُ إِلَحَاحُ الْمُلِحَّينَ، يَا مُذْرِكَ كُلُّ فَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، وَيَا بَارِيَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَانٍ، يَا قَاضِي الْحَاجَاتِ، يَا مُنَفِّسَ الْكُرُبَاتِ، يَا مُعْطِيَ السُّؤَالَاتِ، يَا وَلِيَ الرَّغَبَاتِ، يَا

ص: ۱۹۳

كافی المهمات، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» ۱۵۵ تا آخر زیارت

سیف بن عمریه گفت، من به صفوان گفتم: علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر علیه السلام برای ما روایت کرد، این دعا را نقل نکرد!

صفوان گفت: من با سید خودم، امام جعفر علیه السلام به این مکان وارد شدم، پس در زیارت، همان کاری را کرد که ما کردیم و این دعا را خواند در هنگام وداع، بعد از آنکه آن دو رکعت نماز را خواند، و آن وداع را به جا آورد.

(۱) - قال علقمة: قال ابو جعفر عليه السلام: ان استطعت ان تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دارك فافعل ولكن ثواب جميع ذلك. مصباح المتهجد، ص ۱۵۴، جاپ بیروت، ۵۳۹

(۲) - مصباح المتهجد، ص ۱۵۵، ۵۴۰-۵۴۲، چاپ بیروت.

بعد از آن صفوان گفت، حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: مداومت کن این زیارت را، و بخوان این دعا را، و به این نحو زیارت بکن، که من ضامنم بر خدا، که هر کس این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور؛ اینکه زیارت شن مقیول باشد، سعیش مزد داده شود، سلامش به آن حضرت برست، محجوب نگردد، و هر حاجت که از خدا بطلبید برآورده شود، هرچند که حاجتش بزرگ باشد.

ای صفوان! این زیارت را با همین ضمان از پدرم شنیدم، و پدرم از علی بن الحسین علیه السلام با همین ضمان، و از امام حسین علیه السلام و او از امام حسن علیه السلام با همین ضمان، و او از پدرش، امیرالمؤمنین علیه السلام با همین ضمان، و امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همین ضمان، و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل علیه السلام با همین ضمان، و جبرئیل از خداوند عالمیان با

ص: ۱۹۴

همین ضمان.

و به تحقیق که حق تعالیٰ به ذات مقدس خود قسم خورده است که، هر کس حضرت امام حسین علیه السلام را به این روش زیارت کند از نزدیک یا دور، و این دعا را بخواند، زیارت او را قبول کنم، و از درگاه من نالیم برنگردد، و او را بر گردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجت، فائز شدن به بهشت، آزاد شدن از جهنم، و از برای هر که شفاعت کند، شفاعتش را قبول کنم، مگر شفاعت در حق کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدای بلند مرتبه ما را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن، ملائکه ملکوت خود را.

پس جبرئیل گفت: ای رسول خدا! حق تعالیٰ مرا به سوی تو فرستاده است برای بشارت، سرور و خوشحالی تو، و بشارت و شادی علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت.

پس حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای صفوan! هرگاه تو را حاجتی به سوی خدا به هم رسد، این زیارت را بکن هرجا که باشی، و این دعا را بخوان، و از پروردگار خود حاجت خویش را بطلب، که البته برآورده می‌شود و حق تعالیٰ خلف و عده خود نمی‌فرماید.^{۱۵۶}

ص: ۱۹۵

ذکر زیارت عاشورا در کتاب زاد المعاد

علامه مجلسی رحمة الله

(۱) - مصباح المتهجد، ص ۵۴۳، چاپ بیروت؛ قال صفوان: قال لى ابوعبدالله علیه السلام: يا صفوان اذا حدث لك إلى الله حاجة فرز بهذه الزيارة من حيث كنت، وادع بهذا الدعاء وسل ربك حاجتك تاتك من الله، والله غير مختلف وعده رسوله صلی الله علیه و آله بمنه والحمد لله.

هرکس زیارت کند و بماند نزد قبر شریف سیدالشہدا علیہ السلام شب عاشورا، خداوند متعال در روز قیامت او را، در حالی که به خون خود غلتان است، به شکل کسانی که در کربلا معلی به زمین افتاده‌اند با آنان محسور خواهد کرد و اگر زیارت کند شب و روز عاشورا، سیدالشہدا علیہ السلام را، خداوند متعال او را ماند کسی که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده است، محسور خواهد کرد. سپس روایت «

من زار الحسین علیه السلام یوم عاشورا وجبت له الجنة» ۱۵۷

؛ کسی که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا واجب می‌شود بر او بهشت را ذکر می‌کند. و در ادامه زیارت عاشورا را، همراه با روایات منقول در فضیلت آن، بیان می‌کند.

محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش، از حضرت امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی علیهم السلام را در روز دهم محرم، تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام. راوی گفت، عرض کرد:

ص: ۱۹۶

福德ایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا است و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرای بالا رود، بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز کند و این کار را در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب انجام دهد پس ندبه کند بر حسین علیه السلام و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه‌اش هستند- هرگاه از ایشان تقیه نمی‌کند- به گریستان بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبی به اظهار کردن جزء بر آن حضرت، و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیب ایشان به حسین علیه السلام و من ضامنم برای ایشان بر خدا که هرگاه بیاورند این عمل را، جمیع آن ثوابها را بهره‌مند گردند. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می‌شوی این ثوابها را برای ایشان و کفیل می‌شوی این ثوابها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به‌جا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می‌گویند: «

أَعْظَمُ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلَيْهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبیت ما به حسین علیه السلام و قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او با ولی او، امام مهدی از آل محمد علیهم السلام.

و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است که برآورده نمی‌شود در آن، حاجت مؤمن و

اگر برآورده شود، مبارک نخواهد بود از برای او و در آن خیر و رشدی نخواهد بود. البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را ذخیره نکند پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود از برای او در اهلش، که ذخیره برای آنها نهاده؛ پس هرگاه به جای آوردند این عمل را، حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده باشد بنویسد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از زمانی که حق تعالی دنیا را خلق فرموده تا زمانی که قیامت به پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی نقل می‌کنند که به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه‌ام پس ایشان به من فرمود: ای علقمه! هرگاه تو به جا آوردي آن دو رکعت نماز را، بعد از آنکه اشاره کنی به سوی آن حضرت به سلام، پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت، بعد از گفتن تکبیر، این قول؛ یعنی زیارت آتیه را، پس هرگاه گفتی این قول را، به درستی که همان دعایی را خوانده‌ای که شهیدان در رکاب امام حسین علیه السلام خوانده‌اند. تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در زمرة شهیدانی که شهید

شده‌اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین علیه السلام را از روزی که شهید شده است و سلام خدا بر آن حضرت علیه السلام و بر اهل بیتش علیهم السلام باد و می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرِتَهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّْينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتْرَ الْمَوْتَوْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الْأَتَى حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبْدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقَى اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرِّزْيَةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيْبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أهْلِ الْإِسْلَامِ».

...»

امام فرمود: یا علقمه! اگر توانستی هر روز زیارت کنی امام حسین علیه السلام را با این زیارت (زیارت عاشورا)، انجام بده که تمام ثواب‌های مذکور را کسب خواهی کرد.

محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره نقل می‌کند که گفت: با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم - بعد از خروج حضرت صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه -، پس زمانی که ما از زیارت؛ یعنی زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام فارغ شدیم صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله علیه السلام گردانید و به ما گفت که حسین علیه السلام را از این مکان، از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام زیارت کنید که جناب صادق علیه السلام از اینجا ایما و اشاره

کرد به سلام بر آن حضرت و من در خدمتش بودم. سیف گفت، پس صفوان، همان زیارتی را (زیارت عاشورا) که علقة بن محمد حضرمی از حضرت باقر عليه السلام در روز عاشورا روایت کرده بود را خواند آن گاه نزد سر امیرالمؤمنین عليه السلام دو رکعت نماز کرد و بعد از آن نماز، امیرالمؤمنین عليه السلام را وداع گفت و اشاره کرد به جانب قبر حسین عليه السلام به سلام در حالتی که گردانیده بود روی خود را به جانب او، و بعد از زیارت او را وداع کرد و از دعاها بی که بعد از نماز خواند این بود:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُربَ المَكْرُوبِينَ، يَا غَيَاثَ الْمُسْتَغْيَبِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»

... تا آخر دعا

سیف بن عمیره گوید: که از صفوان سوال کردم و گفتم: علقة بن محمد این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) را برای ما، از حضرت باقر عليه السلام روایت نکرد؛ بلکه همان زیارت را حدیث کرد. صفوان گفت:

من با سید خودم، حضرت صادق عليه السلام به این مکان وارد شدم پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردهیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع، بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت، چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم. آن گاه صفوان گفت:

حضرت صادق عليه السلام به من فرمود: مداومت کن و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن، پس به درستی که من ضامن بر خدا، برای هر کس که

زیارت کند به این زیارت (زیارت عاشورا) و دعا کند به این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) از نزدیک یا دور، اینکه زیارتی مقبول، سعیش مشکور باشد و سلامش به آن حضرت برسد، محجوب نماند، حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی، به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نمید بزنگرداند. ای صفوان! یافتم این زیارت را به این ضمان از پدرم، و پدرم از پدرش، علی بن الحسین عليه السلام به همین ضمان و حسن از پدرش، امیرالمؤمنین عليه السلام با همین ضمان و امیرالمؤمنین عليه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همین ضمان و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضمان و به تحقیق که خداوند عز وجل به ذات مقدس خود قسم خورده که، هر کس زیارت کند حسین عليه السلام را به این زیارت، از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارتی را و می پذیرم خواهشش را به هر قدر که باشد و می دهم مستلش را، پس باز نگردد از حضرت من با نامیدی و خسار و بلکه بگردد با چشم روشن به برآوردن حاجت، فوز به جنت و آزادی از دوزخ، و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند جز شفاعت دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود. و حق تعالی قسم خورده به این امور بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن ملائکه ملکوت. پس جبرئیل گفت:

ای رسول خدا! پروردگار فرستاده مرا به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از اولاد تو علیهم السلام و شیعه شما تا روز رستاخیز.

ص: ۲۰۱

پس صفوان گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای صفوان! هرگاه حاجتی داشتی به درگاه خدای عز و جل، پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که باشی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجت را، که برآورده شود از سوی خدا، و خدا خلاف وعده‌ای که به رسول خود به جود و امتنان خوبیش داده، نخواهد کرد والحمد لله. ۱۵۸.

ص: ۲۰۲

نقل سند کامل زیارت عاشورا

منقول در مصباح المتهجد شیخ طوسی رحمه الله

سند اول

روایت:

«صالح بن عقبه و سیف بن عمیره قال: علقمہ بن محمد الحضرمی قلت لابی جعفر علیه السلام
۱۵۹».

يعنى: اين دو نفر (صالح بن عقبه و سیف بن عمیره) مشترڪاً از علقمہ بن محمد حضرمی زیارت عاشورا را از امام باقر علیه السلام نقل كرده‌اند.

سند کامل به نقل از صالح بن عقبه

«شیخ طوسی رحمه الله از علی بن احمد بن محمد بن ابی جید از محمد بن حسن بن ولید از محمد بن حسن فروح صفار از محمد بن حسین بن ابی خطاب از محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از علقمہ بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام». ۱۵۸

سند کامل به نقل از سیف بن عمیره

۱۵۸- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۰۰، باب ۲۴، کتاب المزار؛ مصباح الطوسی رحمه الله، ص ۵۴۲-۵۴۶.

۱۵۹- مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ص ۳۲۵-۳۲۸، چاپ بیروت؛ کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، ص ۵۳۶-۵۳۹.

«شیخ طوسی رحمه الله از علی بن احمد بن محمد بن ابی جید از محمد بن حسن بن ولید از محمد بن حسن صفار از محمد بن حسین بن ابی خطاب از محمد بن اسماعیل بن بزیع از سیف بن عمیره

ص: ۲۰۳

از علقمه بن محمد الحضرمی از امام باقر علیه السلام».

سند دوم

روایت محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره، در خصوص زیارت عاشورا، از حضرت ابا عبد الله امام صادق علیه السلام «۱۶۰»

روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره

». سند کامل اینگونه می‌شود:

شیخ طوسی رحمه الله از حسین بن عبید الله غضائی از احمد بن محمد بن یحیی از محمد بن یحیی عطار از محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره از صفوان بن جمال از امام صادق علیه السلام.

سند سوم

«روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبه عن ابیه (عقبه بن قیس بن سمعان) عن ابی جعفر علیه السلام

۱۶۱. با توجه به اینکه شیخ طوسی رحمه الله سه طریق برای وصول به کتاب «الحج» محمد بن اسماعیل بن بزیع نقل کرده است، سند کامل این گونه می‌شود:

۱- «شیخ طوسی رحمه الله از ابن ابی جید (ابوالحسین علی بن احمد بن

ص: ۲۰۴

محمد بن ابی جید القمی)، از محمد بن حسن بن ولید، از علی بن ابراهیم، از پدرش (ابراهیم بن هاشم قمی)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع». ۲- «شیخ طوسی رحمه الله از حسین بن عبید الله غضائی، از حسن بن حمزه علوی، از ابراهیم بن هاشم، از پدرش (ابراهیم بن هاشم قمی)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع».

۳- «شیخ طوسی رحمه الله از ابن ابی جید (ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید القمی)، از محمد بن الحسن بن ولید، از سعد (بن عبدالله اشعری قمی) و حمیری (عبد الله بن جعفر حمیری)، و احمد بن ادريس (قمی)، و محمد بن

(۱) ۱۶۰- مصباح المتهجد، ص ۵۴۰، چاپ بیروت؛ کامل الزيارات، ص ۳۲۵-۳۲۸.

(۲) ۱۶۱- مصباح المتهجد، ص ۷۷۲.

(۳) ۱۶۲- فهرست، شیخ طوسی رحمه الله، ص ۲۱۵، رقم ۶۰۵.

یحیی (الطارقی) از احمد بن محمد (بن عیسی الاعشی القمی)، و محمد بن الحسین (بن ابی الخطاب)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع^{۱۶۳}. سند چهارم زیارت عاشورا

منقول در کتاب کامل الزیارات مرحوم ابن قولویه رحمه الله

«حدتی حکیم بن داود بن حکیم وغیره، عن محمد بن موسی الهمدانی، عن محمد بن خالد الطیالسی، عن سیف بن عمیره وصالح بن عقبة جمیعاً، عن علقمة بن محمد الحضرمی و محمد بن اسماعیل، عن

ص: ۲۰۵

صالح بن عقبة، عن مالک الجهنی، عن أبي جعفر عليه السلام

۱۶۴»...

سند کامل با سه طریق:

۱- «حکیم بن داود بن حکیم وغیرش از محمد بن موسی همدانی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر عليه السلام».

۲- «حکیم بن داود بن حکیم وغیرش از محمد بن موسی همدانی از محمد بن خالد طیالسی از صالح بن عقبه از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر عليه السلام».

۳- «محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر عليه السلام».

سند پنجم زیارت عاشورا

منقول در کتاب کامل الزیارات مرحوم ابن قولویه رحمه الله

قال صالح بن عقبة الجهنی وسیف بن عمیره قال علقمة بن محمد الحضرمی فقلت لابی جعفر عليه السلام: ۱۶۵....

صالح بن عقبة جهنی و سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی نقل کردند که به امام باقر عليه السلام عرض کردم.

و سند کامل با دو طریق اینگونه می شود:

۱. «جعفر بن محمد بن قولویه، از حکیم بن داود بن حکیم، وغیر

ص: ۲۰۶

۱۶۳- فهرست، شیخ طوسی رحمه الله، ص ۲۳۶، رقم ۷۰۶

۱۶۴- کامل الزیارات، ص ۳۲۵، ح ۵۵۶

۱۶۵- کامل الزیارات، ص ۳۲۷

او، از محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طیالسی، از سیف بن عمیره، صالح بن عقبه جمیعاً، از علقمه بن محمد حضرمی».

۲. «محمد بن اسماعیل (بن بزیع)، از صالح بن عقبه، از مالک جهنه، از امام باقر علیه السلام».

ص: ۲۰۷

لعن

تعريف لعن

لعن از دیدگاه قرآن

لعن در کتب اهل سنت

فرازهایی از زیارت عاشورا در کتاب و سنت

سیره شیعیان

استحباب لعن

انی اکره لكم ان تكونوا سبّاين

ص: ۲۰۹

تعريف لعن

ابن منظور در تعريف لعن می‌گوید: لعن: «

الابعاد والطرد من الخبر؛ ۱۶۶

یعنی: لعن به معنای دور کردن و طرد از خیر است»، و به تعبیر واضح‌تر دعا کردن برای اینکه خداوند رحمت خود را از کسی بردارد.

راغب اصفهانی می‌گوید: «لعن به معنای طرد و دور کردن با غضب است. لعن اگر از جانب خدا باشد در آخرت به معنای عقوبت و در دنیا به معنای انقطاع از قبول رحمت و توفیق است. و اگر از انسان باشد به معنای دعا و نفرین و درخواست

بر ضرر غیر است». ۱۶۷ طریحی می‌گوید: «لعن به معنای طرد از رحمت است». ۱۶۸ این اثیر می‌گوید: «اصل لعن به معنای طرد و دور کردن از خداست.

و از خلق به معنای سبّ و نفرین است». ۱۶۹ خداوند متعال در قرآن کریم ۳۷ بار «لعن» را با انتساب به خودش و نیز یک بار با انتساب به مردم به کار برده است. و این حدّ به کار بردن این واژه فی حد ذاته دلیل بر مشروعيت لعن از حیث اصل اولی است.

ص: ۲۱۰

و در قرآن هیچ موردی وجود ندارد که از لعن نهی شده باشد، در حالی که از سب نهی شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَ لَا تَسْبُبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُبُوا اللَّهَ عَذْوًا»^{۱۷۰} و شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنا� می‌دهید تا مبادا آنان هم از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند.

هم چنین با مراجعه به سنت نبوی پی می‌بریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعبیر «لعن» و مشتقات آن را در موارد بسیاری، به کار برده است؛ نهی‌هایی که به خاطر نافرمانی بعضی از صحابه با غضب شدید همراه بوده است؛ که به بیش از سیصد مورد ثبت شده است.^{۱۷۱} پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا لعنت کند شراب، شرابخوار، ساقی، بایع و مشتری آن را»^{۱۷۲} و نیز فرمود: «خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده را در قضاوت»^{۱۷۳} و نیز فرمود: خدا لعنت کند ربا و گیرنده و دهنده و نویسنده و شاهد و ... آن را». ^{۱۷۴} و ...

لعن از دیدگاه قرآن

با مراجعه به قرآن کریم پی می‌بریم که خداوند متعال لعن را در چهار مورد به کار برده است:

ص: ۲۱۱

(۱) ۱۶۷ - مفردات راغب، ص ۴۷۱.

(۲) ۱۶۸ - مجمع البحرين، ج ۶، ص ۳۰۹.

(۳) ۱۶۹ - النهاية، ج ۴، ص ۳۳۰.

(۴) ۱۷۰ - انعام، آیه ۱۰۸.

(۵) ۱۷۱ - موسوعه اطراف الحديث النبوى، ج ۶، ص ۵۹۴-۵۹۶.

(۶) ۱۷۲ - سنن ابی داود، ج ۳، ص ۳۲۴.

(۷) ۱۷۳ - مستند احمد، ج ۲، ص ۳۸۷.

(۸) ۱۷۴ - الجامع الصغير، ج ۲، ص ۴۰۶.

۱- در مورد ابلیس؛ آن جا که می‌فرماید: «وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ»^{۱۷۵} و همانا لعنت من بر توسط تا روز جزا».

۲- در مورد عموم کافرین؛ آن جا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَ اللَّهُمْ سَعِيرًا»^{۱۷۶} همانا خداوند لعنت کرده کافران را و برای آنان جهنم را آماده نموده است.

۳- در مورد اهل کتاب به طور عموم و یهود به طور خصوص؛ آن جا که می‌فرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ»^{۱۷۷}، لعنت شدند کسانی که از بنی اسرائیل کافر شدند، به زبان داود و عیسی بن مریم».

۴- مواردی که لعنت بر عنوان عامی وارد شده، که قابل انطباق بر مسلمین است؛ مثال:

الف) عنوان ظالمین: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»^{۱۷۸}؛ آگاه باش لعنت خدا بر ظالمان است.

ب) عنوان کاذبین: «وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»^{۱۷۹}؛ و بار پنجم قسم یاد کند که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ‌گویان باشد».

ص: ۲۱۲

ج) عنوان ایدای رسول صلی الله عليه و آله: «الَّذِينَ يُؤْذُنُونَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^{۱۸۰}؛ و کسانی که خدا و رسول را اذیت می‌کنند خداوند آنان را در دنیا و آخرت مشمول لعنت خود قرار داده است.

د) عنوان رمی محصنات به زنا: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^{۱۸۱}؛ کسانی که به زنان با ایمان و پاک دامن بی خبر از کار بد تهمت بستند محققًا در دنیا و آخرت ملعون شدند».

ه) عنوان قتل مؤمن: «وَ مَنْ يَقْتُلُ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَ اللَّهُ عَذَابًا عَظِيمًا»^{۱۸۲}؛ و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن جاوید معذب خواهد بود. خدا بر او خشم و لعنت کند، و عذابی بسیار شدید برایش مهیا سازد».

.۷۸- (۱) نور، آیه ۱۷۵

.۶۴- (۲) احزاب، آیه ۱۷۶

.۷۸- (۳) مائدہ، آیه ۱۷۷

.۱۸- (۴) هود، آیه ۱۷۸

.۷- (۵) نور، آیه ۱۷۹

.۵۷- (۱) احزاب، آیه ۱۸۰

.۲۳- (۲) نور، آیه ۱۸۱

و) عنوان نفاق: ««وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنُهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»؛^{۱۸۳} خدا مرد و زن از منافقان و کافران را وعده آتش دوزخ و خلود در آن داده، همان دوزخ برای کیفر آنان کافی است، و خدا آنان را لعن کرده و برای آنان عذاب ابدی است».

ص: ۲۱۳

ز) عنوان فساد و قطع رحم: ««فَهَلْ عَسِيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ؟ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ»؛^{۱۸۴} شما منافقان اگر از فرمان خدا و طاعت روی برگردانید یا در زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید دارید؟ اینان همین منافقانند که خدا آنان را لعن کرده و گوش و چشمنشان را کور گردانید».

قرآن طلیعه دار هدایت جامعه بشری است و برای راهنمایی گروههای مختلف فکری، عقیدتی و ... اسلوب و مبنای خاص خود را دارد. با عاقلان به اقامه دلیل و برahan می بردازد و می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافِ اللَّيْلَ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَكْفُعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّياحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^{۱۸۵} و جاهلان را پند و اندرز داده و می فرماید: «وَلَا تَتَبَعُوا خُطُوطَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»^{۱۸۶} و بعد از اقامه دلیل و برahan، و رد آن از طرف کافرکشان، آنان را به خذلان و سخط خویش و عده داده و می فرماید: «الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِسْنَ ما قَدَّمْتُ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ».^{۱۸۷}

و با لعن و نفرین ابدی از آنان اظهار نفرت نموده که به چند نمونه از

ص: ۲۱۴

آنها در قرآن مجید اشاره می کنیم:

«وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ يَكُفُّرُهُمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ».^{۱۸۸}

گفتند: قلب های ما در میان پوششی است [از این رو گفتار تو به دلهای ما نمی رسد، ولی چنین نیست] بلکه خداوند آنان را به سبب کفرشان لغت کرد [و از رحمت و هدایت خود دور ساخت] پس اندکی ایمان می آورند.

.۹۳- نساء، آیه (۳)- ۱۸۲

.۶۷- توبه، آیه (۴)- ۱۸۳

.۲۲- محمد، آیه (۱)- ۱۸۴

.۱۶۴- بقره، آیه (۲)- ۱۸۵

.۱۶۸- بقره، آیه (۳)- ۱۸۶

.۸۰- مائدہ، آیه (۴)- ۱۸۷

.۸۸- سوره بقره: آیه (۱)- ۱۸۸

«وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدَّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ». ۱۸۹

و آن گاه که آنان را از جانب خداوند کتابی آمد که تصدیق کننده چیزی است که با آنهاست (تورات) با آنکه بیش از این با آن بر کافران پیروزی می‌جستند؛ ولی همین که آنچه (کتاب) با آن کس (پیامبر) که می‌شناختند بدیشان آمد، به او کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد.

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ الَّلَّاعِنُونَ». ۱۹۰

کسانی که حجت‌های روشن و هدایتگری را که ما نازل کردہ‌ایم با وجود آنکه در کتاب آسمانی (قرآن) برای مردم توضیح داده‌ایم کشمان

۲۱۵ ص:

می‌کنند، خدا و لعن کنندگان لعنتشان می‌کنند.

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَا تُوْلَوْا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ». ۱۹۱

آنان که کافر شدند و کافر مردند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها است.

«فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ». ۱۹۲

پس هرکس با تو در مقام مجادله برآید درباره عیسی بعد از آنکه به وحی خدا به احوال او آگاهی یافته بگو بیاید ما و شما بخوانیم فرزندان، و زنان و نفوس خود را تا با هم به مباھله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین و در دعا به درگاه خدا اصرار کنیم) تا دروغگو و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

«أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ». ۱۹۳

آنها سزايشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم یکسره بر آنها باد.

۱۸۹ - همان، آیه ۸۹

۱۹۰ - سوره بقره، آیه ۱۵۹.

۱۹۱ - همان، آیه ۱۶۱.

۱۹۲ - سوره آل عمران، آیه ۶۱

۱۹۳ - سوره آل عمران، آیه ۸۷

«مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيْلًا بِالْسِتِّهِمْ وَطَغَنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا

ص: ۲۱۶

وَأَطْعَنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمْ وَلَكَنْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا». ۱۹۴

از قوم یهود کسانی هستند که سخنان را جا به جا و پس و پیش می‌کنند و می‌گویند: (فرمان خدا را) شنیدیم و از آن سریچی کردیم و گویند: بشنو و همان به که نشنوی و ما را رعایت کن! و گفتارشان زبان بازی و طعنه و تمسخر به دین است و اگر به احترام می‌گفتند: ما فرمان حق را شنیده و تو را اطاعت کنیم و تو سخن ما بشنو و به حال ما بنگر، برایشان نیکوتر و به صواب نزدیک تر بود؛ ولی خداوند آنها را به سبب کفرشان، به لعنت خویش دچار نمود و جز اندکی ایمان نمی‌آورند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَتُوا الْكِتَابَ أَمِنُوا بِمَا نَزَّلَنَا مُصدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَرَدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ لَعْنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبَّ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا». ۱۹۵

ای کسانی که کتاب (آسمانی) به شما داده شده! ایمان بیاورید به آنچه ما آن را نازل کردیم (بر پیامبر خود) که تصدیق کننده چیزی است که از پیش با شما می‌باشد (تورات و انجیل)، پیش از آنکه صورت‌هایی را محو کنیم و پس به پشت سر و گونه‌هایتان واژگون سازیم یا آنکه مانند اصحاب سبت (گروهی که روز شنبه دغل‌کاری کردند) لعنت‌شان کنیم و بدانید که کار خدا انجام شدنی و حتمی است.

ص: ۲۱۷

«أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا». ۱۹۶

آنها کسانی هستند که خداوند لعنت شان کرده و هر که به لعنت خدا گرفتار آید، هرگز برای او یاوری نخواهد یافت.

«لَعْنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَائِتَخْذِنَ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا». ۱۹۷

خداوند او (ابليس) را لعنت کرد و او گفت: من از بندگان تو بهره‌ای معین را خواهم گرفت.

«فَبِمَا تَضَاهَمْ مِثِيقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَسُوَا حَظًّا مِمَّا ذُكْرُوا بِهِ وَلَا تَرَالُ تَطْلُعُ عَلَى خَائِنَةِ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». ۱۹۸

.۴۶- سوره نساء، آیه (۱) ۱۹۴

.۴۷- سوره نساء، آیه (۲) ۱۹۵

.۵۲- سوره نساء، آیه (۱) ۱۹۶

.۱۱۸- همان، آیه (۲) ۱۹۷

پس چون (بني اسرائیل) پیمان شکستند، آنان را لعنت کردیم و دلها یشان را سخت گردانیدیم (که موضعه در آنها اثر نکرد)، آنها معانی اصلی کلمات (کتاب الهی) را تغییر می‌دادند و از بهره آن کلمات که به آنها پند داده شد (در تورات) قسمتی را از دست دادند و همواره بر خیانتکاری و نادرستی آنان آگاهی می‌یابی؛ مگر اندکی از آنان، پس تو از ایشان درگذر و کار بدشان را عفو کن (که تحقیقاً خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد).

«فَلْ هُلْ أَبْتُكُمْ بِشَرٌّ مِّنْ ذَلِكَ مُتُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْ لَعْنَةِ اللَّهِ وَ غَضِبِهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عَبْدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ أَضَلُّ عَنْ

ص: ۲۱۸

۱۹۹

سواء السَّيِّلِ». ۲۰۰

بگو: آیا شما را خبر دهم که چه کسانی موقعیت و منزلتشان نزد خدا بدتر است؟ آنان افرادی می‌باشند که خدا لعنتشان کرد و مورد خشمشان قرار داده و گروهی از آنان را (مسخ کرد) و به شکل بوزینه و خوک درآورد و آنکس که بندگی طاغوت کرد، جایگاه آنها از همه بدتر و از راه اعتدال و حق دورتر و گمراهترند.

«وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلْتُ أَيْدِيهِمْ وَ لَعْنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَاتٍ يُنْفَقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيْزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بِيَنْهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَاهَا اللَّهُ وَ يَسْعَونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ». ۲۰۱

يهودیان گفتند: دست خدا بسته است، دست‌های خودشان بسته باد! و به سبب این سخن ناروا که گفتند، لعنت شده‌اند، بلکه دو دست (قدرت) الهی گشوده است و به هر کیفیتی که بخواهد روزی می‌دهد و بخشش می‌کند، و آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شد، یقیناً بر سرکشی و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید و ما هم تا روز رستاخیز دشمنی و کینه را در بین ایشان افکنده‌ایم. هرگاه آتشی را برای جنگ (با مسلمانان) افروختند، خدا آن را خاموش کرد و آنها می‌کوشند که در زمین فتنه و فساد راه بیندازند و خدا هرگز مردم مستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

ص: ۲۱۹

«لُعْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مُرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ». ۲۰۲

۱۹۸ (۳) - سوره مائدہ، آیه ۱۳.

۱۹۹ تبریزی، جواد، زیارت عاشورا فراتر از شبیه، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۹. م.ش.

۲۰۰ (۱) - سوره مائدہ، آیه ۶۰.

۲۰۱ (۲) - سوره مائدہ، آیه ۶۴.

کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند؛ به خاطر آنکه نافرمانی خدا نمودند و از حد خود تجاوز می کردند.

«وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةَ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهُلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدْ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذْنَنَّ مُؤَذْنَ^{۲۰۳}
بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ».

بهشتیان دوزخیان را ندا می دهنده که: آنچه را پروردگار ما به ما وعده داده بود، حق یافتیم، آیا شما نیز آنچه را خداوندان به شما (از عذاب) وعده کرده بود، حق یافتید؟ می گویند: آری، پس ندا دهنده ای بین آنان بانگ در دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ».^{۲۰۴}

چه کسی ستمکارتر از آن کسانی است که به خدا دروغ و افترا بینند، آنها (در قیامت) بر پروردگارشان عرضه می شوند و گواهان می گویند: اینان هستند که (بزرگترین ظلم را مرتکب شده و) به پروردگار خود دروغ می بستند، (ای خلائق) آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

ص: ۲۲۰

«وَأَتَبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمٌ هُودٌ».^{۲۰۵}

در این دنیا و روز قیامت، لعنت به دنبال آنان خواهد بود، آگاه باشید که قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند، پس قوم عاد که قوم هود می باشند (از رحمت او) دور باد.

«وَأَتَبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بُشِّرَ الرَّفِيدُ الْمَرْفُودُ».^{۲۰۶}

در این دنیا و روز قیامت، لعنت بدרכه آنان خواهد بود و چه بد عطایی است که بهره ایشان می شود.

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيقَاتِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمْرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ».^{۲۰۷}

(۱) (۲۰۲)- همان، آیه ۷۸

(۲) (۲۰۳)- سوره اعراف، آیه ۴۴

(۳) (۲۰۴)- سوره هود، آیه ۱۸

(۱) (۲۰۵)- همان، آیه ۶۰

(۲) (۲۰۶)- همان، آیه ۹۹

(۳) (۲۰۷)- سوره رعد، آیه ۲۵

و کسانی که پیمان خدا را پس از محکم کردنش می‌شکنند و چیزی را که خدا به پیوستن آن فرمان داده، گستته و در زمین فساد می‌کنند، آنها کسانی هستند که لعنت خدا بر آنان است و در آن عالم، بد سرایی دارند.

«وَأَتَبْغَا هُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ».^{۲۰۸}

و به دنبال ایشان در این دنیا لعنت قرار دادیم و روز قیامت، ایشان از زشت‌کاران باشند.

ص: ۲۲۱

«إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَ لَهُمْ سَعِيرًا».^{۲۰۹}

به راستی که خدا کافران را لعنت کرد (از رحمت خود دور نمود) و برای آنان آتشی افروخته و آماده ساخت.

«رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْيَنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا».^{۲۱۰}

برورده‌گارا! آنها را از عذاب دو چندان بده و لعنت‌شان کن؛ لعنتی بزرگ.

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ».^{۲۱۱}

در آن روز ستمکاران را عذرخواهی (و پیشمانی) سود ندهد و بر آنان لعنت و خشم باشد و برای آنان سرای بد (جهنم) مهیا است.

«أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ أَصَمَّهُمْ وَأَعْنَى أَبْصَارَهُمْ».^{۲۱۲}

آنها (منافقین) کسانی هستند که خداوند آنان را لعن کرده و گوش‌هایشان را کر و چشم‌هایشان را کور گردانید.

«وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِينَ بِاللَّهِ ظَنَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا».^{۲۱۳}

و عذاب می‌کند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که

ص: ۲۲۲

(۴) - سوره قصص، آیه ۴۲.^{۲۰۸}

(۱) (۲۰۹) - همان، آیه ۶۴.

(۲) (۲۱۰) - همان، آیه ۶۸.

(۳) (۲۱۱) - سوره غافر، آیه ۵۲.

(۴) (۲۱۲) - سوره محمد، آیه ۲۳.

(۵) (۲۱۳) - سوره فتح، آیه ۶.

درباره خداوند گمان بد دارند، گرددش بد روزگار بر آنان باد و خدا بر آنها غضب نماید و آنها را لعنت کند و دوزخ را برای آنها فراهم کرده و آن، بد بازگشت‌گاهی است.

هدف و منظور قرآن مجید از این شیوه و روش، این نبوده است که انسان را بد زبان و دشنام‌گو بهبار آورد یا این که بذر کینه و جبهه‌گیری بر ضد یکدیگر را در دل افراد جامعه پیاشد؛ بلکه هدف قرآن از این شیوه آن است که راه استواری ایمان و پایداری بر حق را به انسان بیاموزد که از آشکارترین مصادق‌های ایمان محکم و ثبات بر حق، اصل تبری می‌باشد و لعن کردن از روشن‌ترین مصادیق تبری است.

چکیده سخن این است که لعن کردن برای مؤمن در پذیرش حق و به دور افکنند باطل یک نوع تربیت روحی است.

ص: ۲۲۳

لعن در کتب اهل سنت

علاوه بر قرآن، احادیث نبوی موجود در کتب اهل سنت مشتمل بر بر لعن می‌باشد:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مواطن مختلف، افرادی را لعن فرمود از جمله:

«لما مرض رسول الله صلی الله علیه و آله مرضه الذى توفى فيه، فجهز إلى الروم جيشاً إلى موضع يقال له: مؤتة، وبعث فيه وجوه الصحابة وأمر عليهم أساميَّة بن زيد فولأه وبرزوا عن المدينة، فنقل المرض برسول الله صلی الله علیه و آله و حينئذٍ تمهل الصحابة عن السير وتسللوا، ورسول صلی الله علیه و آله يصبح فيهم جهزوا جيش أساميَّة، لعن الله المتخلف عنه، حتى قالها ثلاثة؛ ۲۱۴»

بعد از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مریض شدند دستور دادند عده‌ای از صحابه به سر کردگی اسامه بن زید به پادگان خارج از مدینه مستقر شوند که بعضی از این فرمان تخلف کردند (از جمله خلیفه اول و دوم) و آنجا بود که پیامبر متخلفین را سه بار لعن کرد.

مورد دیگر: «

(۱) ۲۱۴- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱، ح ۳۷؛ ج ۲، ص ۲، ح ۴۱، ج ۴، ص ۱، ح ۴۷؛ فتح البار، للمسقلانی، ج ۷، ص ۸۷، ج ۸، ص ۱۵۲؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۷۲، ح ۳۰۲۶۶؛ تهذیب تاریخ ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۲۲ و ۱۱۷؛ دلائل الصدق، ج ۳، ص ۴ و ۵؛ الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۹؛ شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵۲؛ اصول الاخیار، ص ۶۸

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: سنت لعنتهم لعنهم الله وكل نبی مجاب: المکذب بقدر الله والزائد فی کتاب الله والمسلط بالجبروت ليذل ما أعز الله ويعز ما أذل الله والمستحل لحرم الله والمستحل من عترتیما حرم الله والتارک سنتی؛^{۲۱۵}

ص: ۲۲۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لعنت باد بر شش گروهی که خدا و انبیاء آنان را لعنت کرده است:

۱- کسی که قدرت الهی را تکذیب کند. ۲- کسی که تحریفی در قرآن ایجاد کند. ۳- کسی که به جبر متسل می‌شود تا کسی را که خداوند عزیز کرده را خوار و ذلیل کند. ۴- کسی که عزت دهد کسی را که خداوند او را ذلیل کرده است. ۵- کسی که حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال شمارد. ۶- کسی که سنت مرا ترك کند».

و صاحب صواعقه ۲۱۶ می‌گوید: «

إن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: ليدخلن

الساعة عليکم رجل لعین! فدخل الحكم بن العاص؛

صاحب می‌گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: الآن کسی وارد می‌شود که مورد لعن و نفرین است، و در آن هنگام حکم بن العاص وارد شد».

حکم بن العاص روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اذن خواست داخل شود رسول خدا صلی الله علیه و آله صدای او را شنید و فرمود:

«ائذنوا له، لعنة الله علیه وعلى من يخرج من صلبه إلا المؤمنين

ص: ۲۲۵

وقليل ما هم؛^{۲۱۷}

به او اذن دهید خدا لعنت کند او و کسی که از نسل او به وجود می‌آید مگر اشخاص مؤمن ...».

و صاحب کنز العمال ۲۱۸ می‌گوید: «

(۲) (۲۱۵)- هذا الحديث رواه الحاکم في مستدرکه في ثلاثة مواضع، ج ۱، ص ۳۶؛ ج ۲، ص ۹۰؛ ج ۴، ص ۵۲۵؛ وقال هذا حديث صحيح على شرط البخاري ولم يخرجاه، ورواه بن حبان في صحيحه، ج ۱۳، ص ۶۰؛ والهیشی في مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۷۲؛ والطبرانی في المعجم الكبير، ج ۱۷، ص ۴۳؛ وفي الأوسط، ج ۲، ص ۳۹۸؛ وابن ابی عاصمه في السنۃ، ص ۶۲۸، ح ۲.

(۱) (۲۱۶)- الصواعق المحرقة، ص ۱۴۴؛ ورواہ البلاذری في أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۱۲۶؛ والحاکم في مستدرکه، ج ۴، ص ۴۸۱؛ وصححه.

(۱) (۲۱۷)- الغدیر، ج ۸، ص ۲۴۵؛ جواهر المطالب في مناقب الامام على عليه السلام، ج ۲، ص ۱۹۲.

(۲) (۲۱۸)- کنز العمال، ۶/۹۰.

أن رسول الله صلی الله علیه و آله لعن الحکم بن
العاصر وما ولد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله لعن کرده حکم بن عاص و فرزندانش را.»
عايشه به مروان گفت: «

إن رسول الله صلی الله علیه و آله لعن أباك وأنت في صلبه
٢١٩.« و در روایت دیگر عايشه به مروان گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله که به پدرت و جدت ابی العاص
بن امیه می گفت شما شجره ملعونه در قرآن هستید.

«قالت عائشة لمروان بن الحكم: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول لأبيك
ص: ٢٢٦

وجدك أبي العاص بن أمية أنكم الشجرة الملعونة في القرآن
٢٢٠.« برهان الدين الحلبي در روایتی گفته است: «

اللهم العن فلاناً، وفلاناً؛ ٢٢١
خدا لعنت کند فلانی و فلانی را.»

بخاری می گوید: «

حدثني سالم عن أبيه أنه سمع رسول الله صلی الله علیه و آله إذا رفع رأسه من الركوع من الركعة الأخيرة من الفجر يقول:
اللهم العن فلاناً، وفلاناً بعدهما يقول: سمع الله لمن حمده، ربنا ولک الحمد، فأنزل الله: (ليس لك من الأمر شيء) إلى قوله
﴿إِنَّهُمْ ظَالِمُون﴾؛ ٢٢٢

(٢١٩) - المستدرک للحاکم، ٤/٤٨١؛ تفسیر القرطبی، ١٦/١٩٧؛ تفسیر الزمخشري، ٣/٩٩؛ الفائق، ٣/٣٢٥؛ تفسیر ابن کثیر، ٢/١٥٩؛ تفسیر الرازی، ٧/٤٩١؛ واسد الغابة لابن الانباري، ٣/٣٤؛ النهاية لابن کثیر، ٣/٢٣؛ شرح النهج لابن ابی الحدید، ٥٥/٢؛ تفسیر النيسابوری بهامش تفسیر الطبری، ٧/٣٢٥؛ الاجابة للزرکشی، ص ١٤١؛ تفسیر السفی هاشم الخازن، ١/١٣٢؛ الصواعق المحرقة لابن حجر، ص ١٠٨؛ ارشاد الساری للعسقلانی، ٧/٣٢٥؛ لسان العرب، ٩/٧٣؛ الدر المنشور للسيوطی، ٤/٤١؛ السیرة الحلبلیة، ١/٢٣٧؛ تاج العروس، ٦/٦٩؛ تفسیر الشوکانی، ٢٠/٥؛ تفسیر الالوی، ٢/٦؛ السیرة الدحلانیة بهامش السیرة الحلبلیة، ١/٢٤٥.

(٢٢٠) - الدر المنشور للسيوطی، ج ٤، ص ١٩١؛ السیرة الحلبلیة، ج ١، ص ٣٣٧؛ تفسیر الشوکانی، ج ٣، ص ٢٣١؛ تفسیر الالوی، ج ١٥، ص ١٠٧.

(٢٢١) - السیرة الحلبلیة، ج ٢، ص ٢٣٤، طبعة مصر.

(٢٢٢) - صحيح البخاری مشکول، ج ٣، ص ٢٤ طبعة عیسی البابی الحلبلی بمصر.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که سر از رکوع آخر نماز صبح بر می داشت و «

سمع الله لمن حمده، ربنا ولک الحمد

» می گفت آنگاه فرمودند: خدا لعن کن فلانی و فلانی را.«

»ووقف الرسول صلی الله علیه و آله طویلًا عند الحكم بن العاص والد مروان بن الحكم وجد خلفاء بنی أمیة فقال الرسول لأصحابه: (ويل لأمتی من هذا وولد هذا

(۲۲۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله در نزد حکم بن عاص فرزند مروان بن حکم جد خلفاء بنی امیه مدت طولانی ایستاد آنگاه به اصحاب خود گفتند: وای به حال امتم از دست این و فرزند این.«

ص: ۲۲۷

»وقال صلی الله علیه و آله يوماً لأصحابه مشيراً إلى الحكم: (ويل لأمتی مما في صلب هذا؛

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود در حالی که اشاره به حکم بن عاص می کرد فرمود: وای به حال امتم از دست نسلی که از این شخص است.«

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی در حالی که اشاره به حکم بن عاص کرد فرمود: «

إن هذا سيخالف كتاب الله وسنة رسوله وسيخرج من صلبه فلن يبلغ دخانها السماء وبعضكم يومئذ شيعته؛

این شخص (اشاره به حکم بن عاص) مخالفت می کند خدا و سنت رسول خدا را و خارج می شود از نسل او فتنه هایی به پا می شود که آفاق آسمان را می گیرد و بعضی از شماها (اشاره به اصحاب) پیروان او خواهد بود.«

»وبعد أن كشف الرسول صلی الله علیه و آله خطورة الرجل وحقيقة أولاده (لعنه رسول الله ولعن أولاده؛

بعد از آنکه رسول خدا حقیقت حکم بن عاص و اولادش را بیان کرد لعن کرد او و اولادش را.« (۲۲۶) قال عبد الرحمن بن أبي بكر لمروان: (

إن رسول الله صلی الله علیه و آله لعن أباك

ص: ۲۲۸

وأنت في صلبه

(۲۲۲) (۴)- راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۷؛ والإصابة لابن حجر، ج ۲، ص ۲۹.

(۲۲۴) (۱)- رواه ابن عساکر راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

(۲۲۵) (۲)- رواه الدارقطنی راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۶۷؛ ابن عساکر، ج ۱۱، ص ۳۶۰؛ الطبرانی، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

(۲۲۶) (۳)- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۱ و قال رواه احمد والبزار والطبرانی فی الاوسط.

(۲۲۷) عبد الرحمن بن أبي بكر به مروان گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله لعن کرد پدر تو را در حالی که تو در نسل او بودی.

«وقال الإمام الحسن بن علي بن أبي طالب عليه السلام لمروان: لقد لعنك الله على لسان رسوله وأنت في صلب أبيك؛^{۲۲۸}

امام حسن عليه السلام خطاب به مروان فرمود: پیامبر خدا تو را لعن کرد در حالی که در نسل پدرت بودی».

حلبی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید:

صار رسول الله يقول:

اللهم العن فلاناً وفلاناً؛^{۲۲۹}

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: خدایا لعن کن فلانی و فلانی را».

سیوطی در المنثور می گوید: «

عن ابن عمر قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله يوم أحد: اللهم العن أباسفیان، والعن حرث بن هشام، اللهم العن سهیل بن عمرو، اللهم العن صفوان بن أمیة...؛^{۲۳۰}

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز احد گفتند: خدایا لعن کن، اباسفیان و حرث بن هاشم و سهیل بن عمرو و صفوان بن امیه».

ص: ۲۲۹

«عن ابن عمر أنه قال: كان الرسول صلی الله علیه و آله يدعوا على أربعة نفر...؛^{۲۳۱}

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر علیه چهار نفر دعا می کرد...».

«وأخرج نصر بن مزاحم المترى فى وقعة صفين: عن البراء بن عازب قال: أقبل أبو سفيان ومعه معاوية فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: (اللهم العن التابع والمتبوع) اللهم عليك بالأقيس، فقال ابن البراء لأبيه من الأقيس؟ قال: معاوية؛^{۲۳۲}

(۱) ۲۲۷- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۱ و قال رواه البزار.

(۲) ۲۲۸- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۰؛ ابن سعد و ابن عساکر راجع کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۵۷؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۸۰.

(۳) ۲۲۹- السیرة الحلبیة، ج ۲، ص ۲۳۴.

(۴) ۲۳۰- الدر المنثور للسیوطی، ج ۵، ص ۷۱؛ بخاری و ترمذی و نسائی و ابن جریر و بیهقی در دلائل نقل کرده است.

(۱) ۲۳۱- ترمذی و ابن جریر و ابن ابی حاتم.

در واقعه صفین وقتی ابوسفیان و معاویه رو به روی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفتند فرمود:

اللهم عن النابع المتبع ...

«. وأخرج نصر بن مزاحم أيضاً قال ... فنظر رسول الله صلی الله علیه و آله إلی أبي سفیان وهو راکب، ومعاویه وأخوه، أحدهما قائد وآخر سائق، فلما نظر إلیه رسول الله صلی الله علیه و آله قال: (اللهم عن القائد والسائل والراکب) قلنا أنت سمعت رسول الله؟ قال: (نعم وإلا فصمت أذنای)؛ ۲۳۳

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابی سفیان در حالی که سواره بود و معاویه و برادرش که یکی راه را به مرکب نشان می داد و دیگری حیوان را می برد برخورد کرد فرمودند: خدایا لعنت کن راهنمای رانده و

ص: ۲۳۰

سواره را. سؤال کردیم آیا تو از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی. گفت: بله و اگر دروغ می گوییم گوشها یم کر شود».

محمد بن ابی بکر در نامه‌ای خطاب به معاویه می گوید:

«أَنْتَ الْعَيْنُ أَنْتَ الْعَيْنَ، لَمْ تَزِلْ أَنْتَ وَأَبُوكَ تَبْغِيَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ الْغَوَائِلِ، وَتَجْهِدَنَ فِي إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ، تَجْمِعَنَ عَلَى ذَلِكَ الْجَمْعَ، وَتَبْذِلَانَ فِيهِ الْمَالَ وَتَؤْلِبَانَ عَلَيْهِ الْقَبَائِلَ، وَعَلَى ذَلِكَ مَا تَرَكَ أَبُوكَ وَعَلَيْهِ خَلْقَتِهِ؛ ۲۳۴

معاویه، تو ملعون فرزند ملعونی هستی که هنوز دست از طغیان بر رسول خدا نکشیده و سعی می کنید نور خدا را خاموش کنید و لشکرکشی می کنید و در این راه مال مصرف می کنید و قبائل را بر علیه رسول خدا می شورانید و بر این روش پدرت مرد ...»؛ ۲۳۵

(۲)-قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۱۰۷؛ وقعة صفین، ص ۲۱۸

(۳)- وقعة صفین، ص ۲۱۷ و ۲۲۰؛ تحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون؛ الانتصار، ج ۸، ص ۱۷۵

(۱)- مروج الذهب للمسعودی، ج ۳، ص ۱۴؛ المناظرات في الامامة، ص ۸۷؛ شرح احقاق الحق، ج ۳۱، ص ۵۲۵

(۲)- مخازی عنمان الخميس، ص ۱۰۱؛ روایات لعن در متون اهل سنت فراوان می باشد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

«اسحاق بن محمد الفروی، قتا: عبدالرحمن بن ابی الموال القرشی، وأخیرنی محمد، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ستة لعنتهم لعنهم الله وكل بنی مجاب المکذب بقدر الله، والزادی فی کتاب الله، والمتسلط بالجبروت يذل من أعز الله ويعز من أذل الله، والمستحل لحرم الله، والمستحل من عترته ما حرم الله، والتارک لستته، قد إحتاج البخاری بعد الرحمن بن ابی الموال، وهذا حديث صحيح الإسناد، ولا أعرف له علة، ولم يخرجاه». (الحاکم النیسابوری، المستدرک، ج ۱، ص ۳۶، ح ۱۰۲)

«حدثنا عبد الله بن جعفر الفارسي، ثنا: يعقوب بن سفيان، ثنا: إسحاق بن محمد الفروي، ثنا: عبد الرحمن بن موهب، عن ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم، عن عمرة، عن عائشة قالت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ستة لعنتهم لعنهم الله وكل بنی مجاب، المکذب بقدر الله، والزادی فی کتاب الله، والمتسلط بالجبروت ليذل ما أعز الله ويعز ما أذل الله، والمستحل لحرم الله، والمستحل من عترته ما حرم الله، والتارک لستته». (المستدرک، ج ۴، ح ۱۰۲)

فرازهایی از زیارت عاشورا در روایات

گل واژه‌های زیارت عاشورا، بوی غربت و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را در طول تاریخ به مشام دل‌سوختگان می‌رساند، و اشک از دیدگان می‌فشدند. این واژگان روئیده از خون شهداء، ننگی است از ظلم اعداء، و داغی است گران از مظلومیت اهل ولا، که خون پاک شهیدان حسینی را از خاک ظلمت برافراشته و در قالب زیارتی سر تا سر همدردی و اظهار مودت با ایشان و عداوت با دشمنان خاندان نبوت، در تارک اعتقادات مسلمانان آزاده، برای همیشه درج نموده، از این رو مضامین و مفاهیم والای این زیارت شریفه در احادیث شیعه و سنی به وفور یافت می‌شود.

۱- حسن و حسین فرزندان رسول خدا می‌باشند

«السلام عليك يابن رسول الله»

«چگونه امام حسین علیه السلام فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوانده می‌شود در حالی که ایشان فرزند دختر رسول الله صلی الله علیه و آله هستند و عرب معمولاً امتداد نسل و نسب را فقط از طرف اولاد ذکور می‌داند.

садات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله هستند یا امیرالمؤمنین علیه السلام؟

چرا در بین شیعیان، سادات خود را منتبه به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از اولاد ایشان می‌دانند در حالی که شجره آنها در نهایت به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر می‌گردد. بنابراین سادات از بستگان

ص: ۲۴۰

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند، نه از ذریه و نسل رسول الله صلی الله علیه و آله؟

برای پاسخ به این شبهه، ابتدا به نقل یک مناظره تاریخی بین امام موسی کاظم علیه السلام و هارون الرشید خواهیم برداخت.

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: روزی در مجلس هارون الرشید - خلیفه عباسی - وارد شدم. از من سؤالاتی را پرسید که یکی از آنها همین سؤال بود، چنین پاسخ دادم، خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

«وَاهْبِنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرَيْتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذِلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ* وَزَكْرِيَا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلُّ مِنَ الصَّالِحِينَ» ۲۳۶ از این آیات نتیجه می‌شود: اولاد نوح و ابراهیم، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، همگی از

صالحین اند. اما چون از برای عیسی مسیح پدری نبود، خدای تعالی او را از طریق حضرت مریم از ذرازی انبیا قرار داد. همان طور نیز ما را از طرف مادرمان فاطمه علیها السلام از ذریه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار داده است.

این تفسیر را امام فخر رازی از علمای اهل تسنن در جلد چهارم تفسیر کبیر درباره همین آیه آورده است. او نیز حسن و حسین علیهم السلام را از طرف مادر، ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله می داند. و یکی دیگر از موارد آیه مباھله است.

در آیه شریفه: «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا

ص: ۲۴۱

نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبَتَهُلْ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ ۲۳۷ هرکس درباره عیسی با تو در مقام مجادله برآید، بعد از آن که با وحی خدا به احوال او آگاهی یافته، به آنها بگو:

بیایید بخوانیم پسرانمان و پسراتنان، زن هایمان و زن هایتان، و کسانی را که به منزله نفس ما هستند، و خودتان را، آنگاه با هم مباھله نماییم تا دروغگویان و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم».

به دلیل آن که در وقت مباھله به جز علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام کس دیگری به همراه پیغمبر نبوده است لذا در این آیه مراد از «نفسنا» امیر المؤمنین علی علیه السلام، مراد از «نساءنا» فاطمه زهراء علیها السلام و مراد از «ابناءنا» حسن و حسین اند که خداوند آنان را پسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نامیده است.

حال که به استناد آیه فوق، حسن و حسین فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشند پس معلوم می شود که جمیع سادات بنی فاطمه مفتخر به این افتخار بزرگ بوده و تماماً از ذرازی پیامبر عظیم الشأن اسلام می باشند.

ابن ابی الحدید معتلی در شرح نهج البلاغه ۲۳۸ و ابوبکر رازی در تفسیر آیه مباھله ۲۳۹، با توجه به جمله «ابناءنا» به همین طریق استدلال

ص: ۲۴۲

می کنند که: همانطور که خداوند در قرآن مجید، عیسی مسیح را از طریق مادرش مریم از ذریه ابراهیم خوانده است، حسن و حسین علیه السلام از طرف مادرشان فاطمه علیها السلام پسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشند.

«عن جابر عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله عزوجل جعل ذریة كلنبي في صلبه وان الله تعالى جعل ذریته في صلب علی بن ابی طالب؛ ۲۴۰

(۱) ۲۳۷-آل عمران، آیه ۶۱.

(۲) ۲۳۸-شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۲۶.

(۳) ۲۳۹-تفسیر الرازی، ج ۸، ص ۸۲

خداؤند عزو جل ذریه هر پیغمبری را در صلب او قرار داد و ذریه مرا در صلب علی ابن ابی طالب قرار داد».

«ابنای هذان ریحانستان، قاما او قعوا

۲۴۱. خطیب خوارزمی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «این دو فرزندم حسن و حسین، ریحانه‌های من می‌باشند و هر دوی آنها امامت؛ خواه قائم به امر امامت باشند، خواه ساكت و نشسته».

عمر بن الخطاب می‌گوید: «

انی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول کل حسب و نسب منقطع یوم القيامه ما خلا حسینی ونسی وکل بنی اتشی عصبتهم لا ی لهم ما خلا بنی فاطمه فانی انا ابوهم و انا عصبتهم؛ ۲۴۲

عمر بن الخطاب نقل می‌کند که گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «هر حسب و نسبی به جز حسب و نسب من در روز قیامت منقطع است».

۲۴۳ ص:

۲- امام حسین علیه السلام فرزند امیرالمؤمنین و سیدالوصیین است

«السلام عليك يابن اميرالمؤمنين وابن سیدالوصیین

». در این خصوص آنجه را حموینی شافعی در کتابش به نام فرائد السمطین آورده است نقل می‌کنیم: ابن عباس می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انا سید النبیین وعلی سیدالوصیین» همچنین ابو نعیم در کتاب حلیه الاولیاء روایتی را از انس بن مالک بدین معنی نقل می‌کند: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله روزی فرمود اولین کسی که از این در وارد شود امیرمؤمنان، سید مسلمانان، و آخرین اوصیا است در این زمان علی علیه السلام از در وارد شد».

۳- فاطمه زهراء سیده عالمین است

«السلام عليك يابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين

». بخاری و مسلم صاحب صحیح ترین صحاح ششگانه نزد اهل سنت این حدیث را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فاطمه سیده النساء این امت است. ۲۴۳

(۱) ۲۴۰- معجم الكبير، ج ۳، ص ۴۴، ح ۲۶۳۰؛ جامع الصغير، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۰.

(۲) ۲۴۱- کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۲.

(۳) ۲۴۲- کنز الفواید، ص ۱۶۷؛ السیدة فاطمة الزهراء، ص ۶۱؛ افحام الاعداء والخصوم، ص ۷۷.

(۴) ۲۴۳- المنصف، ج ۷، ص ۵۲۷؛ السنن الكبير، ج ۴، ص ۲۵۲؛ خصائص امیرالمؤمنین، ص ۱۱۹.

۴- شهادت امام حسین علیه السلام بزرگ‌ترین مصیبت

«مصیبہ ما اعظمها واعظم رزیتها فی الاسلام وفی جمیع اهل السماوات والارض

». معنی این جمله آن است که مصیبت شهادت حسین علیه السلام آنچنان بلای عظیم و بزرگی است که در اسلام و بر تمام اهل آسمان‌ها و اهل زمین بزرگ‌تر از آن نازل نشده است. گریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علیه السلام ۵۰ سال پیش از شهادت ایشان نشان دهنده عظمت این مصیبت است.^{۲۴۴} حضرت آدم در کربلا

هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین فرستاده شد. میان او و همسرش «حوا» جدایی افتاد. آدم برای یافتن همسرش، به جست‌وجو پرداخت. در میانه راه، گذارش به کربلا افتاد. پس بی اختیار، اشک از چشمانش جاری شد و ابری از غم، دلش را تسخیر کرد. سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! بار دیگر، دچار معصیتی شده‌ام که این حال به

۲۴۹ ص:

من دست داده است؟

خطاب رسید: «ای آدم! گناهی از تو سر نزده است، بلکه در این سرزمین، فرزند تو - حسین علیه السلام - را با ستم، به قتل می‌رسانند».

عرض کرد: خدایا حسین کیست؟ آیا از پیامبران است؟

ندا آمد: «نه، پیامبر نیست، ولی فرزند پیامبر آخر الزمان - محمد بن عبدالله - است».

عرض کرد: خدایا! قائل او کیست؟

خطاب آمد: «نامش یزید است که ملعون آسمان‌ها و زمین است».

در این هنگام به جبرئیل رو کرد و گفت: درباره قاتل حسین علیه السلام چه باید کرد؟

جبرئیل گفت: «باید او را لعن کرد».

آدم علیه السلام چهار بار یزید را لعن کرد و راه خود را در پیش گرفت و از سرزمین کربلا خارج شد.^{۲۴۵} کشته نوح در کربلا

«عن عائشة قالت: أقبلت فاطمة عليها السلام إليها تمشي مشيتها مشية النبي صلى الله عليه و آله و سلم، فقال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: مرحباً بانتي ثمَّ اجلسها عن يمينه أو عن شماله، ثمَّ أسر إليها حديثاً فبكَت فقلَت لها: لم تبكيين؟ ثمَّ أسر إليها حديثاً فضحكَت فقالت: ما رأيت كاليوم فرحاً أقرب من حزن، فسألتها عمَا قال، فقالت: ما كنت لأفتشي سر رسول الله صلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حتَّى قبض النبي صلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ -

(۱) (۲۴۴)- مستدرک سفينة البحار، ج ۷، ص ۲۱۳؛ حقوق آل البيت عليهم السلام، ص ۱۹۴.

(۱) (۲۴۵)- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

عجله کنید: «همه سوار بر کشته شوید، کودکان را فراموش نکنید.

عذاب خداوند نازل شده است». این کلامی بود که حضرت نوح علیه السلام به قوم خود می‌گفت: از آسمان و زمین آب فوران می‌کرد و زش باد شدید نیز، وحشت و اضطراب مردم را دو چندان کرده است. همه بر کشته

ص: ۲۵۰

سوار شدند و کشته بر امواج پر تلاطم آب سرگردان شد. مدتی در راه بود که ناگهان کشته از حرکت ایستاد. نوح علیه السلام، مضطرب و نگران با خود می‌گفت: خدایا! چه شده است؛ چرا کشته حرکت نمی‌کند؟

ناگهان ندا آمد: «ای نبی الله! این جا، سرزمینی است که فرزند زاده خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و پسر اشرف اولیا کشته می‌شود.».

نوح پرسید: قاتل او کیست؟

ندا آمد: «قاتل او، ملعون آسمانها و زمین است». نوح علیه السلام چهار بار قاتلان آن حضرت را لعن کرد تا سرانجام کشته به راه افتاد و از غرق شدن نجات پیدا کرد.^{۲۴۶} عبور حضرت ابراهیم از قتلگاه

ابراهیم علیه السلام به سرزمین کربلا رسید. آرام آرام با مرکبیش می‌گذشت که ناگهان به گودال قتلگاه رسید و اسب، او را به زمین زد. ابراهیم علیه السلام زبان به استغفار گشود و عرض کرد: خدایا! از من، چه خطابی سر زده است که به این بلا دچار شود؟

جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «ای ابراهیم! از تو گناهی سر نزده است. در این سرزمین، فرزند آخرين فرستاده خدا،^{۲۴۷} محمد بن عبدالله - را به قتل می‌رسانند».

قاتل او کیست؟

ص: ۲۵۱

جبرئیل گفت: «قاتل او، ملعون آسمانها و زمین است که قلم، بر روح اعظم، لعن او را نگاشته است». در این هنگام، ابراهیم دست خود را به طرف آسمان بالا برد و در حق قاتلان آن حضرت، لعن و نفرین کرد.^{۲۴۷} باد و سلیمان علیه السلام

سلیمان بر بساط خود، در آسمان در حال حرکت بود. ناگهان، باد به جنب و جوش افتاد و بساط سلیمان از کنترل ولی خارج شد.

سلیمان علیه السلام تعجب کرد و وحشت و اضطرابی عجیب، سرایای او را فرا گرفت.

(۱) ۲۴۶- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۸، چاپ قدیم.

(۱) ۲۴۷- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۷، چاپ قدیم.

پرسید: چه شده است؟

باد جواب داد: ما به قتل گاه حسین علیه السلام رسیده‌ایم.

سلیمان پرسید: حسین علیه السلام کیست؟

باد گفت: او فرزند علی بن ابی طالب و دختر خاتم الانبیا - محمد مصطفی - است که در این سرزمین، به دست قومی جفاکار به قتل می‌رسد.

سلیمان پرسید: نام قاتلش کیست؟

پاسخ داد: او ملعون زمین و آسمان‌ها است.

در این هنگام، سلیمان دست به آسمان برداشت و یزید را لعن کرد.

ص: ۲۵۲

باد به خود آمد و بساط سلیمان را برداشت و از زمین کربلا دور کرد. ۲۴۸ عیسی علیه السلام و کربلا عیسی علیه السلام که در جمع حواریان بود و از سرزمین کربلا می‌گذشت، پس از شنیدن خبر قرار گرفتن شیری بر سر راه عابران، جلو آمد و رو به شیر گفت: چرا در این راه نشسته‌ای و مانع رفت و آمد عابران هستی؟

حیوان به زبان آمد و گفت: یا نبی الله! نمی‌گذاریم از این جا بگذری، مگر آن که بر یزید، قاتل حسین، لعن کنی.

عیسی علیه السلام پرسید: قاتل او کیست؟

شیر گفت: ملعون چرندگان و پرندگان بیابان‌ها است. به ویژه در ایام عاشورا.

عیسی علیه السلام به همراه حواریان دست به آسمان برداشت و یزید و قاتلان امام حسین علیه السلام را لعن کرد، آنگاه شیر از سر راه کنار رفت و آنان از آن سرزمین گذشتند. ۲۴۹ گریه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر امام حسین علیه السلام

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: روزی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و فرزندم امام حسین را در حالی که کودک بود در حجر ایشان قرار دادم ناگهان دیدم رسول خدا شروع به گریه کردند؟ سؤال کردم جانم فدای

ص: ۲۵۳

شما چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: این جبرئیل است که به من خبر داد ام تم این فرزندم را خواهد کشت. سؤال کردم از جبرئیل آیا این فرزندم؟

(۱) ۲۴۸- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۶، چاپ قدیم.

(۲) ۲۴۹- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۷، چاپ قدیم.

گفت: آری، آن گاه تربتی به من داد که به رنگ خون بود ... ۲۵۰

علی بن ابی طالب علیهم السلام در کربلا

ابن سعد نقل می‌کند: چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در مسیر صفين از کربلا گذشت و رو به روستای نینوا بر کرانه فرات قرار گرفت، ایستاد و سؤال کردند به این سرزمین چه می‌گویند؟ گفت:

کربلا، حضرت گریست تا آنکه زمین از اشکها یشتر شد. فرمود: روزی خدمت پیامبر رسیدم که می‌گریست. سبب گریه را پرسیدم، فرمود:

جبرئیل پیش من بود. مرا خبر داد که فرزندم حسین علیه السلام در کنار فرات در جایی به نام کربلا کشته می‌شود. مشتی از خاک آن را برداشت و داد تا بویش کنم، چشمانش پر از اشک شد. ۵- موافقت بعضی از فرازها من جمله: «

بِرِّئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ

« با اصول دین که همان تولی و تبری باشد.

۶- موافقت بعضی از فرازها من جمله: «

إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

« با حدیث نبوی که فرمود: »

انا

ص: ۲۵۴

حرب لكم حاربتم، سلم لمن سالمتم

« ۲۵۲. این مضمون از زیارت عاشورا در دو جا به صورت «

إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ

« تکرار شده است.

احمد بن حنبل هم حدیثی را به صورت مستند و با مضمون فوق از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «ابوهیره نقل می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله به علی و حسن و حسین و فاطمه نگاه کرد و فرمود: »

(۱) ۲۵۰- دلائل الامامة، ص ۱۸۰؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۲۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۷؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۲۳.

(۲) ۲۵۱- طبقات، ج ۷، ص ۲۷۴؛ اخبار الطوال، ص ۱۰۷؛ شرح احقاق الحق، ج ۸، ص ۱۴۷.

(۳) ۲۵۲- ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۳۶۰، ح ۳۹۶۲؛ حاکم، مستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹؛ طبری، معجم الكبير، ج ۳، ص ۴۰، ح ۲۶۲۰.

انا حرب لمن حاربکم، سلم لمن سالمکم

« ۲۵۴- ترمذی ۲۵۴ نقل نموده است: زید بن ارقم نقل می کند که رسول الله به علی و فاطمه و حسن و حسین فرمود: »

انا حرب لكم حاربتم، سلم لمن سالمتم

« ۲۵۵- در چندین قسمت از زیارت عاشورا مانند »

أنْ يَعْنَى مَعَكُمْ فِي

ص: ۲۵۵

الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ

» و یا «

اللَّهُمَّ اجْعِلْ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

« آمده است. معنای این جملات از زیارت عاشورا چیزی جز دعای بر آن نیست که خداوند ما را از رهروان راه اهل بیت علیه السلام در این دنیا و محشور با آنها در آخرت قرار دهد. روایات بیشماری از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است که ما را به تبعیت از اهل بیت علیهم السلام امر می نماید. آنچه ما به عنوان حدیث تقلین می شناسیم یک شاهد قوی در سنت رسول الله صلی الله علیه و آله برای این فراز از زیارت می باشد که رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمین را امر به تبعیت از اهل بیت علیهم السلام کرد. ۲۵۶- حدیث اول: محمد بن عیسی الترمذی در کتاب سنن الترمذی

زید بن ارقم قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«انی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الآخر؛ کتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض وعترتی اهل بیتی ولن یفترقا حتى یردا على الحوض فانظروا کیف تخلفوئی فیهمما. هذا حدیث حسن غریب؛ ۲۵۷-

زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من از میان شما می روم در حالی که دو چیز را در میان شما می گذارم، اگر به آن دو تمسک جوئید هرگز بعد از من به گمراهی و ضلالت کشیده نخواهد شد، یکی از آن دو برتر از دیگری است؛ قرآن کریم که مانند ریسمانی از آسمان به زمین متصل است، و عترت و اهل بیتم، این دو هرگز از یکدیگر

(۱) ۲۵۷- ج ۲، ص ۴۲۲.

(۲) ۲۵۸- سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۰.

(۳) ۲۵۹- سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۶۰.

(۴) ۲۵۶- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲.

(۵) ۲۵۷- سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۹. ح ۳۸۷۶؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۲۶۷؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۵.

جدا نمی‌شوند، تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید که چگونه در مورد آن دو عمل می‌کنید، این حدیث اگرچه حسن است، اما غریب و ناآشنا است.»

حدیث دوم: محمد بن عیسیٰ الترمذی در کتاب سنن الترمذی

از جابر بن عبد‌الله قال: رسول الله صلی الله علیه و آله در روز عرفه در حج مشاهده

ص: ۲۵۶

۲۵۸

کردم که سوار بر شترش خطبه می‌خواند و فرمود: «

يا ايها الناس انی تركت فيکم ما ان اخذتم به لن تضلوا كتاب الله و عترتی أهل بيته؛ ۲۵۹

جابر بن عبد‌الله نقل کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز عرفه در حج مشاهده کردم که حضرت سوار بر شتر بودند و خطبه می‌خواندند و می‌فرمودند: ای مردم من دو چیز در میان شما به امانت می‌گذارم، اگر از آن دو بهره جستید هرگز به گمراهی نخواهید رفت، قرآن کریم و عترتمن اهل بیت.»

حدیث سوم: مسلم بن حجاج در کتاب صحیح مسلم

«حدیثی زهیر بن حرب و شجاع بن مخلد جمیعاً عن ابن عطیة قال زهیر حدثنا اسماعیل بن ابراهیم حدثی ابو حیان حدثی یزید ابن حیان قال انطلقت انا و حصین بن سپره و عمر بن مسلم الى زید بن ارقم فلما جلسنا إليه قال له حصین لقد لقيت يا زید خيراً كثيراً رأيت رسول الله صلی الله علیه و آله و سمعت حدیثه وغزوت معه وصلیت خلفه لقد لقيت يا زید خيراً كثيراً حدثنا يا زید ما سمعت من رسول الله صلی الله علیه و آله قال: يابن اخي والله لقد كبرت سني وقدم عهدي ونسبيت بعض الذى كنت اعى من رسول الله صلی الله علیه و آله فما حدثكم فاقبلاوا وما لا فلا تكلفونيه ثم قال قام رسول الله صلی الله علیه و آله يوماً فينا خطيباً بماء يدعى خما بين مكة والمدينة فحمد الله واثنى عليه ووعظ وذكر ثم قال اما بعد الا ايها الناس فاما انا بشر يوشك ان يأتي رسول ربی فاجیب وانا تارک فيکم ثقلین اولهما كتاب

ص: ۲۵۷

الله فيه الهدی والنور فخذوا بكتاب الله واستمسکوا به فحث على كتاب الله ورغبة فيه ثم قال واهل بيته اذکرکم الله في اهل بيته اذکرکم الله في اهل بيته. فقال له حصین ومن اهل بيته يا زید أليس نساوه من اهل بيته

258 تبریزی، جواد، زیارت عاشورا فراتر از شبهه، ۱، جلد، دار الصدیقة الشهیدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، جاپ: ۱۳۸۹ ه.ش.

(۱) ۲۵۹ - سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸، ح ۳۸۷۶؛ المستدرک، ج ۱، ص ۹۳؛ السنن الکبری البیهقی، ج ۱۰، ص ۱۱۴

قال نساؤه من اهل بيته ولكن اهل بيته من حرم الصدقه بعده قال ومن هم قال هم آل على وآل عقيل وآل جعفر وآل عباس قال كل هؤلاء حرم الصدقه قال نعم؛ ۲۶۰

يزيد بن حيان گفت: من و حصين بن سبره و عمر بن مسلم به نزد زيد بن ارقم رفتيم، آنگاه حصين به او گفت: اي زيد! تو با ديدن جمال رسول خدا صلي الله عليه و آله و شنيدن سخنانش و شركت در غزوات و نماز خواندن پشت سر پيامبر صلي الله عليه و آله خير و برکت زيادي به دست آوردي، اي زيد اکنون از آنچه که از رسول خدا صلي الله عليه و آله شنيدی اندکی برايمان نقل کن؟ زيد گفت:

اي پسر برادرم به خدا سوگند کاسه عمرم لبريز شده و بر بيشتر آنچه که از رسول خدا صلي الله عليه و آله دیده يا شنيده ام گرد فراموشی نشسته است. پس آنچه را که به شما می گويم پيذيريد و بر ما باقی آن اصرار نکنيد، سپس گفت: روزی پيامبر خدا در ميان ما و در کنار رودي بين مكه و مدینه به نام خم خطبه اي خواند و بعد از حمد و ثنای الهي و موعظه و ارشاد فرمود: اي مردم بدانيد که من همچون شما انسانم و بي تردید اجمل نزديك است، پس من او را اجابت خواهم کرد، اما دو چيز گرانها در ميان شما می گذارم، كتاب خدا، که در آن هدایت و نور است، از قرآن

ص: ۲۵۸

درس بگيريد و به آن تممسک جويند، پس پيامبر در مورد قرآن سفارشات اکيدی نمود و ما را به قرآن تشویق و ترغيب نمود، سپس فرمود: و ديگري اهل بيته من می باشند، پس خدا را در مورد اهل بيته ياد آوريد و اين جمله را سه مرتبه تکرار نمودند، حصين از زيد پرسيد: اهل بيته پيامبر شامل چه کسانی می شود آيا همسران پيامبر نيز اهل بيته او محسوب می شوند؟

زيد گفت: آري همسران پيامبر نيز اهل بيته اويند، و هر کسی که صدقه بر او حرام باشد نيز اهل بيته پيامبر می باشد».

حدیث چهارم: «

وحدثنا محمد بن بكار بن الريان حدثنا حسان (يعنى ابن ابراهيم) عن سعيد بن مسروق عن يزيد بن حيان عن زيد بن ارقى عن النبي صلي الله عليه و آله و ساق الحديث نحوه بمعنى حدیث زهير؛

يزيد بن حيان گفت: زيد بن ارقم از رسول خدا صلي الله عليه و آله برايمان مثل حدیث قبل (حدیث سوم) نقل نمود».

حدیث پنجم: «

حدثنا ابوبكر بن ابي شيبة حدثنا محمد بن فضيل وحدثنا اسحاق بن ابراهيم اخبرنا جرير كلاهما عن ابي حيان بهذا الاسناد نحوه حدیث اسماعيل و زاد في حدیث جرير كتاب الله فيه الهدى والنور من استمسك به واخذ به كان على الهدى ومن اخطأه ضل؛ ۲۶۱

(۱) ۲۶۰- صحيح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ المعجم الكبير، ج ۵، ص ۱۸۳؛ تفسير ابن كثير، ج ۳، ص ۴۹۴.

(۱) ۲۶۱- صحيح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۴، ص ۶۳؛ كنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۸.

اسحاق بن ابراهیم گفت: جریر از ابن حیان به همان اسناد حدیث قبل، برایمان حدیث را نقل کرد، اما در حدیث اسماعیل، اضافه دارد

ص: ۲۵۹

که: کتاب خدا (قرآن) در آن هدایت و نور است، هرکس به آن تمسک جوید و از آن بھرہ گیرد، هدایت می‌شود، و هرکس از فرامین قرآن تخلف ورزد، در گمراهی آشکار به سر می‌برد.»

حدیث ششم:

حدثنا محمد بن بکار بن الیان حدثنا حسان (یعنی ابن ابراهیم) عن سعید (وهو ابن مسروق) عن یزید بن حیان عن زید بن ارقم قال دخلنا علیه فقلنا له لقد رأیت خیراً لقد صاحبت رسول الله صلی الله علیه و آله و صلیت خلفه و ساق الحديث بنحو حدیث ابی حیان غیر انه قال الا وانی تارک فیکم ثقلین احدهما کتاب الله عزوجل هو حبل الله من اتبعه کان علی الهدی ومن تركه کان علی ضلاله وفيه فقلنا من اهل بيته نساوه قال لا وايم الله ان المرأة تكون مع الرجل العصر من الدهر ثم يطلقها فترجع إلى ابیها وقومها اهل بيته اصله و عصبتنه الذین حرموا الصدقۃ بعده؛ ۲۶۲

یزید بن حیان گوید: بر زید بن ارقم وارد شدیم و به او گفتیم: با مصاحبت و مجالست با رسول خدا صلی الله علیه و آله و اقتدا به حضرتش در نماز، خیر بسیاری به دست آوردی. این حدیث همانند حدیث ابن حیان است الا اینکه فرمود: به درستی من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم، یکی از آنها کتاب خداوند عزوجل است که رسیمان مستحکم خداوند است، هرکس از آن تبعیت کرده و به آن چنگ زند در مسیر هدایت قرار می‌گیرد و هر آن کس که از آن روی گرداند، به سوی

ص: ۲۶۰

گمراهی می‌رود و در آن ضلالت باقی خواهد ماند.

پس پرسیدم اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند، آیا همسرانش نیز اهل بیت او حساب می‌شوند؟ گفت: به خدا سوگند، نه همانا زنان در برهه‌ای از زمان با مردان زندگی می‌کنند، سپس او را رها کرده به سوی پدر، خانواده و قومش باز خواهند گشت. اما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی‌ند که صدقه بر آنان بعد از پیامبر اسلام حرام باشد.»

حدیث هفتم: احمد بن شعیب النسائی در کتاب سنن النسائی

از زید بن ارقم گفت: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از حججه الوداع بازگشت در غدیر خم توقف نمود و فرمود: «

(۱) ۲۶۲ - صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳؛ صحیح ابن حیان، ج ۱، ص ۳۳۰؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۵.

... إنی قد تركت فيکم التقليین احدهما أكبر من الآخر کتاب الله وعترتی اهل بيته فانظروا کيف تخلفونی فيهما فانهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض ثم قال ان الله مولاي وانا ولی كل مؤمن ثم اخذ ييد على فقال من كنت ولیه فهذا ولیه اللهم وال من والا و عاد من عاده؛^{٢٦٣}

ابی طفیل به نقل از زید بن ارقم می‌گوید: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از حجۃ الوداع بازگشتند در غدیر خم توقف نمودند، و فرمودند:... مرگ مرا به سوی خود می‌خواند و عنقریب او را اجابت کرده و از میان شما خواهم رفت، اما دو چیز گران بها به رسم امانت برایتان باقی می‌گذارم، که یکی ارزشش از دیگری بیشتر است، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم، پس مواضع باشید که چگونه با این دو امانت رفتار می‌کنید که هرگز از

ص: ٢٦١

هم جدا نمی‌شوند تا آنکه بر حوض کوثر بر من وارد شوند، سپس فرمود: خداوند متعال مولی و سرپرست من و تمام مؤمنان است، آنگاه دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هرکس که من مولی و سرپرست اویم، بعد از من علی امام و سرپرست او است، پروردگارا سرپرستی کن کسی را که از حضرت علی علیه السلام متابعت و پیروی نماید».

ابی طفیل می‌گوید: «

فقلت لزید: سمعته من رسول الله صلی الله علیه و آله قال ما كان في الدوحتات رجل الا راه بعينه وسمع باذنه؛^{٢٦٤}

ابی طفیل می‌گوید به زید بن ارقم گفتم: تو واقعاً خودت این کلام را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی؟ گفت: هیچ کس در آنجا نبود مگر اینکه او را دید و کلامش را شنید».

حدیث هشتم: اسحاق بن راهویه در مستندش

«اخبرنا ابو عامر العقدی، عن کثیر بن زید، عن محمد بن عمر بن علی، عن ابیه، عن علی رضی الله عنہ، قال: ان النبي صلی الله علیه و آله حضر الشجرة بخم، ثم خرج اخذا بید علی رضی الله عنہ قال: المستم تشهدون ان الله تبارک وتعالی ریکم؟ قالوا: بلى، قال صلی الله علیه و آله: المستم تشهدون ان الله ورسوله اولی بکم من افسکم، وان الله ورسوله اولیاؤکم؟ فقال: بلى قال: فمن كان الله ورسوله مولا، فان هذا مولا، وقد تركت فيکم ما ان اخذتم به لن تضلوا: کتاب الله تعالى، سببه بیده، وسببه بایدیکم، واهل بیتم؛^{٢٦٥}

ص: ٢٦٢

حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول خدا در مراجعت از مکه در کنار درخت خم توقف نمودند، مردم به دورش حلقه زدند، حضرت دست مرا گرفت و خطاب به حجاج فرمود: آیا شهادت به ربوبیت الهی می‌دهید؟ گفتند: آری، فرمود: آیا

(١) (٢٦٣)- المستدرک، ج ٣، ص ١٠٩؛ مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٦٤؛ السنن الكبرى، ج ٥، ص ٤٥.

(٢) (٢٦٤)- السنن الكبرى، السنناني، ج ٥، ص ٤٥.

(٣) (٢٦٥)- خلاصة عبقات الانوار، ج ١، ص ١٢٨؛ کنز العمال، ج ١٣، ص ١٤٠؛ تاريخ مدينة دمشق، ج ٤٢، ص ٢١٣.

گواهی می دهید که خدا و رسولش بر نفستان از خودتان بیشتر ولايت و اختيار دارند؟ گفتند: بلى، آنگاه حضرت فرمود: هرکس که خدا و رسولش ولی و سرپرست اوست، همانا علی بعد از من سرپرست و صاحب اختيار اوست، سپس فرمودند: من از میان شما می روم و در میان شما دو چیز می گذارم که اگر به آن تمسک جسته و دست توسل به دامن آنها زنید هرگز دچار گمراهی نخواهید شد. کتاب خدا و عترتم.».

حدیث نهم: یعقوب بن سفیان الفسوی در کتاب المعرفة والتاريخ

«عن زید بن ارقم قال: قال النبي صلی الله عليه و آله: انی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا: کتاب الله عزوجل وعترتی اهل بیتی، وانهما لن یتفرقا حتی یردا على الحوض؛^{۲۶۶}

زید بن ارقم گفت: نبی مکرم اسلام فرمود: من در میان شما چیزی

ص: ۲۶۳

می گذارم که اگر به آن متولی شوید و به دامان آن چنگ زنید، بعد از من از گمراهی و ضلالت مصون خواهید ماند، کتاب خدا و عترتم، این دو از یکدیگر جدا نمی شود تا بر من در کنار حوض کوثر وارد شوند.».

حدیث دهم: احمد بن حنبل در کتاب مسند احمد

«حدثنا الاسود بن عامر ثنا شريك عن الركين عن القاسم بن حسان بن زيد بن ثابت قال قال رسول الله صلی الله عليه و آله انی تارک فیکم خلیفتيں کتاب الله حبل ممدود ما بین السماء والارض او ما بین السماء الى الارض وعترتی اهل بیتی وانهما لن یتفرقا حتی یردا على الحوض؛^{۲۶۷}

زید بن ثابت به نقل از رسول خدا صلی الله عليه و آله گفت: من از میان شما می روم، در حالی که دو چیز گرانبها برای شما می گذارم، کتاب خدا که مانند ریسمانی از آسمان به زمین متصل است و عترتم اهل بیت، و این دو از هم مفارق نمی کنند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند.».

حدیث یازدهم: الطبرانی در کتاب المعجم الكبير

«حدثنا علی بن عبدالعزیز، ثنا: أبو نعیم، ثنا: کامل ابوالعلاء، قال:

سمعت حبیب بن أبي ثابت یحدث، عن یحیی بن جعدة، عن زید بن ارقم، قال: خرجنا مع رسول الله صلی الله عليه و آله حتى انتهينا الى غدیر خم امر بدوح فكسح فی يوم ما اتی علينا يوم كان اشد حرما منه، فحمد الله واثنى عليه وقال: يا ایها الناس، انه لم یبعث نبی قط الا عاش نصف ما عاش الذين كانوا قبله وانی اوشك ان ادعی فاجیب وانی تارک فیکم ما لن تضلوا بعده، کتاب الله ثم قام واخذ بید علی رضی الله عنه فقال: يا ایها الناس،

(۱) ۲۶۶- مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴؛ مجمع الروائد، ج ۹، ص ۱۶۳؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۱؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۶۵؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۲؛ تفسیر الشعلی، ج ۸، ص ۴۰؛ تفسیر الآلوسی، ج ۴، ص ۱۸؛ بنایع المودة، ج ۳، ص ۲۹۴؛ الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۳۰۸؛ غایة المرام، ج ۲، ص ۲۱؛ المعرفة والتاريخ، ج ۵، ص ۲۹۴.

(۲) ۲۶۷- مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۲؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۲.

من اولی بکم من انفسکم؟ قالوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قال: مَنْ كَنْتَ مُولَاهُ فَعَلَى مُولَاهٍ؛^{۲۶۸}

یحیی بن جعده گفت از زید بن ارقم شنیدم که می‌گفت: ما با رسول خدا از مکه خارج شدیم به سوی مدینه، تا اینکه به غدیر خم رسیدیم در روزی که شدت گرما و سوز آن بی سابقه بود، رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در میان جمع حجاج بعد از حمد و ثناء باری تعالی فرمود: ای مردم! خداوند پیامبری نفرستاد مگر اینکه به اندازه نصف عمر نبی قبلی عمر می‌کند و نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم، اتا چیزی در بین شما از خود باقی می‌گذارم که اگر به آن تمسک کنید هرگز در مسیر زندگانی دچار لغش و گمراهی نخواهد شد. کتاب خدا؛ آنگاه حضرت ایستادند و دست حضرت علی علیه السلام را گرفته و فرمود: ای مردم! ولايت چه کسی بر نفس خودتان بیشتر است؟ گفتند:

خدا و رسولش، نسبت به این مسأله آگاه ترند. حضرت فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم، این علی علیه السلام نیز بعد از من سرپرست و ولی اوست».

حدیث دوازدهم: احمد بن حنبل در کتاب مسند احمد

«حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا اسود بن عامر ثنا اسرائيل بن عثمان بن المغيرة عن علي بن ربيعة قال: لقيت زيد بن ارقم وهو داخل على المختار او خارج من عنده فقلت له اسمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: انى

تارک فيكم الثقلين قال نعم؛^{۲۶۹}

علی بن ربيعة گوید: زید بن ارقم را ملاقات نمودم در حالی که به مجلس مختار داخل می‌شدم یا آنکه خارج می‌شد؛ به او گفتمن: آیا از رسول خدا صلی اللہ علیه و آله استماع کرده و به دو گوش خود شنیده‌ای که حضرت می‌فرمود: من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم؟ گفت: بله».

حدیث سیزدهم: «

حدثنا فهد بن سليمان قال: ثنا ابو غسان مالک بن اسماعيل النھدی قال ثنا اسرائيل بن يونس عن عثمان بن المغيرة عن علي بن ربيعة الاسدی قال: لقيت زيد بن الارقم وهو داخل على المختار او خارج فقلت ما حدیث بلغنى عنک سمعت النبي صلى الله عليه و آله يقول انى تارک فيكم الثقلین كتاب الله - عزوجل - وعترتی؟ قال: نعم

(۱) ۲۶۸- المستدرک، ج ۳، ص ۵۳۳؛ المعجم الكبير، ج ۵، ص ۱۷۱؛ نفحات الازهار، ج ۷، ص ۲۴۵.

(۱) ۲۶۹- مسند احمد، ج ۴، ص ۳۷۱؛ المعجم الكبير، ج ۵، ص ۱۸۶؛ فضائل الصحابة لابن حنبل، ج ۲، ص ۵۷۲.

؛ على بن ربيعة اسدي گفت: با زيد بن ارقم ملاقاتي داشتم در حالی که او به نزد مختار مى رفت و يا آنکه از آنجا بر مى گشت، گفتم: اي زيد! از تو به من حديشي رسيد حاکي از آن که تو گفته‌ای از رسول خدا شنیدم: من در ميان شما دو چيز گرانها مى گذارم، كتاب خدا و عترتم؟ گفت: آری».

همچنین الطبراني حدیث را به این صورت نقل می‌کند: «

حدثنا على بن عبد العزيز ثنا أبو غسان مالك بن اسماعيل ثنا اسرائيل عن عثمان بن المغيرة عن على بن ربيعة قال لقيت زيد بن ارقم داخلا على المختار او خارجاً قال قلت حدثنا بلغنى عنك سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله اني تارک فيکم الثقلین كتاب الله و عترتی قال نعم؛ ۲۷۰

على بن ربيعة گفت: زيد

ص: ۲۶۶

بن ارقم را در حالی که بر مختار وارد می‌شد، یا از مجلس او خارج می‌شد، مشاهده کردم، به او گفتم: اي زيد؛ حدیثی از تو به من رسید بدین مضمون که گفته‌ای، از رسول خدا صلی الله عليه و آله شنیدم که می‌فرمود: به درستی من شما را ترک می‌کنم، پس دو چيز سنگین و گرانها برای شما به جای می گذارم، كتاب خدا و عترتم اهل بيت علیهم السلام. آیا چنین است؟

زيد گفت: آری چنین است».

البانی در کتاب خود «صحیح الجامع الصغیر» از زبان رسول اکرم صلی الله عليه و آله می‌نویسد: «انی تارک فیکم خلیفتین، كتاب الله حبل ممدود ما بین السماء والأرض وعترتی اهل بیتی وانهما لن یتفرقا حتی یردا على الحوض؛ ۲۷۱

پیامبر اسلام صلی الله عليه و آله فرمود: به درستی من شما را ترک می‌کنم، پس دو خلیفه برای شما به یادگار می‌گذارم، كتاب خداوند متعال که چون رسیمانی بین آسمان و زمین کشیده شده، و عترت و اهل بیتم علیهم السلام، همانا این دو از یکدیگر جدا نمی‌شود تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند».

-۸- عظمت مصیبت واردہ بر اهل بیت چنان بزرگ و دردآور است که انبیاء الهی نیز بر این واقعه ندبہ کرده و اشک ریخته‌اند و مطلب به علت وضوح بی نیاز از شرح و بیان است که فرمود: «

لَقَدْ عَظُمَتِ الرِّزْيَةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِبَّيَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ...

«وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِبَّيْتَكَ فِي السَّمَاوَاتِ

(۱) ۲۷۰ - نفحات الازهار، ج ۲، ص ۱۶۲.

(۲) ۲۷۱ - مسنند احمد، ج ۵، ص ۱۲۸؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۲.

این فراز بدین معنی است که سوگواری تو در آسمان‌ها بزرگ و عظیم شد. شاید این سؤال مطرح شود که سوگواری امام حسین علیه السلام در آسمان‌ها چگونه ظاهر شد. طبرانی محدث بزرگ اهل سنت در کتاب «المعجم الكبير» خود روایت مستندی بدین معنی نقل می‌کند می‌کند ۲۷۲:

«زمانی که امام حسین علیه السلام کشته شد آسمان برای چندین روز به رنگ خون در آمد». نور الدین هیثمی عالم مشهور حدیث شناس اهل سنت در کتاب خود می‌گوید ۲۷۳: «راویان این روایت مورد اعتماد و صحیح هستند». در روایت دیگری طبرانی می‌گوید ۲۷۴: «زمانی که امام حسین علیه السلام کشته (شهید) شد خورشید گرفت به طوری که ستارگان در وسط روز ظاهر شدند و مردم گمان کردند که روز رستاخیز فرا رسیده است». نور الدین الهیثمی می‌گوید ۲۷۵: «این روایت دارای سند خوب و قابل قبولی است». سیوطی می‌گوید ۲۷۶: «زمانی که امام حسین علیه السلام کشته (شهید) شد آسمان خون بارید به طوری که همه چیز پر از خون گشت». روایت صحیحه در مورد اینکه پس از قتل (شهادت) امام حسین علیه السلام آسمان خون بارید بسیار زیاد هستند ۲۷۷. در واقع این فراز از زیارت عاشورا به همین حوادث طبیعی که پس از واقعه کربلا اتفاق افتاده است می‌تواند اشاره داشته باشد.

«مُصِيَّةٌ مَا أَعْظَمُهَا وَأَعْظَمَ رَزِّيَّهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

معنی این جمله آن است که مصیبت شهادت حسین علیه السلام آن چنان بلای عظیم و بزرگی است که در اسلام و بر تمام اهل آسمان‌ها و اهل زمین بزرگ تر از آن نازل نشده است که مرور انبیاء عظیمی الشأنی چون آدم، نوح و ابراهیم و عیسی علیهم السلام و ... به آن سرزمین و طوف به گرد کعبه عشق و گریه کردن بر مظلومیت سبط نبی اعظم، و گریستن بیغمبر اسلام بر شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام و همین طور پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام خود گواهی صادق بر عظمت این مصیبت عظمی است.

۹- دفع از مقام و منزلت بعد از اعتراف به آن: تحمل ظلم دردناک است و دردناک تر از آن زمانی است که دشمن معرف به مقام و منزلت مظلوم بوده و در عین حال ظلم روا می‌دارد که فرمود: «

لَعْنَ اللَّهِ أُمَّةً دَفَعْتُكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَّتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا

(۱)- المعجم الكبير، تأليف الطبراني، متوفى ۳۶۰، ج ۳، ص ۱۱۳. ۲۷۲

(۲)- مجمع الزوائد، تأليف نور الدین الهیثمی، متوفى ۸۰۷، ج ۹، ص ۱۹۸. ۲۷۳

(۳)- المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۴. ۲۷۴

(۴)- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۷. ۲۷۵

(۵)- خصائص الکبری، السیوطی، ج ۲، ص ۲۱۴. ۲۷۶

(۶)- مخازی عنمان الخمیس، ص ۷۰. ۲۷۷

» در صورتی که در روایات دارد:

«قال رسول اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهٖ وَ سَلَّمَ: سَبِيلَقِي أهْلَ بَيْتِنِي مِنْ بَعْدِ تَطْرِيدًا وَ تَشْرِيدًا؛^{۲۷۸}

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بعد از من اهل بیتم رانده و فراری خواهند شد».

«قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهٖ وَ سَلَّمَ: إِنَّكَ سَتَلْقِي بَعْدِ جَهَادٍ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟ قَالَ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ؛^{۲۷۹}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: بعد از من با مشکلات مواجه خواهد شد. امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند: آیا دینم در امان

ص: ۲۶۹

خواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بلی».

و همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «

يَا عَلَى أَنْكَ مَنْ بَعْدِي مَغْلُوبٌ مَغْصُوبٌ تَصْبِرْ عَلَى الْأَذْى فِي اللَّهِ...^{۲۸۰}

رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: یا علی بعد از من دشمن بر تو غالب خواهد شد و مورد ظلم قرار خواهی گرفت و به خاطر خدا بر آزار آنها صبر می‌کنی و ...».

۱۰- اعتراف به مهدویت و دعا برای طلب خون سیدالشهدا علیه السلام:

می‌فرماید: «

وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مُنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ

و در فرازی دیگر می‌فرماید: «

وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي كُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدَىٰ ظَاهِرٌ نَاطِقٌ بِالْحَقِّ

۱۱- دعا برای وصول به مقام محمود مقامی که رسیدن به آن جز بزرگ‌ترین آرزو و امیال ابناء بشر، از بد و خلقت تا قیام قیامت بوده است. بر همین اساس در این زیارت شریفه می‌فرماید: «

وَأَسْئَلُهُ أَنْ يُبَلَّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ

(۱) (۲۷۸)- المستدرک على الصحيحین، ج ۴، ص ۴۶۶ و ۴۸۷

(۲) (۲۷۹)- المستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۴۰؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۷

(۱) (۲۸۰)- الفضائل، ج ۵، ص ۱۴؛ همچنین در بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۶۱.

» ۱۲- اعتراف به صحت شفاعت در روز قیامت که فرمود: «

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةً لِّحُسْنِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ

.«...

» ۱۳- شفیع آوردن به درگاه الهی برای کسب مقام اخروی که می‌فرماید: «

اللَّهُمَّ اجْعِلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسْنَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ

». و این فرازها شمه‌ای از مضامین نورانی زیارت شریفه عاشورا است که بر دل شیفتگان و مخلصین درگاه ولایت اهل بیت علیهم السلام می‌تابد.

ص: ۲۷۰

سیره شیعیان

سیره شیعیان از دانشمند و عوام، در همه دوران‌ها و تمامی شهرها بر این جاری است که به عنوان عبادت آفریدگار بر کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ستم روا داشته‌اند، لعنت می‌فرستند که به طور قطع آشکار کننده آن است که از ائمه هدایتگر علیهم السلام به آنها القاء شده است.

سیره شیعه نیز جاری شده است بر عبادت خدا به وسیله لعن فرستادن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام و ستم کنندگان به ایشان و کسانی که حقوقشان را غصب کرده‌اند و چیزهایی از ایشان را که خداوند حرمتش را لازم دانسته برخود روا شمردند و به اذیت و آزارشان پرداختند و حقشان را انکار کردند و بر ناسزا گویان به ایشان و ستیزه‌گران با آنان، همچنین لعن بر قاتل امیر مؤمنان علیهم السلام و قاتلان امام حسین علیهم السلام؛ بلکه قاتلان همه امامانی که به شهادت رسیده‌اند.

همچنین در زیارت‌های خصوصی و عمومی ائمه هدی علیهم السلام، کمتر زیارتی را می‌یابیم که خالی از لعنت بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام، قاتلان و ستیزه‌گران ایشان باشد.

ص: ۲۷۱

استحباب لعن

در روایاتی که به سر حدّ تواتر رسیده، بر کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ستم کرده‌اند و حقوق ایشان را به ناروا گرفته‌اند و آنان را کشته‌اند لعنت شده است و در بسیاری از آن روایات آمده است که مراقبت و مواظبت بر لعن بر چنین افرادی مطلوبیت و استحباب دارد.

در صحیفه سجادیه از امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز جمعه و عید قربان آمده است:

«اللَّهُمَّ هذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَسْهُدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالْ طَالِبُ الرَّاغِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاظِرُ فِي حَوَابِّهِمْ ... - إِلَى أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامُ لِخَلْفَائِكَ وَأَصْفَيَائِكَ وَمَوَاضِعِ أُمَّنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتُرُوهَا، وَأَنْتَ الْمُقْدَرُ لِذِلِّكَ ... - إِلَى أَنْ قَالَ: حَتَّى عَادَ صِفُوتُكَ وَخُلْفَاؤُكَ مَغْلُوْبِينَ مَهْمُورِينَ مُبَتَّئِينَ، يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدِّلًا ...

- إِلَى أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ اعْنُ أَعْدَاءِهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ، وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ

... ۲۸۱؛ پروردگار! این روزی است پر برکت و فرخنده که مسلمان‌ها در گوش و کنار زمین تو گرد هم آیند و همگی از تو خواستار آمرزش‌اند و دست نیاز به درگاهت دراز کرده‌اند، همه به تو امیدوارند و از غصب تو بیمناک‌اند و تو به حواچشان آگاهی و به احوالشان بینایی ... - تا این که می‌فرماید: بارالها! این جایگاه (خلافت و خواندن خطبه و اقامه نماز عید) مقام ویژه خلفا و برگزیدگان تو

ص: ۲۷۲

می‌باشد و کسانی که امین تو می‌باشند و در درگاه تو از درجه و مقامی بس والا که ویژه آنان ساخته‌ای، برخوردارند؛ اما غاصبان این مقام را از آنان ربودند و تویی تقدير کننده ... - تا آنکه فرموده است: تا این که (بر اثر غصب خلافت) برگزیدگان و جانشینان تو به ظاهر شکست خوردن و حقوقشان به یغما رفت و می‌دیدند که حکم تو تبدیل شده ... - تا این که فرموده: بارالها! دشمنان ایشان را از پیشینیان و آیندگان و هرکس که از کردار آنان خشنود است و پیروان و حامیانشان همه را لعنت کن (از رحمت خود محروم‌شان بدار) و آنها را به عذاب دردنگی معذب فرما ...».

«عن داود الرقی قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام إذا استسقى الماء فلما شربهرأيته قد استعبر واغرورقت عيناه بدموعه ثم قال لي: يا داود لعن الله قاتل الحسين عليه السلام وما من عبد شرب الماء ذكر الحسين عليه السلام وأهل بيته ولعن قاتله إلا كتب الله عز وجل له مائة ألف حسنة وحط عنه مائة ألف سيئة ورفع له مائة ألف درجة وكأنما اعتنق مائة ألف نسمة وحشره الله عز وجل يوم القيمة ثلوج الفؤاد ۲۸۲».

شیخ کلینی رحمه الله از داود رقی روایت کرده که گفت: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، حضرت آب خواست، چون آشامید، اشک در حدقه چشمانش موج زد و گریست و فرمود: ای داود! خدا لعنت کند کشته حسین علیه السلام را، یاد مصیبتهای حسین علیه السلام چه قدر زندگی را تلخ و ناگوار

(۱) ۲۸۱ - صحیفه سجادیه کامله، دعای ۴۸ (دعای روز عید قربان و روز جمعه)، ص ۳۵۴؛ جمال‌الاسیوع، ص ۲۶۷؛ المصباح الکفعمی، ص ۴۳۴.

(۱) ۲۸۲ - الکافی، ج ۶، ص ۳۹۱، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۷۲، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۶۴.

می‌سازد، من هیچ آب خنکی را نمی‌آشامم جز آنکه حسین علیه السلام را یاد می‌کنم) و هیچ بنده‌ای نیست که آب بیاشامد و حسین علیه السلام را یاد کند و قاتل او را لعن کند؛ جز آنکه خداوند صد هزار درجه برایش بالا برد، گویا صد هزار بنده آزاد کرده و خداوند او را در روز قیامت در حالی محشور فرماید که دلش شادمان و خنک شده باشد».

شیخ کلینی در «کافی»^{۲۸۳} و ابو الفتح کراجکی در کتاب «كنز الفوائد»^{۲۸۴} به سلسله سند خودش از حضرت جعفر بن محمد، از پدر و اجدادش علیهم السلام، از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در حدیث طولانی چنین روایت نمودند:

(پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او فرمود):

«يَا عَلَىٰ وَالَّذِي بَعَنَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَانِي عَلَىٰ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ تَعَالَى الْفَعَامِ مَا قَبْلَ اللَّهِ ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا بِوْلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ، وَإِنَّ وَلَايَتَكَ لَا تُقْبَلُ إِلَّا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ. بِذَلِكَ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَنْ شَاءَ فَلَيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلَيَكُفِرُ»

؛ ای علی؛ قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخت و بر تمامی کائنات و آفریدگان برگزید، اگر بنده‌ای خداوند را هزار سال عبادت کند، خداوند عبادتش را نمی‌پذیرد؛ جز به وسیله ولایت تو و ولایت امامان از فرزندان تو و قطعاً ولایت تو پذیرفته نمی‌شود؛ جز به وسیله برائت و بیزاری جستن از دشمنان تو و دشمنان امامان از فرزندان. جبریل مرا به آن خبر داده، پس هر که خواهد آن را

تصدیق کند و هر که خواهد کافر شود».

شیخ کلینی در کتاب «کافی» در باب زیارت قبر مقدس ابا عبدالله، حسین بن علی علیهم السلام روایتی نقل کرده طولانی از امام صادق علیه السلام که چنین فرمودند: «

عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إذا أتيت قبر الحسين عليه السلام فائت الفرات واغتسل بحیال قبره وتوجه إليك وعلىك السكينة والوقار حتى تدخل إلى القبر من الجانب الشرقي وقيل حين تدخله: السلام على ملائكة الله المترzin، السلام على ملائكة الله المردفين، السلام على ملائكة الله المسومين، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحرم مقيمون فإذا استقبلت قبر الحسين عليه السلام فقل: السلام على رسول الله، السلام على أمين الله على رسle وعزائم أمره والخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته ثم تقول: اللهم صل على أميرالمؤمنين عبدك وأخي ورسلك الذي انتجبته بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وبيان الدين بعدلک وفصل قضائک بين خلقک ومهیمن علی ذلك كله والسلام علیه ورحمة الله وبرکاته ...؛

.۱۲۵- (۲۸۳)- کافی، ج ۲، ص ۱۲۵

.۱۸۵- (۲۸۴)- کنز الفوائد، ص ۱۸۵

سلام بر فرشتگانی که فرود آمده‌اند ... (تا آنجا که فرمود: خدا لعنت کند آن کسی را که شما را کشت و کسی که به او دستور داد و کسی که خبر آنچه اتفاق افتاده بود، به او رسید و بدان خشنود شد. شهادت می‌دهم که همه کسانی که پرده حرمت شما را دریدند و خون شما را ریخته‌اند، بر زبان پیامبر **امّی** (مکتب نرفته) لعنت شده‌اند».

سپس می‌گویی: «پروردگار! بر همه کسانی که نعمت تو را تبدیل

ص: ۲۷۵

کردند و با ملت تو مخالفت ورزیدند و از فرمان تو روی برگرداندند و به پیامبر تو تهمت زدند و نسبت ناروا دادند و به راه (دین) تو پشت کردند، لعنت فرست. خدایا! گورهایشان را از آتش پر کن و آتش به اندرونشان بیفکن و خودشان و پیروانشان را کبود چشم ۲۸۵ به سوی جهنم برانگیز. پروردگار! ایشان را لعنت کن؛ بدان گونه که هر فرشته مقرب و هر پیامبر برانگیخته شده به رسالت و هر بنده مؤمنی که خداوند قلبش را آزموده، لعنتشان می‌کنند. خدایا! ایشان را در برده‌های پنهان و در ظاهر و آشکار بی‌پرده لعنت کن. بارالله! لعنت کن جِبْت‌های (بت‌ها و اشخاص بی‌خیر و منفعت) این امّت را و لعنت کن گردنکشان و بیداد گران متکبر این امّت را و لعنت کن کشنده امیر المؤمنین را و لعنت کن کشنده امام حسین را و آنان را گرفتار کن به عذاب سختی که هیچ‌یک از جهانیان بدان عذاب نمی‌شود ...».^{۲۸۶}

انی اکره لكم ان تكونوا سبّاين

اشکال: گاهی گفته می‌شود روایتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده است که فرموده‌اند: «

إِنِّي أَكُرْهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبّاينَ^{۲۸۷}

; من خوش ندارم که شما از بسیار دشنا مهندگان باشید؛ و این دال بر حرمت نفرین کردن و دشنا مدادن است. چگونه و با توجه به این حدیث لعن جائز باشد؟

ص: ۲۷۶

پاسخ این کلام:

۱ - واژه «

اکره

«جز با قرینه بر حرمت اصطلاحی دلالت نمی‌کند و در اینجا قرینه‌ای وجود ندارد؛

(۱) ۲۸۵- ظاهراً کنایه از کوری باشد به دلیل چند آیه دیگر مثل آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره طه.

(۲) ۲۸۶- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۷۲، ح ۱.

(۳) ۲۸۷- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶.

۲- حکم متوجه مخاطبینی است که به ایشان فرموده: «

لَكُمْ

» و این که فراغیر به همه مسلمانان باشد، احراز نمی‌شود؛ چون احتمال دارد ویژه جنگجویانی باشد که همراه آن حضرت بوده‌اند، به لحاظ اینکه اقتضای مقام نبرد و تاخت و تاز بر دشمن این است که از درگیری لفظی اجتناب شود و تمام توجه به چیزی باشد که در آن حال مهم‌تر و سودمندتر است؛

۳- محلی که کراحت در آن قرار می‌گیرد، «سَبَاب» یعنی بسیار دشنام‌گوی بد دهان می‌باشد و تفاوت است میان کسی که بسیار دشنام‌گوی و ناسزا می‌گوید با کسی که یک بار دشنام می‌دهد، به لحاظ اینکه سبّاب صیغه مبالغه است و مفهومش دشنام گویی زیاد و بد دهانی است و روشن است که کراحت سبّ زیاد، مستلزم آن نیست که «سبّ» به خودی خود کراحت داشته باشد؛

۴- نهی در این روایت نهی ارشادی است، نه نهی مولوی (به قرینه جملاتی که در بعد از آن آمده است): «

وَلَكُنْكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَدَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ ذِلِكَ أَصْوَبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغُ فِي الْعُذْرِ؛ ۲۸۸

ولیکن شما اگر رفتار آنها را توصیف کنید و حالات ناروایشان را بگوئید، در گفتار شایسته‌تر می‌باشد و برای اتمام حجت، رساتر است». به این معنی که

ص: ۲۷۷

مضمون روایت ارشاد و راهنمایی است به اینکه بیان حال آنها بر روح و اراده طرف مقابل تأثیر بیشتری دارد تا دشنام، نه این که مفهومش تحريم دشنام یا مرجوحیت آن باشد؛

۵- در لغت و در عرف میان سبّ و لعن تفاوت آشکاری وجود دارد.

سبّ به معنای دشنام دادن به آبرو و شرف دیگران است، در حالی که لعن به معنای آرزو کردن و خواستن از خداوند است که رحمت خود را از کسی دور کند و او را گرفتار سازد.

بنابراین چنانچه از سبّ و دشنام‌گویی نهی و منع کردند، لازمه‌اش این نیست که از لعنت کردن هم نهی و منع شده باشد. با این بیان روشن می‌شود که درست نیست به روایاتی که در مذمت دشنام‌گویی و بد دهانی وارد شده است، بر مرجوح بودن لعن استدلال شود؛ زیرا دشنام و حرف‌های بد بر زبان آوردن از مصدقه‌های «سبّ» است، نه «لعن»، و نهی از «سبّ» (به هر یک از مصدقه‌ایش) مستلزم آن نیست که از لعن هم منع شده باشد.

علاوه بر این، بین نصوص و تصریحاتی از قرآن و سنت که بر رجحان لعن دلالت دارند و نصوصی که از آنها بُوی نهی به مشام می‌رسد می‌توان جمع عرفی نمود و جمعش بدین گونه امکان دارد که به حسب متعلق باشد. و در این صورت، لعنی

که از آن نهی شده، لعن بر مؤمنان و ناسزا گفتن به ایشان است و لغتی که رجحان دارد، لعن بر ستمگران به ویژه کسانی است که بر اهل بیت علیهم السلام ستم روا داشته‌اند و در روایات شواهدی بر آن وجود دارد، از جمله:

ص: ۲۷۸

روایتی که شیخ کلینی در «کافی» به سلسله سند خود تا به امام باقر علیه السلام رسانده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ضم خطبهای برای مردم فرمود:

«... ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ هُوَ شَرٌّ مِّنْ ذَلِكِ؟ قَالُوا:

بلی یا رسول الله، قال: المُتَفَحِّشُ اللَّعَانُ الَّذِي إِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَنْهُمْ وَإِذَا ذُكِرُوهُ لَعَنُوهُ؛^{۲۸۹}

سپس فرمود: آیا به شما خبر دهم از بدتر از آن؟ عرض کردند: آری ای پیامبر خدا. فرمود: هرزه‌گویی که زیاد لعن کند که چون نزد چنین کسی از مؤمنان یاد شود، به ایشان لعنت فرستد، و چون او را یاد کنند، به او لعن کنند.

شاهد دیگر بر آن نیز روایتی است که شیخ صدوq به سلسله سند خود از امام باقر علیه السلام نقل کرده که در تفسیر فرمایش خدای عز و جل: «... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^{۲۹۰}؛ «و با مردم به زبان خوش سخن بگویید»، فرمود:

«با مردم آن گونه سخن بگویید که دوست می‌دارید بدان‌گونه با شما سخن بگویند؛ زیرا خدا بنده‌ای را که به مردم بسیار نفرین می‌کند و ناسزا می‌گوید و با نیش و کنایه به مؤمنان سخن می‌گوید و فحش دهنده بی‌آبرویی که از ناسزا گفتن و ناسزا شنیدن باکی ندارد و گدایی که در درخواست کمک کردن، لجاجت و ستیز می‌کند، دشمن می‌دارد و بنده‌ای را دوست می‌دارد که با حیا، بردار، پاکدامن و پارسا باشد». ^{۲۹۱} امّا روایتی که در آن آمده است:

كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لَعَانِينَ

ص: ۲۷۹

شَتَّامِينَ تَشْتِمُونَ وَتَتَبَرُّونَ ...^{۲۹۲}

؛ دوست ندارم برای شما که بسیار لعن کننده و دشنام دهنده باشید و پیوسته دشنام می‌دهید و بیزاری می‌جوئید ...» تا پایان روایت که در آن نهی از اظهار لعن وارد شده؛ زیرا حجر بن عدی و عمر بن حمق شورش کرده بودند و آشکارا از اهل شام برائت می‌جستند و به آنها لعنت می‌کردند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شخصی را نزد آنها فرستاد و به ایشان دستور داد تا از آن کار دست بکشند و در آن مورد بین آن دو نفر و آن حضرت گفتگویی صورت

(۱) (۲۸۹)- کافی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۷.

(۲) (۲۹۰)- سوره بقره: ۸۳.

(۳) (۲۹۱)- تحف العقول، ص ۳۱۰، ح ۶۷؛ امالی شیخ صدوq، ص ۳۲۶، ح ۵

(۴) (۲۹۲)- واقعه صفین، ص ۱۰۲.

گرفت که در پایان، حضرت به ایشان فرمود: «دوست ندارم برای شما که ...» و به خصوص اگر این نهی را به دقت بنگریم و اینکه آن در بردارنده برائت است که سخنی در وجوب آن نیست.

پس از آن آشکار می‌شود نهی که در آن باره وارد شده، در مورد اظهار و اعلان به آن در جلوی مردم است به ویژه در آن موقعیت خاص، و قوی ترین شاهد بر آن روایاتی است که در آنها نقل شده است که امیر المؤمنین علیه السلام به معاویه و پیروانش لعنت می‌کرد. پس ناگزیریم نهی آن حضرت در آنجا (به حجر بن عدی و عمر بن حمق) را بر آن موقعیت خاص حمل کنیم تا بتوانیم جمع بین آن و آیات و روایاتی بنماییم که صحیح آنها بیش از حد تواتر است.

ص: ۲۸۱

بررسی نسخه‌های خطی زیارت عاشورا

نسخه خطی مصباح کبیر

نسخه خطی مصباح صغیر

... و نسخ دیگر

نسخ خطی که فرازهای لعن در آن ذکر شده است

ص: ۲۸۳

بررسی نسخه‌های خطی

جهت بررسی نسخ خطی به پنج مورد اشاره می‌شود:

۱- در خصوص نسخه خطی «مصباح کبیر» و نسخی که از آن موجود می‌باشد.

۲- در خصوص نسخه خطی «مصباح صغیر» و نسخی که از آن موجود می‌باشد.

۳- در مورد اعتماد علماء در کتب و فتاوی‌شان.

۴- در خصوص شروحی که بر زیارت عاشورا تدوین شده است.

۵- در خصوص نسخی که فرازهای لعن در آن ذکر نشده و علت عدم درج این فقرات در دعا.

در خصوص نسخه مصباح کبیر

کتاب مصباح کبیر شیخ طوسی رحمه الله از کتب ادعیه معروف است که زیارت عاشورا در این کتاب نقل شده است و نسخ خطی از مصباح متهجد کبیر (که به زمان شیخ طوسی رحمه الله بر می‌گردد) وجود دارد که می‌توان ضمن تطبیق نسخ موجود با آن نسخه تمام فرازهای زیارت عاشورا را به اثبات رساند.

در اینجا به بعضی از نسخی که محل شاهد ما می‌باشد اشاره می‌شود تا ادعای ما در خصوص زیارت عاشورا را به اثبات رساند.

ص: ۲۸۴

نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله

این نسخه مهم ترین نسخه از مصباح کبیر می‌باشد به دلیل اینکه بین نسخه «مصطفیٰ الکبیر» و نسخه مرحوم «غیاث الدین استرآبادی رحمه الله» طریق مشترک وجود دارد که به زمان خود شیخ طوسی رحمه الله بر می‌گردد و این مقابله نسخه با نسخه شیخ طوسی رحمه الله را مولی احمد بن حاجی محمد بشروی تونی رحمه الله ذکر نموده است که این مقابله مذکور در حقیقت به سه مقابله بر می‌گردد که آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مقابله اول: مقابله نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله بر نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله، و این مقابله توسط مرحوم مولی احمد تونی رحمه الله صورت گرفته است.

مقابله دوم: مقابله نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمه الله، و نسخه مرحوم رمیلی رحمه الله مقابله شده بر نسخه مرحوم ابن سکون رحمه الله، و با ذکر این مقابله دوم روشن می‌شود که نسخه ابتدا توسط مرحوم حسن بن راشد بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمه الله صورت گرفته و خود مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمه الله نسخه خود را با نسخه مرحوم ابن سکون رحمه الله مقابله نموده است.

مقابله سوم: نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله بر نسخه‌های متعدده؛ از جمله مقابله نموده با نسخه مرحوم ابن ادریس رحمه الله و نسخه مرحوم ابن ادریس رحمه الله مقابله شده با نسخه مصنف مرحوم شیخ طوسی رحمه الله، و مقابله کننده اول، عmad الدین شریف استرآبادی رحمه الله است و مقابله کننده دوم، مرحوم ابن ادریس رحمه الله است.

ص: ۲۸۵

بعد از بررسی سلسله مقابله‌های که صورت گرفته به این نتیجه می‌رسیم که نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله به نسخه مرحوم شیخ طوسی رحمه الله از نظر سند متصل است و می‌توان به صحت نسخه غیاث الدین استرآبادی پی برد. مقابله صورت گرفته با بررسی مقابله‌هایی که صورت گرفته‌اند بدین شرح می‌باشد: مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله و مرحوم حسن بن راشد رحمه الله مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم علی بن احمد الرمیلی رحمه الله و مرحوم علی بن احمد الرمیلی رحمه الله نسخه خود را مقابله کرده بر نسخه مرحوم ابن سکون رحمه الله و مرحوم ابن سکون رحمه الله نسخه خود را مقابله کرده با

نسخه مرحوم شیخ طوسی رحمه الله نسخه حسن بن راشد با نسخ مختلفی مقابله شده است از جمله آن مقابله‌ها، مقابله نسخه حسن بن راشد رحمة الله با نسخه ابن ادریس است که نسخه ابن ادریس به زمان شیخ طوسی رحمه الله می‌رسد.

ص: ۲۸۶

...

صفحه اول از نسخه غیاث الدین

ص: ۲۸۷

...

صفحه زیارت در نسخه غیاث الدین

ص: ۲۸۸

...

صفحه دیگر از نسخه غیاث الدین

ص: ۲۸۹

تذکری در خصوص نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمة الله

این نسخه بنابر آنچه که گذشت:

۱- نسخه توسط خود غیاث الدین استرآبادی رحمه الله کپی شده است.

۲- این نسخه طبق اجازه‌ای که بر آن ثبت شده است، یکی از شاگردان استرآبادی این نسخه را برایشان قرائت کرده است.

۳- این نسخه با دقت از نسخه شیخ طوسی رحمه الله کپی گرفته شده است.

۴- بنابر یادداشتی که بر نسخه استرآبادی رحمه الله وجود دارد، دو بار با نسخه اصلی تطبیق شده است.

اجازات که بر روی نسخه غیاث الدین رحمه الله وجود دارد به زمان خود مؤلف شیخ طوسی رحمه الله می‌رسد و اینگونه در نسخه ثبت شده است کاتب نسخه غیاث الدین بن شمس الدین نجم استرآبادی رحمه الله و کپی این نسخه در ۱۵ شعبان سال ۹۱۲ ه به اتمام رسیده است.

و در آخرین صفحه نسخه غیاث الدین رحمه الله دارد:

«فی يوم الخميس الخامس عشر من شهر شعبان المعظم المنتظم فی سلک شهور سنة اثنى عشر وتسعمائة هجرية بنبوة على صاحبه الصلوات التاميات رب كما وفقتني لاتمامه وفقني للتحلى بما فيه ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم وارحم عبد آقا ... و انا العبد ... غیاث الدین بن شمس الدین

». در آخر نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمه الله، احمد بن حاجی محمد معروف به تونی در حاشیه مطلبی دارد که دال بر اعتبار این نسخه است.

ص: ۲۹۰

تونی رحمه الله در حاشیه ذکر کرده است که این نسخه را مکرر بر طبق نسخه‌های مختلف تصحیح کرده است و نسخی که از روی آن تصحیح صورت گرفته به زمان شیخ طوسی رحمه الله می‌رسد.

مرحوم تونی رحمه الله در حاشیه اینگونه می‌گوید:

(بلغت المقابلة بنسخة مصححة وقد بذلت الجهد في تصحیح وإصلاح ما وجد فيه من الغلط إلا ما زاغ عنه البصر وحسن
عنه النظر

). یعنی نسخه خود را با نسخه مصححه مقابله کرده و در آن تلاش کردم که اشتباه را از نسخه‌ام زائل کنم مگر آنکه چشم به خط رفته باشد.

حسن بن راشد در حاشیه دیگر نسخه غیاث الدین رحمه الله ذکر می‌کند:

[بلغت مقابلته بنسخة مصححة بخط علي بن أحمد المعروف بالرميلي، ذكر أنه نقل نسخته تلك من خط علي بن محمد السكون وقابلها بها بالمشهد المقدس الحائرى الحسيني سلام الله عليه، وكان ذلك في سابع شعبان المعظم عمت ميامنه من سنة ثلاثين وثمانمائة كتبه الفقير إلى الله حسن بن راشد

[يعني نسخه خود را با نسخه‌ای به خط علی بن احمد معروف به رمیلی رحمه الله مقابله کرده‌ام و مرحوم رمیلی رحمه الله گفته که نسخه خود را با نسخه علی بن محمد سکون رحمه الله در کربلای معلی در ۷ شعبان سال ۸۳۰ هـ ق مقابله کرده‌ام.

و همچنین در حاشیه دیگر از نسخه غیاث الدین رحمه الله مرحوم حسن بن راشد رحمه الله می‌گوید:]

بلغت المقابله بنسخ متعددة صحيحة وذلك في

ص: ۲۹۱

شهر شعبان من سنة إحدى وسبعين وتسعمائة، و كان واحد من النسخ بخط الشيخ العالم الفاضل محمد بن إدريس العجلی
صاحب كتاب (السرائر)

[يعني من نسخه خود را با نسخ متعدد در شعبان سال ۹۷۱ هـ ق مقابله کردم و یکی از نسخ، نسخه شیخ ابن ادریس رحمه الله می‌باشد. (لازم به تذکر است که نسخه ابن ادریس به زمان شیخ طوسی رحمه الله بر می‌گردد)

و در آخر نسخه خود ابن ادریس رحمه الله دارد:

[فرغ من نقله وكتابته محمد بن منصور بن أحمد بن الحسين بن القاسم بن عيسى العجلی فى جمادی الأولى
سنة سبعين وخمسمائة (خلده الله تعالى) وعورض هذا الكتاب بالأصل المسطور بخط المنصف رحمة الله، وبذلت فيه
وعسى ومجهودى إلا ما زاغ عنه نظرى وحرسر عنه بصرى، والله الله من غير فيه شيئاً أو بدل وتعاطى ما ليس فيه فإنه
أقسم عليه بحق الله سبحانه و محمد صلى الله عليه و آله أن يغير فيه حرفاً أو بيدل فيه لفظاً من إعراب وغيره، ورحم الله
من نظر فيه و دعا له وللمؤمنين بالغفران

[يعني: من نسخه خود را در سال ۵۷۰ هـ ق به پایان رساندم و آن را با نسخه مؤلف (شیخ طوسی رحمه الله) مقابله کردم.

در آخر نسخه استرآبادی رحمه الله می‌گوید:

... وكتب العبد الأقل عماد الدين على التشريف القاري الاستربادي في السنة المذكورة. ونحن حين قابلناه بذلك الأصل كان
معنا مختصر المصباح بخط العالم العابد الورع على بن محمد بن محمد بن على بن

ص: ۲۹۲

السکون الحلى رحمه الله فكلما كتبنا عليه بخطهما فالمراد ابن السکون وابن إدريس.

وكان الفراغ منها في أوائل شهر محرم الحرام من شهور سنة ثمان وستين بعد الألف من الهجرة النبوية عليه الصلاة والتحية.

و در آخر این نسخه مرحوم استرآبادی می‌گوید: نسخه خود را با نسخه اصل ابن سکون و ابن ادریس حلی تطبیق نموده و نسخه خود را در اوائل محرم الحرام سال ۱۰۶۸ هـ ق به پایان رساندم.

ص: ۲۹۳

این نسخه یکی از مهم‌ترین نسخ «مصاح کبیر» است و صحیح‌ترین نسخه موجود می‌باشد و به واسطه اجازه‌ای که در این کتاب موجود است زمان آن به شیخ طوسی رحمه‌الله می‌رسد، اجازه را مرحوم سید حیدر حسینی رحمه‌الله به مرحوم ریبب‌الدین ابن ابی جود رحمه‌الله داده است و خود مرحوم سید حسینی رحمه‌الله اجازه را از استادش مرحوم ابن شهر آشوب رحمه‌الله گرفته است (صاحب کتاب معالم العلماء) و خود مرحوم ابن شهر آشوب رحمه‌الله از جدش و استادش مرحوم شهر آشوب سروی اجازه داشته و مرحوم شهر آشوب سروی رحمه‌الله از استادش مرحوم شیخ طوسی رحمه‌الله مجاز بوده است. با توجه به مطلب فوق و سلسله اجازات مذکور بر متبع منصف ظاهر می‌شود که نسخه مرحوم ابن ابی الجود رحمه‌الله به زمان شیخ طوسی بر می‌گردد که نسخه کپی جلد اول آن موجود می‌باشد. این نسخه در حال حاضر در مرکز بزرگ مخطوطات دارالصدیقه الشهیده علیها السلام نگهداری می‌شود و نسخه دیگری در مکتبه آیت‌الله نجفی مرعشی رحمه‌الله می‌باشد که مشهور است که نسخه مرحوم ابن ابی جود رحمه‌الله است ولیکن بعد از تبع، بر ما روشن شد که نسخه متأخر بوده و نسخه اصلی نمی‌باشد؛ بلکه نسخه‌ای است که از روی نسخه ابی جود رحمه‌الله کپی گرفته شده است. لازم به تذکر است نسخه‌ای که مربوط به ابی جود رحمه‌الله و نسخه اصل است، به تاریخ ۶۲۷ ق. بر می‌گردد و اجازه مرحوم حیدر حسینی رحمه‌الله که بر روی نسخه حک شده، سال ۶۲۹ ه. ق می‌باشد، روشن می‌شود که سید حیدر حسینی رحمه‌الله

ص: ۲۹۴

بعد از کپی گرفتن از نسخه اصلی ابی جود رحمه‌الله آن را به ابی جود رحمه‌الله نشان داده شده و ابی جود رحمه‌الله اجازه را بر آن ثبت کرده است و نسخه موجود نسخه اصلی ابی جود رحمه‌الله نمی‌باشد بلکه کپی آن است که توسط سید حیدر حسینی رحمه‌الله نوشته شده است.

این نسخه خطی فعلًا در کتابخانه دارالصدیقه الشهیده علیها السلام نگاهداری می‌شود.

ص: ۲۹۵

...

صفحه‌ای که اجازه سید حیدر حسین به واسطه ابی جود بر آن حک شده است

ص: ۲۹۶

...

صفحه اول از نسخه ابی جود

ص: ۲۹۷

...

صفحه دیگر از نسخه ابی جود

ص: ۲۹۸

تأثید بر نسخه غیاث الدین رحمه الله و ابن ابی جود رحمه الله

پنج نسخه وجود دارد که می توانند تأثید بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله و نسخه مرحوم ابن ابی جود رحمه الله باشند که آن نسخه ها عبارتند از:

۱- نسخه مرحوم رقی رحمه الله

۲- نسخه مرحوم نهاری رحمه الله

۳- نسخه مرحوم محمد فاضل تونی رحمه الله

۴- نسخه مرحوم انصاری رحمه الله

نسخ خطی آن زمان با توجه زمان تقیه و مشکلاتی که شیعیان داشتند به شکل های مختلف نگاشته می شد که با الهام گیری از «مصباح کبیر» دست به دست رد و بدل می شد. و بعضی از نسخ، مانند نسخه مرحوم فاضل تونی رحمه الله و نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی روحانی خواجه شیر احمد و ... فقرات فصول سه گانه که شامل لعن (

الله عن اول ظالم ...

() و سلام (

السلام عليك يا ابا عبدالله

(و)

اللهم خص انت اول ظالم ...

) می باشد در حاشیه کتاب ذکر شده است که این خود دال بر سختگیری بر شیعیان و ملاحظه امور در آن دوران بوده است و هر کس به نسخ موجود آن زمان نظر کرد پی می برد که شیعیان با توجه به تقیه و فشاری که داشتند به هر نحو ممکن می خواستند این زیارت مبارکه به دست افراد برسد و هر چند مجبور شوند فرازی از آن را حذف نمایند که رعایت تقیه در بعضی از نسخ خطی به وضوح مشاهده می شود.

ص: ۲۹۹

نسخه رقّى

کاتب محمد بن یوسف بن محمود الرقی با نسخ مغرب خوب. قبل از شروع کتاب و بسمله صیغه و قفنامه روی کتاب به خط نستعلیق دیده می شود که در آن گفته شده: «بنا به وصیت میرزا محمد داوودی این کتاب وقف شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام گردیده که از آن مستفیض شوند و از شهر مقدس بیرون نبرند». تاریخ وقفنامه ۱۲۴۱ هجری است.

متن کتاب با جمله زیر پایان می یابد:

«وقد تم تحریره فى الرابع من شهر رجب المرجب من شهور سنة تسعه وتسعين بعد الف على يد اقل العباد عملاً واكثرهم زلالا المحتاج الى ربه الودود محمد بن یوسف بن محمود الرقی مولداً والمشهدی مسكننا الحمد لله اولاً وآخرا وباطناً اللهم وفقنا للعمل به وصل على محمد وآلہ

». پس از جمله بالا با خط نستعلیق و با زبان عربی محمد بن یوسف می نویسد که: «این نسخه با نسخه ای که به خط علی بن احمد معروف به رمیلی مقابله شده و نسخه رمیلی با نسخه ابن سکون مقابله شده است و نسخه خط رمیلی با نسخه نوشته شده مقابله گردیده و نسخه مسکون که از طرف الحسن بن راشد نوشته شده با چند نسخه دیگر در شعبان سنه ۹۷۱ مقابله شده است که یکی از این نسخه ها به خط علامه محمد بن ادریس حلی صاحب کتاب «السرایر» بوده که در آخر آن نوشته شده: محمد بن منصور بن احمد بن ادریس بن الحسین بن

ص: ۳۰۰

قاسم بن عیسیٰ عجلی در جمادی الاولی سنه ۵۷۰ آن را نوشته است، و این نسخه با نسخه اصل که به خط مؤلف بوده در سال ۵۷۳ مقابله گردیده، نسخه معتبر و پاکیزه است.^{۲۹۳}

ص: ۳۰۱

...

صفحه اول نسخه رقی که عبارت وقف نقش بسته است

ص: ۳۰۲

...

صفحه زیارت عاشورا

ص: ۳۰۳

...

فرازهای لعن در زیارت عاشورا

ص: ۳۰۴

(۱) ۲۹۳ - کتابخانه ملک تهران، به شماره ۱۲۵۶، تاریخ کتاب ۱۰۹۹ هجری دارای ۲۳۹ برگ یعنی ۴۷۸ صفحه ۲۱ سطری خط نسخ معرب خوب کاغذ ترمده، قطع ۱۹/۲ سانتیمتر عرض و ۲۵ سانتیمتر طول در بعضی صفحات کتاب حواشی وجود دارد.

...

صفحه دیگر از نسخه رقی

ص: ۳۰۵

...

صفحه آخر کتاب نسخه رقی و عبارت‌های مقابله نسخه با نسخه‌های مختلف

ص: ۳۰۶

نسخه محمد صالح نهاری رحمه الله

این نسخه بنابر حاشیه‌ای که در آن وجود دارد به تاریخ ۱۰۶۲ بر می‌گردد و با نسخه مولی عبداللہ تونی شبروی (صاحب وافیه در علم الاصول متوفی سنه ۱۰۷۱ ه) مقابله شده است.

و در حاشیه کتاب محمد صالح نهاری رحمه الله این گونه می‌نویسد: «

قد حرر و نقل هذا الكتاب عن النسخة المولى الالمعى أفضـل الفضـلـاء وأصلـح الصـلـحـاء استـادـي مجـتـهدـ الرـبـانـي مـولـانـا عبدـالـلـهـ التـونـيـ أـدـامـ اللـهـ فـضـلـهـ وـنـسلـهـ.

تاریخ کتابتها سنّة ثلاثة و خمسین و تسعمائة و علیها بخطه سلمه الله ما صورته قد وقع الفراغ من مقابله هذه النسخة الشـرـيفـةـ حـادـیـ عـادـیـ عـشـرـ شـهـرـ شـعـبـانـ الـعـظـمـ منـ سـنـةـ سـبـعـ وـ خـمـسـینـ بـعـدـ الـأـلـفـ منـ الـهـجـرـةـ النـبـوـيـةـ عـلـیـهـ أـفـضـلـ الصـلـاـةـ وـالـتـحـیـةـ وـأـنـاـ أـفـقـرـ الـفـقـرـاءـ إـلـىـ اللـهـ اـبـنـ حـاجـیـ مـحـمـدـ التـبـرـدـیـ الـخـرـاسـانـیـ عـبـدـالـلـهـ وـقـدـ كـانـتـ النـسـخـةـ التـیـ قـبـلـتـ مـعـهـ نـسـخـةـ عـتـيقـةـ تـارـیـخـ کـتابـهـ سـنـةـ اـثـنـيـنـ وـ ثـلـاثـيـنـ وـ سـبـعـمـائـةـ وـ عـلـیـهـ مـکـتـوبـ ماـ صـورـتـهـ قـابـلـتـ هـذـاـ المـصـبـاحـ فـیـ الـحـلـةـ فـیـ مـقـامـ مـولـانـاـ جـعـفرـ الصـادـقـ رـحـمـهـ اللهـ مـعـ نـسـخـةـ الأـصـلـ الذـیـ هـیـ بـخـطـ مـصـنـفـهـ رـحـمـهـ اللهـ وـأـنـاـ الـفـقـیرـ عـبـدـالـرـحـمـنـ بنـ مـحـمـدـ الـجـزاـئـرـیـ غـرـ اللهـ ذـنـبـهـماـ

عبدالرحمن بن محمد جزائری است که مقابله شده است با نسخه اصلی مؤلف مصباح
۷۳۲ ه برمیگردد و نسخه اصلی متعلق به

٣٠٧:

المتهجد (شیخ طوسی رحمه الله) و این مقابله در حله در کنار مقام امام صادق رحمه الله صورت گرفته است.

و همچنین در حاشیه نسخه نهاری دارد:

«وعليه ايضاً بلغ مقابله بنسخة مصححه منقوله عنها فى مجالس متعددة آخرها سادس شهر محرم الحرام من شهور سنة ... وستين وتسعمائة من الهجرة النبوية عليه افضل الصلاة والتحية وصح إلا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر والحمد لله وحده ... كتب الحواشى على هذا الكتاب الشريف العزيز في مشهد سيدنا ومولانا أمير المؤمنين عليه السلام

«. یعنی: نسخه تونی که نهاری از آن کپی گرفته است مقابله دیگری با نسخه‌های مختلف شده است که آخرین مقابله سال ۹۶۳ ه صورت گرفته است.

و همچنین در حاشیه نسخه النهاری دارد:

«وبلغ مقابلة بنسخة مصححة ... مصنفه رحمة الله عليه العبد عبد العالى الكلينى الحللى وعليه ايضا خط الشهيد الثانى فى أول عمل شهر رمضان وقد كتب صورة هذا ... هذا كله صورة خطه حفظه الله وسلمه. انتهى ما كتب بالحاشية من أسفل

«. که ذکر کرده است فاضل تونی مقابله دیگری غیر از دو مقابله قبل و آن مقابله را عبدالعلی کلینی حلی صورت داده است.

و تونی ذکر می کند که نسخه ای که از آن کپی گرفته است به سال

ص: ٣٠٨

۷۳۲ ه بر می‌گردد و خط ثانی که به نظر می‌آید حواشی از شهید ثانی برای اعمال شهر رمضان باشد. نهاری بعد از ذکر مقابله‌های تونی می‌گوید: با توجه به اعتماد به این نسخه، نسخه خود را از او کپی گرفته است.

و در حاشیه کتاب خود اینگونه می‌گوید:

«قد وقنى الله تبارك وتعالى على مقابلة هذا الكتاب وتصحیحه وإصلاحه مع المنتسخ المذكور في الحاشیة ومع الحواشی المسطورة في هامشه بقدر الجهد والطاقة إلا ما زاغ عليه البصر وحرر عنه النظر والحمد لله كثيراً وسيحان الله بکرة واصيلاً وصلواته على أشرف انبیائے وخير جمیع خلقه عبده ... وصفیه محمد المصطفیٰ وآلہ مصابیح الدجی وسلم کثیراً الضعیف ومحمد صالح بن خان أحmd عفی الله عنہما بمحمد وآلہ سنہ ۱۰۶۲ھ

«... یعنی: خداوند به من توفیق داد که این نسخه را مقابله و تصحیح و اصطلاح کنم ... با توجه به تمام حواشی‌ای که در نسخه موجود است تمام خود را به کار گرفتم که چیزی از نظر پنهان نمایند ولکن ممکن است بعضی از موارد از

دیدگان من دور مانده باشند و حمد می‌کنم خدا را و تسبیح می‌گوییم او را ... و محمد بن صالح بن خان احمد که خدا رحمتش کند و از گناهانش درگذرد به حق محمد وآل محمد سال ۱۰۶۲ ه. ق.

ص: ۳۰۹

...

نسخه انها ری که در حاشیه آن مقابله‌ها ذکر شده است

ص: ۳۱۰

...

تأکید مؤلف بر تصحیح نسخه و مقابله آن با نسخ معتبر

ص: ۳۱۱

نسخه تونی رحمه الله

این نسخه حسب ظاهر که بر روی نسخه ذکر شده است با نسخه ابن ادریس رحمه الله مبادرتاً یا به واسطه نسخه دیگر مقابله شده است.

این نسخه در سال ۸۹۹ ه کمی برداری شده است و مقابلات و تصحیحات متعدد بر روی این نسخه وجود دارد از جمله تصحیحات ناسخ و فرزند و چند نفر از علماء و این نسخه را شیخ کمال بن بخشی بن محمد تونی بر محقق کرکی خوانده است.

خصوصیات نسخه

۱- تاریخ نسخ معلوم است.

۲- قرائت نسخه بر محقق کرکی

این نسخه جزء کتب خطی دانشگاه تهران می‌باشد.

ص: ۳۱۲

...

صفحه‌ای از نسخه تونی و ذکر می‌کند در حاشیه مقابله با او نسخه

ص: ۳۱۳

...

صفحه دیگر از نسخه تونی که حاشیه متفاوت بر آن نقش بسته است

ص: ۳۱۴

...

صفحه زیارت عاشورا در نسخه تونی

ص: ۳۱۵

این نسخه بنابر آنچه بر ظاهر نسخه درج شده است، مقابله شده است با نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمه الله (قبلًا مقابلاً) که بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله صورت گرفته ذکر شد)، و آن توسط محمد یونس بن محمد خان همدانی در سال ۱۱۱۵ ه و همچنین این نسخه توسط شیخ اسماعیل انصاری زنجانی با ۵ نسخ دیگر مقابله شده است و این کار در سال ۱۴۰۱ ه صورت گرفته است.

- ۱- نسخه عالم بزرگ حاج شیخ عبدالحسن و آن نسخه خود تصحیح شده بود با نسخه ابن ادریس و ابن سکون.
- ۲- نسخه سید جلیل میرزا عبدالحسین یزدی و تصحیح شده بود این نسخه به ابن ادریس و ابن سکون.
- ۳- نسخه نقاش رازی (در مورد آن در این کتاب مفصل بحث شده است).
- ۴- با نسخه‌ای که ادعی شده، نسخه قدیمی است مقابله شده است.

ص: ۳۱۶

...

صفحه‌ای از نسخه انصاری که تاریخ مقابله ذکر شده است

ص: ۳۱۷

...

صفحه دیگر از نسخه انصاری

ص: ۳۱۸

صفحه زیارت عاشورا و فرازهای لعن

ص: ۳۱۹

در خصوص نسخه خطی مصباح صغیر

مرحوم شیخ طوسی رحمه الله «مصباح صغیر» را تأليف نمود تا نسبت به مصباح کبیر مختصر باشد و چون در آن زمان اختصار مرغوب بود و همچنین زمان اقتضا می‌کرد کتابی نسبت به «مصباح کبیر» تدوین شود که به اهم مطالب اشاره کرده باشد و حمل آن آسان باشد و راحت‌تر در دسترس قرار گیرد و این قاعده متداول بوده و هست. اگر به کتاب «مفایح الجنان» نظر شود می‌بینید که بعضی کتب تدوین شده‌اند در این زمان به عنوان مختصر یا منتخب مفاتیح الجنان به چاپ رسیده است.

اقتضا داشت که کتاب «مصباح کبیر» به صورت خلاصه تدوین شود تا اهم مطالب در آن تدوین شود. بر این اساس، کتاب «مصباح صغیر» تدوین و در اختیار مؤمنین قرار گرفت و کتاب مصباح صغیر مورد رجوع علماء قرار گرفت و از آن نقل قول کردہ‌اند، که می‌توان از جمله به نسخه سید بن طاووس رحمه الله اشاره کرد که در کتاب «مصباح زائر» به کتاب «مصباح صغیر» استناد کرده است.

نسخه خطی موجود از مصباح صغیر به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- نسخه خطی مرحوم ابن علقمی رحمه الله
- ۲- نسخه خطی مرحوم طبیسی مشهدی رحمه الله
- ۳- نسخه خطی مرحوم ابن زنبور رحمه الله
- ۴- نسخه خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمه الله
- ۵- نسخه خطی کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی رحمه الله

ص: ۳۲۰

نسخه مرحوم محمد بن احمد بن علقمی رحمه الله

این نسخه از اقدم نسخ موجود از «مختصر المصباح» می‌باشد و این نسخه به مرحوم شیخ محمد بن احمد بن علقمی رحمه الله نسبت داده می‌شود.

این نسخه هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به شماره سند ۸۶۵۸۹ نگهداری می‌شود و تاریخ آن به سال ۵۷۸ ه. ق بر می‌گردد و این نسخه از جهت وضوح خط و حواشی که بعضی از بزرگان از جمله مرحوم شهید اول محمد بن مکی رحمه الله، شهید ثانی مرحوم زین الدین رحمه الله و مرحوم علامه مجلسی رحمه الله بر آن، از امتیاز خاصی برخوردار است.

این نسخه فقط می‌تواند یک مؤید قوی برای نسخ معتبره باشد و این نسخه به واسطه تقيه در آن دستکاری شده است که با مشاهده اصل نسخه می‌توان به این حقیقت پی برد که فرازهای زیارت عاشوراً کاملاً در این نسخه بوده ولیکن بعضی از فرازها به خاطر رعایت تقيه محو شده است.

ص: ۳۲۱

...

عکس صفحه شناسائی

ص: ۳۲۲

...

جلد کتاب

ص: ۳۲۳

...

صفحه اول از زیارت

ص: ۳۲۴

...

صفحه دوم از زیارت

ص: ۳۲۵

...

صفحه سوم از زیارت که به وضوح روشن است که فرازهایی از دعا محو شده و کلمات دیگر جای گرفته است

ص: ۳۲۶

...

آخرین صفحه نسخه که تاریخ آن ذکر شده است

ص: ۳۲۷

سه فصل مورد بحث در این کتاب عبارتند از:

فصل اول:

اللَّهُمَّ أَعْنُ اُولَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقًّ مُحَمَّدٌ وَآلٍ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ اُعْنِي العِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ

[عَلَيْهِ السَّلَامُ]

[وَشَاءَتْ وَبَأَيَّتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ اعْنُهُمْ جَمِيعاً.

فصل دوم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِي سَلَامُ اللَّهِ أَبْدَأَ مَا بَقِيَتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أُولَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

فصل سوم:

اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ اُولَ ظَالِمٍ بِالْعَنْ مِنِي وَأَبْدَأَ بِهِ الْأُولَ ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثُ وَالرَّابِعُ، اللَّهُمَّ اُعْنُ خَامِسًا، وَالْعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِيمَرًا وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

فصل سوم در نسخه عالمی محو شده است و لیکن به وضوح روشن است که این فقره در نسخه بوده لکن به دلیل شدت تقویه محو شده است و بعدها به خاطر تمیلیک نسخه و یا خفت تقویه به این نسخه اضافه شده است.

صف: ۳۲۸

نسخه مرحوم محمد بن علی طبسی رحمه الله

این نسخه هم اکنون در مکتبه مرحوم آیت الله حکیم رحمه الله در نجف اشرف نگهداری می شود و در قرن ۱۱ در ۵ شوال سال ۱۰۸۱ھ. ق توسط مرحوم محمد بن علی بن محمد بن محمود طبسی رحمه الله نگاشته شده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمه الله، مرحوم شیخ محمد بن علی طبسی رحمه الله را از طبقات اعلام شیعه ذکر کرده و از او به عالم فاضل تعبیر نموده است.^{۲۹۴} بعد از بررسی این نسخه خطی پی می بریم که مرحوم محمد فاضل بن محمد مهدی منتهدی رحمه الله نسخه را با نسخه ابن سکون رحمه الله مقابله کرده است. این مقابله در اواسط ذی الحجه سنه ۱۰۸۱ھ. ق صورت گرفته است.

و مرحوم محمد فاضل مشهدی رحمة الله از اعلام قرن ۱۱ می باشد که بعضی از فقهاء، از او به فقیه امامی، محدث و شاعر تعبیر نموده‌اند و از شاگردان مرحوم حر عاملی رحمة الله می باشد.^{۲۹۵} و این نص مقابله‌ای است که در این نسخه ذکر شده است:

«الحمد لله موفق الخيرات و مجتب الدعوات والصلاه على محمد وآلـه شفيعي الخطيبات والسيئات، فقد بلغت مقابله هذا الكتاب وتصحیحه من أوله إلى هنا بنسخ صحيحة بقدر الوسع والطاقة، منها نسخة كانت بخط الشیخ الفقیه العابد الزاهد الورع على بن محمد بن

ص: ۳۲۹

محمد بن على بن السكون طاب ثراه، وكتبت في سنة ثمان و خمسين و خمسماه، وبالغت في مطابقتها لها و تصحیحه منها، و مع ذلك فشهو القلم و طغيان البصر من عوارض ذات البشر، وكان ذلك في أواسط شهر ذى الحجۃ من سنة إحدى وثمانين بعد الألف من الهجرة، و أنا العبد الفقير إلى الله الغنى فاضل بن محمد مهدي المشهدی، فرحم الله من إذا نظر فيه أو عمل بما تضمنه دعاني

[دعا ل]

[بالرحمة المغفرة والرضوان

». محمد بن فاضل مشهدی می گوید: من این نسخه را با نسخه ابن سکون رحمة الله که قدمت نسخه به سال ۵۵۸ هـ. ق می رسد در سال ۱۰۸۱ هـ. ق نیمه ذی الحجه مقابله کردم.

و خود مرحوم محمد على طبیسی رحمة الله در پایان نسخه خود می گوید:

«تم الكتاب والحمد لله رب العالمين وصلی اللہ علی محمد و آلـه الطاھرین، اتفق الفراغ من نسخة أصیل الثلاثاء الخامس من شهر شوال من سنة إحدى وثمانين بعد الألف من الهجرة النبوية بيد الفقیر إلى الله الغنى محمد على الطبیسی فارغ شدم از کتابت این نسخه سه شنبه ۵ شهر شوال سنه ۱۰۸۱ بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

و بعد از مراجعته به نسخه مرحوم محمد على طبیسی رحمة الله مشاهده می شود بعضی تصحیحات نسخه طبیسی رحمة الله به واسطه نسخه محمد فاضل مشهدی رحمة الله صورت گرفته، که خود مشهدی رحمة الله نسخه خود را با نسخه سکون رحمة الله مقابله نموده است.

ص: ۳۳۰

مشهدی در صفحه اول از مخطوطه خود می گوید:

«ما أدرجته في هذا الكتاب من الأدعية المهمة التي لم ينقلها الشیخ المصنف (قدس الله روحه) فيه ونقلها في المصباح المتهجد.

منها دعاء على بن الحسين عليه السلام من أدعية الصحيفة في يوم الجمعة والأضحى، ومنها دعاء مروي عن أبي جعفر عليه السلام في يوم الجمعة بعد الظهر.

ومنها دعاء السحر لأبي حمزة الشعالي مروي عن على بن الحسين سيد العبادين عليه السلام في شهر رمضان.

وأحمد الله الذي وفقني لاستكتابه ومقابلته، وأسئلته أن يوفقني لطاعته وعبادته بحق محمد وآل مبلغى شريعته ومالكى طريقته، وأنا العبد الجانى الفانى محمد فاضل بن محمد مهدى المشهدى

». يعني بعضی از ادعیه مهم که در مصباح کبیر شیخ طوسی رحمه الله ذکر کرده است و در مصباح صغیر آن را حذف نموده در نسخه خود ذکر کرده‌ام.

سپس مرحوم مشهدی رحمه الله به موارد دعاها که ذکر کرده است اشاره می‌کند.

ص: ۳۳۱

...

در نسخه طبیی رحمه الله مقابله بر نسخه ابن سکون توسط مشهدی به وضوح مشاهده می‌شود

ص: ۳۳۲

...

صفحه اول از نسخه

ص: ۳۳۳

...

صفحه اول از شرح زیارت

ص: ۳۳۴

...

صفحه اول زیارت عاشورا

ص: ۳۳۵

...

صفحه مشتمل بر فصل ثلاشه

ص: ۳۳۶

...

صفحه مشتمل بر فصول ثلاشه

ص: ۳۳۷

نسخه مرحوم ابن ابی زنبور رحمه الله

بعد از بررسی نسخه‌های موجود در کتابخانه «ثامن الحجج» حضرت امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس به شماره ۹۶۰۷، این گونه به دست می‌آید که مرحوم حسن بن ابی جود رحمه الله نسخه «مصابح صغیر» را بر شیخ مرحوم خودش عماد الدین ابوالرضا احمد بن علی بن ابی زنبور رحمه الله خوانده است و این مقابله در سال ۶۰۷ صورت گرفته که نص این گونه آمده است:

«سم الله الرحمن الرحيم، يقول أصغر عباد الله تعالى وأضعف خلقه وأحوجهم إلى عفوه وتجاوزه، الحسن بن محمد بن يحيى بن على بن أبي الجود، عفى الله عنه ورحمه، قرأ مختصر مصابح المتهجد على شيخي العالم عماد الدين أبي الرضا أحمد بن على بن ... ابن أبي زنبور قدس سره، في سنّة سبع وستمائة، وأخبرني أنه قرأ على شيخه رشيد الدين أبي جعفر محمد بن على بن شهر آشوب، فأخبره به عن جده شهر آشوب بن أبي نصر بن أبي الجيش المازندراني، عن مؤلفه الشيخ السعيد أبي جعفر الطوسي قدس سره، والحمد لله رب العالمين والصلوات خلقه سده الحمد نبی الرحمة واله الطاهرين».

يعنى حسن بن جود در سال در سال ۶۰۷ نسخه مصابح صغیر را بر شیخ خودش مرحوم بن ابی زنبور رحمه الله خوانده و شیخ ابی رضا احمد بن علی بن ابی زنبور رحمه الله نسخه را بر شیخ رشید الدین ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب خوانده و ابن شهر آشوب رحمه الله می‌گوید جدم شهر

ص: ۳۳۸

آشوب بن ابی نصر بن ابی جیش مازندرانی این نسخه را از شیخ طوسي رحمه الله نقل می‌کند.

لازم به ذکر است که نسخه ناقص می‌باشد و بعضی از فرازهای دعاها مختلف ذکر شده است. از جمله اینکه در «

اللهم العن اول ظالم

» دارد:

اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شاعرت و بايعت على قتلها اللهم اجعل لعنتك وبأسك وتقتمتك عليهم اللهم العنهم جميعا (يقول ذلك مائة مرّة)

». و در فصل سلام دارد:

السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح ...

السلام على الحسن والحسين و على علی بن الحسين و على اصحاب الحسين (يقول ذلك مائة مرّة)

». و در فصل سوم

اللهم خص

» دارد:

اللهم خص انت اول ظالم بالعن مني وابدا به اولاً والعن عبیدالله بن زياد وابن مرجانة و عمر بن سعد وشمرا و آل ابی سفیان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيمة

» و در این فراز «

ثم الثاني والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامساً

« حذف شده است و ثبت فصل سوم به صورت موجود در نسخه، دال بر مراعات تقيه بوده است.

ص: ۳۳۹

...

شماره نسخه در کتابخانه آستان قدس

ص: ۳۴۰

...

صفحه نهايی نسخه و ابتدای دعای ابوحمزه

ص: ۳۴۱

...

نهايت دعا با اسم كاتب دعا

۳۴۲: ص

...

صفحه‌ای که قرائت را بر آن نوشته است

۳۴۳: ص

...

صفحه اول از نسخه

۳۴۴: ص

...

صفحه اول از زیارت

۳۴۵: ص

...

صفحه مشتمل بر فصل لعن

ص: ۳۴۶

...

فصل اللهم خص و پایان زیارت

ص: ۳۴۷

...

صفحه دیگر از زیارت که شامل فصل سلام و فصل اللهم خص و ...

ص: ۳۴۸

نتیجه:

این نسخه می‌تواند مؤید قوی برای سایر نسخه‌های موجود باشد.

این نسخه مطابق است با نسخه «مصابح صغیر» و همچنین موافق است با نسخه «مصابح کبیر». مقابله‌های متعدد موجود در حواشی قابل توجه است، این نسخه با خطهای متفاوت و افراد متعدد حاشیه زده شده است و از این تعلیق‌ها می‌توان نتیجه گرفت که این نسخه در دست افراد متعددی قرار گرفته است.

ص: ۳۴۹

نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمه الله

این نسخه در کتابخانه مرحوم آیت الله گلپایگانی رحمة الله می باشد که به شماره ۴۱۳۸۴ ثبت شده است. تاریخ کتابت این نسخه مشخص نیست اما از بعضی از قرائی استفاده می شود که نسخه توسط عده ای از متأخرین تدوین شده است وليکن دارای مقابله ای است که می تواند مؤید برای سایر نسخ خطی باشد.

امتیازات نسخه

از خصوصیات ممیزیه این نسخه آن است که بر روی آن مقابله و تصحیحات فراوانی انجام شده است که می توان به مقابله ای که با نسخه مرحوم ابن ادریس رحمة الله و مرحوم ابن السکون رحمة الله شده است اشاره کرد. خبر مقابله این نسخه توسط مؤلف در نسخه مشاهده می شود.

بعضی از تصحیحات نگاشته شده در این نسخه، توسط خود شخص مؤلف تدوین شده و بعضی دیگر از موارد تصحیح را از واسطه گرفته و در نسخه ثبت نموده است.

این نسخه خطی با نسخه خطی مرحوم ابن ادریس حلی رحمة الله مقابله شده که مؤلف اینگونه اشاره می کند: این نسخه با نسخه ای که با دست خط شیخ سعید محمد بن ادریس رحمة الله می باشد مقابله شده است.

متن زیارت عاشورا همراه با فصول سه گانه در این کتاب آمده است.

ص: ۳۵۰

...

صفحه اول که با نسخه ابن سکون مقابله شده و کلمه صلاة و زکاء تصحیح شده است

ص: ۳۵۱

...

در این صفحه مقابله با نسخه ابن سکون و ابن ادریس ذکر شده است

ص: ۳۵۲

...

در دایره بالا دو مقطع مقابله اولی با نسخه ابن سکون و ابن ادریس ذکر شده است

ص: ۳۵۳

...

و همچنین مقابله با نسخ در این صفحه ذکر شده است که قسمتی از صفحه از بین رفته است

ص: ۳۵۴

...

صفحه شرح زیارت

ص: ۳۵۵

...

صفحه ابتداء زیارت

ص: ۳۵۶

...

صفحه دوم از زیارت

ص: ۳۵۷

...

فصل سوم از زیارت

ص: ۳۵۸

...

صفحه چهارم از زیارت که در آن ابتدای فصل لعن وجود دارد

ص: ۳۵۹

...

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی رحمه الله

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی رحمه الله است که در کتابخانه دانشگاه تهران و در شماره ۲۳۵۳ نگهداری می‌شود.

و در آخر فرازهای زیارت دارد:

«ثم تقول: اللهم العن أول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد و آخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشاعرت وبأيوبه قتله اللهم عنهم جميعاً (تقول ذلك مائة مرة).

ثم تقول: السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله ما بقيت و بقى الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين (تقول ذلك مائة مرة).

ثم تقول: اللهم خص أنت اول ظالم باللعنة وابدا به اولاً، اللهم العن يزيد بن معاوية والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانه و عمر بن سعد و شمراً و آل ابى سفيان و آل مروان إلى يوم القيمة

». و در حاشیه کتاب به خط دیگر اینگونه ذکر شده است: «

اولاً ثم الثاني والثالث والرابع والعن يزيد خامساً

» که همانگونه که بیان شد این تعلیقهای و حاشیه‌ها بر اثر مرور زمان و تخفیف فشار بر شیعه به کتاب اضافه شده است.

نسخه مرحوم عبدالسمیع رحمه الله

نسخه مرحوم عبدالسمیع رحمه الله به قرن ۱۱ بر می‌گردد و در مکتبه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره ۱۳۴۳۳
محافظت می‌شود و در تاریخ روز یکشنبه ۱۶ ذی القعده سال ۱۰۵۴ نوشته شده است.

نص زیارت بعد از لعن و سلام صد مرتبه دارد:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن وابداً به اللهم العن يزيد بن معاویة والعن عبیدالله بن زیاد وابن مرجانة و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان علی یوم القيامۃ» ثم تسجد ...

» و در حاشیه دارد: «

اولاً ثم العن الثاني والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامساً

». و همان مطلب قبل در همین مقطع تکرار می‌گردد و جای شبیه نیست که بعدها نسخه طبق اصل موجود حاشیه زده شده است و حذف این فراز به خاطر شدت تقیه بوده است.

...

صفحه‌ای از نسخه مرحوم عبدالسمیع

...

صفحه زیارت عاشورا در نسخه مرحوم عبدالسمیع

نسخه مرحوم شاهروdi رحمه الله

این نسخه در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و تاریخ آن شب ۶ ربیع الثانی سنه ۱۱۲۶ ه می‌باشد و نویسنده این نسخه مرحوم محمد جعفر بن حق نظر کلوری شاهروdi رحمه الله و از مقطع (

اولاً ثم الثاني والثالث والرابع اللهم عن يزيد خامساً

) را در پرانتز ذکر کرده است، بعضی خواسته‌اند بدین جهت بهانه گرفته و بگوید در پرانتز ذکر کردن دال بر آن است که این مقطع در اصل کتاب مصباح المتهجد نبوده است.

ذکر این مقطع در بین پرانتز دال بر آن است که این نسخه از نسخ کپی برداری شده است که در تقيه سخت نگاشته شده و مقطع در پرانتز را نداشته لذا کپی کننده برای حفظ امانت آن را در پرانتز ذکر کرده است.

نسخه مرحوم شمس الدین یزدی رحمه الله

این نسخه در مکتبه آیت الله بروجردی رحمه الله نگهداری می‌شود و به قرن ۷ هجری بر می‌گردد و ظاهر این نسخه این است که یک نسخه‌ای وجود داشته که بعضی از اوراق آن از بین رفته بوده و مرحوم شمس الدین رحمه الله با استفاده از آن اوراق ناقص نسخه را کامل کرده است صفحه آخر این نسخه دال بر این مدعی می‌باشد.

...

نسخه ملا محمد جعفر

نسخه مذکور در مرکز احیاء التراث الاسلامی قم به شماره ۳۷۸۹ نگهداری می‌شود و مجموع اوراق آن ۱۴۷ می‌باشد و تاریخ آن به محرم سال ۱۰۷۳ ه برمی‌گردد و به احتمال زیاد مؤلف همان محمد جعفر معروف به ترک می‌باشد. این نسخه فرازهای سلام صد مرتبه و لعن صد مرتبه را دارد، فراز اللهم خص «

اللهم العن اولاً ثم الثالث والثالث والرابع والعن يزيد خامساً

» را ندارد و به جای کلمه عبیدالله اشتباهًا عبدالله آورده شده و اینگونه ثبت شده است «

اللهم خص انت اول ظالم عبد الله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيمة

». در خصوص این نسخه نکاتی قابل دقت می‌باشد:

اولاً: در ایام شدت تقیه کپی شده لذا بعضی فرازهای دعا حذف شده است.

ثانیاً: نسخه ثبت شده بر اثر آنکه از نسخه کپی گرفته شده که با ظرف تقیه تدوین شده لذا با کپی گرفتن از عین آن نسخه موجود بعضی فرازها ذکر نشده است.

ثالثاً: با توجه به اینکه دأب این بوده که هنگام مقابله بعضی از اشخاص قرائت می‌کرند و دیگران آن را می‌نوشتنند ممکن است شخصی که آن را قرائت کرده از نسخه‌ای قرائت کرده که این فراز به دلیل شدت تقیه قرائت نشده است لذا آنگونه کپی شده است، در هر حال وجود این نسخه موجب انکار یا تغییر زیارت عاشورا با توجه به قرائت موجود و شرایط سخت تقیه نمی‌شود.

نسخه دیگری با عنوان نسخه کرکانی در مرکز احیاء التراث اسلامی در قم مقدس به شماره ۳/۳۲۲ وجود دارد که در ماه صفر سال ۱۱۲۳ ه نوشته سده است و کاتب این نسخه معلوم نمیباشد ولیکن در سنین مختلف در دست بعضی قرار داشته که نام آنها بر روی این نسخه درج شده است.

در حاشیه کتاب ثبت شده که: فرهاد میرزا فرزند ولی عهد در سال ۱۲۸۱ ه مالک آن بوده و در سال ۱۳۲۳ ه کرکانی آن را تملیک کرده است و این کتاب با دعاهای هفته شروع میشود و تمام فرازهای زیارت عاشورا در آن ذکر شده است الا فراز «

ابدا به اولًا ثم الثاني والثالث والرابع

« که عدم ذکر این مقطع پر واضح است که مؤمنین با توجه به فشار و اختناق موجود سعی میکردند بهانه دست معاندین ندهند و بعضی از فرازها را حذف کرده تا بتوانند این زیارت را به آسانی در اختیار یکدیگر قرار دهند و حذف این فرازها چیزی از اصل زیارت عاشورا بر طبق نص موجود در مصباح المتهجد کم نمیکند.

و این اختلاف نسخ نه تنها در خصوص بعضی زیارات رخ میداده است بلکه احادیث متعدد صحیح موجود میباشد که علماء آن را حمل بر تقيه میکنند. خود مؤید این مدعی است که شیعه همواره با توصیه امام علیه السلام شرایط تقيه را مراعات میکردد. و یکی از مواردی که مورد تقيه بوده بعضی از فرازهای زیارت عاشورا بوده که با مراعات تقيه حذف میشده است.

ص: ۳۷۰

و اگر به حاشیه این زیارت در این نسخه با دقت نظر شود مشاهده میشود کلمه «

اولًا

» از فراز «

اللهُمَّ إِنِّي أَوَّلَ ثُمَّ الثَّانِي

... در نسخه موجود میباشد و بقیه فرازها محو شده است و لذا این احتمال دارد که:

۱- فرازهای زیارت عاشورا از جمله «اللهُمَّ إِنِّي أَوَّلَ ثُمَّ الثَّانِي و ...» در نسخه بوده ولیکن به خاطر شرایط تقيه محو شده و در این نسخه به وضوح مشاهده میشود که پاک شده است.

۲- لفظ «اللهُمَّ إِنِّي أَوَّلَ ثُمَّ الثَّانِي و ...» بعدها به نسخه اضافه شده و دوباره به خاطر مراعات تقيه آن را محو کرده‌اند و لفظ اولًا خوب محو نشده است.

ص: ۳۷۱

یکی از نسخه‌ها نسخه علاء بیک می‌باشد که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۲۴۷ نگهداری می‌شود.

این نسخه در تاریخ ۹۵۱ ه ماه رجب کپی شده است و نویسنده آن محمد بن جلال الدین مشهور به علاء بیک رحمه الله است.

در متن زیارت فصل سوم از زیارت دارد:

«اللهم خص بالعن منی ابداً به

» و مقطع

اولًا ثم الثاني والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامساً

در حاشیه ذکر شده است.

ص: ۳۷۲

نسخه عبدالحی رحمه الله

این نسخه به قرن دهم بر می‌گردد که ناسخ آن سید عبدالحی رحمه الله می‌باشد و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله نگهداری می‌شود که شماره آن ۶۷۱۶ می‌باشد، و در حاشیه بعد از ذکر صد لعن دارد: «

و شایعت و تابعت على قتلہ اللهم اجعل لعنتک وبأسک ونقمتك عليهم اللهم العنهم جميعاً

».«...

ثم يقول: «

اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدا به اللهم العن يزيد خامساً والعن عبیدالله بن زياد

».«...

و در حاشیه نسخه با خط دیگر دارد «

اولًا ثم الثاني والثالث والرابع

».«...

این نسخه همانگونه که مشاهده می‌شود در خصوص کلمات اضافه شده در شایعه و تابعه علی ... متعارف است و برای مبالغه در اظهار تتفه از معاندین اهل بیت علیهم السلام کلمات دیگری در نسخه اضافه شده است که ضرری به اصل زیارت نمی‌رسد و این امر هم اکنون هم متداول است که در حین دعا بعضی کلمات که دال بر ظلم معاندین است ذکر می‌شود و عدم ذکر اولًا ثم الثاني والثالث ... بر می‌گردد بر همان حفاظتی که شیعه سعی بر آن داشته که آن را مراعات کند و بعدها به واسطه رفع تقیه یا خصوصی شدن نسخه این فرازها اضافه شده است.

ص: ۳۷۳

نسخه ابن زنکی

این نسخه در قرن ششم کپی شده است و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله نگهداری می‌شود و در شماره ۱۴۲۲۶ بایگانی شده است.

و بر روی این کتاب نام طفرلین اتابک ابی المظفر مسعود بن مودود بن زنکی بن اقا سنقر نصیر امیرالمؤمنین نوشته شده است.

اما چرا این نسخه به ابن زنکی معروف شده است دقیقاً نمی‌توان جواب داد ولیکن بر حسب آنچه که آن زمان موسوم بوده، یک کتاب اگر در کتابخانه شخصی نگهداری می‌شده آن کتاب به آن شخص نسبت داده می‌شده، بعید نیست بدین گونه بوده است. در آخر این نسخه خطی اینگونه دارد:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابداً به اولًا ثم العن الثاني والثالث والرابع اللهم العن یزید خامس ظالم

... تغییر جزئی در بعضی از فقرات دعا ضرری به اصل و اثبات آن نمی‌زند و گفتن العن یزید خامس ظالم یا یزید خامساً یک معنی است و اینگونه تغییر موجب اشکال نمی‌شود.

ص: ۳۷۴

نسخه مرحوم فرخ

این نسخه متعلق است به فرخ بن عبدالله رحمه الله و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و شماره آن ش ۲۰۲ خ و در مشهد مقدس کتابت شده است.

و این نسخه شامل لعن و صلوات صد مرتبه می‌باشد و فصل سوم را اینگونه ثبت کرده است: «

اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني وابداً (به اولاً ثم العن الثاني والثالث والرابع) الى اللهم العن يزيد بن معاویه

.«.

ص: ۳۷۵

اعتماد علما به زیارت عاشورا

کتاب مزار کبیر

کتاب مصباح الرائر و جناح المسافر

کتاب فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علیہ السلام

منهاج الصلاح فی اختصار المصباح

زیارت عاشورا در منهاج الصلاح

مزار شهید اول

حجۃ الامان الواقیة و جنة الایمان باقیة

البلد الامین والدرع الحصین

بحار الانوار

ص: ۳۷۷

سزاوار است در این بخش از بحث، اشاره‌ای به اعتماد علما به صحت زیارت عاشورا، و نقل آن در کتب بعضی از اجلاء و بزرگان شود.

کتاب مزار کبیر (مزار ابن المشهدی)

این زیارت مبارکه را مرحوم شیخ محمد بن جعفر مشهدی رحمه الله در کتاب «مزار» نقل کرده است و کتاب «مزار کبیر» یا «مزار بن مشهدی» از مهم‌ترین کتب ادعیه و یکی از قدیمی‌ترین منابع دعایی شیعه محسوب می‌شود.

مرحوم شیخ محمد بن جعفر المشهدی از بزرگان قرن ششم هجری و هرچند بعضی در وثاقت ایشان بحث دارند اما بعضی ایشان را توثیق کرده ولیکن بنابر نظر ما، در دعا نیاز به بررسی سند نمی‌باشد و این کتاب دعا بوده و با توجه به اخبار من بلغ، این کتاب نیازی به بررسی سندی ندارد و می‌توان به ادعیه‌های آن عمل کرد.

ابن مشهدی در مقدمه کتاب دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد مخصوص خداوندی است که دارای احسان قدیم است.

امتنان و نعمت‌های او ... و سلطنتش عالی است. برهانی روشن و شائني

ص: ۳۷۸

رفعی دارد.

خدایی که ما را از هلکات نجات داد و پاک نمود ما را از شباهت و به ما الهام فرمود اعمال صالحه را، و ما را تأیید فرمود و ما را قرار داد از پیروان بهترین مخلوقات، کسی که خداوند او را انتخاب فرمود برای بهترین پیامبری‌ها، محمد ابن عبدالله پیغمبری که تأیید گردیده به معجزات و بر طرف کننده غم‌ها و غصه‌ها و نجات‌دهنده از همه سختی‌ها، صلووات خدا بر او و آل او، کسانی هستند که ما را به نمازها دعوت می‌کنند و امر به دادن زکات می‌نمایند و آگاه می‌کنند شیعیان خود را به اعمال خیر تا زمانی که آسمان و زمین بر پاست.

اما بعد: همانا من جمع آوری نمودم در این کتاب انواع زیارت‌نامه‌هایی را که در مشاهد مشرفه خوانده می‌شود و آنچه که از ناحیه امامان معصومین علیهم السلام تشویق به خواندن آنها در مسجدهای مبارک شده است و همچنین ذکر نمودم آنچه را که بعد از نمازها به آن توصیه شده است و همچنین ذکر نمودم آنچه را که بندگان در خلوت، شدت و گرفتاری بدان پناه ببرند و خدا را با آن ذکر کنند: (دعاهایی که نقل کرده‌ام از راویان تقه و درست گفتار که ناقل قول معصومین علیهم السلام هستند و اولین چیزی که با آن کتاب را شروع کردم روایاتی است که در آن به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام تشویق و تحریص شده است.

و نقل نمودم روایتی که دال بر ثوابی است که به زائرین این زیارت می‌رسد. سپس ذکر می‌کنم آنچه را که باید زائر در هنگام عزم به زیارت این بزرگان و هنگام خروج برای زیارت آنها به جای آورد. سپس ذکر

ص: ۳۷۹

می‌کنم آنچه که در مورد زیارت پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله وارد شده؛ زیرا که آن جناب در فضل و شرف بر سایر ذوات مقدسه تقدم دارد و امید دارم که خداوند مرا در این امر موفق گرداند و حاجات کسانی که به این ادعیه پناه می‌آورند، برآورده فرماید و مشکلات آنها را به لطف خود آسان گرداند. همانا فضل او تنها پناه و ملجاً برای همگان است و هیچ امیدی جز به لطف او نمی‌باشد، اوست که شنونده و جواب‌دهنده است.

مرحوم ابن مشهدی رحمه الله در دو موضع از کتاب «مزار» زیارت عاشورا را نقل نموده است.

موضع اول: مرحوم ابن مشهدی رحمه الله ذکر نموده زیارت عاشورا را در زیارات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آن زیارت پنجم و ششم کتاب «مزار کبیر» می‌باشد. و در این مقطع از کتاب به زیارت عاشورا اشاره کرده و در ذیل زیارتی که صنوان از شیخ طوسی رحمه الله با کلمه «یا الله یا الله ...» روایت شروع کرده که در نزد عرف به «دعای صفوان» معروف می‌باشد و در بین عوام مؤمنین این دعا را «دعای علقمه» می‌گویند، اکنون عین عبارت مرحوم مشهدی رحمه الله را نقل می‌کنیم:

«زیارت دیگری که برای امیرالمؤمنین و امام حسین بن علی علیه السلام روایت شده است:

روایت نمود محمد ابن خالد طیالسی از سیف ابن عمیره و سیف بن عمیره می‌گوید: بیرون رفتم با صفوان بن مهران جمال و جمع دیگری از اصحاب به سوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام وارد

ص: ۳۸۰

شده و آنجا را زیارت کرده بودند، من به همراه صفوان و جمعی دیگر زیارت نمودیم؛ پس زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را پس وقتی فارغ شدیم از زیارت، صفوان برگشت و صورت خود را به سوی حرم ابی عبدالله الحسین علیه السلام گرداند و گفت همانا زیارت می‌کنیم حسین بن علی علیه السلام را از همین مکان در کنار سر مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام».

سپس ابن مشهدی روایتی را ذکر کرده است که شیخ طوسی در «مصابح المتهجد» آورده است اما با کمی اختلاف.

موضع دوم: در ذکر زیارت ابا عبدالله حسین علیه السلام از جمله ذکر زیارت عاشورا را ذکر می‌کند ابتدا می‌گوید:

«زیارت دیگری برای ابا عبدالله علیه السلام در روز عاشورا هست که شخص از قریب یا بعيد آن را می‌خواند. پس ابن مشهدی رحمه الله تمام زیارت که به همان شکل موجود در مفاتیح الجنان را ذکر می‌نماید».

ص: ۳۸۱

مصابح الزائر و جناح المسافر

یکی از مهم‌ترین منابع و مأخذی که زیارت عاشورا را نقل نموده، کتاب «مصابح الزائر و جناح المسافر» تألیف مرحوم سید رضی الدین علی بن موسی ابن طاووس رحمه الله می‌باشد.

مرحوم سید ابن طاووس زیارت عاشورا را به طور کامل در کتاب «مصابح الزائر و جناح المسافر» نقل نموده است و در نقل خود به دو نسخه اعتماد کرده است. به نسخه «مصابح کبیر» مرحوم شیخ طوسی رحمه الله که جد بزرگوارش می‌باشد و نسخه «مصابح صغیر»؛ یعنی با استفاده از کتاب مصابح صغیر و کبیر جدش، زیارت عاشورا را نقل نموده است.

توجه به یک مطلب:

با نظر به نقل سید بن طاووس روشن می‌شود که ایشان فقرات لعن و سلام را صد مرتبه از «مصباح صغیر» نقل نموده است و اما فصل‌های «اللهم خص انت» و همچنین دعای سجده را مرحوم سید، چنانچه از ظاهر کلامش استفاده می‌شود از کتاب «مصباح کبیر» نقل کرده و چنانچه خود مرحوم سید در عبارتی می‌گوید: علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس این روایت را نقل کردیم با سندش از «مصباح الكبير» و این نسخه مقابله شده با خط مصنف کتاب و در کتاب «مصباح کبیر» دو فرقه صد مرتبه لعن و سلام موجود نبود و ما آن دو فصل را از «مصباح صغیر» نقل می‌کنیم.

مرحوم ابن طاووس ابتدا نقل می‌کند زیارت در روز عاشورا را طبق روایتی که شیخ طوسی نقل کرده است و سندی که ابن طاووس نقل

ص: ۳۸۲

می‌کند اینگونه است که صالح بن عقبه عن ابی جعفر علیه السلام سپس زیارت عاشورا را به شکل کامل نقل می‌کند.

ص: ۳۸۳

...

صفحه اول، ابتدا کلام ابن طاووس

ص: ۳۸۴

...

صفحه دوم در فضل زیارت

ص: ۳۸۵

...

صفحه اول متن زیارت

ص: ۳۸۶

...

صفحه دوم متن زیارت

ص: ۳۸۷

...

صفحه سوم متن زیارت

ص: ۳۸۸

...

صفحه چهارم متن زیارت

ص: ۳۸۹

...

صفحه اول از ابتداء دعای صفوان

ص: ۳۹۰

...

صفحه پایانی دعا

ص: ۳۹۱

...

صفحه پایانی روایت زیارت

ص: ۳۹۲

كتاب فرحة الغرى فى تعين قبر امير المؤمنين عليه السلام

از کتب مهم و قدیمی است که در آن زیارت عاشورا درج شده است. مؤلف این کتاب سید عبدالکریم بن احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس رحمه الله می باشد که متولد سال ۶۴۷ ه. و در سال ۶۹۳ ه.

وفات نمود و قریب ۴۵ سال زندگی کرده و عمومیش سید رضی الدین علی بن مولی بن جعفر بن طاوس رحمة الله است که صاحب کتاب «مصابح الزائر» می باشد و در کتب تراجم از سید عبدالکریم رحمة الله به تجلیل یاد می شود.

وی در مقدمه کتاب فرحة الغری می فرماید:

«الحمد لله مظہر الحق و مبدیه، ومدحض الباطل ومدجیه، ومسدد الصواب ومسدیه، ومشید بنائه ومعلیه، أَحْمَدَهُ مجتهدًا ولا أَصْلَى إِلَى الواجب فِيهِ، وأَثْنَى وَمَا قَدْرَ ثَنَائِي حَسْبٍ مَا يَفِيظُهُ عَلَى وَيُولِيهِ، وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ، وَعَلَى آلهِ الْمُقْتَدِينَ بِهِدِيهِ فِيمَا يَذْرُهُ وَيَهْدِيهِ».

وبعد: فإن بعض من يجب حقه على من الصدور الأماجد، والأعيان الأفاضل، طلب مني ذكر ما ورد من الآثار الدالة، على موضع مضجع أمير المؤمنين (عليه السلام)، وأن أذكر ذلك مستوفى الحدود تمام الأقسام، فكتبت ما وصل إليه البهد وصدق بسطره الوعد، مظهراً ذلك من دائرة غضون الدفاتر، مع ضيق الوقت وتعب الخاطر، مع أن الوارد من ذلك في الكتب شبيت الشمال مجهول الم محل. ولكنني اجتهدت غاية الاجتهاد، ولم آل جهداً بحيث أصل إلى مطابقة المراد، ومن الله تعالى

ص: ۳۹۳

أسأل عننایة عاصمة من الزلل، حاسمة مواد الخطأ والخطل بمنه، ورتبت الكتاب على مقدمتين وخمسة عشر باباً:

المقدمة الأولى: في الدليل على أنه (عليه السلام) في الغری حسب ما يوجبه النظر.

المقدمة الثانية: في السبب الموجب لإخفاء ضريحه عليه السلام.

وأما الأبواب فهي بهذه:

الباب الأول: في ما ورد عن رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ).

الباب الثاني: فيما ورد في ذلك عن أمير المؤمنين على بن أبي طالب (عليه السلام).

الباب الثالث: فيما ورد عن الحسن والحسين (عليه السلام).

الباب الرابع: فيما ورد عن زین العابدین على بن الحسين (عليهمما السلام).

الباب الخامس: فيما ورد عن محمد بن علي الباقر (عليه السلام).

الباب السادس: فيما ورد عن جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام).

الباب السابع: فيما ورد عن موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام).

الباب الثامن: فيما ورد عن علي بن موسى الرضا (عليه السلام).

الباب التاسع: فيما ورد عن محمد بن علي الجواد (عليه السلام).

الباب العاشر: فيما ورد عن علي بن محمد الهادی (عليه السلام).

الباب الحادى عشر: فيما ورد عن الحسن بن على العسكري (عليه السلام).

الباب الثانى عشر: فيما ورد عن زيد بن على الشهيد.

ص: ٣٩٤

الباب الثالث عشر: فيما ورد عن الخليفة المنصور والرشيد بن المهدى فى ذلك، ومن زاره من الخلفاء من بعده حسب ما وقع إلينا.

الباب الرابع عشر: فيما ورد عن جماعة من بنى هاشم وغيرهم من العلماء والفضلاء.

الباب الخامس عشر: فيما ظهر عند هذا الضريح المقدس مما هو كالبرهان على المنكر من الكرامات

». كه سید عبدالکریم رحمه الله بعد از حمد و درود بر رسول گرامی اسلام و بیان تلاش خود در جهت تدوین این کتاب می گوید: کتاب را بر طبق دو مقدمه و ١٥ باب تنظیم کرده است که مقدمه اول شامل دلیل بر اینکه قبر مطهر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در نجف می باشد و مقدمه دوم در سبب اخفاء قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد (قبر حضرت علیه السلام تا زمان هارون الرشید مخفی بوده است) و سپس ابواب کتاب را ذکر کرده است که با روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله شروع و با ذکر کرامات در نزد ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام پایان می یابد.

مکان زیارت در نسخه فرحة الغری

صاحب کتاب «فرحة الغری» به مناسبت در بین زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام روایت صفوان (دعای علقم) و زیارت مخصوص ابا عبدالله الحسین علیه السلام که در بالای سر مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام خوانده می شود را ذکر نموده است، زیارت عاشورا را در باب ششم ذکر نموده و چهل روایت از امام صادق علیه السلام مناسب با مقام ذکر می نماید.
در نقل

ص: ٣٩٥

این زیارت به «مزار» محمد بن جعفر مشهدی رحمه الله اعتماد کرده است.

صاحب «فرحة الغری» می گوید: اشکال نشود که روایت صفوان فرقی کرده است بدلیل اینکه تردد امام صادق علیه السلام در آن مکان های مبارکه و مواضع مختلفه بوده و امام علیه السلام در هر مناسبت مطلبی را می فرمودند و این روایت با روایت مصباح منافاتی ندارد.

ص: ٣٩٦

منهاج الصلاح في اختصار المصباح

از مصادر مهم در نقل زیارت عاشورا کتاب «منهاج الصلاح فی اختصار المصباح» متعلق به حسن بن یوسف بن المطهر الحلی رحمه الله و کتاب «منهاج» علامه حلی رحمه الله همان اختصار کتاب «مصباح کبیر» شیخ طوسی رحمه الله است و علامه حلی رحمه الله به طلب خواجه نصیر الدین طوسی رحمه الله کتاب «مصباح الکبیر» را در ده باب خلاصه کرده که باب آخر آن را مربوط به علم کلام تدوین نمود به «الباب الحادی عشر» معروف است و در مقدمه کتاب غرض از تدوین کتاب را بیان نموده است.

لازم به تذکر است این کتاب متأسفانه هنوز به شکل کتاب خطی نگهداری می‌شود و هنوز به چاپ نرسیده است و آنچه از این نسخه در مرکز دار الصدیقة الشهیده علیها السلام نگهداری می‌شود به قرن ۱۱ بر می‌گردد.

بر متبع کتب خطی مخفی نماند که کتاب «مصباح متهجد» شیخ طوسی رحمه الله دارای شروح و تعلیقات فراوان بوده است و بعضی از آنها در زمان‌های مختلف نگاشته شده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۱- اختیار المصباح، مرحوم ابن باقی قرشی رحمه الله.

۲- ایضاح المصباح، مرحوم نیلی رحمه الله.

۳- تتمات المصباح، مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله.

۴- قبس المصباح، مرحوم صهرشتی رحمه الله.

۵- منهاج الصلاح، مرحوم علامه حلی رحمه الله.

۶- مختصر المصباح، مرحوم شیروانی رحمه الله.

ص: ۳۹۷

۷- مختصر المصباح، مرحوم سید عبدالله شیر رحمه الله.

۸- مختصر المصباح، مرحوم نظام الدین علی بن محمد رحمه الله.

۹- منهاج الصلاح، مرحوم ابن عبد ربہ الحلی رحمه الله.

و کتاب - منهاج الصلاح - مختصر کتاب مصباح کبیر شیخ طوسی رحمه الله است.

ص: ۳۹۸

زیارت عاشورا در منهاج الصلاح

بر طبق آنچه که از نسخه خطی کتب به دست ما رسیده است فرازهای سه گانه که شامل لعن مکرر و سلام مکرر و اللهم خص انت و ... ذکر شده است و علامه حلی فقط الفاظ زیارت را از مصباح متهدج نقل کرده است و روایتی که فضل زیارت را نقل می کند را بیان نکرده است و روایت دوم که دال بر دعای صفوان از امام صادق علیه السلام است را ذکر ننموده است، روایت دیگری را علامه حلی نقل کرده اند که شیخ طوسی رحمه الله آن را در «مصباح متهدج» ذکر نکرده است و این روایت مربوط به اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آنچه که بر صدیقه شهیده علیها السلام و امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام خواهد گذشت می باشد.

نص روایتی که علامه حلی رحمه الله نقل نموده: «

و زار النبي صلی الله علیه و آله یوماً فاطمة علیها السلام، فهیأت له طعاماً من تمر و قرص و سمن، وجاری عادتها معه علیه السلام، واجتمعوا علی الأكل هو وعلى فاطمة والحسن والحسین علیهم السلام، فلما أكلوا، سجد رسول الله صلی الله علیه و آله وأطّال سجوده، ثم بكى، ثم ضحك، ثم جلس، وكان أجرأهم فی الخطاب علی بن أبي طالب علیه السلام، فقال: يا رسول الله رأينا منك الیوم ما لم نره قبل ذلك؟ قال: وما هو؟ قال: سجدت وبكيت وضحكت فما سبب ذلك؟ فقال علیه السلام: إنی لما أكلت معکم فرحت وسررت بسلامتکم واجتماعکم، فسجدت لله تعالى شکراً، فهبط جبرئیل علیه السلام إلى وأنا ساجد فقال: ربک يقرأك السلام ويقول: سجدت شکراً لفرحک بأهلك؟ فقلت: نعم، فقال: ألا أخبرک بما یجري علیهم

ص: ۳۹۹

بعدک؟ فقلت: بلی یا أخي جبرئیل، فقال: أما ابنتک فھی أول أهلك لحوفاً بك، بعد أن تظلم، ويؤخذ حقها، ویمنع إرثها، ویظلم بعلها، ویکسر ضلعها، وأما ابن عمک فيظلم، ویقتل، وأما الحسن فإنه یظلم، وتطأه الخيول، وینهب رحله، وتسبی نساؤه وذراریه، ویدفن مرملًا بدمه، ویدفنه الغرباء، فبكیت، وقلت: هل یزوره أحد؟ قال:

یزوره الغرباء؟ قلت: فما لمن زاره من الثواب؟ قال: یکتب له ثواب ألف حجة، وألف غزوہ کلها معک، فضحك

۲۹۷.«

ص: ۴۰۰

...

صفحة اول از کتاب که شامل دیباچه کتاب است

ص: ۴۰۱

...

صفحه دوم از کتاب که شامل دیباچه است

ص: ۴۰۲

...

فصل پنجم از کتاب تحت عنوان اعمال محرم و بعد از آن ذکر زیارت عاشورا

ص: ۴۰۳

...

صفحه دوم از زیارت عاشورا

ص: ۴۰۴

...

صفحه سوم از زیارت عاشورا

ص: ۴۰۵

...

صفحه چهارم از زیارت عاشورا شامل فصل سلام و فصل لعن و ...

ص: ۴۰۶

...

صفحه دیگر از زیارت عاشورا و ذکر سلام و فصل (اللهم خص انت ...)

ص: ۴۰۷

مزار شهید اول رحمه الله

و یکی دیگر از کتبی که در آن به زیارت عاشورا اعتماد شده و از مدارک مهم و با ارزش میباشد، کتاب «مزار» شهید اول قدس سره میباشد کتاب «مزار» از شهید اول، ابو عبدالله شمس الدین، محمد بن شیخ جمال الدین حکی العاملی، النباطی، الجزینی رحمه الله از بزرگان قرن ۸ و متولد سال ۷۳۴ ه. میباشد و او در سال ۷۸۶ ه. به شهادت رسید و عمر شریفشان در هنگام شهادت ۵۲ سال بود.

اشاره‌ای به فهرست المزار

این کتاب دارای ابوابی است که و هر باب شامل فصول و خاتمه می‌باشد و کل کتاب به صورت دو باب ذکر شده است. در باب اول ۸ فصل را ذکر کرده و سپس یک خاتمه‌ای را ذکر نموده‌اند که خود خاتمه شامل ۴ فصل می‌باشد و باب دوم این کتاب دارای هفت فصل است.

سپس خاتمه‌ای را ذکر کرده است که خاتمه خود شامل سه فصل می‌باشد و در فصل چهارم از باب اول آنچه مربوط به زیارت امام حسین علیه السلام است ذکر شده است و در همانجا زیارت عاشورا را به شکل موجود در «مفایح الجنان» همراه با سه فصل (شامل لعن وسلام و اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی) ذکر نموده است.

شهید اول رحمه الله به ذکر الفاظ زیارات اکتفا کرده و فضل زیارت را ذکر ننموده است، بعد از بررسی کتاب پی می‌بریم که شهید اول رحمه الله هدفش آن بوده که کتاب جامع و مختصری را گردآوری کند که طالب بتواند با

ص: ۴۰۸

استفاده از زیارت ضمن آنکه سهل الوصول باشد و به هدف خود، که همان توسل است برسد. لذا از ذکر اسانید و روایات مربوط به زیارت صرف نظر کرده است.

شیخ در مقدمه کتاب می‌فرماید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَبِهِ نَسْتَعِينُ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ جَعَلَ الْحَضُورَ فِي مَشَاهِدِ أَصْفَيَاكَهُ ذَرِيعَةً إِلَى الْفَوْزِ بِدَرَجَاتِ أَحَبَائِهِ، نَسْأَلُكَ أَنْ تَصْلِيَ عَلَى سَيِّدِ أَنْبِيَائِكَ مُحَمَّدًا وَآلِهِ أَمْنَائِكَ، وَأَنْ تَوْفِقَنَا لِزِيَارَةِ ضَرَائِحِهِمُ الْمَشْرُقَةَ كُلُّهَا، وَأَنْ تَنْطِقَ أَسْتِنَتَنَا بِأَدَاءِ الْمَنَاسِكَ الْمَأْثُورَةِ فِيهَا. وَبَعْدَ، فَهَذَا الْمَنْتَخَبُ مَوْضِعُ لِبَيَانِ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَعْمَلَ فِي الْمَشَاهِدِ الْمَقْدِسَةِ وَالْأَمْكَنَةِ الْمَشْرُفَةِ مِنَ الْأَفْعَالِ الْمَرْغُبَةِ وَالْأَقْوَالِ الْمَرْوِيَّةِ، وَهُوَ مشتملٌ عَلَى بَيِّنٍ

». «... آنچه که سزاوار است عمل شده در مشاهد مقدسه و اماكن مشرفه، از افعال مرغوب و اقوال رؤيت شده ...».

ص: ۴۰۹

...

صفحه اول از کتاب مزار شهید اول

ص: ۴۱۰

...

صفحه مشتمل بر لعن مکرر صد بار و ابتدای سلام مکرر

ص: ۴۱۱

...

صفحه مشتمل بر تتمه سلام و فصل (اللهيم خص) و دعا به خود

ص: ۴۱۲

...

آخرین صفحه نسخه

ص: ۴۱۳

جَنَّةُ الْإِيمَانِ الْوَاقِيَّةِ وَجَنَّةُ الْإِيمَانِ الْبَاقِيَّةِ (مصباح كفعمی)

این کتاب از مصادر مهمی است که زیارت عاشورا را ذکر نموده و این کتاب معروف به «مصباح کفعمی» تالیف شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن علی عاملی کفعمی رحمه الله است.

این شخصیت از اعلام طایفه شیعه در قرن ۹ بوده و سال ولادت آن عالم بزرگوار ۸۴۰ ه و به طور یقین تا سال ۸۹۵ ه زنده بوده به اعتبار اینکه در همین سال نسخه خود را به پایان رسانده است.

و «کفعم» بر وزن «زمزم» روستایی از روستاهای جبل عامل بوده و «الكف» به معنی روستا و «عیما» اسم روستایی بوده است و اصلش «کف عیما» یعنی روستای «عیما» بوده است.

و به خاطر نسبت به آن مکان «کفعیماوی» شده که یاء به خاطر شدت امتراج، حذف شده است و به بواسطه استعمال بی در پی «کفعمی» شده است.

و این عالم جلیل القدر تألیفات فراوانی دارد که از آن جمله می‌توان به دو کتاب او در ادعیه اشاره کرد. «جنة الامان العراقيه في جنة الایمان الباقية» معروف به «مصباح کفعمی» و دومین کتاب «البلد الأمين والدرع الحسين».

زيارت عاشورا در باب ۴۱ که مخصوص زیارات می‌باشد ذکر شده است.

ص: ۴۱۴

كتاب البلد الأمين والدرع الحسين

این کتاب شامل ۵۰ فصل است که در باب ۱۱ که به زیارات اختصاص دارد و زیارت عاشورا به شکل موجود در «مفاتیح الجنان» ذکر شده است و قبل از ذکر زیارت قسمتی از روایات فضل زیارت را ذکر نموده است و این لحن کلام اوست:

«وأما زيارة عاشوراء من قرب أو بعد، فمن أراد ذلك، وكان بعيداً عنه عليه السلام، فليبرز إلى الصحراء، أو يصعد سطحاً مرتفعاً في داره، ويوميء إليه عليه السلام، ويجهد بالدعاء على قاتله، ثم يصلى ركعتين، ول يكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسين عليه السلام وبيكيه ويأمر من في داره بذلك من لا يتقيه، ويقيم في داره مع من حضره المصيبة بإظهار الجزع عليه، وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم بالحسين عليه السلام، فيقول:

أعظم الله أجورنا بمصابينا بالحسين عليه السلام، وجعلنا الله وإياكم من الطالبين بثأره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد عليهم السلام، فإذا أنت

». «صليت الركعتين المذكورتين آنفاً، فكبّر الله مائة مرة، ثم أوم إلىه عليه السلام، وقل: السلام عليك يا أبا عبدالله، السلام عليك يا بان رسول الله...»

«سپس الفاظ زیارت را به شکل مشهور که مشتمل بر سه فصل نقل کرده است.

و بعد از ذکر سجود فرموده است:

«ثم صل ركعتي الزيارة بمهما شئت وقل بعدهما: اللهم إني لك صلّيت ولك ركعت ولک سجدة وحدك لا شريك لك لأنك لا تجوز

ص: ۴۱۵

الصلاه والركوع والسجود إلا لك لأنك أنت الله لا إله إلا أنت، اللهم صل على محمد وآل محمد وأبلغهم أفضل السلام والتحية واردد على منهم السلام، اللهم وهاتان الركتتان هديه مني إلى سيدى مولاي الحسين بن على عليهما السلام، اللهم صل على محمد وآله وتقبلهما مني وأجرني عليهما أفضل أملئ ورجائى فيك وفي وليك يا ولى المؤمنين

». ثم بعد ذلك ذكر صلاة يوم عاشورا وهي أربع ركعات.

ثم بعد ذلك ذكر رواية صفوان المشتملة على الدعاء، ولكنه اقتصر على قوله:

«ثم ادع بـ هذه الزيارة بهذا الدعاء المروي عن الصادق عليه السلام، وهو يا الله يا الله يا الله...»

٢٩٨.»

ص: ٤١٦

بحار الأنوار

از موارد مهمی که زیارت عاشورا را ذکر نموده است کتاب «بحار الانوار» علامه مجلسی است.

وعلامه مجلسی کتاب «بحار» را به کتابهای مختلف تقسیم نموده است که از جمله آن کتاب «مزارات» که مختص زیارات معصومین علیهم السلام می باشد ابتداء زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را ذکر می کند و سپس صدیقه شهیده فاطمه زهرا علیها السلام و سپس زیارت ائمه بقیع علیهم السلام و زیارت امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را در هفت باب ذکر می کند و نام آن را ابواب زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می گذارد.

و بعد از آن روایات که مختص سیدالشہدا است ذکر می کند که ضمن ۳۲ باب می باشد که عنوان آن ابواب «فضل زیارت سید شباب اهل الجنة أبي عبدالله الحسین علیه السلام و آدابها وما يتبعها» می گذارد و در باب ۲۴ از این ابواب ذکر می کند آنچه که مختص به زیارت عاشورا می باشد و آن را در ۹ روایت بیان می نماید.

الرواية الأولى:

رواية ابن قولويه قدس سره فی «کامل الزيارة».

الرواية الثانية:

رواية الشیخ الطوسی قدس سره فی «مصابح المتهجد»، وذكر فيها الزيارة كاملة مشتملة على الفصول الثلاثة.

الرواية الثالثة:

رواية الشيخ الطوسي الثانية التي رواها عن صفوان المشتملة على دعاء صفوان، والتي ذكرها في ذيل الرواية السابقة في مصباح المتهجد.

ص: ٤١٧

الرواية الرابعة:

رواية الشيخ الطوسي التي ذكر فيها رواية عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام.

الرواية الخامسة:

رواية السيد ابن طاووس قدس سره في الإقبال، وهي رواية عبد الله بن سنان المتقدمة عن الشيخ الطوسي.

الرواية السادسة:

رواية صاحب «المزار الكبير»، ونقل نفس الرواية السابقة لعبد الله بن سنان بأسناد متصل إلى الشيخ الكليني بأسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام.

الرواية السابعة:

رواية السيد ابن طاووس قدس سره التي رواها في الإقبال عن كتاب المختصر من المنتخب.

الرواية الثامنة:

رواية نسبيها لمزار الشيخ المفيد أعلى الله مقامه، وهذه الزيارة هي الزيارة المعروفة بـ«زيارة الناحية المقدسة».

الرواية التاسعة:

رواية لصاحب «المزار الكبير»، ونسبت مى دهد به ناحيه مقدسه كه همان روایت سایق است. الأبواب المختص بزيارة الحسين عليه السلام و زیارت عاشورا را همراه با لعن و تکرار صد مرتبه و فصل سلام و فصل اللهم خص أنت أول ظالم... را ذکر می کند.

اصل زیارت اضافه شده تا با زیارت اصلی که در «مصباح المتهجد» نقل شده مطابق باشد و زمان تقيه اقتضا می کرد احياناً در بعضی نسخه ها حذف شود که ابتدا مرحوم معین الدین اصفهانی رحمه الله برای درامان بودن شیعه و بهانه ندادن دست اعداء اهل بیت علیهم السلام فراز اولًا ثم الثاني و ... را حذف کرده که بعدها نسخه به دست اشخاص دیگر

ص: ٤١٨

رسیده و آن را اضافه کرده اند که اضافه کردن این فراز به خاطر مواظبت بر نسخه بوده که در مکانی محافظت می شده و اعداء به آن دسترسی نداشته اند لذا آن فراز اضافه شده است یا زمان بر شیعیان سهل تر شد که توanstند این فراز را که در اصل بوده به حاشیه این نسخه اضافه کنند و یا ... که همه آنها می توانند بر صحت نسخه گواه دهد.

ص: ٤١٩

شرح بعضی علمای بر زیارت عاشورا

شفاء الصدور فی زیارت عاشورا

رساله فی کیفیّة زیارت عاشورا

الللوؤ النضید فی شرح زیارت عاشورا

الکنز الخفی

شرح زیارت عاشورا

ص: ۴۲۱

شرح بعضی علمای بر زیارت مبارکه عاشورا

شرح مختلفی بر زیارت عاشورا تدوین شده که به بعضی از آن شروح اشاره می‌شود تا اهمیت این زیارت عظیم بر همگان روشن گردد آن قدر این زیارت مورد اهتمام بوده است که علمای بزرگ را بر آن داشته که شرحی بر آن بنویسند و به بعضی از شروح اشاره می‌شود.

۱- شفاء الصدور فی زیارت عاشورا

کتاب «شفاء الصدور فی زیارت عاشورا» از بزرگترین شروح زیارت عاشورا می‌باشد و مؤلف آن علامه میرزا ابوالفضل طهرانی قدس سرہ می‌باشد که در سال ۱۳۱۶ ه وفات یافت و این کتاب به زبان فارسی تدوین شده است که توسط سید علی ابطحی اصفهانی تحقیق و اخیراً به چاپ رسیده است.

۲- رساله فی کیفیّة زیارت عاشورا

این کتاب با دقت نظر خاصی تدوین شده است و مؤلف آن شیخ أبوالمعالی الکلباسی، متولد ۱۳۱۵ ه، رجالی معروف و صاحب کتب متعدد می‌باشد. وی کتابی را تدوین کرد که شامل تنبیهات می‌باشد و در یکی از تنبیهات به زیارت عاشورا اشاره کرده است و آن را شرح

ص: ۴۲۲

داده است.

تاکنون این زیارت به شکل نسخه حجری بوده که به واسطه بعضی از طلاب، تصحیح و «دار الصدیقه الشهیده علیها السلام» آن را به چاپ رسانده است.

۳- اللوئ النضید فی شرح زیارت عاشورا

تألیف شیخ نصر الله شبستری رحمه الله و یک چاپ به صورت غیر محقق از آن وجود دارد که به واسطه «مرکز الزهراء علیها السلام» ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید و نسخه خطی آن در مرکز دار الصدیقه الشهیده علیها السلام نگهداری می شود.

۴- الکنز المخفی

این شرح از مهمترین شرح های زیارت عاشورا می باشد که توسط شیخ عبدالنبی عراقی رحمه الله از علماء بزرگ که شاگرد محقق عراقی رحمه الله بوده تدوین شده و به زبان فارسی به چاپ رسیده است. این کتاب به صورت یک مقدمه و انوار تقسیم بندی شده که بدین صورت آمده است: النور الاول والنور الثاني هکذا تا آخر ذکر.

اخیراً این کتاب ترجمه شده و هم اکنون توسط بعضی طلاب در حال تدوین و آماده شدن جهت چاپ می باشد که «مرکز الزهراء علیها السلام» متبناً این کار می باشد و نسخه خطی آن در دار الصدیقه الشهیده علیها السلام نگهداری می شود.

ص: ۴۲۳

۵- شرح زیارت عاشورا

از مهم ترین شروح زیارت عاشورا می باشد و توسط شیخ مفید شیرازی بحرانی رحمه الله تدوین شده است که نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرحوم نجفی مرعشی قدس سره نگهداری می شود و در حال تحقیق توسط «مرکز الزهراء علیها السلام» است و ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید.

ص: ۴۲۴

زیارت عاشورا در قرون متتمادیه

قرن چهارم:

۱- شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه رحمه الله - مشهور به ابن قولویه (م ۳۶۷ یا ۳۶۹)، متن زیارت را در کتاب کامل الزيارات روایت کرده است.^{۲۹۹}

(۱) ۲۹۹- کامل الزيارات، باب ۷۱، ص ۱۷۴-۱۷۹. (واقعه‌ای از این عالم بزرگوار در صفحه ۹۷ گذشت)

۲- شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰)، متن زیارت را در کتاب مصباح المتهجد (ص ۷۱۳-۷۲۴) و نیز در مختصر مصباح المتهجد مشهور به مصباح صغیر آورده است. ۳۰۰

ص: ۴۲۵

قرن ششم:

۳- قطب الدین راوندی رحمه الله ۳۰۱ مؤلف مزار قدیم - که به نوشته شیخ آقا

ص: ۴۲۷

بزرگ تهرانی رحمه الله ۳۰۲ در الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۲۲، معاصر با طبرسی رحمه الله صاحب احتجاج بوده - زیارت عاشورا را در کتاب خود نقل نموده

(۳۰۰) - مصباح صغیر، تاکنون چاپ نشده، و نشانی ۱۲ نسخه خطی آن، در یادنامه شیخ طوسی، ج ۳، ص ۶۷۱-۶۷۲ ذکر شده است. (شرح حال این عالم بزرگوار در صفحه ۱۰۹ گذشت)

شهید سعید، قاضی نور الله شوشتاری در کتاب مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۸۱-۴۸۲ می‌نویسد: «نقل است که بعضی از مخالفان، به عرض خلیفه عباسی رسانیدند که شیخ طوسی رحمه الله و اصحاب او از شیعه امامیه، سبب صحابه می‌کنند و کتاب مصباح او که دستور اعمال و ادعیه سنّه متهجدان ایشان است، بر آن گواهی می‌دهد، زیرا که در دعاء روز عاشورا از آن کتاب واقع است که: «اللهم خصّ اول ظالم باللعن منّی وابداً به اولاً ثم الثانی والتالت والرابع، اللهم العن یزید خامساً». پس خلیفه به طلب شیخ و کتاب مصباح فرستاد. چون شیخ با کتاب حاضر شد، و باعث طلب او مذکور گردید، منکر سبب شد. و چون کتاب را گشودند، و دعای مذکور به او نمودند، و گفتند: این را چه عذر خواهید گفت؟ شیخ طوسی رحمه الله، بدون تأمل به خلیفه گفت: مراد از آن عبارت، نه آن است که غمازان گمان برده‌اند، بلکه مراد از اول ظالم، قabil، قاتل هایبیل است که بنیاد قتل در دنیا نهاد، و ابواب لعن بر وی گشاد، و مراد از ثانی، عاقر ناقه صالح است. و اسم عاقر، قیدار بن سالف بود. و مراد از ثالث، قاتل یحیی بن زکریا است که به سبب بغایه‌ای از بغایای بنی اسرائیل، اقدام به قتل آن معصوم نمود. و مراد از رابع، عبدالرحمن بن ملجم لعنه الله است که اقدام به قتل علی بن ابی طالب علیه السلام نمود. خلیفه چون آن تأویل را شنید، تصدقی او نمود، و انعام فرمود، و از ساعی و غماز انتقام کشید». این بیان تقهی آمیز شیخ طوسی رحمه الله در کتب دیگر نیز به نقل از مجالس المؤمنین نقل شده است.

(۳۰۱) - ابوالحسین احمد بن یحیی بن اسحاق ابن راوندی از متکلمین و فیلسوف در راوند، روستایی در نزدیکی کاشان دیده به جهان گشود و این شهر زادگاه عالمان بسیاری شناخته می‌شود. او گلی از بوستان مکتب محمدی بود که از آن دیار برخاست و قطب الدین لقب یافت او فرزند «هبة الله بن حسین بن هبة الله بن حسن راوندی» بود. پدر و جد قطب الدین، از عالمان و برجستگان آن دیار بوده‌اند. فرزانه برومند راوند، علاوه بر پدر، از محضر بزرگان دیگری استفاده کرده است. قطب الدین خوشی چین خرم خارم عالمانی است که ثمره اندیشه شان قرنها متمادی مشام انسانها را معطر ساخته است. افکار بزرگ شخصیت‌هایی چون شیخ صدوق رحمه الله، سید مرتضی رحمه الله و شیخ طوسی رحمه الله، در اندیشه و تفکر او جای پیدا کرده‌اند. بنابر آنچه در ریاض العلماء آمده است، قطب الدین رحمه الله روایاتی از بزرگان حدیث در شهرهای اصفهان، خراسان و همدان شنیده و نقل کرده است و از این روزنه می‌توان به مسافرت‌های علمی او به شهرهای مختلف پی برد. چنانکه قرار داشتن قبر شریف او در شهر قم، دلیلی بر استفاده او از محضر استادان آن دیار است. برخی از استادان او عبارت اند از: ابو جعفر محمد بن علی بن محسن حلبي، ابوالحسن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی نیشابوری، سید ابوالبرکات محمد بن اسماعیل مشهدی و صفو الدین مرتضی بن داعی بن قاسم که اکثر بزرگان و اندیشه و روان آن عصر در زمرة استادان وی می‌باشند. قطب راوندی رحمه الله خود به قرآن عشق می‌ورزید و در راه نشر معارف آن پر تلاش بود اما تأثیر نفس قدسی استادش طبرسی بزرگ رحمه الله، در اندیشه و آثار گران سینگ او نقش بسزایی داشت. راوندی رحمه الله دانشمند بزرگ و وارسته قرن ششم از چهره‌های درخشانی است که فرزانگان بسیاری از محضر نورانی اش به فیض رسیده و دانش اندوخته و خود نیز شمع فروزان محافل علمی گردیده‌اند. از میان انبیه جویندگان علم که از خرم فضل راوندی رحمه الله خوشه چینی کرده‌اند نام فرزندان وی درخششی ویژه دارد. او نه تنها در مسجد و منزل و مکتب بلکه در سفر و حضر، به -

است.

قرن هفتم:

۴- شیخ محمدبن جعفر رحمه الله (ابن مشهدی) در مزار کبیر ۳۰۴.۳۰۳

۵- سید رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله (م ۶۶۴) در کتاب مصباح الزائر ۳۰۵.

۶- سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمه الله (۶۴۸-۶۹۳) در کتاب

۴۲۹ ص:

فرحة الغری چاپ نجف، ص ۹۶-۹۸ صدر روایت صفوان جمال در زیارت عاشورا را آورده است.

۴۳۰ ص:

۱) (۳۰۲) - روایت او در شفاء الصدور، ص ۳۸-۴۰، چاپ قدیم (ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۴، چاپ حروفی قم) آمده است.

(۲) (۳۰۳) شیخ سعید ابو عبدالله، محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری؛ معروف به محمد بن مشهدی وابن مشهدی از اجلاء علمای سلف می‌باشد و اصحاب به کتب او اعتماد کرده‌اند و عمدۀ ادعیه و زیارات، از کتب ایشان اخذ شده است ولیکن به دلیل آنکه کتب ایشان رحمه الله کم منتشر گردیده از این رو اسمشان مجهول مانده است. و علمای بزرگ از جمله محدث حر عاملی می‌گوید: شیخ محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله فاضل محدث و صدوق و برایشان کتب متعددی است و شیخ شهید محمد بن مکی رحمه الله در اجازه‌اش به شمس الدین شیخ سعید ابی عبدالله محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله می‌نویسد که روایت کرده از بن مشهدی رحمه الله به واسطه تمام کتب و روایاتش و این خود دال بر آن است که بن مشهدی مرتبه والایی داشته است.

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب شریف «بحار الانوار» از کتاب کبیر «فی الزیارات» بن مشهدی رحمه الله تقل می‌کند و سید بن طاووس رحمه الله در کتاب شریف «مصباح الزائر» خود از بن مشهدی رحمه الله تقل می‌کند و شیخ منتجب الدین رحمه الله در کتاب فهرست خود می‌گوید، سید ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی رحمه الله فقیه محدث است.

کتاب مزار ابن مشهدی رحمه الله از کتبی است که علمای بزرگ از جمله سید رضی الدین علی بن موسی رحمه الله در «مصباح الزائر» و سید عبدالکریم ابن طاووس رحمه الله در «فرحة الغری» و علامه مجلسی رحمه الله اعتماد نموده‌اند.

۳۰۴- تبریزی، جواد، زیارت عاشورا فراتر از شبیه، ۱ جلد، دار الصدیقة الشهيدة (سلام الله علیها) - قم - ایران، چاپ: ۱۳۸۹، نش.

۳۰۵- شفاء الصدور، ۳۵ و ۴۸ چاپ قدیم (ج ۱، ص ۹۶ و ۱۱۷ جدید) و الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۱۹؛ شرح حال این بزرگوار در صفحه ۱۴۰ گذشت.

۳۰۶- سید جمال الدین، احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس حسینی حلی رحمه الله از علمای بزرگ قرن هفتم هجری است. آشناترین سخن در نسب سید جمال الدین، احمد بن موسی بن

قرن هشتم:

۷- آیت اللہ علامه حلی رحمه اللہ (م ۷۲۶) که بنا به نقل شفاء الصدور (چاپ قدیم، و ج ۱، ص ۸۵ جدید)- زیارت عاشورا را در کتاب منهاج الصلاح فی اختصار المصباح روایت کرده است ۳۰۷.

ص: ۴۳۱

۸- شیخ شمس الدین محمدبن مکّی، شهید اول ۳۰۸ (سال شهادت ۷۸۶). به نوشته شفاء الصدور، ص ۳۲ (چاپ قدیم، و ج ۱، ص ۸۶ چاپ جدید)، زیارت عاشورا را در کتاب المزار خود روایت کرده است.

قرن نهم:

۹- شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی کفعی (م ۹۰۵) در جنّة الواقعیة، زیارت را روایت کرده است. (به نقل از شفاء الصدور، ص ۳۴، چاپ قدیم و ج ۱، ص ۹۲ چاپ جدید).

قرن دوازدهم:

۱۰- علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰) روایت زیارت عاشورا را در سه کتاب خود آورده است:

الف- بحار الانوار، ج ۱۰۱، چاپ اسلامیه، ص ۳۰۳-۲۹۰؛ و ج ۸ چاپ سنگی قدیم تبریز، ص ۲۴۱ (چاپ کمپانی، ص ۲۵۱).

ب- زاد المعاد، ص ۲۵۲-۴۵۳.

ج- تحفۃ الرائیر، باب هشتم، ص ۲۱۱-۲۱۷.

۱۱- سید علی بن عبدالکریم (یا سید علی بن عبدالحمید) نجفی ۳۱۱

ص: ۴۳۲

در کتاب ایضاح اهل الصلاح فی شرح مختصر المصباح (که آغاز تألیف آن سال ۷۸۴ هجری است) در ضمن شرح المصباح صغیر، شرح زیارت

(۱) (۳۰۷)- نسخ خطی متعددی از این کتاب در دست است، از جمله دو نسخه که در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۲۹۶ و ج ۶، ص ۲۹۸ معرفی شده است. شرح حال این بزرگوار در صفحه ... گذشت.

(۲) (۳۰۸)- شرح حال این بزرگوار در صفحه ۱۶۲ گذشت.

(۳) (۳۰۹)- شرح حال این بزرگوار در صفحه ۱۶۶ گذشت.

(۴) (۳۱۰)- شرح حال این بزرگوار در صفحه ۱۷۶ گذشت.

(۵) (۳۱۱). علی بن عبد الحمید رحمه اللہ نوہ سید فخار یعنی (سید شمس الدین، فخار بن معبد موسوی، از.

عاشورا را آورده است.

- ۱۲- سید حسین بن ابی القاسم جعفر خوانساری (م ۱۱۹۱)، رساله‌ای در شرح زیارت عاشورا نوشته، که مرحوم سید احمد روضاتی در مقدمه کتاب «مناهج المعارف» ضمن آثار ایشان نام می‌برد.

قرن سیزدهم:

- ۱۴- محدث خبیر، سید عبدالله شبّر (م ۱۲۴۲) در کتاب «مصالح الانوار فی حل مشکلات الاخبار»، ج ۲، ص ۳۴۱-۳۴۲، زیارت را روایت کرده و شرحی درباره فقره «لعن الله امة اسرحت والجمت وتهیأت وتنقبت لقتالک» آورده است.

- ۱۵- مرحوم سید حیدر کاظمی (م ۱۲۰۵-۱۲۶۵) در کتاب «عمدة الزائر» ص ۱۴۵-۱۴۶ متن زیارت عاشورا را روایت کرده است. شرح حال و مقامات علمی ایشان در کتاب «احسن الوديعة» ج ۱، ص ۲۹-۲۱ آمده است. وی در کتاب «انیس الزائرين» (نسخه خطی شماره ۳۳۲۱ کتابخانه آستان قدس رضوی) نیز زیارت عاشورا را آورده است.

ص: ۴۳۴

- ۱۶- مرحوم میرزا محمدعلی شهرستانی (م حدود ۱۲۹۰) شرحی به زیارت نوشته است.

- ۱۷- مرحوم سید اسد الله شفتی (م ۱۲۹۰) مانند پدرشان، شرحی بر زیارت نوشته است.

قرن چهاردهم:

- ۱۸- مرحوم شیخ جعفر شوشتاری (م ۱۳۰۳) در کتاب «الخصائص الحسينية» (چاپ حروفی نجف، ص ۱۷۳-۱۷۵) و نیز در رساله فتواییه «منهج الرشاد» مطالبی درباره زیارت عاشورا دارد.

- ۱۹- مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی (م ۱۳۰۹) بیاناتی در کیفیت زیارت عاشورا دارد که در «تذكرة الزائرين» سید حسین ساروی طباطبائی نقل شده است.

- ۲۰- مرحوم میرزا حبیب الله رشتی (م ۱۲۳۴-۱۳۱۲) نیز مطالبی در کیفیت زیارت دارد، که در «تذكرة الزائرين» آمده است.

- ۲۱- مرحوم شیخ ابوالمعالی کرباسی - یا کلباسی (م ۱۲۴۷-۱۳۱۵) رساله‌ای در کیفیت زیارت عاشورا دارند.

- ۲۲- مرحوم شیخ علی بن محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی (م ۱۳۱۵) مانند پدر بزرگوارش سه رساله در زیارت عاشورا نوشته است.

- ۲۳- مرحوم مولی محمد اشرفی مازندرانی (م ۱۳۱۵) رساله‌ای در

ص: ۴۳۵

کیفیت زیارت عاشورا دارند.

۲۴- مرحوم حاج میرزا ابوالفضل طهرانی (م ۱۳۱۶) کتاب «شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور» را نوشته که شرح زیارت عاشورا است.

۲۵- مرحوم مولی فتح اللہ شیخ الشریعہ اصفهانی (م ۱۳۳۹) مطالبی در کیفیت زیارت عاشورا دارد، که در «تذکرة الزائرين» آمده است.

۲۶- مرحوم مولی حبیب اللہ شریف کاشانی (۱۲۶۲- ۱۳۴۰) شرحی بر زیارت عاشورا دارد، که منتشر شده است.

۲۷- مرحوم سید حسن طباطبائی ساروی (م حدود ۱۳۵۱) درباره زیارت عاشورا دو رساله نوشت، که در فصل سوم معرفی شده‌اند. یکی از این رساله‌ها، (رساله تذکرة الزائرين مختصر یا صداق الحور فی شرح زیارة العاشور) در همان فصل به چاپ رسیده است.

۲۸- مرحوم شیخ عبدالکریم حائری بزدی (۱۲۷۶- ۱۳۵۵)، که طریقه ایشان در خواندن زیارت عاشورا، در کتاب «المصباح و النور» توتونجی، ص ۷، و نیز در حاشیه مفاتیح الجنان (ج ۱، چاپ جدید شفاء الصدور به نقل از آن) ذکر شده است.

۲۹- مرحوم حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹) در سه کتاب خود، درباره زیارت عاشورا مطالبی بیان داشته است:

الف- مفاتیح الجنان، در قسمت زیارات مخصوصه ابا عبدالله الحسین علیه السلام.

صف: ۴۳۶

ب- هدیة الزائر، باب چهارم، ص ۱۳۳ - ۱۴۹.

ج- سفينة البحار، ج ۲، ص ۶۰۷ - ۶۰۸ ماده «نقب»، در توضیح عبارت «تنقیت لقتالک».

۳۰- مرحوم شیخ عباس حائری تهرانی (م ۱۳۶۰) شرحی بر زیارت عاشورا نوشتهداند.

۳۱- مرحوم سید محسن امین جبل عاملی صاحب «اعیان الشیعه» (م ۱۳۷۱) در کتاب «مفتاح الجنات»- شامل ادعیه و زیارات و مستحبات- زیارت عاشورا را آوردده است. (ج ۲، ص ۳۵۵)

۳۲- مرحوم شیخ محمد رضا افضل العصر تهرانی (م ۱۳۷۲) در رساله «هزار مسأله» (چاپ سنگی تهران ۱۳۴۷ قمری، ص ۷۰ - ۷۱ مسأله ۴۵۰ و ۴۵۱) درباره کیفیت زیارت سخن گفته است.

۳۳- مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۵- ۱۳۷۳) در کتاب «الفردوس الاعلی» (مجموعه مقالات و بیانات متفرقه ایشان، که توسط مرحوم شهید سعید محمد علی قاضی طباطبائی گردآوری شده) درباره زیارت عاشورا بیاناتی ایراد کرده است. (الفردوس الاعلی، ص ۲۲ - ۲۶)

۳۴- مرحوم شیخ عبد النبی نجفی عراقی (۱۳۰۸ - ۱۳۸۷) رساله‌ای درباره زیارت عاشورا دارد. وی از تلامذه بزرگانی همچون شیخ الشریعه اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ علی قوچانی، شیخ مهدی مازندرانی و میرزای نائینی بوده است.

۳۵- مرحوم شیخ عبدالحسین امینی صاحب الغدیر (م ۱۳۹۰) در

ص: ۴۳۷

کتاب «ادب الزائر» کلام مولی شریف شیروانی صاحب کتاب «الصدق المشحون» درباره کیفیت زیارت را نقل کرده است. کلام مرحوم شیروانی در حاشیه ۱۱۰ - ۱۱۱ چاپ جدید شفاء الصدور و ۲۶۴ - ۲۶۷ کتاب اللؤل التضید شبستری نیز نقل شده است.

۳۶- محدث بزرگ مرحوم حاج میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰) در چندین موضع از کتاب نفیس مستدرک الوسائل به روایت زیارت عاشورا اشاره می‌کند. از جمله: کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۴۱، ح ۶، طبع جدید، ج ۱۰، ص ۲۹۳ - ۲۶۷ باب ۴۹، ح ۸ و ۹؛ ج ۱۰، ص ۳۱۵ - ۳۱۷ باب ۸۶، ح ۱۶، ج ۱۰، ص ۴۱۲ - ۴۱۶. در اینجا متن زیارتی را که «زیارت عاشورای غیر معروفه» نامیده می‌شود، با اسناد آن آورده است.

۳۷- صاحب حدائق شیخ یوسف بحرانی درباره زیارت عاشورا بحث کرده است. (کنز مخفی، ص ۳)

۳۸- فاضل محقق سیزوواری در کتاب مفاتیح الجناء (که به تعبیر محدث نوری، از کتب نفیسه ادعیه است). درباره کیفیت زیارت عاشورا سخن گفته است. (سلامة المرصاد، محدث نوری، چاپ سنگی ۱۳۰۹ تبریز، ص ۳۳ - ۳۴)

۳۹- سید مهدی بحرانی (م ۱۳۴۳) دو رساله درباره زیارت عاشورا نوشته است: «الصرخة المهدوية الكبرى» و خلاصه آن به نام «الصرخة المهدوية الصغری».

۴۰- مرحوم شیخ محمد باقر فقیه ایمانی (متوفی ۱۳۷۰ قمری)

ص: ۴۳۸

رساله‌ای تحت عنوان «رساله حول زیارة عاشوراء والبحث عن سنده و معناه» دارد، که فرزند دانشمندش در مقدمه کتاب دیگر او «مطلع الانوار فی ذکر الامام الغائب عن الا بصار» (چاپ اول، مطبوعه سعید، مشهد، ۱۴۱۲) در ضمن شرح حال ایشان، در زمرة آثار مخطوط، نام برده است.

۴۱- مرحوم مولی عبدالرحیم کرمانشاهی، رساله‌ای با عنوان «رساله حول زیارة عاشوراء» دارد، که در مقدمه کتاب «کشف الاسرار» ایشان (در شرح منظومه فقهی علامه بحر العلوم، که به اهتمام آیت الله جلیلی کرمانشاهی چاپ شده) ضمن شرح حال ایشان نام برده شده است.

۴۲- مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی (۱۲۳۶ - ۱۳۱۷) رساله‌ای درباره زیارت عاشورا دارد. وی از شاگردان فقهای بزرگی همچون صاحب جواهر، صاحب ضوابط و شیخ انصاری است. و مدفن او در تخت فولاد اصفهان قرار دارد. بنگرید: تذكرة القبور ملا عبدالکریم گزی اصفهانی، ص ۳۴ - ۳۶

۴۳- کتاب زیارت عاشوراء فوق الشبهات (عربی)، تأليف استاد الفقهاء والمجتهدين فقيه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سر، ۳۱۲۵، متوفای سال

۴۳۹ ص:

۱۴۲۷ هـ، ضمن اثبات اعتبار زیارت عاشوراء، از جوانب مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است. و اصل زیارت عاشوراء را با تصحیح کامل و تطبیق آن با نسخ قدیمی که زمان آنها به شیخ طوسی رحمة الله می‌رسد ذکر نموده‌اند. (محل دفن این عالم بزرگوار مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم می‌باشد). ۳۱۳.

۴۴۰ ص:

۴۴- آیت الله جعفر سبحانی در جزوہای تحت عنوان (سنده زیارت عاشوراء) به بررسی سنده زیارت عاشوراء برداخته‌اند. ۳۱۴

(۱) ۳۱۲- بعضی از مقلدین فقيه مقدس، مرحوم میرزا تبریزی قدس سره هر وقت به محضر این مرجع فقيه شرفیاب می‌شند، به رسم یادبود هدایایی ذی قیمت از قبل: عباہای فاخر، قبا و نعلین و ... خدمت ایشان اهداء می‌نمودند. اما مرحوم میرزا قدس سره با در نظر گرفتن عدم استطاعت عامه طلاق از خرید چنین متعاعی گران، با مانتان طبع از استفاده آن هدایا غمض عین نموده و به دیگران اعطای می‌کرد. و خود همان لباس‌های متعارف طلاق اکتفا می‌کردند، چنانکه همیشه از همان اشیای عادی؛ از جمله کفش پلاستیکی سیاه استفاده می‌کردند، نعلین معمولی به پا نموده و عباہی معمولاً ساده تهییه می‌کردند و بارها مشاهده می‌شد که قبای آقا کهنه و قسمتی از آن پاره است، اما آقا اصلاً اهمیت نمی‌دادند. وقتی می‌گفتیم: این قبا کهنه شده، مرحوم میرزا قدس سره می‌خندید و می‌فرمود: «مسئله‌ای نیست، می‌گذرد!» و این خصلت مرحوم میرزا قدس سره در قلب طلاق به خصوص طلاق جوان بسیار جای باز کرده بود و هیچ گاه مشاهد نشد مرحوم میرزا قدس سره در خصوص لباس‌های خود اهمیت بدھند؛ ولیکن در مورد نظافت بسیار مراقب بوده و لباس‌هایشان همیشه بسیار تمیز بود. هر چند گاهی مشاهده می‌شد که لباس ایشان کهنه است؛ اما در تمیز آن بسیار دقت نظر داشتند و اصلاً از لباس کهنه پوشیدن لذت می‌بردند و بارها مشاهده می‌شد که می‌فرمودند: «من طلبه معمولی هستم و دوست دارم طلبه باقی بمانم. عناوین دنیا نمی‌تواند مرا تغییر دهد.»

(۱) ۳۱۳- فقيه اهل بيت، میرزا جواد تبریزی قدس سره فانی در ولای اهل بيت عليهم السلام بودند؛ به نحوی که در هر جا که فقط کلمه «اهل بيت عليهم السلام» را می‌شنیدند، خود به خود چهره‌شان دگرگون می‌شد، آهی می‌کشیدند و اشک در چشم مبارکشان حلقه می‌زد. شاگردان مرحوم میرزا قدس سره بارها مشاهده می‌کردند هنگامی که مرحوم میرزا قدس سره در درس به روایتی می‌رسیدند که شمه‌ای از مظلومیت اهل بيت عليهم السلام در آن بود بغض گلوی ایشان را می‌گرفت و اشک در چشمشان حلقه می‌زد. گریه مرحوم میرزا قدس سره در مجالس روضه زباند بود، به طوری که هر بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داد. دفاع مرحوم میرزا قدس سره از شعائر و رد شبهات تا آنجا پیش رفت که در قرن خود تحومی عظیم ایجاد نمود. ایشان بارها می‌فرمودند: «وظیفه ماست که در مقابل شبهات ایستادگی نماییم.» مرحوم میرزا قدس سره در مجلس درس با مجالس استفتاء و یا در زمانی که با مردم یا شخصیت‌ها دیدار داشتند به صورت کتبی یا شفاهی، شبهه را شجاعانه مطرح و رد می‌کردند و با تمام قدرت در مقابل تشکیکات ایستادگی می‌نمودند، بارها مشاهده شد که می‌گفتند: «قلم و کاغذ بیاورید تا به وظیفه خود عمل کنم!» و فقط به خاطر حب و اخلاص به اهل بيت عليهم السلام بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌نوشتند، و با دفاعی عالمانه آتش فتنه را خاموش می‌کردند و دائمًا می‌فرمودند: ما موظفیم که در عصر غبیت به هر شکل ممکن از مبانی حقه دفاع کنیم و اجازه ندهیم عده‌ای با القای شبهات عوام از مؤمنین را فریب دهند و من تا زنده هستم اجازه نمی‌دهم عده‌ای بی سواد و سر سپرده، جوانان محب اهل بيت عليهم السلام را فریب دهند. اگر کسی کوتاهی کند فردای قیامت مسئول است و در آخرت حسرت خواهد خورد.

(۱) ۳۱۴- فقيه مقدس، میرزا تبریزی قدس سره دو دستمال سیاه داشتند که در ایام عزا با خود به مجالس روضه برده و هنگام ذکر مصیبت، اشک هایشان را با آن خشک می‌کردند و همواره از دستمال‌ها موازنی کرده و بعد از فراغت از مجالس، در جای خاص قرار می‌دادند و بارها به فرزندان خود می‌گفتند: «اگر من از دنیا رفتم، این دستمال‌ها را در کفن من قرار دهید.» بعدها رحلت ایشان، فرزندانشان قبل از تکفین، هر چه جستجو کردند، دستمال‌ها را پیدا

ص: ۴۴۱

۴۵- حجت الاسلام والملیمین سید یاسین موسوی، در کتابی به بررسی سند زیارت عاشورا و ذکر بعضی از فضائل زیارت عاشورا پرداخته‌اند.

۴۶- کتاب بررسی سند زیارت عاشورا، مؤلف جعفر تبریزی، فرزند فقیه مقدس راحل میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌باشد. کتاب شامل ذکر فضیلت زیارت سیدالشهداء علیه السلام، بررسی سند و اثبات اعتبار زیارت عاشورا می‌باشد.

ص: ۴۴۳

توجه علمای بزرگ شیعه به زیارت عاشورا

ص: ۴۴۵

توجه علمای بزرگ به زیارت عاشورا

وحید بهبهانی رحمه الله

«معروف است که آقا محمد باقر معروف به وحید بهبهانی، زمانی که برای زیارت به حرم سیدالشهدا مشرف می‌شد، اول آستان کفش کن آن جناب را می‌بوسید و روی مبارک و محاسن شریف خود را بدان می‌مالید پس از آن، با خضوع و خشوع و رقت قلب به اندرون حرم مشرف می‌شد و زیارت می‌کرد و در مصیبت امام حسین علیه السلام کمال احترام را مراعات می‌فرمود». ۳۱۵ حکم به خواندن زیارت عاشورا

نکردن تا آنکه نوبت به کفن کردن مرحوم میرزا قدس سره رسید. همین که کفن را باز کردند، ناگهان مشاهده شد دستمال‌ها در کفن است و معلوم شد که مرحوم میرزا قدس سره قبل از رفتن به بیمارستان (که آخرین بستری ایشان بود و در همان بیمارستان از دنیا رفتند) دستمال‌ها را در کفن خود قرار داده‌اند. یکی از دستمال‌ها را در دست راست مرحوم میرزا قدس سره و دیگری را بر سینه مبارکشان قرار دادند و دستمالی که مرحوم میرزا قدس سره سال‌ها اشک‌هایشان را با آن پاک می‌کردند، و بارها می‌گفتند اگر چیزی داشته باشم که در آخرت به درد من بخورد، همین دو دستمال است که سال‌ها به عشق اهل بیت علیهم السلام اشک ریخته‌ام، همراه ایشان به خاک سپرده شد تا به گفته مرحوم میرزا قدس سره، این دستمال‌ها شاهد و فریادرسی در قبر و قیامت باشد؛ زیرا که ایشان سال‌های متمادی با این دستمال چشمان پر اشک خود در مصائب اهل بیت علیهم السلام را پاک می‌کردند و معتقد بودند که این دستمال‌ها دادرس ایشان خواهند بود و بدین وسیله پیامی به همه دادند که باید در دنیا تا می‌توان بر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ابراز احساسات کرد تا این عرض ارادت‌ها فریادرسی باشد در قبر و قیامت.

۳۱۵(۱)- قصص العلماء، ص ۲۰۲

آقای حاج سید احمد زنجانی رحمة الله در کتاب الكلام یجر الكلام از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمة الله نقل نموده است اشاره کرد که فرمود: من و آقای آقا میرزا علی آقا رحمة الله - آقا زاده میرزای شیرازی رحمة الله - و آقا سید محمود سنگلچی رحمة الله در سامرای شیعی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی رحمة الله درس می خواندیم. در اثنای درس، استاد بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد

ص: ۴۴۶

فشارکی رحمة الله ۳۱۶ تشریف آوردن، در حالی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره‌اش بینا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز وبا در عراق (سامرا) ایشان را این گونه منقلب کرده است. فرمود: شما مرا مجتهد می دانید؟

عرض کردیم: بلی، فرمود: عادل می دانید؟ عرض کردیم: بلی! فرمود:

من به تمام زن و مرد شیعه سامرای حکم می کنم که هر یک از ایشان یک مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والده ماجده امام زمان علیه السلام بخوانند، و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرای را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه ۳۱۷ حکم صادر گردید، تمام

ص: ۴۴۷

شیعیان مقیم سامرای رحمة الله اطاعت کرده و زیارت عاشورا، را طبق همان دستور خواندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، یک نفر شیعه سامرای تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند. ۳۱۸.

(۱) ۳۱۶ - آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی رحمة الله اصفهانی؛ در سال ۱۲۵۳ قمری (۱۲۱۴ شمسی) در منطقه فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن ۱۱ سالگی به عراق رفت، و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به «کبیر» بر عهده گرفت. و برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر مانند آیت الله فاضل اردکانی رحمة الله و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد رحمة الله گذراند. در سال ۱۲۸۶ قمری، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی رحمة الله تلمذ کرد و در سال ۱۲۹۱ به همراه آیت الله شیرازی رحمة الله به سامرای رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی رحمة الله مجدداً در سال ۱۳۱۲ هجری قمری به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می فرماید: در مسجد هندی در نجف،

(۲) ۳۱۷ کرسی تدریس داشت، که حدود ۳۰۰ شاگرد در درس او حاضر می شدند. شیخ عباس قمی رحمة الله در «فواید الرضویه» می فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی رحمة الله در شعبان ۱۳۱۲ وفات کرد بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزا است، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می دانم که شایسته این کار نیستم؛ زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد، و من در این امور وسوس خاصی دارم، و من به غیر از تدریس به کاری نباید مشغول شوم. ایشان اشاره کرد که به سراغ مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی رحمة الله بروند که این یکی از دلایل بلندی همت، پاکی نفس و اخلاص قلب این بزرگوار بوده است. حاج میرزا محمد حسین نائینی رحمة الله، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمة الله، آقا شیخ محمد رضا نجفی رحمة الله، حاج شیخ محمد حسین طبسی رحمة الله و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی رحمة الله از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. از آثار وی، اصاله البرائة، الاغسال، الفروع المحمدية، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره، شرح اولیل رساله البرائه شیخ انصاری، رساله‌ای در خلل نماز می باشد. وفات وی را در ۱۳۱۶ قمری (۱۲۷۷ شمسی) دانسته‌اند. محل دفن وی یکی از حجرات صحن مقدس علوی است.

(۱) ۳۱۸ - الكلام یجر الكلام، ج ۱، ص ۵۴-۵۵

لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجه عامه بود که باعث شد عده‌ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند.^{۳۱۹}

ص: ۴۴۸

شیخ مرتضی انصاری رحمه الله

در شرح احوال شیخ مرتضی انصاری رحمه الله، نواده شیخ انصاری آورده‌اند که: «از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که در هر روز، دو بار صبح و عصر آن را می‌خواند و بر آن بسیار مواظبت می‌نمود. بعد از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید، در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، عاشورا».^{۳۲۰}

میرزا محدثی رحمه الله

فقیه زاهد عادل، مرحوم شیخ جواد عرب - که مرجع تقلید گروهی از شیعیان عراق بوده - در شب ۲۶ ماه صفر ۱۳۳۶ هـ در نجف اشرف در خواب، حضرت عزرائیل (سلام الله عليه) را می‌بیند. پس از سلام از او می‌پرسد: از کجا می‌آیی؟

- از شیراز، و روح میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم.

- روح او در عالم برزخ در چه حالی است؟

- در بهترین حالات و در بهترین باغهای برزخ و خداوند هزار ملک موکل او کرده است که فرمان او را می‌برند.

- برای چه عملی از اعمال به چنین مقامی رسیده است؟

- برای خواندن زیارت عاشورا.

(مرحوم میرزا محدثی سی سال آخر عمرش، زیارت عاشورا را

ص: ۴۴۹

ترک نکرد و هر روز که به سبب بیماری یا امری دیگر نمی‌توانست زیارت عاشورا بخواند، نایب می‌گرفت).

(۲) - فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره می‌فرمودند: هر هفته عده‌ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب‌های جمعه برای زیارت سالار شهیدان علیه السلام از نجف به کربلا می‌رفتند و من هم توفيق داشتم که یکی از آنان باشم، و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می‌کردم، و موفق می‌شدم که در کنار قبر مطهر و روبروی ضریح آن امام مظلوم علیه السلام زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین علیه السلام مدد می‌جستم. در این جهت مولی علیه السلام عنایت فراوانی به من کرد، و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می‌شد. زیارت عاشورا مجرّب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توسلات بوده که از جمله آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل‌انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالى.

(۱) - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۳۷۷.^{۳۲۰}

وقتی که آن مرحوم از خواب بیدار می‌شود، فردای آن شب به منزل آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) می‌رود و چون خواب خود را برای میرزا نقل می‌کند، ایشان می‌گریند. سبب گریه را می‌پرسند، می‌فرماید: میرزای محلاتی از دنیا رفت و استوانه فقهه بود.

گفتند: شیخ خواہی دیده و واقعیت آن معلوم نیست. میرزا می‌فرماید:

بلی، خواب است؛ اما خواب شیخ مشکور است نه خواب افراد.

فردای آن روز، تلگراف درگذشت میرزای محلاتی از شیراز به نجف مخابره شد و صدق روایی شیخ آشکار گشت.^{۳۲۱}

عاشرها عاشورا عاشورا

مرحوم محدث نوری رحمه الله در کتاب نجم الثاقب از سید احمد فرزند سید هاشم رشتی رحمه الله، تاجر ساکن رشت، نقل می‌کند که گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادای حج و زیارت خانه خدا از رشت به تبریز آمد، آنجا در خانه یکی از تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود متوجه بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلودار کاروان و از شهر سده اصفهان بود، مال التجارهای برداشت، و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

ص: ۴۵۰

در یکی از منازل ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلودار، نزد ما آمد، که این منزلی که در پیش داریم مخفوف است، قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده حرکت کردیم. به اندازه نیم یا سه ربع فرسنخ از منزل دور شده بودیم، که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر یک از رفقا سر خود را پوشانده و تن راندند. هرچه کردم به آنها برسم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفته و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده شده و در کنار راه نشستم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم مضطرب گشته، و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند، و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیاهم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باغی دیدم، که در آن، باغبانی بیل به دست گرفته بر درختان می‌زد تا برف آنها بزیزد. مرد پیش من آمد و در فاصله کمی ایستاد، فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته‌اند و تنها در این بیابان مانده‌ام و راه را هم نمی‌دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغ از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی‌دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی‌دانستم - و الان هم از حفظ ندارم - اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود:

ص: ۴۵۱

(۱) ۳۲۱ - داستان‌های شگفت، شهید دستغیب، ص ۲۷۳ و ۲۷۴

نرفتی؟ بی اختیار گریهایم گرفت، و گفتم: راه را نمی‌دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی‌دانستم - و تا کنون هم حفظ نیستم - اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتی. تا صبح شد، فرمود: من حالا تو را به کاروان می‌رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی‌خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی‌خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

در همان حال به من فرمود: اینها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و برای نماز صبح مشغول وضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه کسی بود که به زبان فارسی حرف می‌زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی غالباً جز عیسیوی در آن حدود یافت نمی‌شد، چگونه

ص: ۴۵۲

مرا با این سرعت به رفقایم رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدي را ندیده، و اثري از او نیافتم و آنگاه به رفقای خود ملحق شدم. ۳۲۲ اگر نبود «الفین و زیارت عاشورا!»

فرزند مرحوم علامه حلی رحمه الله، علامه را در خواب دید و از احوال آخرت از او سؤال کرد، جواب فرمود: «لولا الانفين و زیارة الحسين لاهلکتنی الفتاوی».

يعنى اگر نبود کتاب الفین و زیارت امام حسین علیه السلام، فتواهای من، مرا هلاک می‌کرد.

آن مرحوم، مداومت به زیارت امام حسین علیه السلام داشته و در کتاب «الفین» دو هزار دلیل و برهان برای حقانیت و تقدم و افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام بر سایرین و بطلان خلافت دیگران اقامه نموده است. ۳۲۳

مرحوم کمپانی رحمه الله

(۱) ۳۲۲- نجم الثاقب، ص ۶۰۱-۶۰۲، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی رحمه الله، بعد از زیارت جامعه کبیره حکایت سید رشتی.

(۲) ۳۲۳- روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۸۲

تقل است که مرحوم کمپانی با خود قرار گذاشته بود که هر روز زیارت عاشورا را بخواند و سایر کارهایش؛ مانند تدریس و تقریر بحث‌ها و تهجد و نمازهای نافله و... را نیز انجام دهد؛ حتی از درگاه خداوند خواسته بود در روزی که مقدر است روز آخر عمرش باشد،

ص: ۴۵۳

خواندن زیارت عاشورایش ترک نشود؛ آن را بخواند، بعد فوت کند تا بالاخره روز آخر عمرش فرا رسید، زیارت عاشورا را خواند و شیش فوت کرد ۲۲۴.

میرزا جواد تبریزی قدس سره و زیارت عاشورا

حجت الاسلام، شیخ غلامرضا توکلی می‌گوید: روزی خانمی از تهران تماس گرفته و اصرار می‌کرد که با مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره صحبت نماید، به ایشان گفت: میرزا قدس سره فعلاً مکالمه‌ی تلفنی ندارند، اگر مطلبی دارید بفرمایید که به آقا برسانم. آن خانم گفت: جهت گرفتاری که داشتم زیاد به مسجد جمکران می‌رفتم چهل شب تمام شد اما مشکلم حل نشد، تا اینکه شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر علیه السلام در مکانی حضور دارند. (بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت علیه السلام به آن مکان رفتم اما کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت علیه السلام برسم با این حال دیدم که مردم دور یک پیرمرد روحانی را گرفته‌اند و مسائلی را با او مطرح می‌کنند، به من گفتند که مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم اما قبل از آنکه مسئله‌ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم، اسم او را سؤال نمودم، گفتند: میرزا جواد تبریزی است. من مشکل خود را به ایشان گفتم، ایشان جوابی داده و دستوری فرمودند،

ص: ۴۵۴

اما بعد از بلند شدن از خواب جواب را فراموش نمودم و بسیار ناراحت شدم. از بعضی از روحانیون تهران سؤال کردم، شما شخصی به نام جواد تبریزی می‌شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقلید در قم می‌باشند. شماره‌ی دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می‌خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگویید شما چه می‌فرمایید. شیخ توکلی می‌گوید:

خدمت آقا آدم و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا قدس سره بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد، فرمودند: به آن خانم بگویید زیارت عاشورا بخواند مشکلش ان شاء الله حل خواهد شد.

ص: ۴۵۵

استفتائات و سیره میرزا تبریزی قدس سره در خصوص زیارت عاشورا

۱(۲۲۴). شرح احوال فقیه راحل شیخ ارکی، ص ۶۱۴.

بعضی در خصوص زیارت عاشورا تشکیک راه می‌اندازد و می‌گویند در زیارت لعن نبوده است؟

بسمه تعالیٰ: زیارت عاشورا از زیارات معتبره و مجرب می‌باشد، زیارت عاشورا را شیخ طوسی رحمة الله در مصباح المتهجد صغیر و کبیر نقل کرده است (به همین شکل موجود در مفاتیح الجنان نیز نقل شده است). نسخ خطی فراوانی وجود دارد که از سه حال خارج نیست؛ یا تمام زیارت به شکل موجود در مفاتیح الجنان نقل شده است و یا اینکه قسمت لعن، به دلیل تقیه حذف شده است که محل حذف در نسخ خطی مشهود می‌باشد و به دلیل فشار بر تشیع، حفظ تقیه و تسهیل در رد و بدل نمودن آن، فرازهای لعن را حذف کرده‌اند و یا آنکه در بعضی از نسخ کپی شده، قسمت لعن در حاشیه ذکر شده که به دلیل تقیه ابتدا در نسخه ذکر نشده بود، ولیکن بعد از آنکه نسخه به شخصی خاص تعلق گرفته یا تشدید بر تشیع کمی برطرف شده است، آن را در حاشیه ذکر کرده‌اند تا مطابق با نسخه اصلی شود. در خصوص زیارت عاشورای موجود، با تمام فرازهایی که در مفاتیح الجنان ذکر شده است، شبهه‌ای وجود ندارد و معتبر می‌باشد.

در خصوص زیارات معروف از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه و ...

بعضی از افراد تشکیکاتی راه می‌اندازند و می‌گویند: سند این زیارات معلوم نمی‌باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهّمات به خصوص در نسل جوان می‌شود.

مضمون زیارات معروف، در بعضی از روایات وارد شده است و با مراجعته به روایات، مضامین فقراتی از ادعیه‌ی شریفه موجود می‌باشد و همچنین این زیارات مجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجه‌ی عالی رسیدند و این گونه ادعیه که مضامین آن در روایات وارد شده، مجرّب است، نیاز به سند ندارد و هر کس آنها را بخواند، خداوند متعال ضمن قبول این عمل، به آنها پاداشی خواهد داد)

ان شاء الله تعالى

) و مسئله‌ی تشکیک از ابتدا از بعضی افراد بی اطلاع و منحرف سر می‌زده و می‌زند و نباید به گفتار آنان گوش داد. بعضی از لذت عبادت دور هستند و فکر می‌کنند با مطرح کردن این مسائل می‌توانند دنیای خود را آباد کنند. حال آنکه این حرف‌ها ضمن قطع توفیق الهی، عاقبت خوشی برای این گونه افراد نخواهد داشت.

خداؤند به همه‌ی ما توفیق دهد که با وسیله بردن (

وابتغوا إليه الوسيلة ...

) به درگاه خداوند متعال، به خواندن این ادعیه موفق شویم.

شما در خصوص سؤالات زیر، چه می‌فرمایید؟

۱. کسی که می‌گوید زیارت عاشورای اصلی این نیست؛ بلکه این زیارت تحریف شده است!

۲. ما بر علما اشکال کردیم، به ما جواب درست ندادند!

۳. و در ملأ عام، حتی در نماز جمعه این اشکالات را مطرح می‌کند!

۴. می‌توان به آنها خمس داد؟!

۵. آیا خواندن نماز پشت سر آنها جایز است؟

بسمه تعالیٰ:

۱. هیچ گونه تزویری در زیارت عاشورا نیست و فقط بین نسخ اختلاف وجود دارد که به آن تزویر نمی‌گویند؛ بلکه اختلاف نسخ به دلیل تقیه اتفاق افتاده است و نسخی که در نزد ما است شامل تمام فقرات زیارت عاشورا، به شکلی که در مفاتیح الجنان است، می‌باشد و طبق اجازات موجود در بعضی نسخ، نسخه‌ی موجود به زمان شیخ طوسی رحمه الله می‌رسد و تمام فقرات دعا در آن وجود دارد.

۲. علماء و بزرگان جواب مسئله را مناسب با مقام می‌گویند.

۳. حاضر شدن و گوش دادن به خطبه‌ی این شخص جایز نیست.

۴. دادن وجوه به این شخص جایز نیست.

۵. نماز پشت سر این شخص جایز نمی‌باشد.

والله الہادی الی سوا السبیل.

ص: ۴۶۰

از شما کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق الشبهات صادر شد و بسیار مفید بود، نظر نهایی شما در خصوص زیارت عاشورا چیست؟

بسمه تعالیٰ: همان گونه که در کتاب به آن تأکید کردیم، زیارت عاشورا از حیث سند صحیح است. بعضی از نسخ مصباح المتهجد که به شکل نسخه‌ی خطی می‌باشد در دسترس است و بعضی از این نسخه‌ها با توجه به اجازات موجود بر آن، تاریخش به زمان شیخ طوسی رحمه الله می‌رسد و علمای بزرگ طایفه، این زیارت را با تمام فرازهای آن ذکر کرده‌اند، از جمله محمد بن مشهدی رحمه الله در مزار، ابن طاووس رحمه الله در مصباح و شهید اول رحمه الله در مزارش و ...

زیارت عاشورا مجدد است و علمای بسیاری به برکت این زیارت شریف، توفیقاتی کسب کرده‌اند و همین شهرت زیارت، در اثبات آن کافی است و مؤمنین در آن زمان تقیه، با آن مشکلات موجود به روش‌های مختلف از ادعیه حفاظت کرده‌اند تا به دست ما برسد و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، از حیث سند معترض می‌باشد و جای هیچ شباهی در آن نیست و خواندن آن اجر و ثوابی دارد که اهلش آن را درک می‌کنند.

آیا زیارت عاشورا معتبر است؟

بسمه تعالیٰ: زیارت عاشورا از زیارات معتبره می‌باشد و این زیارت مبارکه در کتب متعدد علمای ابرار ذکر شده است و مضمونش صحیح می‌باشد، زیارت عاشورا مجرب است و خداوند به همه توفیق خواندن آن را عنایت فرماید. به وسوسه‌ای افرادی که از علم حظی نبرده‌اند گوش ندهید و هر آنچه را که در راه زنده نگاه داشتن مصائب اهل بیت علیهم السلام انجام می‌دهید، مأجور هستید و زیارت عاشورا بیان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و عمق فاجعه‌ی کربلا و موارد ظلم به اهل بیت علیهم السلام است، بخوانید که ان شاء الله فردای قیامت ذخیره‌ی خوبی خواهد داشت، موفق باشید.

در زیارت عاشورا آمده:

«إنّ هذا يوم تبرکت به بنو امية ...»

«، در حالی که زیارت عاشورا در طول سال خوانده می‌شود، آیا می‌توان عبارت را تغییر داد؟

بسمه تعالیٰ: کلمه‌ی «هذا» به روز عاشورا اشاره دارد؛ یعنی به درستی که روز عاشورا؛ و از این رو در طول سال، چه شب و چه روز خوانده می‌شود.

آیا روایت وارده در خصوص زیارت عاشورا از امام باقر علیه السلام صحیح است و آیا می‌توان بر آن اعتماد کرد؟

بسمه تعالیٰ: زیارت عاشورا از زیاراتی است که علمای بزرگ آن را می‌خوانند و این زیارت نزد شیعه مشهور است و قرائت آن موجب ثواب می‌باشد و همان گونه که در روایت وارده آمده، قابل اعتماد است، از جهت سند صحیح می‌باشد، شیهه‌ای در آن نیست و در کتب معتبر علمای نیز ذکر شده است.

ماهیت زیارت عاشورا چیست؟

ضمن بیان ظلم‌هایی که بر اهل بیت علیها السلام گذشته، ابراز لعن و نفرین بر ظالمین آنها است و از طرفی ارسال سلام و تجدید پیمان با خاندان اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، بر خواندن این زیارت مداومت کنید که آثار عجیبی دارد.

زیارت عاشورا را چگونه باید خواند؟

به همان صورتی که در مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله ذکر شده است.

چرا زیارت عاشورا در مجتمع حدیثی شیعی ذکر نشده است؟

مجامع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه‌ی کلیه‌ی افراد، حتی عame بوده است و مبنای محدثان، بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقدیم سازگاری ندارد (با توجه به اینکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده) از این رو مشاهده می‌شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه که فقط مورد مراجعه شیعه بوده اکتفا نموده‌اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه‌ی شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلًا نبوده و بعداً پدیدار گشته است؛ بلکه دستگاه ظلم بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله با تکیه بر اریکه‌ی قدرت، قرن‌ها نگذشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کنند و کتابخانه‌های شیعی بارها به واسطه‌ی مخالفین مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شد. به همین جهت علمای بزرگ با تلاش بی وقfe و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقدیم را پیشه‌ی کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند، که اولین آنها ۴۰۰ اثری بود که به اصول اربعائی معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه علیهم السلام تدوین شد و حاوی کلمات ائمه علیهم السلام در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته‌اند، و آنچه که امروزه از اصول اربعائی باقی مانده است بیش از ۱۶ اصل نمی‌باشد، که مرحوم محدث نوری رحمة الله در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل ذکر نموده‌اند. سپس با

ص: ۴۶۴

تلاش بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب؛ یعنی الکافی، تهذیب، استبصار، من لا يحضره الفقيه منبع مراجعه‌ی علمای بزرگ می‌باشد.

از زمان غصب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا صلی الله علیه و آله، هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهراء علیها السلام، خانه نشین کردن امام شیعیان، علی بن ابی طالب علیه السلام و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت علیهم السلام به واسطه‌ی مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ‌تر کردند. در شام که دورترین نقطه‌ی خلافت اسلامی بود بنی امية لعنة الله علیهم ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه‌ی زهراء علیها السلام و علی بن ابی طالب علیه السلام، وصی برحق رسول اکرم صلی الله علیه و آله هر آنچه که توانستند بر سر اسلام آورند. به طوری که دو ریحانه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را با بدترین آزارها به شهادت رسانند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

ذلت و خواری شیعه، بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن علیه السلام و در زمان معاویه اتفاق افتاد. در هر شهری شیعیان ما را می‌کشند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می‌کردند. هر کسی به ما اظهار محبت می‌نمود، به زندان می‌رفت.

اموالش را غارت، و خانه‌اش را خراب می‌کردند و این بلا و مصیبت

ص: ۴۶۵

ادامه داشت، تا آنکه زمان ابن زیاد و قاتل امام حسین علیه السلام فرا رسید».^{۳۲۵}

پس از بنی امیه، بنی عباس لعنة الله عليهم با شعار دروغین و با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند بر سر شیعیان آوردند؛ زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه اطهار علیهم السلام را با بهانه‌های پوچ و بی اساس مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند. این روش خصمانه در قرون متتمادی ادامه داشت و حکام چور هرچه از آثار شیعی به دستشان می‌رسید، از بین می‌بردند. ولیکن این مذهب با فدایکاری علمای بزرگ و حامیان دین، توانست پا بر جا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علمای طائفه سعی کردۀ‌اند طوری حرکت کنند که بهانه‌ای به دست مخالفین ندهند و عدم ذکر زیارتی مانند زیارت عاشورا، که با تقیه سازگاری ندارد از همین رو است، به همین دلیل زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده‌اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه‌ای که به کتب مزار علماء معروف است، ذکر شده است.

ص: ۴۶۶

زیارت عاشورا در کدام کتب آمده است؟

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می‌باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. کامل الزيارات، ابن قولویه قمی رحمه الله، قرن چهارم.
۲. مصباح المتهجد، شیخ طوسی رحمه الله، قرن پنجم.
۳. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله، قرن ششم.
۴. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم.
۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس رحمه الله، قرن هفتم.
۶. منهاج الصلاح، علامه حلی رحمه الله، قرن هشتم.
۷. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی رحمه الله، قرن هشتم.
۸. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعی رحمه الله، قرن دهم.
۹. بحار الانوار و تحفة الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی رحمه الله، قرن یازدهم و

ص: ۴۶۷

چرا زیاراتی مانند زیارت عاشورا نیاز به بررسی سندی ندارند؟

(۱) - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۵

زیارتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توسیل، کسae، ناحیه مقدسه و ...) احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در روایات صحیح وجود دارد و علمای بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم‌هایی که بر خاندان اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، لعن بر ظالمین اهل بیت علیهم السلام و سیدالشہدا علیه السلام و احیای واقعه‌ی طف است و باید بر آن محافظت کرد؛ زیرا زنده نگاه داشتن واقعه‌ی کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب برحق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت علیهم السلام به خصوص هجوم به خانه‌ی وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و دخت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و سیدالشہدا، امام حسین علیه السلام (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همان‌گونه که بسیاری از افراد به واسطه‌ی آگاهی بر این ظلم‌ها، حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت علیهم السلام بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده‌اند.

همان‌گونه که شهادت بر مولای ما امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام (شهادت ثالثه) در اذان، شعار شیعه شده و ترک آن جایز نمی‌باشد و کوتاهی در مثل این موارد، گناهی نابخشودنی به دنبال دارد^{۳۲۶}؛ زیرا که

ص: ۴۶۸

شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت علیهم السلام است.

در فرازی از زیارت عاشورا می‌خوانیم: «

و لعن اللّه بنی امية قاطبة

؛ و خدا همه‌ی افراد بنی امیه را لعنت کند»، سؤال این است که بعضی از بنی امیه شیعه بودند و بعضی مانند معاویه بن یزید (معروف به معاویه صغیر) خود را از خلافت خلع کرده و اظهار پیشیمانی می‌نمود و بعضی مانند عمر بن عبدالعزیز (هشتادمین خلیفه‌ی اموی) نسبت به آل محمد صلی الله علیه و آله محبت فراوانی کرد و بخشی از حق آنها را ادا نمود و ... پس چرا همه‌ی بنی امیه مورد لعن قرار گرفته‌اند؟

بسمه تعالی: مراد از بنی امیه در زیارت شریفه‌ی عاشورا کسانی هستند که در غصب خلافت و ظلم به اهل بیت علیهم السلام به هر شکلی نقش داشتند.

والله العالم.

زیارت عاشورا دارای صد لعن و سلام است ولیکن گاهی انسان نمی‌تواند صد بار ذکر کند، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی: می‌توان به یک بار اکتفا کند و افضل آن است که صد مرتبه ذکر نماید و در هر حال اختصار لعن در زیارت عاشورا به یک بار جایز است،

والله الموفق.

۱) کلیه‌ی فرازها از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبه و مجموعه‌ی استفتانات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی قدس سره اخذ شده است.

چرا در ذکر سجده‌ی زیارت عاشورا گفته می‌شود: «اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم، الحمد لله على عظيم رذئتي؛ پروردگار بر تو سپاس باد، همچون سپاسِ کسانی که برای مصائب شهیدان کربلا به سپاس و شکر تو پرداخته‌اند؟»

بسمه تعالی: قضیه‌ی سیدالشہدا علیه السلام موجب نجات بشر و حفظ مذهب برحق تشیع است و از جهتی موجب تتبه و بیداری بسیاری از افراد، به خصوص جوانان است که بتوانند به واسطه‌ی این واقعه‌ی عظیم راه حق را تشخیص دهند و این واقعه موجب سازندگی و نجات است و چه بسیار افرادی که به واسطه‌ی تأمل در قضایای سیدالشہدا علیه السلام طریق صحیح را تشخیص داده و نجات یافتنند.

آیا در زیارت عاشورا هنگام سجده‌ی آخر دعا «اللهم لك الحمد حمد الشاكرين ...» باید رو به کعبه سجده کند؟

بسمه تعالی: سجده برای خداست و به هر طرف باشد مانع ندارد، ولیکن به طرف قبله باشد اولی است.

اهمیت دادن مرحوم میرزا قدس سره به زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره گاهی در روزهای زیارتی امام حسین علیه السلام به پشت بام می‌رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می‌خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین علیه السلام عرض ادب می‌کردند. ایشان همواره مدافعان زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می‌کردند و حتی برای رد شیهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شبهات تدوین کردند و می‌فرمودند: بسیاری از علماء به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نائل شدند، و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امية و بنی العباس است و روشنگر ظلم‌هایی است که بر خاندان نبوت علیهم السلام گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا قدس سره ضمن دفاع از این زیارت، در استفتایات مختلف می‌فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می‌کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دورند و طعم شیرین عبادت را نچشیده‌اند؛ دستگاه سیدالشہدا - امام حسین علیه السلام - سفینه‌ی نجات است. متولین و عزاداران واقعی سیدالشہدا در آخرت در بهترین مکان‌ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالى، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید علیه السلام محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا قدس سره که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روشه خوان ابا عبدالله الحسین علیه السلام بودم»، همیشه در ذهن‌ها زنده است که این پیرمرد

ص: ۴۷۱

ولا چگونه به این خاندان عشق می‌ورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولايت بود.

ص: ۴۷۲

زيارت عاشورا داراي سند صحيح بوده

و شبهه‌ای در آن نیست،

میرزا تبریزی قدس سره و زيارت عاشورا

روزی در محضر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره چنین مطرح شد که یک شیخ منحرف در احساء، تشکیکاتی در خصوص زيارت عاشورا موجود مطرح کرده و به طور کلی اين شیخ کذابی حرف های امروزی دارد و به نظرش آمده که به مسائلی رسیده که کسی تا کنون به آن نرسیده است. فقیه مقدس، میرزا تبریزی قدس سره فرمودند:

«زيارت عاشورا از نظر سند، صحيح می‌باشد و هیچ گونه تحریفی در آن صورت نگرفته و اگر کسی می‌گوید که تحریف شده، باید دلیل اقامه کند، که از اقامه‌ی دلیل عاجز است و فقط انکار می‌کند تا مشهور شود.

(خالف تعریف) نباید به حرف چنین اشخاصی گوش داد، نسخه‌ی مصباح المتهجد موجود است و در آن زيارت عاشورا به شکل معروف موجود می‌باشد. نسخه‌ای که من مشاهده کردم به زمان شیخ طوسی قدس سره بر می‌گردد، اصلًا این گونه زيارات به سند احتیاج ندارند؛ بلکه زيارت عاشورا مجبوب است، هرچند که بعضی به همین شکل معروف نقل کرده‌اند، مانند محمد بن المشهدی قدس سره در المزار، ابن طاووس قدس سره در مصباح و شهید اول قدس سره در کتاب مزار و... و چه بسیار افرادی که از برکت زيارت عاشورا به حوانج خود رسیدند و چه بسیار علمایی که آن را تجربه کردند و به درجه‌ی معنوی نائل شدند.

اصلًا این گونه زياراتی که مجبوب هستند و آثار آن بر همه ظاهر شده

ص: ۴۷۳

است، احتیاج به سند ندارند و با همه‌ی این احوال، زيارت عاشورا به همین شکل موجود، محکم است و جای تردیدی در آن نیست.

بخوانید و مرا دعا کنید که به دعای خیر شما احتیاج دارم. خداوند آنان را که در جهت دفاع از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام تلاش می‌کنند، موفق گرداز،

ان شاء الله تعالى.

ص: ۴۷۴

زیارت عاشورا همراه با لعن، ثابت است

و شبهای در آن نیست

میرزا جواد تبریزی قدس سره و لعن در زیارت عاشورا

در سال های پایانی عمر شریف فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره بعضی از افراد مدعی، ولیکن بی‌سواد و منحرف، در خصوص زیارت عاشورا شباهتی در جامعه به راه انداختنده که مرحوم میرزا قدس سره با قاطعیت مقابل آنان ایستاد و با نوشتن استفتائات متفاوت، ضمن رد شباهات، جواب محکمی به مشککین دادند.

ایشان می‌فرمودند: «اینان که شبیه به راه می‌اندازند، چون لذت عبادت و مناجات را نچشیده‌اند و توانایی درک فوايد توسل، از جمله زیارت عاشورا را ندارند، دست به القا می‌زنند. علمای بزرگ به واسطه‌ی توسل به این زیارت شریف، به درجات عالی نائل شدند».

مرحوم میرزا قدس سره می‌فرماید: «زیارت عاشورا همراه با لعن، به شکلی که در کتاب مفاتیح الجنان آمده، ثابت است. آنان که به خواندن زیارت عاشورا استمرار دارند، اثر خواندن این دعا را دیده و می‌بینند.

برخواندن آن مداومت کنید و به حرف منحرفین جاهم گوش ندهید که آنان از رحمت خداوندی به دور هستند. زیارت عاشورا، یادآور مصائبی است که بر اهل بیت علیهم السلام گذشته و هرکس به واسطه‌ی این زیارت به اهل بیت علیهم السلام توسل کند، مأجور است و ان شاء الله گره کارهاش باز خواهد شد و در این دنیا اثر خواندن این دعا را خواهد دید، این دعای شریف م Jury است و مؤمنین و مخلصین درگاه ولايت

ص: ۴۷۵

بر آن مداومت کنند. ممکن است بعضی افراد در دعاها دیگر شبیه به راه انداخته و با برداشت ناقص خود، که ناشی از بی‌سوادی آنهاست حرف‌هایی بزنند، اما بدانید که ادعیه‌ی مشهور از جمله زیارت جامعه، و دعای توسل، و حدیث کسائے و ... م Jury هستند و وسیله‌ای برای ارتباط با پروردگار به شمار می‌روند. بر آنها مداومت کنید که اثر آن را در همین دنیا خواهید دید.

ان شاء الله تعالى

«.

ص: ۴۷۶

خواندن زیارت عاشورا در جوار بارگاه ملکوتی

سیدالشہدا، امام حسین علیہ السلام،

میرزا جواد تبریزی قدس سرہ و خواندن زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سرہ می فرمودند: هر هفته عده‌ای از طلاب حوزه‌ی نجف اشرف شب‌های جمعه برای زیارت سالار شهیدان از نجف به کربلا می‌رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می‌کردم و موفق می‌شدم که در کنار قبر مطهر و رویه روی ضریح آن امام مظلوم علیه السلام زیارت عاشورا بخوانم و به واسطه‌ی این توسل، از سیدالشہدا، امام حسین علیہ السلام مدد می‌جستیم. در این جهت مولا علیه السلام عنایت فراوانی به من کرد و بسیاری از مشکلاتم به واسطه‌ی این توسل حل می‌شد. زیارت عاشورا مجب‌است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه‌ی توسلات بوده، که از جمله‌ی آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید و به حرف افراد منحرف که لذت عبادت، توسل و دعا را نچشیده‌اند و فقط کارشان شبھه‌افکنی است، توجه نکنید. خداوند به واسطه‌ی این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد،

ان شاء الله تعالى.

ص: ۴۷۷

زیارت عاشورا پلی به سوی استجابت دعا

نماز پشت سر کسانی که زیارت عاشورا

را منکر می‌شوند، جایز نیست

یک روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده‌ای متأسفانه بعضی معمم، شروع به سپاشه در بین متذمین می‌کنند و می‌گویند، فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی‌باشد؛ از جمله عده‌ای در خصوص زیارات و ادعیه می‌گویند، ما برای آن سند نیافتیم و زیارت عاشورا به شکل موجود در مقاییح الجنان، تحریف شده است. از مرحوم میرزا قدس سره سوال شد: آیا می‌شود پشت سر این گونه اشخاص نماز خواند؟ اتفاقاً آن روز بحث در مورد کسی بود که در زیارت عاشورا تشکیک کرده است.

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی قدس سره ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی‌دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقبیه زندگی کرده‌ایم و شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده‌اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آنها در روایات موجود می‌باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید پی می‌برید که آنها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند. زیارت عاشورای مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن تزویر گفته نمی‌شود. نسخه‌ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی قدس سره برمی‌گردد و

ص: ۴۷۸

شامل تمام فقرات زیارت می‌باشد را مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجبوب بودن زیارت در اثبات آن کافی می‌باشد، به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه‌دلان از معنویت و لذت نبردن از عبادت است. زیارت عاشورا، پلی است به سوی استجابت دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعدای اهل بیت علیهم السلام، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارک را قرائت نمایند و به واسطه‌ی توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ إنْ شاءَ اللَّهُ تَعَالَى. ۳۲۷

ص: ۴۷۹